

بخشی از
دفاع عما
من

جلد سوم



شکایات و دفاعات متفرقه
دکتر محمد علی طاهری



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بخشی از

دفاعها
من

جلد سوم

شکایات و دفاعیات متفرقه
دکتر محمد علی طاهری

گردآوری شده توسط جمعی از
دانش‌پژوهان عرفان حلقه

نام کتاب: بخشی از دفاعیات من (جلد سوم) شکایات و دفاعیات متفرقه دکتر محمد علی طاهری
ناشر: انتشارات عرفان کیهانی (حلقه)
تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۷

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

All rights reserved. No part of this publication, may be reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, recording, or by any information storage and retrieval system, without the prior permission of the copyright holder.

Copyright © MOHAMMADALI TAHERI

Published by Interuniversal Press

All Rights Reserved.

ISBN-13: 978-1-939507-06-8

فهرست

- ۹..... دیپاچه همراه با تلخیصی از حکم شعبه ۲۶ سال ۱۳۹۶.....
- ۱۱..... بخش اول: شکایات مطروحه در دادرسی کارکنان دولت سال ۱۳۹۵.....
- ۱۳..... شکایت به شعبه چهارم دادرسی فرهنگ و رسانه.....
- ۲۷..... قرار نهایی شعبه چهارم دادرسی فرهنگ و رسانه ۱۳۹۵/۸/۱۰.....
- ۲۹..... خلاصه لایحه تکمیلی اعتراض به قرار منع تعقیب دادرسی فرهنگ و رسانه ۱۳۹۵/۸/۱۰.....
- ۳۳..... لایحه تکمیلی اعتراض به قرار منع تعقیب دادرسی فرهنگ و رسانه ۱۳۹۵/۸/۱۰.....
- ۵۳..... دادنامه شعبه ۱۰۵۷ کیفری دو ۱۳۹۶/۱/۲۰.....
- ۵۵..... بخش دوم: مکاتبات و شکایات به مقامات.....
- ۵۷..... نامه به حضرت آیت الله مکارم شیرازی ۱۳۹۵/۹/۱۳.....
- ۵۹..... شکایت به حفاظت اطلاعات قوه قضاییه ۱۳۹۶/۴/۳.....
- ۶۳..... شکایت به دادیار ناظر زندان اوین ۱۳۹۶/۴/۱۱.....
- ۶۵..... بخش سوم: آرای دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۶.....
- ۶۷..... دفاعیه به شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور.....
- ۶۹..... رأی شبه ۳۳ دیوان عالی کشور.....
- ۷۱..... لایحه فرجام‌خواهی نسبت به دادنامه شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب ۱۳۹۶/۶/۲۰.....
- ۹۳..... بخش چهارم: شکایت به مسئولان عالی رتبه قضایی:.....
- ۹۵..... شکایت به دادستان کل کشور ۱۳۹۶/۷/۱.....
- ۱۰۱..... شکایت به دادستان استان تهران ۱۳۹۶/۷/۱.....
- ۱۱۱..... قرار نهایی منع تعقیب دادرسی کارکنان دولت ۱۳۹۷/۷/۷.....

۱۱۵	شکایت به دادگاه انتظامی قضات ۱۳۹۶/۷/۱۵
۱۱۹	نامه اعتراض به عزل وکلا ۱۳۹۶/۹/۸
۱۲۳	شکایت به دادیارناظر اوین ۱۳۹۶/۹/۲۹
۱۲۷	نامه به سردار نجات ۱۳۹۶/۱۰/۲۷
۱۳۳	شکایت به دادیار ناظر زندان اوین ۱۳۹۶/۱۱/۸
۱۳۷	شکایت به دادگاه عالی انتظامی قضات ۱۳۹۶/۱۲/۱
۱۴۷	شکایت به دادسرای انتظامی قضات ۱۳۹۶/۱۲/۲۰
۱۵۳	شکایت به دادیار ناظر زندان اوین ۱۳۹۶/۱۲/۲۲
۱۵۷	شکایت به دادگاه عالی انتظامی قضات ۱۳۹۶/۱۲/۲۲
۱۶۱	شکایت از قاضی صلواتی ۱۳۹۷/۱/۱۵
۱۶۵	شکایت به حفاظت اطلاعات قوه قضاییه ۱۳۹۷/۱/۱۵
۱۷۱	شکایت به حفاظت اطلاعات قوه قضاییه ۱۳۹۷/۱/۲۹
۱۷۵	شکایت به دادیار ناظر زندان تهران بزرگ ۱۳۹۷/۴/۱۲
۱۷۷	شکایت جعل سند برای انتقال به زندان فشافویه ۱۳۹۷/۴/۱۵
۱۸۳	شکایت در شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت ۱۳۹۷/۲/۱۵
۱۹۵	شکایت به دادگاه ویژه روحانیت ۱۳۹۷/۵/۱۰
۱۹۷	شکایت به دادگاه کارکنان دولت ۱۳۹۷/۵/۱۰
۱۹۹	شکایت به دادسرای انتظامی نیروهای مسلح ۱۳۹۷/۵/۱۰
۲۰۱	شکایت به مستشار دادگاه تجدید نظر ۱۳۹۷/۵/۲۷
۲۰۳	شکایت به دادگاه کارکنان دولت ۱۳۹۷/۵/۲۷
۲۰۷	شکایت در شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت ۱۳۹۷/۶/۱۵
۲۱۱	اعتراض به قرار منع تعقیب ۱۳۹۷/۶/۱۵
۲۲۹	رای قطعی دادگاه ۱۰۶۰ کیفری ۲تهران ۱۳۹۷/۸/۶
۲۳۱	بخش ششم: اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور

۲۳۳	درخواست اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور ۱۳۹۷/۵/۲۵
۲۳۹	درخواست اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور ۱۳۹۷/۷/۱
۲۴۳	لایحه تکمیلی اعاده دادرسی به شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور ۱۳۹۷/۷/۳۰
۲۴۵	آخرین رأی دیوان عالی کشور ۱۳۹۷/۸/۱۵
۲۴۷	بخش هفتم: درخواست‌های منتهی به خاتمه محکومیت و رأی آزادی
۲۴۹	درخواست سلب تابعیت به رییس جمهوری ۱۳۹۷/۱۰/۲۳
۲۵۷	شکایت به ریاست محاکم تجدید نظر استان تهران ۱۳۹۷/۱۱/۱
۲۵۹	قرار منع تعقیب صادره از شعبه سوم دادسرای امنیت ۱۳۹۷/۱۱/۶
۲۶۱	اعتراض به تأخیر اجرای عفو گسترده ۱۳۹۷/۱۲/۱۴
۲۶۳	تقاضاهای تسریع آزادی به جهت شمول عفو عمومی ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

دیباچه

انگیزه گردآوری و چاپ مطالب کتاب «دفاعیات من»، ثبت در تاریخچه مکتب خدامحور- خدامحور عرفان حلقه (بنیان‌گذاری شده توسط استاد محمدعلی طاهری) می‌باشد تا این نسل و آیندگان، نمونه کاملی از ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها و اقدامات فراقانونی که علیه اندیشمند و نخبه قرن حاضر در دادگاه‌های تفتیش عقاید قرون وسطایی این زمان! در حال انجام بوده را در اختیار داشته باشند و با بررسی اندیشه کل‌نگر عرفان حلقه و برخوردهای نابهنجار سیستم قضایی، پی به این مهم برند که برای حفظ این امانت الهی چه راه پر فراز و نشیبی طی شده است ...

گزارش مبسوط از روند دادگاه‌های تفتیش عقاید قرون وسطایی قرن حاضر، علی‌الخصوص تقدیم حقوق دانان این مرزو بوم می‌شود، تا ایشان ضمن توجه به نقایص موجود در قانون، موارد سوء استفاده از قانون، مصونیت‌های قضایی عده‌ای خاص، موارد نقض قوانین و ... اقدامات مقتضی جهت جلوگیری از ادامه ظلم آشکار عده‌ای قلیل بر صاحبان اندیشه (که قدمتی به طول تاریخ دارد) مبذول دارند.

لازم است این دیباچه را با تلخیصی از حکم شعبه ۲۶ سال ۱۳۹۶ به پایان ببریم.

جمعی از دانش‌پژوهان عرفان حلقه

حسب کيفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۳ تهران، آقای محمدعلی طاهری متهم است به افساد فی الارض از طریق تأسیس فرقه‌ی انحرافی تحت عنوان شبکه شعور کیهانی (عرفان حلقه) و منحرف نمودن افکار و عقاید ده‌ها هزار نفر از شهروندان مسلمان در شهرهای مختلف.

شایان ذکر است مشروح انحرافات محمد علی طاهری در کتب و جزوات و فایل‌های صوتی و تصویری به صورت مستدل و مستند توسط ضابطین جمع‌آوری و جمع‌بندی شده و در پرونده موجود است.

التهایه از مجموعه روایات و احادیث و قرآن و نظریات فقه‌های حاضر و مراجع عظام تقلید، تحریف عقاید مردم در سطح گسترده و وسیع از مصادیق جرم افساد فی الارض می‌باشد و به این موضوع در ماده ۲۸۶ ق.م.ا سال ۱۳۹۲ تصریح شده است. لذا نظر به گزارش جامع و کامل و ضبط و مستندات ابرازی و صور تجلسه کشف انواع جزوات انحرافی و سی‌دی‌های تبلیغاتی و کتب ضالّه و فعالیت گسترده‌ی متهم در ترویج تفکرات انحرافی در سطح جامعه با ادعای واهی از قبیل درمانگری، اتصال به شبکه مثبت یا روح القدس و دامنه‌ی انحرافات و ملاحظه فیلم‌های تدریس آموزه‌های انحرافی و گستردگی فعالیت زیرمجموعه‌ها در سراسر کشور و تربیت مربی و مستر و صدور کارت‌های مربی‌گری به آنان و گردش کار مبسوط در دادنامه مورد نقض، مرتفع شدن ایرادات شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور، تشکیل جلسات دادگاه با حضور متهم و وکلای مدافع و وصول لوائح از سوی متهم و وکلای مدافع، بخش مستندات و فیلم با حضور کارشناسان در جلسه دادگاه و اعطای مهلت چهار ماهه برای تدارک دفاع و ملاحظه‌ی مفاد لایحه و سایر مستندات از قبیل کتب و جزوات و مجلات و سی‌دی‌هایی که پیوست پرونده گردیده است، اعضای دادگاه، مجموع عملکرد متهم را از فرقه‌ی انحرافی شعور کیهانی، افساد تشخیص و مستنداً به ماده ۲۸۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ وی را به عنوان مفسد فی الارض به اعدام محکوم می‌نماید.

بخش اول: شکایات مطروحه در دادسرای کارکنان دولت سال ۱۳۹۵

شکایت به شعبه چهارم دادسرای فرهنگ و رسانه

به نام خدا

شکواییه

شاکي: محمد علی طاهري فرزند محمدآقا با وکالت سيد محمد زمان درياباري به موجب وکالتنامه و تصوير مصدق وکالتنامه تنظيمي دفترخانه تهران

مشتکي عننه: صغري (فاطمه) ميرزايبان قهرود متولد ۱۳۵۰، فرزند موسي، کد ملي ۰۰۵۴۹۷۳۰۴۱ به نشانی: شهرک غرب، خيابان ايران زمين، روبه‌روي کوچه دوم، خانه جهاني وکلا ۰۹۱۲۶۲۳۲۱۴۳ و ۰۹۳۸۳۲۵۲۴۵۸

اتهام: توهين، افتراء، نشر اکاذيب محل وقوع جرم: تهران

دلايل و مدارک: ۱- تصوير مقاله «آزادي و اختلاط جنسي راهبرد عرفان حلقه براي عضوگيري» به روز شده ۱۰:۲۳ چهارشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۴ به نشانی اينترنتي:

<http://www.ferghenews.com/index.Php/page=viewnews&id=7095>

پايگاه اطلاع رسانی فرقه نيوز به نقل از خبرگزاری رسا

۲- تصوير مقاله منتشره در پايگاه اطلاع رسانی فرقه نيوز با عنوان «تفسير به رأی آیات قرآن توسط سرکرده عرفان حلقه» به تاريخ چهارشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۹۴ به نشانی اينترنتي:

<http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=7101fi>

۳- تصوير مقاله منتشره در پايگاه اطلاع رسانی فرقه نيوز با عنوان «آسيب شناسی عرفان حلقه» به روز شده در ساعت ۱۳:۴۷ مورخ سه شنبه ۲۴ شهريور ۱۳۹۴ در پايگاه اطلاع رسانی فرقه نيوز به نشانی:

<http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=5826>

۴- تصویر مقاله «حقیقت شعور کیهانی در عرفان حلقه / بخش اول» مورخ ۲۲ / ۰۶ / ۱۳۹۴ ساعت ۲۸:۱۷ به نشانی اینترنتی:

<http://www.ferghenews.com/index.Php/page=viewnews&id=5802>

۵- وکالتنامه ملصق به تمبر مالیاتی

ریاست محترم دادسرای فرهنگ و رسانه

با سلام و احترام، این‌جانب سید محمد زمان دریاباری به موجب وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی و وکالتنامه به وکالت از موکلم، آقای محمد علی طاهری، ضمن اعلام شکایت از سرکار خانم صغری (فاطمه) قهرود میرزاییان، دلایل و مستندات انتساب اتهام‌های اعلامی به متهمه را به شرح زیر اعلام می‌کنم.

در ابتدا، لازم می‌دانم تا مختصری از سوابق موکل را جهت شناسایی ایشان و در راستای اشاره به فعالیت‌های وی اعلام کنم.

آقای محمدعلی طاهری بنیان‌گذار مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) است که با اخذ مجوز رسمی از وزارت ارشاد، شورای عالی مساجد و سازمان جوانان ریاست جمهوری، وزارت کشور (اداره کل سازمان‌های مردم نهاد و مشارکتهای مردمی) و ثبت در اداره ثبت شرکتها و مؤسسات تجاری اقدام به تأسیس مؤسسه مذکور و برگزاری کلاس‌های علنی آموزشی در حوزه عرفان نظری و عملی و تربیت شاگردان متعدد که اکثراً در زمره پزشکان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و پژوهشگران حوزه دین و عرفان بوده‌اند، نموده است. متقاضیان این کلاس‌ها با آزادی اراده و با پرکردن فرم تقاضا نامه، دادن عکس و فتوکپی کارت ملی و پرداخت شهریه در کلاس‌ها حضور داشته‌اند.

عمده این کلاس‌ها با همکاری دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه طب سنتی ارمنستان و انستیتوی اکوانرژی جمهوری آذربایجان در داخل و خارج کشور برگزار شد.

از سال ۸۸ اکثریت مربیان مجموعه تحت نظارت مؤسسه خیریه یاس پنهان قرار داشتند که مدیر عامل آن سردار جورکش (از فرماندهان ارشد وقت نیروی انتظامی) و دیگر عضو هیأت مدیره آن سردار علیپور (رئیس پلیس امنیت وقت نیروی انتظامی) بود.

بر اساس ماده ۱۸ اساسنامه خیریه مذکور، مجوز برگزاری کلاس از طرف مؤسسه خیریه یاس پنهان به مربیان اعطا شده است و تا کنون نیز لغو نشده است.

ایشان هم‌چنین کتاب‌هایی با مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مقالات متعددی (در جراید کثیرالانتشار) در حوزه عرفان کیهانی تألیف و منتشر کرده است. در این خصوص جلسات نقد و بررسی و مناظره در دانشگاه شهید بهشتی با حضور حجت الاسلام عابدینی از حوزه علمیه قم با نظارت دفتر نمایندگی ولی فقیه در این دانشگاه نیز برگزار شده است.

متأسفانه در چند ماهه گذشته، هجمه‌های فراوانی از سوی سرکار خانم فاطمه (صغری) میرزاییان قهرود به موکل این‌جانب وارد شده است که غالباً از طریق مقالاتی بوده که ایشان نوشته‌اند و در اختیار سایت فرقه نیوز قرار داده‌اند و در نتیجه در ابعاد وسیع منتشر شده است.

عمده اتهاماتی را که مشتکی‌عنه‌های محترمه به موکل وارد کرده‌اند، عبارتند از افتراء، نشر اکاذیب و توهین که در این شکواییه به تفصیل توضیح می‌دهم.

۱- اتهام افتراء:

ریاست محترم دادسرا همان‌گونه که مستحضرنند، افتراء در دین اسلام، امری ناپسند است. خداوند متعال در کتاب آسمانی قرآن آیه ۵۸ سوره احزاب، می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمنه را به‌غیر چیزی که مرتکب شده‌اند آزار کنند، بهتان و گناه آشکاری را بر دوش کشیده‌اند. هم‌چنین در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها، در حق همدیگر اجتناب کنید، که برخی از گمان‌ها گناه است. در جلد چهارم اصول کافی صفحه ۶۶ باب التُّهْمَة نیز از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ إِخَاهُ أُنْمَاثَ الْإِيمَانِ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمِلْحَ فِي الْمَاءِ» هرگاه مؤمن به برادر خود تهمت زند، ایمان در دل او همانند نمک در آب ذوب شده و از بین می‌رود.

با وجود این توصیه‌های شرعی و توجهاً به مقررات موضوعه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، سرکار خانم فاطمه میرزاییان، طی مقاله منتشره با عنوان «آزادی و اختلاط جنسی راهبرد عرفان حلقه برای عضوگیری» به روز شده به تاریخ ۱۰:۲۳ - ۱۳۹۴ چهارشنبه ۱۹ اسفند به نشانی اینترنتی:

<http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=7095>

در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز و به نقل از خبرگزاری رسا ارتکاب جرایم زیر را به موکل، به عنوان پایه‌گذار عرفان کیهانی (حلقه)، با در نظر نگرفتن حکم قرآن مجید که می‌فرماید: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ» متناسب کرده است.

۱-۱- انتساب جرم آزادی و اختلاط جنسی: وی در مقاله صدر الذکر اعلام داشته است: «آزادی و اختلاط جنسی یکی از مهم‌ترین راهبردهای این فرقه نوظهور برای عضوگیری از میان جوانان و زنان است.»

۱-۲- انتساب جرم جعل و سوء استفاده از سند مجعول: خانم میرزاییان در ادامه مقاله فوق الذکر، اعلام کرده‌اند: «نام این روش را سایمنتولوژی گذاشتند و ادعا کردند که جوایز و مدارک بین‌المللی به این روش تعلق گرفته است در صورتی که با تحقیق و بررسی معلوم شد تمام مدارک جعلی و خریداری شده است.»

۱-۳- جمع بندی: عالی‌جناب محترم مستحضرنند که به موجب نظریه ۷/۸۵۲۴ - ۱۳۸۲/۱۱/۷ - ا.ح. ق: «اگر به وسیله اینترنت یا مشابه آن هم جرمی به کسی نسبت داده شود و نسبت‌دهنده نتواند صحت آن انتساب و اسناد را ثابت نماید مورد مشمول ماده ۶۹۷ق.م.ا. خواهد بود.» هم‌چنین نظریه ۷/۵۹۹۹ - ۱۳۶۷/۹/۹ - ا.ح. ق: «انتشار مطلب مشتمل بر افترا و الفاظ رکیک و توهین‌آمیز نسبت به افراد وسیله مطبوعات جرم و قابل مجازات است.»

۲- نشر اکاذیب:

عالی‌جناب محترم مستحضرنند که انتشار و اشاعه با سوء نیت اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی، نشر اکاذیب به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، مقصود از اشاعه اکاذیب آن است که مرتکب مطالب و کارهایی را که می‌داند حقیقت ندارد، عملاً و عامداً علیه شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی شایع و اظهار کند و بدون این که اعمال معینی را به افراد معینی نسبت دهد، اخبار یا مطالب بی‌اساس و دروغ را بیان کند.

حرمت شرعی بهتان و کذب و به طریق اولی اشاعه و نشر مطالب کذب از مسلمات فقه بوده و روایات متواتری بر آن دلالت دارد. در فقیهان برجسته‌ای مانند محمد حسن حر عاملی در کتاب سترگ وسایل الشیعه باب تحریم الکذب فی الصغیر و الکبیر باب تحریم تهمه المومن باب تحریم البهتان علی المومن و المومنه از روایات مربوط به حرمت ایدای مومن و حرمت استخفاف مومن و اذلال مومن یاد کرده‌اند که جملگی دلالت بر حرمت نشر اکاذیب دارند.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، آیت الله العظمی امام خمینی قدس الله نفسه زکیه در مکتوب عارفانه‌اش به یادگار برومندان حاج سید احمد خمینی قدس سره که به نام نقطه عطف انتشار یافته است فرموده‌اند: پسرم!

گاهی می‌بینم از تهمت‌های ناروا و شایعه پراکنی‌های دروغین اظهار ناراحتی و نگرانی می‌کنی. اولاً باید بگویم تا زنده هستی و حرکت می‌کنی و تو رامنشاء تأثیری بداند، انتقاد و تهمت و شایعه‌سازی علیه تو، اجتناب ناپذیر است. عقده‌ها زیاد و توقعات، روزافزون و حسادت‌ها، فراوان است. آن کس که فعالیت دارد گرچه صد در صد برای خدا باشد از گزند بدخواهان نمی‌تواند به دور باشد. من خود یک عالم بزرگوار متقی را که تا به ریاست جزئی نرسیده بود برای او جز خیر به حسب نوع نمی‌گفتند و تقریباً مورد تسالم اهل علم و دیگران بود به مجرد آن که توجه نفوس به او جلب شد و شاخصیتی دنیاوی، ولو ناچیز، نسبت به مقامش پیدا کرد، مورد تهمت و اذیت شد و حسادت‌ها و عقده‌ها به جوش آمد و تا در قید حیات بود این مسایل نیز بود آن چه می‌بینی همه ما و مثل ما بدان مبتلاست و آن چه باعث خوف من و تو از شایعه‌ها و دروغ پراکنی‌ها است و خوف از مرگ و رهایی از طبیعت و افکندن خرقه نیز از این قبیل است که باید از آن اتقاء نمود دوستانی هستند که با دوستی خود به ما دشمنی می‌کنند و آنان که می‌پندارند با عیب‌گویی و فحاشی و شایعه‌سازی به ما دشمنی می‌کنند دشمنانی هستند که با عمل خود، ما را اگر لایق باشیم اصلاح می‌کنند و در صورت دشمنی به ما دوستی می‌نمایند.

متأسفانه سرکار خانم صغری (فاطمه) میرزاییان در این خصوص نیز ضمن عدول از فرمایشات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و نیز آیات شریفه قرآن کریم که مؤمنین را از نشر اکاذیب به شرح فوق بر حذر می‌دارد، اقدام به انتشار مطالبی دروغین علیه موکل و اندیشه‌هایش که با نام عرفان کیهانی (حلقه) منتشر شده است کرده‌اند که به نمونه‌هایی از این اکاذیب به شرح زیر اشاره می‌شود.

۱-۲- سرکار خانم فاطمه میرزاییان، طی مقاله منتشره در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز با عنوان «تفسیر به رأی آیات قرآن توسط سرکرده عرفان حلقه» به تاریخ چهارشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۹۴ به نشانی اینترنتی: <http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=7101fi> مواردی را به دروغ به موکل و اندیشه‌های ایشان نسبت داده‌اند که مصداق نشر اکاذیب و شایعه پراکنی است. این موارد که از میان مطالب ایشان در مقاله صدر الذکر استخراج شده است، عبارتند از:

الف-انتساب کذب نظریه انحصار طلب خواندن روحانیون به موکل:

مقرر فرموده‌اند: «این انحصار طلبی طاهری و عرفان حلقه در حالی است که او و طرفدارانش علما و روحانیون را متهم به انحصار طلبی می‌کنند و دلیل مخالفتشان را با عرفان حلقه این می‌دانند که نمی‌خواهند دین از انحصار آن‌ها خارج شود.

ب- انتساب کذب نظریه وحی الهی ندانستن قرآن به موکل: «این عقیده از آن جا ناشی می‌شود که او قرآن را نوشته پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند و می‌گوید کلیاتی به ایشان وحی شد و ایشان آن چه خود فهمید را به نگارش در آورد! یعنی الفاظ قرآن وحی الهی نیست و نوشته بشری است.

ج- انتساب کذب نظریه تناقض در قرآن و تفسیر هوی و هوس گونه قرآن به موکل: بر اساس این عقیده می‌توان اسماء و صفات الهی را نفی کرد، قرآن را دارای تناقض دانست و حتی به هرگونه که هوی و هوس انسان مایل بود، قرآن را تفسیر کرد. (آن چه در عرفان حلقه اتفاق افتاده)

د- انتساب و نشر کذب تفسیر انحراف گونه به موکل: این تفاسیر و بدعت‌ها را طاهری بر چه اساسی بیان کرده؟ منبع الهامات او که برخلاف وحی الهی است چیست؟ آیا کلامی که در برابر قرآن و سخن پیامبر و ائمه طاهریین قرار گیرد الهامی شیطانی نیست؟ آیا این تفسیر به رأی طاهری هدفی جز تأیید افکار انحرافی او را دنبال نمی‌کند؟ آیا جز شیطان صفات قرآن را بازیچه هوی و هوس خود قرار می‌دهند؟ این سوالات و هزاران سوال دیگر درباره تفاسیر انحرافی که از جانب طاهری مطرح شده هنوز از جانب طرفداران حلقه بی‌پاسخ مانده است و آن‌ها با توجیه این که این‌ها کشف رمز است و باطن قرآن است که طاهری به آن رسیده سعی در پوشاندن آن دارند، باطنی که با اصل قرآن و سخن معلمین اصلی آن (پیامبر و ائمه علیهم السلام) در تضاد است! آن‌ها فراموش کرده‌اند که باطن کلام هیچگاه با ظاهر در تضاد نیست بلکه آن را تفسیر، تبیین و تأیید می‌کند نه این که آن را رد کند و مفهومی متضاد ارائه دهد.

در پایان باز بر این نکته تأکید می‌کنم که توجه به یک موضوع ماهیت حقیقی سخنان طاهری و عرفان حلقه را روشن می‌کند، او می‌گوید: «سرلوحه ی این عرفان بسم الله الرحمن الرحیم است» و بعد این آیه از عرفان حلقه حذف می‌شود و «به نام بی نام او» که در تضاد با بسم الله است، جایگزین می‌شود. آیا هنوز هم می‌توان به صداقت در این عرفان و رهبرش اعتماد کرد و آن را فریب ندانست؟

۲-۲- سرکار خانم فاطمه میرزاییان، طی مقاله منتشره در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز با عنوان «با حقه‌های فرقه حلقه بیشتر آشنا شویم، شبکه شعور کیهانی» منتشر شده در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز، به نشانی اینترنتی:

<http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=6270>

اکاذیب دیگری را منتشر کرده است که عبارتند از:

الف- طرح کذب مطلب نفی نقش خداوند از مباحث مطروحه در کتاب انسان از منظر دیگر:

ایشان در سرآغاز این مقاله نوشته‌اند: «محمدعلی طاهری سرکرده فرقه انحرافی حلقه در کتاب انسان از منظر دیگر پس از اثبات غیر علمی این که جهان هستی از حرکت آفریده شده چون تمام ذرات مولکول‌ها و اتم‌ها در حال حرکت‌اند به نتایج عجیبی می‌رسد که کاملاً به نفی نقش خداوند در جهان منجر می‌شود.»

ب- مشرک قلمداد کردن موکل: خانم میرزاییان در ادامه این مقاله اشاره کرده است: «... یکی از مراتب شرک «شرک در ربوبیت» است که محمدعلی طاهری رهبر فرقه حلقه هم دچار آن شده و ربوبیت و اداره جهان و تعیین هدف و جهت بخشی به حرکت‌های مخلوقات را به مخلوقی سپرده که آن را شبکه شعور کیهانی می‌نامد و خدا فقط صاحب آن است این شبکه مستقل و جدای از خدا در حال اداره جهان است.»

۲-۳- سرکار خانم فاطمه میرزاییان، طی مقاله منتشره در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز با عنوان «آسیب شناسی عرفان حلقه» به روز شده در ساعت ۱۳:۴۷ مورخ سه شنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۴ در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز به نشانی:

<http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=5826>

موارد زیر را به دروغ به عنوان آسیب‌های وارد شده در جامعه به جهت اندیشه‌های موکل نسبت داده و منتشر کرده‌اند:

الف- اعتقادی: «... عرفان حلقه تقدس بالایی برای شیطان قایل است و هیچ کدام از صفات قرآنی او را ذکر نمی‌کند و یا در مورد آموزه‌های توحید دچار اشکالات فراوانی است و یا در باور به معاد مباحث انحرافی را مطرح می‌کند...»

ب- جسمی، روحی و روانی: «بحث آسیب‌های جسمی و روحی و روانی یکی دیگر از آسیب‌های فرقه‌ها است که در عرفان حلقه بسیار پر رنگ است.»

... روش به‌کار گرفته شده آن‌ها درمانی در پی ندارد و آسیب فراوانی دارد، از جمله اختلال دو قطبی، اسکیزوفرنی (توهمات دیداری و شنیداری، توهم ارتباط با خدا و دریافت الهام و داشتن رسالت برای هدایت افراد، ترس شدید از اجنه و ... آسیب‌های اجتماعی و مشکلاتی که افراد در خانواده‌های خود دچار آن می‌شوند از جمله دیگر آسیب‌های این فرقه است. به دلیل باورها و تغییر نگرش‌هایی که به فرد القا می‌شود، اختلاف شدید خانوادگی ایجاد می‌شود. موارد بسیاری داشتیم که بین همسران اختلاف عقاید ایجاد شد و منجر به مشکلات شدید و در نهایت طلاق شده است و یا بحران‌های روانی شخص عضو شده و برون ریزی‌ها آرامش خانواده را گرفته و منجر به اختلاف و عدم توانایی ادامه زندگی می‌شود و یا از دست دادن شغل و موقعیت اجتماعی»

ج- اخلاق انسانی: «آسیب‌های اخلاقی از دیگر آسیب‌های عرفان حلقه است. فرد از نظر روحی و شخصیتی و اخلاق انسانی در این فرقه دچار انحطاط می‌شود. هیچ پیشرفتی از لحاظ اخلاقی در فرد وجود ندارد علی‌رغم این که بحث عرفان و معنویت است. باید فرد با ورود به مباحث عرفانی پیشرفت در امور معنوی و فضائل اخلاقی داشته باشد ولیکن در عرفان حلقه فرد دچار انحطاط اخلاقی می‌شود و رفتارهایی از فرد مشاهده می‌شود که در نتیجه باورهای غلط القا شده به او است. پرخاشگری مسترها، خود شیفته بودن افراد، قبول نداشتن دیگران و دشمن پنداشتن منتقدین، دروغ‌گویی، بدبینی به علما و حتی نفی پیامبران و ائمه، ترک اعمال عبادی به بهانه عرفان و ... از جمله مواردی است که در بیشتر افرادی که وارد این فرقه شدند، دیده می‌شود. نتایجی که از این عرفان مشاهده می‌شود نتایج خوب و مطلوبی نیست.»

د- درمان رایگان فریب عمومی: «... می‌شود برای درمان بیماری و انجام فرادرمانی هزینه گرفته نمی‌شود. درمانی که نتیجه‌ای در پی ندارد و برعکس فرد را دچار آسیب‌های جدی و اغلب غیرقابل درمان می‌کند.»

هـ - تسلیم شدن در مقابل ردائل اخلاقی: «... این گونه افراد از لحاظ اخلاقی دچار مشکل می‌شوند. چرا که به فرد القا می‌شود وقتی همسر تو عصبانی می‌شود دست او نیست بلکه جن در وجود او رخنه کرده است. این امر تسلیمی در برابر ردایل اخلاقی است. نه تنها اصلاحی برای ردایل اخلاقی در نظر گرفته نمی‌شود بلکه فرافکنی در این خصوص صورت می‌گیرد. این مسائل آسیب‌زا است ...»

و - درمان مقطعی و برگشت پذیر: «... برخی از افراد دوقطبی می‌شوند، توهمات دیداری و شنیداری پیدا می‌کنند، انرژی‌هایی که در اتصالات به فرد وارد می‌شود، بر مغز و میدان مغناطیسی بدن آن‌ها تاثیر منفی می‌گذارد ...»

ز - استفاده از نیروی جن (رابط ابلیس قلمداد کردن موکل ...): «... بحث ارتباط با اجنه، بحثی تخصصی است. برای ارتباط انسان‌ها با اجنه یک رابط نیاز است. این صحبت از مستندات روایی است. این نقش رابط را آقای طاهری ایفا کرده است و تمام افراد از طریق وی می‌توانند به شبکه شعور کیهانی متصل شوند. بر اساس تحقیقات و آنچه در منابع عرفان حلقه آمده روشن می‌شود که شبکه شعور کیهانی همان شیطان است. آقای طاهری خود اذعان دارد رابط است ...»

ک - تخریب حجاب: «... برای فرد با حجاب که در جامعه حضور دارد عنوان می‌شود که این فرد در حال خودنمایی است، به عبارت دیگر فرد با حجاب را تخریب می‌کند. رفتار فرد با حجاب را بیشتر از فرد بی‌حجاب می‌کوبد ...»

ل-کشیدن ترمز دستی عبادات: «... شبکه شعور کیهانی ترمز دستی عبادت شما را می‌کشد، به عبارت دیگر گفته می‌شود شما نماز نخوان تا به کیفیت مطلوب دست یابید بعد به نماز بایستید. با این گفته قداست نماز برای فرد از بین می‌رود و به فرد اجازه ترک نماز داده می‌شود تا زمان نامعلومی که مشخص نیست چقدر طول می‌کشد به بهانه رسیدن به کیفیت. ترمز دستی عبادات اصطلاحی در عرفان حلقه است. در عرفان حلقه به طور علنی گفته نمی‌شود نماز نخوان و با توجیه خاصی فرد را از پای‌بندی به احکام دینی باز می‌دارد...»

۱۰. زیارت ائمه (علیهم السلام) مرده پرستی تعبیر می‌شود: «... زیارت ائمه (ع) در عرفان حلقه مرده پرستی محسوب می‌شود و این مسأله‌ای است که وهابیت نیز مطرح می‌کند. در عرفان حلقه همانند وهابیت توسل نفی می‌شود. آموزه‌های عرفان حلقه مخلوطی از فرقه‌های مختلف در جهان است و نام عرفان اسلامی نیز بر آن نهاده شده است...»

۴-۲- سرکار خانم فاطمه میرزاییان، طی مقاله منتشره در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز با عنوان «حقیقت شعور کیهانی در عرفان حلقه» مورخ ۲۲/۰۶/۱۳۹۴ ساعت ۲۸:۱۷ به نشانی اینترنتی:

<http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=5802>

اکاذیب دیگری را در خصوص موکل و اندیشه‌هایش مقرر کرده‌اند:

الف-منتسب کردن نظریه سرمنشاء تدبیر عالم دانستن ابلیس و سیر سلوک در مسیر شیطان به موکل: «شبکه شعور کیهانی همان ابلیس است که در نظر طاهری سر منشاء تدبیر امور عالم و دارای نقش اول در هستی است و اساس عرفان حلقه اتصال به ابلیس است و همه سیر و سلوک باید از طریق اتصال به او صورت بگیرد.» هرچند طاهری هوشمندی الهی (شبکه شعور کیهانی) را روح القدس، جبریل، یدالله می‌نامد اما با توجه به مفاهیمی که از شبکه شعور کیهانی، کارگزاران و ابلیس ارائه می‌دهد می‌توان نتیجه گرفت که شبکه شعور کیهانی همان ابلیس است و اساس عرفان حلقه اتصال به اوست.»

۲-۵- جمع بندی اتهامات نشر اکاذیب: عالی‌جناب محترم مستحضرند آن‌چه در فضای مجازی و اینترنتی قرار می‌گیرد، به جهت بی‌شمار بودن تعداد کاربران اینترنتی و نامحدود بودن گستره زمانی استفاده از آن و در نتیجه از بین رفتن محتوای آن در فضای مجازی، بسیار تاثیر گذار است. از این رو اثرات سوء ناشی از هتک حرمت در فضای الکترونیکی بیش از نشریات و روزنامه‌های غیرالکترونیکی یا حتی برنامه‌های رادیو و تلویزیون است.

به موجب ماده ۶۹۸ ق.م.ا «هرکس به قصد اضرار یا تشویش اذهان عمومی یا مقالات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی

را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا به‌عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از این‌که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از ۲ ماه تا ۲ سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود.»

هم‌چنین اداره حقوقی قوه قضائیه نظریه مشورتی بر حسب مفاد مواد ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون تعزیرات به این شرح داده است. «... البته اگر کسی به منظور اضرار به غیر اکاذیبی را به وی نسبت دهد و قادر به اثبات آن نباشد به‌عنوان مفتری قابل تعقیب است.» اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه‌ای دیگر چنین فرموده‌اند: «اگر به وسیله اینترنت یا مشابه آن هم جرمی به کسی نسبت داده شود و نسبت دهنده نتواند صحت آن انتساب و اسناد را ثابت نماید مورد مشمول ماده ۶۹۸ ق.م.ا خواهد بود.»

هم‌چنین نظریه ۷/۳۸۹۱ - ۱۳۸۳/۵/۲۰ - ا.ح. ق: مقرر می‌دارد: «فلسفه وضع مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ ق.م.ا، جلوگیری از دادن نسبت‌های ناروا و انتشار اکاذیب و نتیجتاً لطمه زدن به حیثیت اشخاص است. طرق و وسایلی که به عنوان وسیله و ابزار ارتکاب جرم تعیین شده (روزنامه، نطق در مجامع، توزیع اوراق چاپی و خطی و ...) معمولاً با تعداد و شمارگان بالا، نشر و توزیع می‌شود و در هر دو ماده آن‌چه که حایز اهمیت بوده و در واقع عنصر مادی جرایم فوق تلقی می‌شود، انتشار و توزیع است و محل اقامت مدیرمسئول یا محل چاپ روزنامه یا تهیه و نوشتن سایر اوراق تأثیری در ارتکاب بزه مجرمانه ندارد کما این‌که، چنان‌چه روزنامه پس از چاپ و قبل از انتشار یا اوراق چاپی و خطی، پس از تهیه و قبل از توزیع توقیف شود و به مرحله انتشار و توزیع نرسد، جرایم منظور در موارد فوق تحقق نخواهد یافت.»

ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای نیز می‌گوید: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید، یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت، رأساً یا به‌عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از این‌که از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان) به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا چهل میلیون یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

با توجه به مراتب فوق، از آن جایی که مشتکی عنها با عدول از فرموده مولای متقیان حضرت علی (ع)، «لا تَقُلْ ما لا تَعْلَمُ بل لا تَقُلْ کُلَّ ما تَعْلَمُ» (نهج البلاغه) و بدون مستندات و دلایل ثابت شده در مراجع ذیصلاح و بر خلاف مقررات موضوعه ج.ا.ا، مبادرت به نشر اکاذیب به شرح فوق کرده، اعمال مجازات قانونی در این خصوص نیز مستدعی است.

۳- توهین، هتک حرمت و هجو موکل:

عالی‌جناب محترم مستحضرنند که خداوند در سوره بقره آیه ۸۳ می‌فرماید: «قولوا للناس حسناً...» هم‌چنین بر این نکته آگاهند که با جمع بودن سه عنصر وجود بیانی موهن (عبارتی که به حیثیت خواهان آسیب زند یا او را در معرض تنفر و انزجار عمومی قرار دهد و معیار موهن بودن آن، بیان قضاوت «یک خواننده یا بیننده عادی، متعارف و منصف» است) و نیز انتشار بیان موهن و علم به وهن آور بودن، جرم توهین محقق می‌شود.

از مجموع آن‌چه اظهار شد، در خلال مقالاتی که مشتکی عنهای محترمه به زیور طبع و نشر آراسته‌اند، متأسفانه عباراتی مشاهده می‌شود که مفید معنای توهین به موکل است که عبارتند از:

۱-۳- شیطان صفت نامیدن موکل: سرکار خانم فاطمه میرزاییان، طی مقاله منتشره در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز با عنوان «تفسیر به رأی آیات قرآن توسط سرکرده عرفان حلقه» به تاریخ چهارشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۹۴ به نشانی اینترنتی:

<http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=7101fi>

مقرر فرموده‌اند: «بر اساس این عقیده می‌توان اسماء و صفات الهی را نفی کرد، قرآن را دارای تناقض دانست و حتی به هرگونه که هوی و هوس انسان مایل بود، قرآن را تفسیر کرد. (آن‌چه در عرفان حلقه اتفاق افتاده)

آیا این تفسیر به رأی طاهری هدفی جز تأیید افکار انحرافی او را دنبال نمی‌کند؟ آیا جز شیطان صفات قرآن را بازیچه هوی و هوس خود قرار می‌دهند؟»

۲-۳- فریبکار و دروغگو خطاب کردن موکل: سرکار خانم فاطمه میرزاییان، طی مقاله منتشره در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز با عنوان «تفسیر به رأی آیات قرآن توسط سرکرده عرفان حلقه» به تاریخ چهارشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۹۴ به نشانی اینترنتی:

<http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=7101fi>

با طرح چند پرسش بر اساس مفروضات خویش که انطباقی با نظریات مکتوب موکل و سخنرانی‌های وی ندارد، مسیر پاسخ به پرسش‌ها را به سویی پیش می‌برد که نتیجه آن دروغگو و فریبکار خطاب کردن موکل است. خانم

میرزاییان در این مقاله می‌نویسند: «... توجه به یک موضوع ماهیت حقیقی سخنان طاهری و عرفان حلقه را روشن می‌کند، او می‌گوید: «سرلوحه ی این عرفان بسم الله الرحمن الرحیم است» و بعد این آیه از عرفان حلقه حذف می‌شود و «به نام بی نام او» که در تضاد با بسم الله است، جایگزین می‌شود. آیا هنوز هم می‌توان به صداقت در این عرفان و رهبرش اعتماد کرد و آن را فریب ندانست؟...»

۳-۳- منصرف دینی خطاب کردن موکل: سرکار خانم فاطمه میرزاییان، طی مقاله منتشره با عنوان «آزادی و اختلاط جنسی راهبرد عرفان حلقه برای عضوگیری» به روز شده به تاریخ ۱۰:۲۳ - ۱۳۹۴ چهارشنبه ۱۹ اسفند به نشانی اینترنتی:

<http://www.ferghenews.com/index.php?page=viewnews&id=7095>

در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز و به نقل از خبرگزاری رسا ارتکاب جرایم زیر را به موکل، به عنوان پایه گذار عرفان کیهانی (حلقه) منتسب کرده است.

«... در این فرقه منحط، شرط مسلمان شدن همان تسلیم اتصالات شبکه تعریف می‌شود خواه در هر دینی باشید، عمومی بودن وحی خدا با اتصال به روح القدس برای هر کس که اشتیاق داشته باشد، سرگردانی ارواح پس از مرگ و رسوخ آنان در بدن افراد، جبران اعمال در برزخ، خروج تمامی انسان‌ها از جهنم و ورود به بهشت، وحدت خالق و مخلوق در آزمایش از دیگر انحرافات دینی مؤسسان و آموزه‌های این فرقه بوده که به اعضای خود القا می‌کنند...»

۳-۴- جمع بندی اتهامات توهین هتک حرمت و هجو موکل: عالی‌جناب محترم مستحضرنده که اینترنت می‌تواند یکی از مصادیق ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی باشد. آن جا که قانون تاکید دارد: «... به نحوی متعلق به او قلمداد نماید.» و قید «به نحوی»، بسیار کلی و جامع است. یعنی قانونگذار، هر کسی از هر راهی که چنین جرمی را مرتکب گردد، را مجرم و مستوجب عقوبت می‌داند و امروزه از طریق اینترنت ارتکاب چنین جرمی ممکن شده است و صورت گرفته است.

ماده ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.»

ماده فوق ناظر بر هجو اینترنتی نیز می‌شود توهینی که از طریق اینترنت صورت می‌پذیرد به خاطر جرم بودن در خور کیفر و مجازات می‌باشد، با توجه به تعریف فقهی که از جرم ارائه شده است، عناصر و شرایطی را که یک جرم دارد، کاملاً منطبق این مورد می‌باشد. پس هر کسی (انسان عامل، بالغ، مختار و قاصد) از طریق اینترنت مبادرت به هجو و توهین کند، یا عملی را انجام دهد که دیگری را متهم به اموری نماید که شرع ممنوع گردانیده است و صحت و سقم این نسبت ناروا را نتواند ثابت کند، جرم محسوب شده و درخور مجازات می‌باشد.

۴- درخواست‌ها: با توجه به مراتب فوق، خواهشمند است ضمن انجام تحقیقات مقدماتی و پی‌گرد قانونی متهمه محترمه، در خصوص موارد زیر دستور شایسته صادر فرمایند:

الف) انجام «تحقیقات مقدماتی» در خصوص موضوع شکایت

ب) پی‌گرد کیفری متهمین و فراخوان آنان به دادرسی و تشکیل جلسه رویارویی حضوری

ت) انجام «تحقیق و معاينه محلی» در صورت لزوم

چ) صدور «قرار تأمین خواسته» جهت «تأمین ضرر و زیان» برخاسته از جرم

ج) تفهیم اتهام به متهمین و صدور قرار تأمین کیفری و نظارت قضایی مناسب با توجه به مواد ۲۱۷ و ۲۴۷ قانون آ.د. ک مصوب ۱۳۹۲

ر) ابلاغ کلیه اوراق قضایی به اقامتگاه این‌جانب

ژ) صدور قرار بزه‌کاری و کیفرخواست به طرفیت متهم به استناد مواد ۶۹۷، ۶۹۸ و ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی و نیز ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸

ی) در نظر داشتن مقررات مربوط به تعدد جرم وفق نظریه مشورتی شماره ۷/۲۹۴۰ مورخ ۱۳۷۱/۴/۲۷ که مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرایم ارتكابی مختلف باشد، برای هر یک مجازات جداگانه تعیین می‌گردد و همه آن‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود» و مستند به بخش سوم فصل پنجم ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲

سید محمد زمان دریاباری

قرار نهایی شعبه چهارم دادسرای فرهنگ و رسانه

۱۳۹۵/۸/۱۰

شماره قرار نهایی دادسرا: ۹۵۰۹۹۷۲۶۸۷۴۰۰۴۱۱

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۸/۱۰

شماره پرونده: ۹۵۰۹۹۸۲۶۸۷۴۰۰۲۴۷

شماره بایگانی پرونده: ۹۵۰۲۷۲

قرار نهایی دادسرا

بسمه تعالی

به تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۰ در وقت فوق العاده جلسه شعبه ۴ بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه تهران به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل و پرونده کلاسه ۹۵۰۲۷۲/ب/۴ تحت نظر قرار دارد. باتوجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده ختم تحقیقات را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی مبادرت به صدور قرار می نماید.

قرار منع تعقیب

سرپرست محترم دادسرای ناحیه ۳۵ تهران

در خصوص شکایت آقای سید محمدزمان دریاباری فرزند سید صدر به وکالت از آقای محمدعلی طاهری فرزند محمدآقا علیه خانم فاطمه صغرا میرزاییان قهرود فرزند موسی متولد فاقد سابقه محکومیت کیفری ۲- پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز ۳- خبرگزاری رسا ۴- سید محمدرضا طباطبایی دایر بر نشر اکاذیب و افترا و توهین هتک حرمت و هجو با توجه به دفاعیات متهم ردیف اول و مستند ابرازی از سوی معاون اطلاعات قرارگاه ثارالله

تهران و گزارش آن سازمان که به صورت مستند تهیه و ارسال شده و دلالت به محکومیت مشارألیه (محمدعلی طاهری) به اتهامات متعدد و توهین به مقدسات و ارتکاب فعل حرام و ... دارد به نظر بزه‌های انتسابی محرز و مسلم نبوده فلذا به استناد ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب مشارألیه صادر و اعلام می‌گردد قرار صادره ظرف مهلت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض دادگاه صالحه است.

شعبه ۴ بازپرسی دادرسی فرهنگ و رسانه تهران

مراد عباسی

خلاصه لایحه تکمیلی اعتراض به قرار منع تعقیب دادسرای فرهنگ و رسانه ۱۳۹۵/۸/۱۰

بازپرس محترم شعبه چهارم دادسرای فرهنگ و رسانه

موضوع:

لایحه تکمیلی اعتراض به قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۱۶۸۷۴۰۰۴۱۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۰ اصداری از شعبه ۴ بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه (پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۶۸۷۴۰۰۲۴۷ و بایگانی به شماره ۹۵۰۲۷۲) با سلام و احترام، با استعانت از خداوند متعال پیرو لایحه ثبت اعتراض به قرار منع تعقیب به شماره ۱۹۰ ب ۴ مورخ ۹۵/۸/۲۲، این جانب سید محمد زمان دریاباری به وکالت از آقای محمدعلی طاهری فرزند محمد آقا با استناد به مدارک و دلایل پیوست مشتمل بر:

الف- دادنامه شماره ۱۰۵۸/۹۴ مورخ ۹۴/۹/۴ از سوی قضات عالی مقام شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور نقض شده است.

(پرونده کلاسه دیوان عالی کشور به شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۱۰۶۰۰۰۳۲ و بایگانی به شماره ۹۴۱۰۵۰)

ب- قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ صادره از شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۳ مقدس (اوین) پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ (بایگانی ۹۱۰۱۱۶)

ج- لایحه دفاعیه دست نویس موکل به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی

د- فتاوای جدید مراجع عظام و اظهار نظرات علمای اعلام و حضرات آیات حوزه علمیه قم در خصوص اندیشه‌های موکل

و با اتکاء به برخی از دفاعیات موکل طی لایحه فرجام‌خواهی از دیوان عالی کشور لایحه تکمیلی اعتراض به قرار منع تعقیب را بر اساس فهرست مطالب زیر و به شرح پیوست جهت اتخاذ تصمیم دادگاه محترم به منظور نقض قرار منع تعقیب صادره ایفاد می‌نمایم.

- ۱- عدم حجیت شرعی و قانونی ارسال پرونده به معاونت محترم حقوقی قرارگاه ثارالله.
- ۲- عدم اعطای مهلت و فرصت جهت پاسخ دهی به اظهارات متهمه خانم میرزاییان و دفاعیات قرارگاه محترم ثارالله.
- ۳- عدم انجام تحقیقات مقدماتی و اخذ توضیح از سایر متهمین در خصوص موارد اعلامی شکایت.
- ۴- اتکاء و استناد به گزارش ناقص و غیر بی‌طرفانه شماره ۱۳۵۴/۲۰/ت ط مورخ ۹۵/۸/۴ قرارگاه محترم ثارالله:

۴-۱- سالبه به انتفاء موضوع شدن فتاوی مراجع تقلید با توجه به فتاوی جدید ایشان و بازپس گیری فتاوی قبلی.

۴-۲- نسبت دادن اظهارات خلاف واقع و تقطیع گزینشی مطالب منتسب به موکل در گزارش معاونت محترم قرارگاه ثارالله

۴-۳- پاسخ به ادعاهای متهمه و گزارش معاونت محترم حقوقی قرارگاه ثارالله در خصوص موقعیت علمی و فرهنگی موکل.

سوابق علمی و پژوهشی موکل در دوران جوانی. مبارزات موکل در دوران ستم شاهی و دوران جنگ تحمیلی. شروع تحقیقات و فعالیت موکل در زمینه عرفان کیهانی و یافته‌های وی در این خصوص و جوایز علمی و تقدیر نامه‌های بین‌المللی موکل.

۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه و گزارش قرارگاه ثارالله در خصوص مبانی اعتقادی موکل

۴-۴-۱- مبانی اعتقادی موکل بر اساس پروژه نیروی انتظامی.

۲-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش قرارگاه ثارالله دایر بر فاسد بودن آموزه‌های عرفان کیهانی و مردود بودن انتساب انحراف از اصول و فروع دین.

۳-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری قهرود و گزارش قرارگاه ثارالله دایر بر انحراف موکل از خدانشناسی.

۴-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش ثارالله دایر بر انحراف در قرآن شناسی ۴-۴-۵- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر نفی وسیله برای ارتباط با خدا و توسل و شفاعت و شرک دانستن زیارت.

۶-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر جن گیری و احضار روح.

۷-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر منع مردم از انجام عبادات ظاهری.

۸-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر گمراه کردن مردم و انحراف در دین.

سید محمد زمان دریاباری

۱۳۹۵/۸/۱۰

لایحه تکمیلی اعتراض به قرار منع تعقیب دادسرای فرهنگ و رسانه ۱۳۹۵/۸/۱۰

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از قضات و اعضای دستگاه قضایی (۱۳۷۱/۱۰/۲۳)

«قوهی قضاییه، به معنای حقیقی کلمه، باید ملجأ و پناهگاهی باشد برای کسانی که در جامعه به آن‌ها ظلم می‌شود. با ظلم هر کسی، در هر حدی و در هر مرتبه‌ای، برخورد کنید. آن ظالم هر که باشد، در هر رتبه‌ای از رتب و هر درجه‌ای از درجات قرار داشته باشد، باید با او برخورد شود. با ظالم باید برخورد شود ... باید دفاع از حقوق بشر، به‌وسیله‌ی قوهی قضاییه انجام گیرد. اسلام حتی برای مجرمین هم حقوق قائل است. کسی حق ندارد به فردی که بناست اعدام شود، دشنام بدهد. دشنام چرا؟ مجازات او اعدام است. دشنام اضافه است. دشنام ظلم است. دشنام هتک حق اوست و باید جلوش گرفته شود. این، نحوه‌ی برخورد با فرد اعدامی است. چه برسد به زندانی، چه برسد به متهم تحت تعقیب، چه برسد به آن کسی که حتی تهمت درباره‌ی او واضح و ثابت نیست و فقط گمانی درباره‌ی او هست! باید حقوق انسان و حقی که خدای متعال برای آحاد انسان معین کرده است، نسبت به همه‌ی افراد و در همه‌ی موارد، کاملاً رعایت شود.»

ریاست محترم دادگاه کیفری

موضوع: لایحه تکمیلی اعتراض به قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۱۶۸۷۴۰۰۴۱۱ مورخ ۹۵/۰۸/۱۰ اصداری از شعبه ۴ بازپرسی دادرسرای فرهنگ و رسانه (پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۶۸۷۴۰۰۲۴۷ و بایگانی به شماره ۹۵۰۲۷۲)

با سلام و احترام، با استعانت از خداوند متعال پیرو لایحه ثبت اعتراض به قرار منع تعقیب به شماره ۱۹۰ ب ۴ مورخ ۹۵/۸/۲۲، این‌جناب سید محمد زمان دریاباری به وکالت از آقای محمدعلی طاهری فرزند محمد آقا با استناد به مدارک و دلایل پیوست لایحه و با اتکاء به برخی از دفاعیات موکل طی لایحه فرجام‌خواهی از دیوان عالی کشور و در تشریح مبانی اعتراض به قرار منع تعقیب صادره موضوع پرونده کلاسه فوق، موارد زیر را به استحضار می‌رسد.

۱- عدم حجیت شرعی و قانونی ارسال پرونده به معاونت محترم حقوقی قرارگاه ثارالله.

قرار منع تعقیبی که در پرونده صادر شده است، اساساً به پشتوانه گزارش شماره ۱۳۵۴/۲۰/ث ط مورخ ۹۴/۸/۴ معاونت حقوقی قرارگاه ثارالله و ضمائم پیوست گزارش است. در گزارش مزبور همان رویکردی که منجر به صدور رأی از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب با تصدی قاضی احمد زاده گردید، به کار گرفته شده است و جالب آن که همان رأی به موجب دادنامه شماره ۱۰۵۸/۹۴ مورخ ۹۴/۹/۴ از سوی قضات عالی مقام شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور نقض شده است. (پرونده کلاسه دیوان عالی کشور به شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۱۰۶۰۰۰۳۲ و بایگانی به شماره ۹۴۱۰۵۰) پیوست یکم

نخست این‌که: چرا تحقیقات مقدماتی در خصوص رسیدگی به موضوع شکایت موکل که عبارت است از توهین، هتک حرمت، افتراء و نشر اکاذیب به طرفیت مشتکی عنهم پرونده خانم فاطمه صغری میرزاییان قهرود و خبرگزاری رسا، فرقه نیوز و آقای طباطبایی، مدیر گروه تلگرام فرقه‌های نوظهور بوده به قرارگاه ثارالله واگذار شده است؟

ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس است.» کدام مستند قانونی و شرعی برای تفویض اختیار انجام تحقیقات و ارسال پرونده به قرارگاه ثارالله وجود داشته که بر این اساس موضوع شکایت موکل به این مرجع که فاقد نقش بی‌طرفی در چنین پرونده‌ای است محول شده است؟

رای شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب دایر بر محکومیت موکل به اتهام افساد فی الارض و ارتداد و ... بر اساس گزارش قرارگاه ثارالله بوده و در متن رأی به این موضوع اشاره شده است و همین رأی به موجب دادنامه شماره ۱۰۵۸/۹۴ مورخ ۹۴/۹/۴ شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور نقض شده است (پیوست یکم) بی آن که قرارگاه ثارالله به این نکته در مستندات پیوستی که تقدیم شعبه بازپرسی کرده به آن اشاره کرده باشد. همچنین شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۳ شهید مقدس تهران قرار منع تعقیب موکل را از اتهامات اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و ارتداد و سب النبی تحت قرار شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ موکل صادر کرده است (پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ (بایگانی ۹۱۰۱۱۶)). البته جای شگفتی نیست که معاونت محترم حقوقی ثارالله به این موضوع نیز هیچ اشاره‌ای نکرده است ... (پیوست دوم)

دوم آن که: مگر قرارگاه ثارالله طرف شکایت بوده و یا وکالت از متهمین داشته که به موضوع شکایت موکل از متهمین ورود یافته است و اگر به عنوان ضابط قضایی در پرونده وارد شده مستند آن چیست و اگر بر فرض هم به عنوان ضابط وارد شده آیا می‌توان از ضابطی که نقش وکیل مدافع متهمین را ایفاء کرده و از بیان تمام حقایق پرونده‌های کیفری موکل خودداری کرده و از سوی دیگر بازوی دادگاه انقلاب در تهیه مدارک و مستندات علیه موکل بوده و قاعدتاً در پرونده حاضر نمی‌تواند نقش بی‌طرفانه و منصفانه داشته باشد، بهره گرفت. ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.»

۲- عدم اعطای مهلت و فرصت جهت پاسخ دهی به اظهارات متهمه خانم میرزاییان و دفاعیات معاونت محترم حقوقی قرارگاه ثارالله.

خانم میرزاییان در اظهاراتی که نزد بازپرس محترم داشته‌اند مجدداً همان مواضع افتراگونه را تکرار کرده و اعلام داشتند که اندیشه‌های آقای طاهری موجب توهمات ذهنی، بیماری‌های جسمی و فلج حرکتی و نیز خودکشی عده‌ای از اشخاص و گمراهی مردم شده است، بدون آن که هیچ مستند و دلیلی جهت اثبات مدعای خود ارائه دهد. این ادعاهای کذب در بند پنجم رأی شماره ۱۰۵۸/۹۴ مورخ ۹۴/۹/۴ شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور مورد ابهام قرار گرفته است. (پیوست یکم)

پرسش این جاست که دلیل عدم برگزاری جلسه مواجهه حضوری با متهمین چه بوده است؟ چرا فرصت دفاع در برابر اظهارات متهمین که حتی یک دلیل و برهان جهت اثبات ادعاهای نوشته شده و منتشر شده در اینترنت ارائه ندهاند چیست؟ چرا فقط برای یک‌تن از متهمین احضاریه صادر شده و در خصوص سایر ایشان اقدام

موثری جهت احضار انجام نگرفته است؟ چرا هیچ دلیل و مدرکی جهت اثبات اظهارات افتراء آمیز متهمین دایر بر بروز مشکلات ذهنی و جسمی و خودکشی در اشخاص استفاده کننده از جریان عرفان کیهانی از آن‌ها مطالبه نشده است؟

گفتنی است متهمین چهار شخص بوده‌اند:

* صغری (فاطمه) میرزاییان قهرود متولد ۱۳۵۰، فرزند موسی، کد ملی ۰۰۵۴۹۷۳۰۴۱ به نشانی: شهرک غرب، خیابان ایران زمین، روبه‌روی کوچه دوم، خانه جهانی و کلا ۰۹۱۲۶۲۳۲۱۴۳ و ۰۹۳۸۳۲۵۲۴۵۸.

** پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز به مدیریت مرتضی امین نیا به نشانی خراسان رضوی، سناباد، پلاک ۲۰۳ به شماره تماس ۰۹۱۰۵۵۲۵۹۴۱ و ۰۹۱۰۵۵۲۵۹۴۷ و ۰۵۱۳۸۴۱۱۶۷۶.

*** خبرگزاری رسا دارای مجوز شماره ۱۲۴/۳۸۳۳ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مدیریت آقای محمد مهدی محقق متولد ۱۳۵۲ و روح الله عباسپور متولد ۱۳۵۷

**** سید محمد رضا طباطبایی فعلاً مجهول المکان. مدیر کانال تلگرامی آشنایی با فرقه‌های نو ظهور به عنوان معاونت در ارتکاب جرم

بر خلاف آنچه خانم میرزاییان در صورتجلسه بازجویی نگاشته‌اند، آقای طباطبایی مدیر گروه تلگرام (ادمین) گروه و شخص ایشان نیز حسب اطلاعاتی که در صفحه نخست گروه تلگرامی بوده و تصویر آن پیوست شکواییه شده، از اعضای اصلی گروه هستند. (سی دی سایت و تلگرام و تصاویر و مطالب متضمن توهین، افتراء و نشر اکاذیب پیوست شکواییه و در پرونده مضبوط است)

۳- عدم انجام تحقیقات مقدماتی و اخذ توضیح از سایر متهمین در خصوص موارد اعلامی شکایت:

موضوع شکایت از متهمین موارد زیر بوده است:

*** ارتکاب جرم افتراءهایی مشتمل بر:

الف- «انتساب جرم آزادی و اختلاط جنسی جهت جذب اشخاص»

ب- «انتساب جرم جعل و سوء استفاده از سند مجعول در خصوص جوایز و مدارک بین‌المللی»

ج- «سوء استفاده از بیماران صعب‌العلاج به‌خصوص بانوان»

د- «سوء استفاده جنسی از زنان»

*** ارتکاب جرم نشر اکاذیب با نگارش و انتشار مقالاتی که متضمن موارد زیر است که در متن مقاله عین این عبارات علیه موکل به کار گرفته شده است.

* **موارد نشر اکاذیب** در «تفسیر به رأی آیات قرآن توسط سرکرده عرفان حلقه» (پیوست شماره ۳ شکواییه):

الف- انتساب کذب نظریه انحصار طلب خواندن روحانیون به موکل

ب- انتساب کذب نظریه وحی الهی ندانستن قرآن به موکل

ج- انتساب کذب نظریه تناقض در قرآن و تفسیر هوی و هوس‌گونه قرآن به موکل

د- انتساب و نشر کذب تفسیر انحراف گونه به موکل و بر خلاف وحی الهی و متضاد با سخن معصومین قلمداد کردن نظرات موکل

* موارد نشر اکاذیب مستخرج از مقاله منتشره در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز با عنوان «با حقه‌های فرقه حلقه بیشتر آشنا شویم، شبکه شعور کیهانی» (پیوست شماره ۴ شکواییه)

الف- تفسیر وارونه از مباحث مطروحه در کتاب انسان از منظر دیگر و منتسب کردن نظریه نفی خداوند به موکل
ب- مشرک قلمداد کردن موکل

* موارد نشر اکاذیب مستخرج طی مقاله منتشره در پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز با عنوان «آسیب شناسی عرفان حلقه» (پیوست شماره ۲ و ۵ شکواییه)

الف- انحراف عقیدتی قلمداد کردن اندیشه‌های موکل در اصول دین (توحید، معاد و ...).

ب- اعلام خلاف واقع در خصوص آسیب‌های روحی، روانی و جسمی (بروز بیماری‌هایی چون شیزوفرنی، دوقطبی و ... در فرادرمانگران) نظریات موکل

ج- اعلام خلاف واقع در خصوص آسیب‌های اجتماعی نظریات موکل (مانند بروز طلاق، اختلافات خانوادگی و ... در فرادرمانگران)

د- اعلام خلاف واقع در خصوص آسیب‌های وارده به اخلاق انسانی از طریق عرفان حلقه

ه- اعلام خلاف واقع در خصوص قبول نداشتن دیگران و دشمن پنداشتن منتقدین، دروغ‌گویی، بدبینی به علما و حتی نفی پیامبران و ائمه، ترک اعمال عبادی به بهانه عرفان در میان فرادرمانگران.

ز- اعلام خلاف واقع در خصوص فریب عمومی با درمان رایگان

ح- انتشار مطالب دروغین دایر بر تسلیم شدن فرادرمانگران در مقابل رذائل اخلاقی

ط- انتشار مطالب دروغین در خصوص استفاده از نیروی جن در عرفان کیهانی (رابط ابلیس قلمداد کردن موکل)

ی- منتسب کردن نظریه سرمنشاء تدبیر عالم دانستن ابلیس و سیر سلوک در مسیر شیطان به موکل

*** ارتکاب جرم توهین، هتک حرمت و هجو موکل:

الف- شیطان صفت نامیدن موکل:

ب- فریبکار و دروغگو خطاب کردن موکل:

ج- منحرف دینی خطاب کردن موکل:

د- انتشار تصاویری نا پسند به صورت کاریکاتور از موکل و نیز اندیشه‌های وی

در خصوص هیچ یک از عناوینی که در شکایت و تظلم‌خواهی نزد مقام محترم بازپرسی شعبه چهارم تقدیم شده، تحقیق جامعی صورت نگرفته و اتهامات تفهیم نشده است.

به استناد ماده ۹۵ ق. آد. ک «بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورد و در تحصیل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.» هم‌چنین ماده ۹۸ قانون مقرر می‌دارد: «بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد...» ماده ۱۰۴ می‌افزاید «... بازپرس نمی‌تواند به عذر آن که متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند...» ماده ۲۱۷ همان قانون مقرر داشته «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین را صادر می‌کند.»

حال پرسش این‌جاست که کدامیک از تکالیف مقرر در قانون به شرح فوق را بازپرس محترم به طور کامل رعایت کرده‌اند؟ چرا سایر متهمین احضار نشده و ادله ایشان جهت انتشار مطالب متضمن توهین و افتراء و اکاذیب به شرح فوق و علت اقدامشان به چنین امری استماع نشده است؟ در کدام مرجع قضایی موارد اعلامی

فوق علیه موکل که موضوع شکایت به طرفیت مشتکی عنهم محترم است به تفصیل و منجزاً و قطعاً اثبات شده است؟ چرا در خصوص متهمه محترمه خانم میرزاییان هیچ گونه قرار مناسبی صادر نشده است؟ چرا هیچ جلسه مواجهه حضوری با متهمین برگزار نشده است؟

۴- اتکاء و استناد به گزارش ناقص و غیر بی طرفانه شماره ۲۰/۱۳۵۴/ث ط مورخ ۹۵/۸/۴ معاونت محترم حقوقی قرارگاه ثارالله در صدور قرار منع تعقیب و پاسخ به ادعاهای مطرح شده در گزارش قرارگاه:

گزارش قرارگاه ثارالله متضمن استناد به مواردی از اندیشه‌های موکل است که اصلاً موضوع شکایت پرونده نیست. در شکایت تقدیمی به محضر بازپرسی شعبه چهارم فرهنگ و رسانه، موضوع شکایت حمایت از اندیشه‌های ایشان نیست تا پاسخ به آن داده شود. اما به دلیل آن که آن چه معاونت حقوقی قرارگاه ثارالله در نقش وکیل مدافع متهمین اعلام کرده مستند و متکای قرار منع تعقیب صادره است و در پاسخ به مدارک و مستنداتی که ضمیمه گزارش و لایحه دفاعیه شده است، موارد زیر اعلام می‌شود:

۱-۴- سالبه به انتفاء موضوع شدن فتاوی مراجع تقلید مستند رأی با توجه به فتاوی جدید ایشان در این خصوص و بازپس گیری فتوای قبلی: در گزارش قرارگاه ثارالله اشاره شده که مراجع تقلید فتاوی داده‌اند که دلیل بر انحراف عقیدتی موکل و ... است.

در پاسخ باید گفت این اعلام و استناد به فتاوی مراجع تقلید در دادنامه شماره ۹۴/۱۰۵۸ مورخ ۹۴/۹/۴ شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور مورد انتقاد قرار گرفته است. افزون بر این، مراجع عظام تقلید، پس از اطلاع از این که استفتاء انجام گرفته از ایشان به صورت ناقص و کلی اما ناظر بر تحصیل دلیل برای شخص موکل بوده است، نسبت به اصلاح فتوای صادره اقدام کرده‌اند که متن فتاوی جدید ایشان به پیوست ایفاد می‌گردد.

حضرات آیات عظام مکارم شیرازی و علوی گرگانی، صافی گلپایگانی به موجب فتاوی جدید خود که پس از اخذ استفتایی که مستظهر به پرسش‌های تلقینی و ناقص و مستند به اظهارات غیر منتسب به موکل صادر شده بود، صادر شده است، از صدور حکم (فتاوی) اعدام نکول کرده‌اند که تصویر متن استفتاء جدید به شرح تقدیم می‌گردد.

برای نمونه آیت الله العظمی علوی گرگانی در فتاوی جدید خود فرموده‌اند: «چنانچه به متن فتوا دقت کافی کرده باشید، خواهید دانست که فتوای ارتداد بر فرض بیان مطالب مطرح در سوال و انکار ضروریات دین می‌باشد و هیچ گونه فتوای قطعی بر ارتداد ایشان داده نشده است ...» (پیوست سوم)

دفتر آیت الله صافی گلپایگانی نیز در مورخ ۹۵/۰۶/۱۱ اعلام داشته «جواب استفتاءاتی که معظم له مرقوم می‌دارند در فرض کلی است و در ارتباط با موضوع یا شخص خاصی نیست.» (پیوست چهارم)

بنابراین استناد گزارش معاونت حقوقی قرارگاه ثارالله به فتاوی مراجع تقلید در خصوص موکل، ناروا و ناقص و نادرست است.

بر فرض آن که فتاوی پیشین کاملاً منطبق با وضعیت موکل داشت، این توجیهی بر ترسیم کاریکاتورهای توهین آمیز به ایشان و توهین و افتراء زنی به موکل در موضوعات دیگر همچون علت اللعل دانستن وی در خودکشی عده‌ای از اشخاص و عامل بیمارهای جسمی و ذهنی قلمداد کردن وی و سایر مصادیق ذکر شده در شکواییه نخواهد بود.

عده‌ای دیگر از علماء و مجتهدین مانند حضرت آیت الله سید حسین موسوی تبریزی اعلام کرده‌اند «... بنده تعدادی از کتاب‌های آقای طاهری را مطالعه کردم، از آن‌ها چیزی که موجب افساد عقیدتی و اخلاقی بشود، نیافتم...»

جناب آقای کاظم موسوی بجنوردی رییس مرکز پژوهش‌های ایران اسلامی نیز اعلام کرده‌اند «... آثار آقای محمد علی طاهری راجع به عرفان کیهانی را که جهت اعلام نظر ارسال کرده بودید با دقت مطالعه کردم و در آن هیچ مسأله‌ای نیافتم که مصادق فساد عقیدتی باشد...» (پیوست پنجم)

۲-۴- نسبت دادن اظهارات خلاف واقع و تقطیع گزینشی مطالب منتسب به موکل در گزارش معاونت محترم قرارگاه ثارالله: متأسفانه در گزارش تقدیمی معاونت محترم حقوقی ثارالله بریده‌ای از سخنان منسوب به موکل و نیز تکه‌هایی از نوشته‌های ایشان آورده شده است و در پایان نتیجه گرفته شده که ایشان عامل بسیاری از مشکلات معنوی در سطح کشور هستند.

موکل بارها اظهار و اعلام کرده که صرفاً مطالبی که در کتاب‌های رسمی منتشر شده از ایشان و نیز مقالات چاپ شده او در نشریات، مورد تأیید وی بوده و سایر مطالب و نوشته‌ها که به صورت غیر رسمی از سوی اشخاص دیگر منتشر شده و یا از دیگران یافت شده مورد تأیید وی نیست. ظاهراً در اخذ فتاوی از مراجع تقلید نیز در این خصوص به شیوه‌ای عمل شده که اولاً مستندات استفتاء، مطالبی بوده که از قلم و ذهن و اندیشه موکل صادر نشده و ثانیاً با پیش فرض ذهنی پرسش‌گر مواردی تقطیع و استفتاء شده که حکم آن از پیش معلوم می‌نماید و در حال حاضر نیز برخی از همان مراجع محترم که فتاوی ایشان مستند رأی قرار گرفته نسبت به اخذ استفتاء با

این شیوه اعلام نکول از نظر قبلی کرده و فتوای اصلاحی صادر کرده‌اند که در جای خود به این موضوع اشاره خواهد شد.

در سطر نوزدهم صفحه نهم لایحه دست نویس موکل خطاب به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب (پیوست ششم) اعلام کرده است: «... منابع معتبر و قابل استناد که این جانب آن‌ها را قبول دارم عبارتند از: کتب منتشر شده قانونی این جانب: انسان از منظر دیگر، عرفان کیهانی (حلقه)، بینش انسان، حدود هفتاد مقاله چاپ شده در روزنامه‌ها، چندین ویژه‌نامه عرفان حلقه، فیلم‌های کلاس‌های موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه و ... به شرطی که ناقص و بریده نباشد ... بنابر این سایر منابع اعم از جزوه (خانم نیرومنش) به ادعای کارشناسان و یا هر نوع جزوه دیگری، فایل‌های صوتی و ... معتبر نبوده و قابل استناد نمی‌باشد ...»

۳-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه و گزارش معاونت محترم حقوقی قرارگاه ثارالله در خصوص موقعیت علمی و فرهنگی موکل: در اثر سوء برداشت‌ها و سوء تفاهم‌های رخ داده، شرایط امنیتی نامناسب و جو کشور بعد از اتفاقات سال ۸۸ نوعی هراس امنیتی از هر نوع تشکل و امکان سوءاستفاده بیگانگان از این مراکز به وجود آمد. با پیش فرض ذهنی انحرافی بودن تمامی فعالیت‌های عرفانی، وابسته بودن به اجانب، همراه بودن افراد فعال در این حوزه‌ها، موکل در تاریخ ۸۹/۱/۲۹ دستگیر شد، پس از چند ماه، در تابستان ۸۹ آزاد و مجدداً در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۹۰ دستگیر و روانه زندان شد. پس از دستگیری مجدد، او جز مدت بسیار کمی که در مرخصی بوده، در تمامی این سال‌ها در زندان و به بهانه تکمیل تحقیقات، غالباً بند انفرادی تحت نظارت نیروهای امنیتی قرار داشته است.

در خلال این مدت کیفرخواستی به اتهام مداخله در پزشکی، تحصیل مال نامشروع، توهین به مقدسات، استفاده غیرمجاز از عناوین علمی، توزیع آثار سمعی و بصری غیر مجاز و افساد فی الارض، علیه او صادر و به دادگاه ارسال شد. دادگاه بدوی در مورد سایر اتهامات غیر از افساد فی الارض مبادرت به صدور حکم به پنج سال حبس و جزای نقدی نمود و در خصوص اتهام افساد فی الارض با اعلام نقص در تحقیقات، پرونده به دادسرا ارسال شد. دادسرا بدون رفع کردن نقائص مورد توجه دادگاه با بهانه محال و خارق عادت بودن تقاضای مذکور بدون تمکین از دستور دادگاه، پرونده را مجدداً به شعبه ۲۶ ارسال نمود. که شعبه مزبور بر خلاف موازین حقوقی، عرف و رویه معمول دادرسی در نگارش آراء و کاملاً غیرقانونی و ناعادلانه رأیی صادر کرد که متعاقباً در دیوان عالی کشور نقض شده است اما معاونت محترم حقوقی ثارالله هیچ اشاره‌ای به رأی صادره از شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور که خط بطلانی بر کلیه ادعاهای متهمین محترم است، نکرده است.

۳-۴-۱ سوابق علمی و پژوهشی موکل در دوران جوانی: بر خلاف مطالب مندرج در گزارش ثارالله موکل فردی تیزهوش و در سال‌های ۵۵ و ۵۶ به‌عنوان نفر اول، اولین و دومین مسابقات علمی سراسری ایران انتخاب می‌گردد.

۲-۳-۴-۴ مبارزات موکل در دوران ستم شاهی و دوران جنگ تحمیلی: موکل در صفوف انقلابیون در میدان ژاله سابق در روز ۱۷ شهریور حضور داشته است ... بعد از انقلاب نیز با شروع جنگ در زمینه تیربارهای انفرادی طرح‌هایی را در صنایع جنگ افزایش داده و به وزارت دفاع تقدیم کرده است و در خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم به این موضوع اشاره شده است. (پیوست هفتم)

۳-۴-۳ شروع تحقیقات و فعالیت موکل در زمینه عرفان کیهانی و یافته‌های وی در این خصوص: موکل طی چند دهه تحقیق و بررسی و ملاقات با اساتید رشته‌های مختلف عرفان، فلسفه، دین، پزشکی، روان‌شناسی و به حجت قلبی رسیده که یافته‌های او ارزش نظری و عملی داشته و رحمانی می‌باشند. و با اخذ مجوز رسمی از مراجع ذی‌صلاح به تأسیس مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) و برگزاری کلاس‌های علنی آموزشی در حوزه عرفان نظری و عملی و تربیت شاگردان متعدد که اکثراً نخبگان کشورند، اقدام نموده است. متقاضیان این کلاس‌ها با آزادی اراده و با پرکردن فرم تقاضا نامه، دادن عکس و فتوکپی کارت ملی و پرداخت شهریه در کلاس‌ها حضور داشته‌اند. ایشان کتاب‌ها و مقالات و مناظرات متعددی در حوزه عرفان کیهانی تالیف و منتشر کرده است. (پیوست هشتم)

۴-۳-۴-۴ جوایز علمی و تقدیر نامه‌های بین‌المللی موکل: موکل مفتخر به دریافت ایزوهای آموزشی بین‌المللی از آلمان، سوئیس و انگلستان شده است و سپس درمان‌های عرفانی (از زیرمجموعه‌های عرفان حلقه) به نام‌های «فرادرمانی» و «سایمنتولوژی» را به جامعه پزشکی و روان‌پزشکی معرفی کرده است. هم‌چنین آزمایش‌های علمی تحت کنترل در برخی بیمارستان‌ها از جمله تأثیر بر روی بیماران برونشکتازی کاندید پیوند ریه در بیمارستان مسیح دانشوری تأثیر بر روی کاهش درد از طریق آزمایش کورتیزول خون در بیمارستان امام خمینی آزمایش بر روی آسم در دانشگاه شاهد انجام داده است. شرکت در سمینار بین‌المللی در مورد بیماری اسکیزوفرنی، تأثیر بر ترک اعتیاد با همکاری موسسه خیریه بهشت یاس پنهان (با مدیریت سردار جورکش، سردار علیپور، سرهنگ جعفری) و ... از دیگر اقدامات موکل بوده است. (پیوست نهم) وی موفق به اخذ هفت مدرک دکترای افتخاری از شرق و غرب شده و هم‌چنین ۴ مدال طلا از جمله اولین مدال طلای علمی آفیسر اتحادیه اروپا به نام جمهوری اسلامی ایران، کسب یک مدال نقره، دو مدال برنز، کاپ‌ها، لوح‌های ویژه شده است و همگی مدارک و مستندات

آن تقدیم شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور شده و بر همین اساس رأی صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب که مستند همه ادعاهای متهمه محترمه و ... است، نقض شده است.

نتایج حاصله از کلیه آزمایشات علمی فوق، بسیار خارق العاده بوده است و از آنجا که طب‌های عرفانی و مکمل (که صد در صد ایرانی هستند) از هیچ‌گونه دارو و معاینه‌ای استفاده نکرده و بطور عمد در مورد کسانی استفاده می‌شود که درمان‌های رایج در مورد آن‌ها مؤثر نبوده است و از طرفی دیگر (بر طبق تعریف) وابسته به شعور و رحمت عام الهی می‌باشد و چون فقط خداوند شافی است (نه شیطان) بنابراین در سطحی گسترده، افرادی که از پزشکی رایج نتیجه‌ای نگرفته‌اند با استفاده از طب‌های مکمل ایرانی فوق به نتایج شگفت‌انگیزی رسیدند که موجب استقبال بسیار زیادی از جانب افراد مختلف اعم از پزشکان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و کادرهای درمانی و اقشار مختلف گردید.

۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه و گزارش قرارگاه ثارالله در خصوص مبانی اندیشه موکل

۴-۴-۱- مبانی اعتقادی موکل بر اساس پروژه نیروی انتظامی: نیروی انتظامی اقدام به انجام مطالعه علمی اجتماعی درباره عرفان حلقه، تحت عنوان یک پروژه نموده که مسئولیت انجام این پروژه به‌عهده یکی از افسران متدین عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی قرار گرفته است مطابق این تحقیق که مدارک و مستندات آن در پرونده موکل در شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور مضبوط است. (پرونده کلاسه دیوان عالی کشور به شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۱۰۶۰۰۰۳۲ و بایگانی به شماره ۹۴۱۰۵۰) آقای محمدعلی طاهری به نظام و انقلاب و ولایت فقیه معتقد و نسبت به آن‌ها متعهد است. مشارالیه دیدگاه‌های خود را با آیت الله العظمی مفتی شیعہ و آیت الله دکتر احمد احمدی عضو شورایی انقلاب فرهنگی و اساتید بسیار دیگری مطرح کرده و مشارالیه‌ها هیچ‌گونه انحرافی را گوشزد و هیچ‌گونه انحرافی را مشاهده نکردند. وی ائمه علیه السلام را علائم الطریق و آن‌ها را بهترین دعوت کننده به پیام آسمانی لا اله الا الله می‌داند. وی فلسفه حجاب را پرهیز از خودنمایی دانسته و انسان بدون شریعت را انسانی سرگشته، بی هدف و در کثرت می‌داند و روح عبادت را مهم‌تر از ظاهر آن می‌داند. طلسم را نوعی تشعشع شعوری منفی تلقی نموده که راه خلاصی از آن استمداد از رحمت الهی است و جن را موجودات غیر ارگانیک و نامرئی می‌داند که می‌توانند در ذهن انسان نفوذ کنند که باید از شر آن با توسل به خداوند خلاص شد و مداخله این موجود در مدیریت ذهن انسان می‌تواند عامل بیماری‌های ذهنی باشد. «الذی یوسوس فی صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ» سوره ناس، آیه ۶ و امام زمان (عج) را منجی عهد آخر می‌داند که ظهور می‌فرماید تا آخرین ناگفته‌ها و اسرار الهی را برای بشر مطرح و بشریت را از جهل و گمراهی و جنگ و ستیز و ... نجات دهد.

اصول عرفان کیهانی (حلقه) عبارت است از:

الف- اصل لا اله الا الله

ب- اصل لا حول ولا قوة الا بالله

ج- اصل ایاک نعبد و ایاک نستعین، فاستقیموا الیه و اجتناب از من دون الله

د- تسلیم در برابر خدا

ه- امامان علیهم السلام علائم طریق هستند که از پیام الهی رمزگشایی می کنند.

۲-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر فاسد بودن آموزه‌های عرفان کیهانی و مردود بودن انتساب انحراف از اصول و فروع دین:

در مورد ادعای خلاف واقع انتشار افکار موهوم گفتنی است، موکل در خلال کلیه مدافعات در پرونده کلاسه متشکله در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب صراحتاً به وحدانیت خداوند، رسالت رسول الله (ص) به عنوان خاتم انبیا، معاد (و معاد جسمانی)، عدالت خداوند و امامت ائمه علیهم السلام و منجی عالم بشریت امام مهدی (عج) اقرار نموده است حضرت آیت الله سیستانی به موجب فتوای مورخ ۹۲/۱۱/۲۶ فرموده‌اند: هر کس شهادتین بگوید صرف نظر از هرگونه انحراف احتمالی مسلمان است.

۳-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر انحراف موکل از خدا شناسی:

مقدمتاً به عرض می‌رساند که موکل به علت کنجکاوی و علاقه بیش از حد نسبت به خدا، آفرینش، هدف از خلقت و ... در دوران کودکی و طفولیت درگیر جذبه شدید باطنی زایدالوصفی گشته که برای ارضای میل درونی خود از نوجوانی و جوانی اقدام به سیر و سلوک انفرادی پنهانی که در دنیای عرفان بسیار معمول و متداول است می‌نماید که در آن به رسیدن به کوی وصل و وصول و پی بردن به ذره‌ای از اسرار خلقت و هستی از خداوند طلب می‌کند، همان‌گونه که با خواندن ادعیه خیلی از افراد از خداوند درخواست می‌کنند که: «سَهِّلْ لِي مَنَاجِحَ الْوَصْلَةِ وَالْوُصُولِ ...» دعای سیفی صغیر، «اللَّهُمَّ اَلْهَمْنَا طَاعَتَكَ ... مطيعين لله» مناجات خمسه عشره و ... در اینمورد کلام نورانی قرآن می‌فرماید «و اسئلو الله من فضله» هر چه می‌خواهید، از فضل خدا بخواهید (نساء، آیه ۳۲) و از طریقی دیگر می‌فرماید «والَّذِينَ يَصِلُونَ مَا اَمَرَاللهُ بِهِ اَنْ يُّوَصَلَ ...» و کسانی که دنبال اتصال هستند به آن چیزی که خداوند به وصل آن امر نموده (رعد ۲۱) و... که در نتیجه به لطف خداوند که فرموده‌اند «دعونی

استجب لکم» (غافر ۶۰) ایشان را اجابت نموده و ذره‌ای هر چند ناچیز از فضل خود را به ایشان عطا می‌کند «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ» (مائده ۵۴) و موفق به کشف و شهود که در همه عرفان‌ها از جمله در عرفان اسلامی و در همه طول تاریخ امری کاملاً معمول و پذیرفته شده می‌باشد، می‌گردد. دامنه این کشف و شهود بسیار گسترده و شامل انسان، روح، جن، درمان و ... بوده و موکل طی چند دهه تحقیق و بررسی و ملاقات با اساتید رشته‌های مختلف عرفان، فلسفه، دین، پزشکی، روان‌شناسی و روان‌پزشکی و ... به حجت قلبی رسیده که یافته‌های او ارزش نظری و عملی داشته و رحمانی می‌باشند. از جمله این ادراکات و شعور، درک مرتبه بی‌نامی و حس وحدت وجود است.

هم‌چنین جناب طاهری در سطر شانزدهم از صفحه دوازده لایحه دست‌نویس (پیوست ششم) می‌گوید: «... یکی از اصول مهم در عرفان حلقه، اجتناب از شبکه منفی (شیطان) و تمایل به شبکه مثبت می‌باشد و شبکه منفی را نیروی مقاوم در سر راه حرکت به سوی کمال معرفی می‌کند. این‌جانب تمایل به شیطان و شیطان پرستی را قویاً تکذیب و عرفان حلقه را نمونه بارزی از میل به توحید ناب و خالص می‌دانم که هیچ خدشه‌ای از این بابت به آن قابل وارد کردن نیست ...»

۴-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر انحراف در قرآن شناسی و تناقض در قرآن: موکل در سطر نهم از صفحه بیست و یکم لایحه دست‌نویسش (پیوست ششم) آورده است: «همه استنادات عرفان حلقه به کلام وحیانی قرآن است ... همان طوری که در بیش از هفتاد مقاله چاپ شده این‌جانب در روزنامه‌ها و سه کتاب چاپ شده و ویژه نامه‌ها و مجلات، هم‌چنین طبق فیلم‌های کلاس‌های موسسه فرهنگی هنری کیهانی عرفان حلقه، این موضوع به خوبی قابل اثبات است. حال چگونه ممکن است جریانی که به استناد قرآن متکی است، از طرف بنیان‌گذار آن مورد اهانت و تمسخر قرار بگیرد؟»

۵-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر نفی وسیله برای ارتباط با خدا و توسل و شفاعت و شرک دانستن زیارت: در این‌جا دو موضوع مطرح است اولاً اعتقاد به عدم نیاز به وسیله برای ارتباط با خدا خلاف عقاید شیعه است؟ ثانیاً آقای طاهری توسل را نفی کرده است؟

اولاً) در پاسخ پرسش اول، باید توجه نمود که این باور که اعتقاد موکل نیز می‌باشد عین توحید و مطابق آیات قرآن کریم و باور شیعه و اعتقاد به نیاز به وسیله، آن گونه که در رأی آمده است نه تنها عقیده شیعه نیست بلکه شرک آشکار است!!! توسل هم نفی ارتباط مستقیم با خدا نیست.

آیات متعدد قرآن گواه این موضوع است: «ایاک نعبد وایاک نستعین» که نیازی به وسیله و واسطه ندارد و تصریح بر درخواست مستقیم است. «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» (زمر آیه ۳) آگاه باش که دین خالص تنها برای خداست و کسانی هم که به جای خدا اولیایی می‌گیرند منطق‌شان این است که ما آن‌ها را بدین منظور می‌پرستیم که قدمی به سوی خدا نزدیک‌مان کنند به درستی که خدا در بین آنان در خصوص آن چه مورد اختلافشان است حکم می‌کند. به درستی خدا کسی را که دروغگو و کفران پیشه است هدایت نمی‌کند.

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ» بگو من تنها بشری هستم مثل شما با این فرق که به من وحی می‌شود که معبود شما معبودی است یکتا پس همه یک صدا به سویش رو کنید و از شرکی که به وی ورزیده‌اید استغفار کنید و وای به حال آنان که شرک می‌ورزند.

اصولاً این مسأله که انسان برای ارتباط با خدا نیازمند وسیله نیست و شرک چیزی جز این نیست که ما قائل به این شویم که برای ارتباط با خدا محتاج وسیله هستیم واضح است و این بحثی غیر از توسل است و هیچ متکلم یا فقیهی در مذهب شیعه نگفته است که برای ارتباط با خدا ملزم به توسل هستیم بلکه توسل، امری مستحبی است. آقای طاهری در سطر هفتم صفحه بیست و دوم لایحه دست نویس در خصوص توسل اشاره کرده «... از آن جا که این جانب شیعه اثنی عشری هستیم، آن چه را که در این مذهب مترقی مرسوم است و نسبت به آن اعتقاد عمیقی وجود دارد مانند شفاعت، توسل، زیارت اماکن متبرکه و اهل قبور و مراسم و مناسک مختلف مذهبی را قبول داشته و دارم. برای نمونه مدتی قبل از دستگیری ام به همراه خانواده، مادرم و مادر همسرم به زیارت مشهد مقدس رفته‌ایم و من به کنار ضریح رفته و بوسه زده‌ام...» (پیوست ششم)

۴-۴-۶- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر جن‌گیری و احضار روح: اولاً موکل در سطر چهاردهم صفحه بیستم لایحه دست نویس اعلام کرده «... هرگز مبحثی تحت عنوان جن‌گیری و یا ارتباط با ارواح در عرفان حلقه وجود نداشته و از زبان من شنیده و یا نوشته نشده است و کذب می‌باشد ... آن چه که باعث شده تا مغرضین با وارونه جلوه دادن قابلیت‌های عرفان حلقه، اقدام به انجام تبلیغات کذب در این زمینه کنند، یکی از نظریه‌های این جانب تحت عنوان موجودات غیرارگانیک

یا ویروس‌های غیرارگانیک و یا ویروس‌های ذهنی می‌باشد که برای اولین بار در تاریخ، تاثیر تداخل این موجودات (جن) در سلامتی ذهنی انسان مورد تحقیق نظری و عملی قرار گرفته و به اثبات رسیده است...»

ثانیاً بر خلاف نظر متهمه محترمه و همکارانشان، در اسلام ورود جن و شیطان به کالبد انسانی ممکن دانسته شده است و در این خصوص آیات و روایات مختلفی وجود دارد از جمله سوره بقره آیه ۲۷۵ که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...» کسانی که ربا می‌خورند روز قیامت بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که در اثر تصرفات شیطان دیوانه گشته است و سوره زخرف آیه ۳۶ که می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» و کسی که از یاد رحمان روی برگرداند شیطانی بر او می‌گماریم که همواره قرینش باشد. بنابر این ارتباط و نفوذ جن بر انسان در اسلام موضوعی پذیرفته شده است.

جناب طاهری در سطر شانزدهم از صفحه دوازده لایحه دست نویس تقدیمی به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب می‌گوید: «... یکی از اصول مهم در عرفان حلقه، اجتناب از شبکه منفی (شیطان) و تمایل به شبکه مثبت می‌باشد و شبکه منفی را نیروی مقاوم در سر راه حرکت به سوی کمال معرفی می‌کند. این جانب تمایل به شیطان و شیطان پرستی را قویاً تکذیب و عرفان حلقه را نمونه بارزی از میل به توحید ناب و خالص می‌دانم که هیچ خدشه‌ای از این بابت به آن قابل وارد کردن نیست...»

ثالثاً در فقه انور شیعه، یکی از مباحث مطرح شده در کتب مکاسب و متاجر، بحث حرمت سحر و حلیت برخی از اقسام آن عندالضروره است. در آنجا از خارج کردن جن از بدن بیمار، نام برده شده است و از آن به عنوان استنزال الجن یا استنزال الشیطان نام برده شده است و نوشته‌های مربوط به آن را به عنوان عزائم معرفی می‌نمایند. بنابر آن چه گفته شد معلوم شد که ارتباط با جن و تأثیر آن بر بدن انسان و امکان سلطه او بر انسان و همچنین امکان خارج کردن او از بدن انسان، در فقه و تاریخ ما سابقه دارد.

۴-۴-۷-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر منع مردم از انجام عبادات ظاهری: آقای طاهری در سطر پایانی از صفحه پنجم لایحه دست نویس خود اعلام کرده است... «اولاً از هفتاد مقاله چاپ شده من در روزنامه‌های مختلف، تعدادی از آن‌ها راجع به نماز، روزه، حج و ... بوده و صدای اذانم را عده کثیری شنیده‌اند. در ماه مبارک رمضان مراسم افطاری داشته ام ... ثانیاً همان طور که قبلاً توضیح داده شد، بدون ظاهر، باطن هم خدشه دار می‌شود...»

آقای طاهری در ادامه در سطر ششم تا یازدهم صفحه ششم لایحه دست نویس ادامه می‌دهد: «... برای یک عرفان نوظهور که مدعی آوردن کشف و شهود و ارائه کیفیات باطنی جدید در حوزه عرفان اسلامی است، این یافته‌ها نمی‌تواند سلبی باشد. برای مثال بگویند نماز نخوانید، در این صورت مورد تمسخر همگان قرار خواهد گرفت. زیرا به این شکل حرف نویی را مطرح نکرده و برای کسی ثمری به بار نیاورده و کشف و شهودی محسوب نمی‌شود... اما اگر توانست به نوعی در مردم نسبت به عبادات کشش و جاذبه‌ای ایجاد نماید، این در خور توجه است و مورد استقبال قرار خواهد گرفت و این همان کاری است که من به وسیله عرفان حلقه انجام داده‌ام و شاگردان موسسه ضمن انجام عبادات ظاهری از نظر ارتقای انگیزه عبادات و هم از نظر ادراک مقیم شدن در نماز به تجربه‌ای کاملاً نو و منحصر به فرد دست یافته‌اند...» وی در سطر یازدهم صفحه بیست و دوم لایحه دست نویس‌اش نیز اشاره کرده «... در مقاله آئینه عاشورا که در بسیاری از روزنامه‌ها منتشر شد، به درس ظلم ستیزی امام حسین (ع) اشاره نموده و مهر نمازم را خاطر نشان کرده‌ام که بیعت مرا با آن امام بزرگوار یادآوری می‌کند...» (پیوست ششم)

۸-۴-۴- پاسخ به ادعاهای متهمه محترمه خانم صغری میرزاییان قهرود و گزارش معاونت محترم ثارالله دایر بر گمراه کردن مردم و انحراف در دین: موکل در سطر نوزدهم صفحه هفتم لایحه دست نویس خطاب به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اظهار کرده‌اند: «در مورد این که ادعا می‌شود باعث گمراهی دیگران شده‌ام (که همان اتهام تاریخی سقراط می‌باشد)، ادعایی پوچ، موهوم و پاپوش است... زیرا همه شرکت‌کنندگان در کلاس‌های موسسه و ... همگی عاقل و بالغ بوده و با میل و رغبت خود در کلاس حضور یافته و خود ایشان چنین ادعایی را ندارند و رضایت نامه پایان دوره را نیز به موسسه تحویل داده‌اند...»

در مورد ادعای برخی مبنی بر منکر معاد جسمانی بودن موکل نیز در سطر بیست و سوم، صفحه چهاردهم لایحه دست نویس اشاره کرده است: «... این جانب نه تنها معاد جسمانی را قبول داشته و دارم، بلکه در اثبات آن نظریه‌هایی را نیز ارائه داده‌ام. از جمله این که در زندگی بعدی (برزخ) که روح فاقد جسمیت و مکان است، از این‌رو برزخ در لامکانی جریان دارد و پس از آن با مدیده شدن در صور اسرافیل، با مرگ همه، زمان نیز به یک باره حذف می‌شود در نتیجه همه انسان‌ها که در ادوار مختلف زیسته و مرگ را چشیده‌اند و زمان آن‌ها را دچار تقدم و تاخر کرده بود، با کنار رفتن زمان پرده بین آن‌ها (که عامل زمان آن را ایجاد کرده بود) برداشته می‌شود و همه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و تقدم و تاخر از بین می‌رود.»

وی در سطر پانزدهم از صفحه بیست و یکم لایحه دست‌نویسش اعلام می‌دارد: «... امام عصر به منزله استاد دوره دکتری بشریت که بشر را از جهل و نادانی نجات خواهد داد و درهای آسمان‌های خرد و دانایی و حکمت را به

روی انسان می‌گشاید و ... حال چگونه امکان دارد با وجود این همه دلایل و مدارک که به وضوح اعتقاد این جانب را به عنوان بنیان‌گذار جریان معرفت جوی عرفان حلقه را نسبت به مقبولیت، تقدس و احترام موضوعات عبادی، ائمه علیهم السلام، مهدویت، حجاب و ... را به اثبات می‌رساند، شک و شبهه‌ای وجود داشته باشد و دچار دوگانگی فکری باشم. لذا اتهام‌های توهین به ائمه علیهم السلام و قبول نداشتن آن‌ها و نقش معصومین، قبول نداشتن مهدویت، حجاب و ... نیز جز دروغ، افتراء و پاپوش امنیتی، چیز دیگری نمی‌تواند باشد و قویاً آن را تکذیب می‌کنم.» (پیوست ششم)

ضمناً موکل در مقاله نقش ابلیس، می‌گوید: «پس تبعیت نکردن از فرمان سجده به ظاهر نافرمانی است و اگر نافرمانی نبود تضادی هم نبود اما در عین حال، فرمانبرداری است چون خداوند آن را از پیش تعیین کرده است خداوند با امر به این که ابلیس جز بر او سجده نکند نقش موحدی را به او می‌دهد که برای انجام مأموریت خود از جهان تک قطبی (بارگاه الهی) رانده می‌شود و در عین حال این درس را به جا می‌گذارد که تکبر و نافرمانی از خداوند، نتیجه‌ای جز دوری از درگاه او ندارد.»

آیت الله جوادی آملی در کتاب عرفان و حماسه می‌گوید: «هرگز عارف نمی‌گوید شیطان نباید باشد بلکه می‌گوید: در مجموعه نظام هستی شیطان هم چیز خوبی است و باید باشد، زیرا هر کس به هر مقامی رسید از برکت جنگ با شیطان رسید. اگر شیطان خلق نمی‌شد و سوسه‌ای نمی‌بود و جنگ درونی وجود نمی‌داشت. هم‌چنین ابن جوزی در کتاب القصاص و المذکرین ج ۱ ص ۸۶ می‌گوید «کسی که ابلیس را موحد نداند کافر است» احمد غزالی در کتاب سوانح ص ۴۹ عین همین نظر را به تفصیل بیان کرده است.

بنابراین عبارت تنها موحد بودن، به لحاظ این که بخشی از کلام ایشان قطع شده است باعث برداشت اشتباه شده است. منظور موکل این نبوده که فقط شیطان در عالم هستی موحد است چون این اساساً با هیچ استدلالی قابل پذیرش نیست و با باورها و نوشته‌های ایشان هم سازگاری ندارد. ایشان در آن صحبتی که می‌کرده‌اند در توصیف ابتدای خلقت آدم و حضور ملائکه و ابلیس گفته‌اند که ابلیس، فقط یک موحد بوده است که بر آدم سجده نکرده است و منظور ایشان انحصار در ابلیس نبوده است.

۵- نتیجه‌گیری:

عالی‌جناب محترم مستحضرنند که انتشار و اشاعه با سوء نیت اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی، نشر اکاذیب به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، مقصود از اشاعه

اکاذیب آن است که مرتکب مطالب و کارهایی را که می داند حقیقت ندارد، عالماً و عامداً علیه شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی شایع و اظهار کند.

حرمت شرعی بهتان و کذب و به طریق اولی اشاعه و نشر مطالب کذب از مسلمات فقه بوده و روایات متواتری بر آن دلالت دارد. در فقیهان برجسته‌ای مانند محمد حسن حر عاملی در کتاب سترگ وسایل الشیعه باب تحریم الکذب فی الصغیر و الکبیر باب تحریم تهمه المومن باب تحریم البهتان علی المومن و المومنه از روایات مربوط به حرمت ایدای مومن و حرمت استخفاف مومن و اذلال مومن یاد کرده‌اند که جملگی دلالت بر حرمت نشر اکاذیب دارند.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، آیت الله العظمی امام خمینی قدس الله نفسه زکیه در مکتوب عارفانه اش به یادگار برومندشان حاج سید احمد خمینی قدس سره که به نام نقطه عطف انتشار یافته است فرموده‌اند: «پسرم! گاهی می‌بینم از تهمت‌های ناروا و شایعه پراکنی‌های دروغین اظهارناراحتی و نگرانی می‌کنی. اولاً باید بگویم تا زنده هستی و حرکت می‌کنی و تو را منشاء تأثیری بدانند، انتقاد و تهمت و شایعه سازی علیه تو، اجتناب ناپذیر است. عقده‌ها زیاد و توقعات، روزافزون و حسادت‌ها، فراوان است. آن کس که فعالیت دارد گرچه صد در صد برای خدا باشد از گزند بدخواهان نمی‌تواند به دور باشد. من خود یک عالم بزرگوار متقی را که تا به ریاست جزئی نرسیده بود برای او جزخیر به حسب نوع نمی‌گفتند و تقریباً مورد تسالم اهل علم و دیگران بود به مجرد آن که توجه نفوس به او جلب شد و شاخصیتی دنیاوی، ولو ناچیز، نسبت به مقامش پیدا کرد، مورد تهمت و اذیت شد و حسادت‌ها و عقده‌ها به جوش آمد و تا در قید حیات بود این مسایل نیز بود ... آن چه می‌بینی همه ما و مثل ما بدان مبتلاست و آن چه باعث خوف من و تو از شایعه‌ها و دروغ پراکنی‌ها است و خوف از مرگ و رهایی از طبیعت و افکندن خرقة نیز از این قبیل است که باید از آن انقضاء نمود ... دوستانی هستند که بادوستی خود به ما دشمنی می‌کنند و آنان که می‌پندارند با عیب گوئی و فحاشی و شایعه سازی به ما دشمنی می‌کنند دشمنانی هستند که با عمل خود ما را اگر لایق باشیم اصلاح می‌کنند و در صورت دشمنی به ما دوستی می‌نمایند.»

عالی‌جناب محترم مستحضرنند که خداوند در سوره بقره آیه ۸۳ می‌فرماید: «قولوا للناس حسناً...» هم‌چنین بر این نکته آگاهند که با جمع بودن سه عنصر وجود بیانی موهن (عبارتی که به حیثیت خواهان آسیب زند یا او را در معرض تنفر و انزجار عمومی قرار دهد و معیار موهن بودن آن، بیان قضاوت «یک خواننده یا بیننده عادی، متعارف و منصف» است) و نیز انتشار بیان موهن و علم به وهن آور بودن، جرم توهین محقق می‌شود.

ریاست محترم دادگاه مستحضرند، افتراء در دین اسلام، امری ناپسند است. خداوند متعال در کتاب آسمانی قرآن آیه ۵۸ سوره احزاب، می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمنه را به‌غیر چیزی که مرتکب شده‌اند آزار کنند، بهتان و گناه آشکاری را بر دوش کشیده‌اند.» هم‌چنین در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمانها، در حق همدیگر اجتناب کنید، که برخی از گمانها گناه است. در جلد چهارم اصول کافی صفحه ۶۶ باب التهمه نیز از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ إِخَاهَ الْأَيْمَانِ مِنَ الْقَلْبِ كَمَا يَنْمِثُ الْمَلْحَ فِي الْمَاءِ» هرگاه مؤمن به برادر خود تهمت زند، ایمان در دل او همانند نمک در آب ذوب شده و از بین می‌رود.

با توجه به مراتب فوق و به استناد ماده ۳۴۱ قانون ا.د.ک هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک‌ماه، پرونده را بررسی و چنان‌چه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. هم‌چنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادرسی مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند. در مورد اخیر و هم‌چنین در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد. هم‌چنین مستنبط از مفاد ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام می‌دهد. و توجهاً به ماده ۲۷۴ قانون مذکور که مقرر می‌دارد «دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادرسی کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادرسی بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقص تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد.»

ضمن استدعای نقض قرار منع تعقیب صادره، اجابت موارد زیر مستدعی است:

الف) تکمیل «تحقیقات مقدماتی» در خصوص موضوع شکایت وفق ماده ۲۷۴ ق.آ.د.ک.

ب) صدور دستور جلب به دادرسی مشتکی عنهم با توجه به انطباق اتهامات موضوع شکواییه با مواد ۶۹۷، ۶۹۸ و ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی و نیز ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸

پ) ارجاع امر به کارشناسان متخصص پزشکی قانونی در خصوص ادعاهای متهمه دایر بر منسوب کردن بیماری مهسا به آموزه‌های موکل.

چ) دستور به صدور «قرار تأمین خواسته» جهت «تأمین ضرر و زیان» معنوی و مادی برخاسته از جرم.

ر) ابلاغ کلیه اوراق قضایی به اقامتگاه این جانب.

ی) مطالبه و مطالعه پرونده کلاسه. (پرونده کلاسه شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور به شماره بایگانی ۹۴۱۰۵۰ و شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۱۰۶۰۰۰۳۲) که مشعر بر نقض رأی صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب است (رای شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب مهمترین استناد و توجیه عملکرد متهمین محترم است).

هم‌چنین مطالبه و مطالعه پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ (بایگانی ۹۱۰۱۱۶) شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۳ شهید مقدس تهران که مشعر بر صدور قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ موکل از اتهامات اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و ارتداد و سب النبی است.

سید محمد زمان دریاباری

دادنامه شعبه ۱۰۵۷ کیفری دو ۱۳۹۶/۱/۲۰

تاریخ تنظیم ۱۳۹۶/۰۱/۲۰

شماره دادنامه: ۹۶۰۹۹۷۰۲۳۰۹۰۰۰۱۱

شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۵۰۶

شماره پرونده: ۹۵۰۹۹۸۲۶۸۷۴۰۰۲۴۷

دادنامه

تاریخ رسیدگی: ۹۶/۱/۱۹ شماره پرونده ۹۵۰۹۹۸۲۶۸۷۴۰۰۲۴۷ شماره بایگانی ۱۰۵۷/۹۵۰۵۰۶/۲ شماره دادنامه: ۹۶۰۹۹۷۰۲۳۰۹۰۰۰۱۱

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۵۷ دادگاه کیفری ۲ تهران ویژه رسیدگی به جرایم کارکنان دولت

خواهان: آقای محمدعلی طاهری فرزند محمد آقا با وکالت آقای سید محمد زمان دریاباری فرزند سید صدر خوانده: ۱- کانال تلگرامی آشنایی با فرقه‌های نوظهور به مدیریت سید محمدرضا طباطبایی ۲- خبرگزاری رسا با مدیریت محمد مهدی محققى و روح الله عباس پور

اتهام‌ها: خواسته: اعتراض به قرار

گردشکار: پس از ارجاع پرونده به این دادگاه و وصول به شعبه به کلاسه فوق ثبت و پس از جری تشریفات قانونی دادگاه در وقت مقرر فوق العاده به تصدی امضاءکننده ذیل تشکیل است با بررسی پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید.

رای دادگاه

در خصوص اعتراض آقای سید محمد زمان دریاباری به وکالت از آقای محمدعلی طاهری نسبت به قرار منع تعقیب شماره ۹۵۰۹۹۷۲۶۸۷۴۰۰۴۱۱ صادره از شعبه چهارم بازپرسی دادرسی فرهنگ و رسانه درباره پایگاه اطلاع رسانی فرقه نیوز و خبرگزاری رسا، آقای سید محمدرضا طباطبایی، فاطمه میرزاییان دایر بر نشر اکاذیب، افترا، توهین، هتک حرمت و هجو دادگاه با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده و پیرو تصمیم مورخ ۹۵/۹/۷ و پاسخ واصله از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به شماره ۱۸۵۹۳/۹۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۰ ملاحظه می گردد قرار معترض عنه مطابق موازین قانونی صادر و از طرفی از جانب وکیل معترض نیز دلیل و مدرک موجه و مدلی که موجبات نقض قرار موصوف را ایجاب نماید به دادگاه ارائه نگردید علی هذا با توجه به مراتب فوق ضمن رد اعتراض معترض قرار معترض عنه را تایید و ابرام می نماید رأی صادره در راستای ماده ۲۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری قطعی می باشد.


بخش دوم: مکاتبات و شکایات به مقامات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت محترم حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

یا سلام و شاد رحمتی خیر

ایشان بنام محمد علی طاهری که بر اساس نظریه تمام عظیم رهبری مبنی بر تشکیل کرسی های آزاداندیشی ، نظریات
درمانی خود را که مبین بر روش های عمرانی استوار شده بود در دانشگاه تهران ، علوم پزشکی ایران ، پیرساری
و ... طرح و ارائه نمودم همچنین در دانشگاه طب سنتی ارمنستان و در سبب مورد توجه کنگره کتیری (از پژوهشگاه
حوزه های مختلف ایم از پزشکی ، روان پزشکی ، معنای ، فلسف و ... قرار گرفت و در این راستا در دولت اصول گرا
نخستین های از نظریاتم را در کتاب کتاب (سه جلد) به وزارت ارشاد اسلامی ارائه نموده و مجوز انتشار در ریاست محترم
که در حیات های معتقد و مبارک بالا عرضه شده و با استقبال مواجه گردیده از طرف دیگر فعالیت های حوزه کرسی های
کارگاه انجمنی اندام به تأسیس موسسه پژوهش هنری غزالی کهین (حلقه) و انجام حیانت و مشورت و شرکت ماسی در
حوزه های مربوطه نمودم و قصد اینهاست خیر نداشتند و اکنون پس از گذشت مدت شش سال و نیم از دستگیری
نوده (از ۲۹ ، ۸۹) و صحن مصائب و مشکلات بسیار زیاد و سلاسی شدن کانون خانواده ام و ... با توجه به محرم مایل
و کوشش را نگه دارم به ادامه این مسیر و امیدم اگر سبباً استیلاهی فرخنده باشد از نگاه خداوند تعالی طب محترم بخشش من تمام
یا تبتدیه احترامی را در روی توفیق الهی


محمد علی طاهری
۱۳۹۹ - ۹۵۹

نامه به حضرت آیت الله مکارم شیرازی ۱۳۹۵/۹/۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

با سلام و نثار دعای خیر، این جانب محمدعلی طاهری که بر اساس نظریه مقام معظم رهبری مبنی بر تشکیل کرسی‌های آزاد اندیشی، نظریات درمانی خود را مبتنی بر روش‌های عرفانی استوار شده بود در دانشگاه تهران، علوم پزشکی ایران، پرستاری و ... طرح و ارائه نمودم هم‌چنین در دانشگاه طب سنتی ارمنستان و در نتیجه مورد توجه تعداد کثیری از پژوهشگران حوزه‌های مختلف اعم از پزشکی، روان‌پزشکی، عرفانی، فلسفی و ... قرار گرفت. در این راستا در دولت اصول‌گرا، بخش‌هایی از نظریاتم را در قالب کتاب (سه جلد) به وزارت ارشاد اسلامی ارائه نموده و مجوز انتشار دریافت نمودم که در چاپ‌های متعدد و تیراژ بالا عرضه شده و با استقبال مواجه گردید. از طرف دیگر فعالیت‌های حوزه کرسی‌های آزاد اندیشی اقدام به تاسیس مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی (حلقه) و انجام مباحثات و مشورت و تشریک مساعی در حوزه‌های مربوطه نمودم و قصد این‌جانب جز نیت خیر نداشته و اکنون پس از گذشت مدت شش سال ونیم از دستگیری بنده (از ۱۳۸۹/۱/۲۹) و تحمل مصائب و مشکلات بسیار زیاد و متلاشی شدن کانون خانواده‌ام و ... با توجه به عدم تمایل و گرایش و انگیزه به ادامه این مسیر و این که اگر سهواً اشتباهی رخ داده باشد از پیشگاه خداوند متعال طلب عفو و بخشش می‌نمایم.

با تقدیم احترام و آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

۱۳۹۵/۹/۱۳

خلافت اطلاعات محترم قوه قضائیه

یا سلام و تشریفاتی شیر

استیلا، شکریه خور است به شکر نیا فانی، غیر شرعی و ناسازی که در قوه قضائیه نیست به پیروان که مددگاری معتبر و مؤثری علیه متهمین استیلا - استیلا و جود ندارد، ولی کارشما استیلا بر رویه (که خود نیز پیرو فوظهر، شگفت وین سابقان در امر قضاوت در نمایان باشند به هر عملی مایل به مکرر کردن سهم می باشند، نگارنده سید، تقدیم سید (حکومت ارجاع این شکایات به خلافت اطلاعات محترم، عدم رسیدگی به شکایات من از سال ۹۰ تاکنون در سطح عملی تقدیر مکتوب من باشد). شکایات انبلیب بعنوان تریانی چنین شکایتی شرح ذیل می باشد:

۱- استیلا از هر چه می باشد، در مردم، کذب و تلمیذ و بکار بردن مجرایه قبل از اثبات در دادگاه: از طریق زدن هر چه در زمین و بیرون استیلا لافروزی « و لا فرقه خاله» به مردم فرستادن خبری (غوازه گریه حلقه) تا فزونی انبلیب گنجه است ۱۱۵۰ (موضوع فعالیت موسسه و خدمات پژوهشی، مطالعه ای نیست ماه تخصصی...، فعالیت های آموزشی شامل تکرار علوم اسلامی و یادگیری زبان و... فعالیت های گروهی شامل... آموزش درون کرمان و نلفه به منظور شناسایی روشنگر و فعالان اولین پلاسما و هر گونه فعالیت فرسنگی و ضروری که در راستای اهداف و منابع موسسه باشد. ایجاد مرکز و نمایندگی در سایر نقاط کشور، برقراری ارتباط با مراکز روشنگر و پژوهشی داخل و بین المللی، انجام کلیه سبالت فرسنگی و... و همچنین به افرادی که بصورت قانونی یا غیر قانونی ثبت نام، دریافت شهریه و ارائه خدمات و شرکتی شناسایی و فعالیت ملی در دوره های آن شرکت کرده اند (و کتب قانونی انبلیب که توسط ناشرین از وزارت محترم ارائه گردید و چاپ و منتشر شده اند ندیده ام) و نلفه هر چه « مکرر قوه» به من، بعنوان مدیر این موسسه و اولاد من انجام کلیات و گرفتن اسلام های جهت دار خلاف واقع، دست کردن بلیت های مجانی و... با استفاده از این هر چه های موسسه، قبل از دستگیری و یا حتی قبل از اینکه چنین اتهاماتی به من تهمین شده و در دادگاه به اثبات برسد و از کتاب جبهه از نظر قانونی چرکز کرد. در واقع دستگیری و اولاد من بازداشت صورت آنهم به مدت چندین سال صرفاً با سوءاستفاده از همین هر چه های ساختگی و هر چه صورت گرفته است.

۲- از دادگاه استیلا به نام انبلیب با طرح فریاد کذب که در هیچ دادگاهی به اثبات نرسیده به محضر مراجع محترم تسلیم آنگاه که اعلام شد که این عملی گریه و صافی گنجه (گنجه) و گرفتن نام این اشخاص بر اساس این استیلا، متقلبانه رهس اقدام به سوءاستفاده های آزارنده بشیر محض می:

- اقدام به بازداشت صورت من با استیلا به این شکلها.
- جایگزینی کردن این شکلها با آنچه من می دانم، صبر و صافی یا ترمه من از مراجع تسلیم منج هر صوره حکم اعلام از سوی آنها برای من به اتهام (تلمیذ سب البلی) و اما در این لاف و... و متناً حضور من اعلام منظور اعمال شمار و گرفتن آمار و راهبریات زوری و کتب شده و...
- حرف کتابهای قانونی انبلیب که توسط چهار ناشر با اخذ مجوز قانونی از وزارت محترم ارشاد به دفعات متعدد چاپ و منتشر شده اند بعنوان کتب ضاله با استیلا به این شکلها (بدون اینکه مراجع محترم فوق الذکر حتی کتابهای مرادیده باشند) و بدون آنکه فریاد من مطلع شده داستا در دادگاه به اثبات نرسیده باشد و اقدام من آتش زدن کلبه کتب، عملات تحقیقاتی و کوششات مربوطه و... که به صفا دستگیری من از موسسه، انبلیب موسسه و وزارت و... جمع آورده شده و بزرگ داستا به این متلم و قبل از خاتمه دلوری (منظور جایگزینی کردن آنها با نمونه های جعلی خود) توسط شما شناسایی است.
- ساختن ریش نایم (حلقه شکلی) از رسانه ملی و سایر رسانه ها به دفعات در جهت نشر اکذیب، کوشش و صفا ضاله ضاله کتب فوق الذکر را استیلا به شکلها و صافه منج بر استیلا کذب متقلبانه و... بدون اینکه در دادگاه به اثبات نرسیده باشد.

۳- نشر اکذیب، کوشش از زمان صومعه، تور و شخصیت، مددگاری، سند سازی و... از طریق چاپ و انتشار در جلد کتاب، جمله، صومعه ضاله و الزامه طلب کذب، جعلی، کوشش شده و... تهیه و ساختن چندین نایم و کلیپ و... و... آنگاه از رسانه ملی و سایر رسانه ها، ده ها برنامه، رادیو، مکرر می

شکایت به حفاظت اطلاعات قوه قضاییه ۱۳۹۶/۴/۳

بسمه تعالی

حفاظت اطلاعات محترم قوه قضاییه

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً شکواییه خود را نسبت به شگرد غیرقانونی، غیرشرعی و نامتعارفی که در قوه قضاییه نسبت به پرونده‌هایی که مدارک معتبر و موثری علیه متهمین سیاسی - امنیتی وجود ندارد، ولی کارشناس امنیتی پرونده (که خود نیز پدیده نوظهور، شگرف و بی‌سابقه‌ای در امر قضاوت در دنیا می‌باشند) به هر علتی مایل به محکوم کردن متهم می‌باشند، به کار برده می‌شود، تقدیم می‌دارد (علت ارجاع این شکایت به حفاظت اطلاعات محترم، عدم رسیدگی به شکایات من از سال ۹۰ تا کنون به واسطه اعمال نفوذ مرتکبین می‌باشد). شکایت این جانب به‌عنوان قربانی چنین شگردی به شرح ذیل می‌باشد:

۱- استفاده از برچسب‌های معمول، موهوم، کذب و ناروا و عناوین مجرمانه قبل از اثبات در دادگاه: از طریق زدن برچسب دروغین و پاپوش امنیتی «فرقه» و «فرقه ضاله» به مؤسسه فرهنگی هنری (عرفان کیهانی حلقه) قانونی این جانب به شماره ثبت ۲۰۱۱۵ (موضوع فعالیت مؤسسه: خدمات پژوهشی، مطالعه‌ای، نشست‌های تخصصی و فعالیت‌های آموزشی شامل قرآن و علوم اسلامی، ایجاد مدرسه عرفان و ... فعالیت‌های گروهی شامل آموزش دروس عرفان و فلسفه به‌منظور شناسایی فرهنگ و هنر اصیل ایرانی و اسلامی و هرگونه فعالیت فرهنگی

و هنری که در راستای اهداف و منافع مؤسسه باشد. ایجاد مراکز و نمایندگی در سایر نقاط کشور، برقراری ارتباط با مراکز فرهنگی و پژوهشی داخلی و بین‌المللی، انجام کلیه مبادلات فرهنگی. دریافت مجوز قانونی از وزارت محترم ارشاد برای کتب این‌جانب توسط ناشرین برای چاپ و نشر و تدریس آن‌ها) هم‌چنین برچسب زدن به افرادی که به‌صورت قانونی با پرکردن فرم ثبت نام، پرداخت شهریه و ارائه عکس و فتوکپی شناسنامه و کارت ملی در دوره‌های آن شرکت کرده‌اند و زدن برچسب «سرکرده فرقه» به من، به‌عنوان مدیر این مؤسسه و اقدام به انجام مکاتبات و گرفتن استعلام‌های جهت دار خلاف واقع، درست کردن بولتن‌های محرمانه و ... با استفاده از این برچسب‌های موهوم، قبل از دستگیری و یا حتی قبل از این که چنین اتهاماتی به من تفهیم شده و در دادگاهی به اثبات برسد و ارتکاب جرمی از نظر قانونی، محرز گردد. در واقع دستگیری و اقدام به بازداشت موقت آن هم به مدت چندین سال صرفاً با سوءاستفاده از همین برچسب‌های ساختگی و موهومی صورت گرفته است.

۲- ارائه استفتای متقلبان به نام این‌جانب با طرح فرضیات کذب که در هیچ دادگاهی به اثبات نرسیده به محضر مراجع محترم تقلید (آقایان مکارم شیرازی، علوی گرگانی و صافی گلپایگانی) و گرفتن فتاوی ایشان بر اساس این استفتای متقلبان و سپس اقدام به سوء استفاده‌هایی از آن به شرح مختصر زیر:

- اقدام به بازداشت موقت من با استناد به این فتاوا

- جایگزین کردن این فتاوا با پانزده فتوای جعلی دیگر به نام، مهر و امضای پانزده تن از مراجع تقلید مبنی بر صدور حکم اعدام از سوی آن‌ها برای من به اتهام ارتداد، سابّ النبی (ص)، «افساد فی الارض» و ... و متعاقباً صحنه‌سازی اعدام به‌منظور اعمال فشار و گرفتن اقرار و اعترافات زوری دیکته شده و ...

- معرفی کتاب‌های قانونی این‌جانب که توسط چهار ناشر با اخذ مجوز قانونی از وزارت محترم ارشاد به دفعات متعدد چاپ و منتشر شده‌اند به‌عنوان کتب ضاله با استناد به این فتاوا، بدون این که مراجع محترم فوق‌الذکر حتی کتاب‌های مرا دیده باشند و بدون آن که فرضیات مطرح شده در استفتاء در دادگاهی به اثبات رسیده باشد و اقدام به آتش زدن کلیه کتب، مجلات تحقیقاتی و گزارشات مربوطه و ... که به هنگام دستگیری من، از مؤسسه، انبارهای مؤسسه، دفاتر و ... جمع‌آوری شده بودند با استناد به این فتاوا و قبل از خاتمه دادرسی (به‌منظور جایگزین کردن آن‌ها با نمونه‌های جعلی خود) توسط کارشناسان امنیتی.

- ساخت و پخش فیلم (حلقه شیطان) از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها به دفعات در جهت نشر اکاذیب، ترور شخصیتی، ضاله خواندن کتب فوق‌الذکر با استناد به فتوای صادره مبتنی بر استفتای کذب متقلبان و ... بدون این که در دادگاهی به اثبات رسیده باشد.

۳- نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، ترور شخصیتی، مدرک‌سازی و سندسازی:

از طریق چاپ و انتشار ده‌ها جلد کتاب، مجله، صدها مقاله با ارائه مطالب کذب، جعلی، تحریف شده و ... تهیه و ساخت چندین فیلم و کلیپ و پخش آن‌ها از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها، ده‌ها برنامه رادیویی، برگزاری ده‌ها همایش و ... قبل از آن که ادعاهای کذب به عمل آمده و مطالب خلاف واقع و افترا آمیز مطرح شده در آن‌ها در دادگاهی به اثبات رسیده باشد که این عمل طبق فتاوی‌های هفت تن از مراجع عظام تقلید در بهمن ماه ۹۵ فعل حرام محسوب می‌شود. (ضمیمه)

۴- مدرک‌سازی، نشر اکاذیب و ترور شخصیتی: از طریق انتشار مطالب کذب و موهومی که به‌طور عمد در کیفرخواست مطرح شده در قالب انتشار یک جلد کتاب (به نام حلقه اسارت) با این ادعای دروغین که کتاب فوق حاصل هماهنگی و مصاحبه خبرنگاران «خبرگزاری رسا» با من به‌عنوان متهم (در حالی که هیچ خبرنگاری در خلال این سال‌ها، هرگز با من مصاحبه نکرده است) و کارشناس پرونده به‌عنوان مطلع که در نتیجه با این شگرد، مطالب و ادعاهای دروغین و افترا آمیز مطرح شده در کیفرخواست به اضافه کلی مطالب خلاف واقع و کذب دیگر را در این کتاب به‌عنوان یک کار تحقیقاتی کارشناسی مستند شده، ضمن نشر اکاذیب و ترور شخصیتی این‌جانب در افکار عمومی، مدرک و سندسازی نموده و ضمیمه پرونده کرده‌اند تا جبران نبود دلایل و مدارک معتبر و قانونی را در پرونده نموده و پوشش دهند.

لازم به ذکر است که:

اولاً اقدامات فوق در شرایطی صورت گرفته که هیچ‌گونه امکانی برای دفاع در قبال اعمال مجرمانه فوق به این‌جانب داده نشده است.

ثانیاً کلیه موارد و اقدامات فوق، به‌عنوان مدارک مستند کارشناسی شده و تحقیقاتی، ضمیمه پرونده شده‌اند که در واقع استنادات و مدارک اثباتی کیفرخواست محسوب می‌شوند، در حالی که خود این مدارک به‌ظاهر مستند در هیچ دادگاهی به اثبات نرسیده و متأسفانه دادگاه رسیدگی کننده به پرونده نیز بدون توجه به این موضوع نیز تا کنون این اسناد و مدارک مجعول و ساختگی را پذیرش و ضمیمه پرونده نموده است.

۵- دخل و تصرف در دفاعیات و ... (عدم ارائه دفاعیات و جوابیه به دادگاه یا وکلا، برداشتن مدارک مرتبط به دفاعیات و ضمیمه نمودن مدارک، کتب، جزوات جعلی به پرونده، بهم ریختن چیدمان پرونده و جابجایی در آن، اضافه و کم کردن مدارک به آن و ...)

بنابراین، با عنایت به توضیحات اجمالی فوق، خواهشمند است در اسرع وقت به موارد زیر رسیدگی قانونی به عمل آید:

- شکایت نسبت به طرح استفتای متقالبانه بر علیه این جانب.
- شکایت نسبت به منحل کردن غیرقانونی مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه بدون اثبات هرگونه جرمی نسبت به آن و عدم رسیدگی به اعاده دادرسی مربوطه.
- شکایت نسبت به آتش زدن کتب قانونی و ... تالیفی این جانب قبل از اثبات جرم در دادگاه و قبل از خاتمه دادرسی.
- شکایت نسبت به عدم ارائه ۲۵۰ برگ از دفاعیات این جانب به دادگاه از سال ۹۲ تا کنون و مفقود شدن آن. (بقیه دفاعیات نیز از طریق شکایت پس گرفته شده)
- شکایت نسبت به عوامل نشر اکاذیب، ترور شخصیتی و ... از طرق ذکر شده.
- شکایت نسبت به نگهداری طولانی مدت در بازداشت موقت (حدود شش سال و نیم) در بازداشتگاه (۲- الف) و در شرایط قرنطینه به منظور جلوگیری از دفاع از خود در مقابل شگردها و هجمه‌های فوق الذکر (و محروم از حقوق زندانیان)
- شکایت نسبت به پرونده‌سازی، تهدید و تعدی مکرر به همسرم به منظور محدود کردن ایشان در ارائه شکایات من و پی گیری آنها (هم‌چنین پاپوش‌سازی و حبس)
- رسیدگی به شکایات قبلی من (از سال ۹۰ تا کنون) نسبت به جرایم ارتكابی بازپرس اسدی، کارشناسان امنیتی و ... در مورد اعمال فشار، تهدید، شکنجه و ...

با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

۱۳۹۶/۴/۳

شکایت به دادیار ناظر زندان اوین ۱۳۹۶/۴/۱۱

بسمه تعالی

دادیار محترم ناظر بر زندان اوین، جناب آقای رستمی

با سلام و نثار دعای خیر، احتمالاً ضمن اعلام شکایت نسبت به انتقال غیرقانونی این جانب به زندان عمومی تهران بزرگ و صدور قرار بازداشت موقت غیرقانونی مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۱ که بنا به دستور کتبی و مهر امضای جناب عالی و با سفارش کارشناس امنیتی پرونده آقای «محمدحسین صدرا علوی» به اتهام ارتداد و سبب النبی صورت گرفته با توجه و یادآوری به این که:

اولاً: صدور قرار بازداشت موقت با استناد به قرار بازداشت موقت صادره شعبه پنجم دادرسی شهید مقدس (آقای اسدی) مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۴ به اتهام سبب النبی که قرار منع تعقیب اتهام فوق به علت عدم وجود هر گونه مدرک معتبری جهت ارائه به دیوان عالی محترم کشور از سوی شعبه سوم دادرسی شهید مقدس در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ صادر و با تأیید دادستان محترم، آقای امین ناصری، قطعیت یافته در رأی سال ۹۶ دیوان عالی نیز به آن اذعان و تأکید شده است. (توضیح این که به علت ارائه شکایت نسبت به جرائم ارتكابی بازپرس شعبه پنجم، آقای اسدی، پرونده اتهام فوق در سال ۹۳ به شعبه سوم، آقای حسینی، واگذار شده که در این شعبه منع تعقیب آن و چندین اتهام دیگر صادر و پرونده مختومه شده است.)

ثانیاً: نزدیک‌ترین زندان عمومی به محل سکونت این‌جانب به‌منظور انتقال از بازداشتگاه ۲-الف اوین، زندان عمومی اوین بوده است (برطبق آیین‌نامه دادرسی) اما با هدف «اعمال سوء قصد» به این‌جانب با استناد به چند فقره اقدامات صورت گرفته در گذشته از جمله اقدام به شروع «قتل عمد» با سوء استفاده تخطی و انحراف از قانون و انحراف از قانون از طریق صدور دو بار حکم غیرقانونی اعدام و سایر جرایم ارتكابی در مورد من (طبق شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون) به زندان عمومی تهران بزرگ منتقل شده‌ام.

ثالثاً: نقض آیین‌نامه دادرسی به‌واسطه قرار دادن این‌جانب به‌عنوان متهم در کنار محکومین

رابعاً: نقض آیین‌نامه دادرسی به‌واسطه عدم رعایت تفکیک نوع اتهام در حبس این‌جانب در کنار سایر محکومین. خامساً: عدم تحویل البسه، موجودی نقدی، وسایل و لوازم شخصی این‌جانب به هنگام انتقال از بازداشتگاه به زندان عمومی تهران بزرگ (اعزام با لباس زندان)

خواهشمند است ضمن شفاف‌سازی در مورد اقدامات غیرقانونی صورت گرفته توسط جناب‌عالی به وکلای این‌جانب (به علت مطرح شدن شکایت در محافل ذی‌ربط داخلی و بین‌المللی به اتهام اقدام به شروع سوء قصد عامدانه و سازمان یافته) نسبت به تحویل کلیه ارقام شخصی و موجودی نقدی این‌جانب توسط پذیرش بازداشتگاه ۲-الف اوین به خانواده‌ام، اقدام مقتضی به‌عمل آید.

با آرزوی توفیق الهی

محمد علی طاهری

بخش سوم: آرای دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۶

دفاعیه به شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور

بسمه تعالی

ریاست محترم شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور

جناب آقای محمد نیازی

باسلام و نثار دعای خیر

احتراماً، باتوجه به عدم متابعت شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی (به ریاست قاضی صلواتی و مستشاری قاضی احمدپور) به‌عنوان دادگاه هم عرض از آرای صادره و عدم انشای رأی بر طبق بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ مندرج در آخرین رأی صادره این شعبه محترم در شهریور ۹۶ و صدور حکم غیرقانونی ۵ سال حبس با استناد ناموجه به تبصره ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب ۹۲ جرم «افساد فی الارض» (درحالی‌که ماده ۲۸۶ قبلاً دو بار توسط این شعبه مردود شناخته شده است) و عدم محاسبه ایام بازداشت موقت قبلی از تاریخ دستگیری و بازداشت غیرقانونی این‌جانب در ۱۳۸۹/۱/۲۹ تاکنون و از تاریخ تفهیم اتهام و بازداشت موقت از بابت «افساد فی الارض» از ۱۳۹۰/۲/۱۴ تاکنون و فقط منظور کردن ۲ سال از این مدت را در حکم غیرقانونی صادره، هم‌چنین ارجاع عمدی پرونده به دادگاه تجدید نظر شعبه ۳۶ (به ریاست آقای احمد زرگر و مستشاری آقای حسن بابائی) آن هم با تغییر عنوان اتهام حکم غیرقانونی از «افساد فی الارض» به اتهامات سبّ النبی، ارتداد، اجتماع و تبانی علیه نظام و عضویت در سازمان مارکسیستی چریک‌های فدائی خلق ایران به‌علت این‌که دادگاه تجدیدنظر صلاحیت

رسیدگی اتهام «افساد فی الارض» را نداشته است. ضمن این که برای اتهامات فوق در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ از طرف شعبه سوم دادسرای شهید مقدس منع تعقیب صادر شده که در نتیجه این شعبه با استناد مجعول به اتهامات مذکور اقدام به تأیید حکم غیرقانونی ۵ سال حبس نموده است، با این نقشه و سوءنیت که حتی در صورت پذیرفته شدن تقاضای اعاده دادرسی، پرونده باز هم به شعبه دیگر تجدید نظر از شعب وابسته مستقر در دادگاه انقلاب (شعب ۵۴، ۳۶، ۳۴، ۲۱) ارجاع می‌شود و این شعبه نیز مجدداً با عدم متابعت از آرای صادره دیوان محترم به صورت سفارشی و فرمایشی همان حکم غیرقانونی قبلی را تأیید و به صورت نهایی قطعی می‌کند و در آن صورت هیچ راهی به جز ارائه شکایت به مراجع قانونی ذیصلاح در مورد این اقدامات مجرمانه خودسرانه سازمان یافته باقی نمی‌ماند ولیکن متأسفانه در نظام جمهوری اسلامی ایران، هیچ دادگاهی به این گونه شکایات رسیدگی نمی‌کند. شگرد به کار رفته و ارجاع پرونده به دادگاه تجدیدنظر به جای دیوان محترم، به منظور ضایع کردن حق فرجام‌خواهی و قرار دادن پرونده در چرخه معیوب غیرقانونی آن هم به صورتی عمدی و حساب شده و با اطلاع کامل از قانون و نحوه سوءاستفاده از آن در جهت اطاله وقت دادرسی و قطعی کردن نهایی حکم غیرقانونی صادره و با اطمینان خاطر از مصونیت قضایی که از آن برخوردار هستند و این که هیچ مرجع قانونی در کشور به تخلفات و جرایم ارتكابی آن‌ها رسیدگی نمی‌کند (با استناد به شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون) به نیت مغرضانه خود جامه عمل پوشیده و به صدور حکم‌های سفارشی و فرمایشی سازمان یافته اقدام می‌کنند.

لذا، با عنایت به این که پس از فرجام‌خواهی از رأی غیرقانونی صادره شعبه ۱۵، می‌بایستی به منظور رعایت حق فرجام‌خواهی این جانب، پرونده برای سومین بار باز هم بر اساس قانون جهت صدور حکم نهایی به این شعبه محترم ارجاع می‌شد، خواهشمنداست با توجه به این که جرم «افساد فی الارض» به هیچ وجه رخ نداده است، تریبی اتخاذ گردد تا نقض بلاارجاع صادر شده و از ارجاع پرونده به دادگاه تجدید نظر به عنوان دادگاه هم‌عرض جهت صدور رأی براءت و آزادی این جانب خودداری شود تا از تکرار این چرخه غیرقانونی ظالمانه و مغرضانه ممانعت به عمل آید و انشای رأی نهایی با رعایت حق فرجام‌خواهی در دیوان عالی محترم کشور به عمل آید.

در ضمن پیوست شکایات ارائه شده به مراجع قانونی ذی‌ربط طی چندماه گذشته، نسبت به اقدامات غیرقانونی و مجرمانه سازمان یافته مقامات قضایی مرتبط با پرونده جهت هرگونه اطلاع و بررسی، توسط وکلای این جانب تقدیم می‌گردد.

با تشکر و قدردانی و با آرزوی توفیق الهی
محمدعلی طاهری

رای شبهه ۳۳ دیوان عالی کشور

رای دادگاه

رای فرجام خواسته قابل تأیید نیست، زیرا اولاً دادگاه با انطباق اعمال متهم باماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ جرم «افساد فی الارض» وی را احراز نموده و حکم کرده است در حالی که اقدامات انتسابی به متهم در سال‌های دهه هشتاد هجری شمسی واقع شده و از اوایل سال ۹۰ تاکنون متهم در بازداشت بوده و طبق ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ (که حاکم و لازم الاجرا بوده) محکوم کردن متهم به استناد قانون مؤخرالتصویب صحیح نبوده است.

ثانیاً در مورد اتهاماتی که می‌تواند موجب تحقق و احراز عنوان «افساد فی الارض» شود از قبیل اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق عضویت در گروه چریک‌های فدائی خلق و ترورهای انجام شده و تهدید افراد و نقش متهم در آنها، پرونده در دادسرا مفتوح اعلام شده و نتیجه نهایی آن معلوم نبوده و ضمیمه پرونده نشده است و با این که متهم به حکایت صفحه ۱۲۳ پرونده (جلد دوم) دارای پرونده‌های متعدد در شعب مختلف قضایی بوده (آن هم براساس شکایت شاکیان خصوصی و ...) و تجمیع آنها و بررسی نقش و تاثیر آنها در تحقق عنوان «افساد فی الارض» ضرورت داشته، اغلب آنها را کد و مفتوح بوده و نتیجه آن معلوم نبوده و ضمیمه نشده است و تحقیقات پرونده از این جهت ناقص است.

ثالثاً علی‌رغم تفهیم اتهام ارتداد و سابّ النبی (ص) به متهم در صفحه پنج پرونده (جلد دوم) نتیجه و نظر دادسرا و دادگاه ضمیمه نشده و معلوم نیست.

رابعاً با فرض عدم جواز استناد قانونی به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به لحاظ زمان وقوع اقدامات با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و سایر مواد قانونی مربوط به جرم «افساد فی الارض» نیز منطبق نمی‌باشد.

خامساً در صورتی که اقدامات درمانی متهم نسبت به بیماران موجب مشکلات جسمی و روانی و تشدید بیماری‌ها و جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد و در حد گسترده شده، انجام تحقیقات کامل از مجنی علیهم با کل جزئیات و نتایج و اخذ نظریه پزشکی قانونی ضرورت دارد.

سادساً با توجه به لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات و باعنایت به این جرم محاربه و «افساد فی الارض» و مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین ذکر شده که مجازات آن نیز بیان شده، ضرورتی به صدور حکم به استناد فتوای مراجع معظم تقلید، نبوده است بنابراین با استناد به بند ۲ قسمت ب ماده ۴۶۹ قانون آئین دادرسی کیفری، دادنامه شماره ۹۴/۱۶/۲۶ - ۹۴/۵/۴ صادرشده از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران را نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می‌شود.

شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور

رئیس: محمد نیازی

عضو معاون: سید مجتبی قرشی

لایحه فرجام‌خواهی نسبت به دادنامه شعبه ۲۶

دادگاه انقلاب ۱۳۹۶/۶/۲۰

به نام خدا

«والذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات به غیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتانا و اثمًا مبیناً» کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمنه را به غیر چیزی که مرتکب شده‌اند آزار کنند، بهتان و گناه آشکاری را بر دوش کشیده‌اند. آیه ۵۸ سوره احزاب

ریاست محترم دیوان عالی کشور

موضوع: فرجام‌خواهی نسبت به دادنامه شماره اصداری از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران ابلاغ شده در تاریخ در پرونده کلاسه ۱۸۵۹۳/۹۰/ط

دلایل و منضمات فرجام‌خواهی:

- ۱- تصویر مصدق دادنامه شماره مورخ شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب.
- ۲- قرار منع تعقیب ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۳ شهید مقدس تهران
- ۳- تصاویر فتاوی جدید مراجع عظام تقلید.

- ۴- تصاویر نظرات پژوهشگران و اساتید علوم اسلامی در خصوص حقانیت نظرات آقای طاهری و عدم وجود انحراف در نظرات و انطباق آن با اسلام.
- ۵- تصاویر شهادتنامه‌ها در خصوص تحکیم عقاید دینی پس از آشنایی با آموزه‌های عرفانی عرفان حلقه.
- ۶- گواهی فرادمانگران دایر بر درمان از طریق فرادمانی.
- ۷- متن لایحه آخرین دفاع آقای محمد علی طاهری در جلسه رسیدگی.
- ۸- متن لایحه دست نویس ۲۶ صفحه‌ای آقای محمد علی طاهری.
- ۹- تصاویر مجوزها، گواهی نامه‌ها.
- ۱۰- تصویر لایحه جوابیه ۱۶۰ صفحه‌ای به کتاب حلقه اسارت.
- ۱۱- وکالتنامه ملصق به تمبر مالیاتی.

متن لایحه:

این جانبان به وکالت از آقای محمدعلی طاهری فرزند محمد آقا به موجب وکالتنامه ملصق به تمبر مالیاتی به شرح پیوست با استعانت از خداوند متعال نسبت به دادنامه صدر الذکر دائر بر افساد فی الارض که در محل شعبه دادگاه به صورت حضوری و استنساخ به احد از وکلا ابلاغ شده است وفق مواد ۴۲۸، ۴۳۳ و ۴۶۴ ا.د.ک و سایر موازین مربوطه در مهلت مقرر قانونی اعلام اعتراض و فرجام‌خواهی می‌نماییم. رسیدگی در دیوان عالی کشور و نقض رأی معترض عنه مستدعی است. در تشریح اعتراض موضوع اتهام موکل و جهات قانونی فرجام‌خواهی موارد زیر به استحضار می‌رسد:

۱- شخصیت شناسی موکل:

آقای محمدعلی طاهری، بنیان‌گذار طب مکمل فرادمانی و سایمنتولوژی، فردی تیزهوش و شخصیتی مذهبی، انقلابی است. بعد از انقلاب نیز با شروع جنگ در زمینه تیربارهای انفرادی طرح‌هایی را در صنایع جنگ افزارسازی آماده و به وزارت دفاع تقدیم کرده و در خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی هم به این موضوع اشاره شده است.

موکل طی چند دهه تحقیق و بررسی و ملاقات با اساتید رشته‌های مختلف عرفان، فلسفه، دین، پزشکی، روان‌شناسی و ... به حجت قلبی رسیده که یافته‌های او ارزش نظری و عملی داشته و رحمانی می‌باشند. مجموعه اقدامات وی در برگزاری کلاس‌های عرفانی و تالیفات و انتشار مقالات دارای مجوز قانونی بوده که مستنداتش در پرونده مضبوط است. وی موفق به اخذ هفت مدرک دکترای افتخاری از شرق و غرب شده و هم‌چنین ۴

مدال طلا از جمله اولین مدال طلای علمی آفیسر اتحادیه اروپا به نام جمهوری اسلامی ایران، کسب یک مدال نقره، دو مدال برنز، کاپ‌ها، لوح‌های ویژه شده است.

۲- دلایل موضع‌گیری علیه عرفان حلقه و صدور حکم سنگین اعدام از نظر موکل بر اساس لایحه آخرین دفاع موکل:

آقای محمد علی طاهری در صفحات ۱۲۱ تا ۱۲۴ لایحه آخرین دفاع تقدیمی به دادگاه بدوی، دلایل مورد هجومه قرار گرفتن این‌جانب و عرفان حلقه و ... را اعلام کرده است. این موارد به‌صورت مختصر مشتمل بر دغدغه‌های امنیتی، واهمه‌های مافیای دارو و مواد مخدر از گسترش درمان بیماری‌های صعب‌الاعلاج، هراس از محبوبیت گسترده و ورود در عرصه سیاست، قشری‌نگری و ... می‌باشد.

هم‌چنین موکل در صفحات ۱۲۴ تا ۱۲۶ لایحه عوامل صدور حکم سنگین اعدام را عدم همکاری با کارشناسان در ارائه اعترافات کذب، ارائه شکایات متعدد علیه اقدامات غیرقانونی کارشناسان، بازپرس اسدی، توطئه‌ها و لورفتن نوار نماینده و سخنگوی کارشناسان ثارالله (آقای محمودرضا قاسمی)، شانزده بار اقدام به اعتصاب غذا تا کنون در اعتراض به تخلفات و جرایم ارتكابی همه‌جانبه در جریان دادرسی به پرونده، تجمعات مسالمت‌آمیز غیرسیاسی شاگردان مؤسسه که در اعتراض به برگزاری دادگاه غیرقانونی و صدور حکم اعدام غیرقانونی و عدم تمایل کارشناسان به خاتمه یافتن پرونده، به جهت ایجاد ناآرامی و از آب گل آلود ماهی گرفتن بازجویان وابسته به ثارالله اعلام کرده است.

در طول این مدت نیز جهت صدور حکم اعدام زمینه‌سازی تبلیغاتی به منظور آماده‌سازی افکار عمومی انجام گرفته که نمونه آن پخش مستند «حلقه شیطان» از شبکه سوم صدا و سیما ج.ا.ا بوده است. محمد علی طاهری بعد از پخش «مستندحلقه شیطان» (کانال ۳ ساعت ۲۲:۳۰ تاریخ ۱۰۱۲۹۵) درباره عرفان حلقه از صدا و سیما، اقدام به شکایت علیه شبکه سه سیما نمود که دادستان تهران این شکواییه را جهت بررسی به بازپرسی ۷ دادسرای ناحیه ۲۸ ارجاع داد که در این خصوص نیز تعیین تکلیف نشده است.^۱

۱. آقای محمد علی طاهری در این شکواییه، از نمایشنامه از پیش طراحی شده عاملان فشار بر دادگاه جهت صدور حکم اعدام پرده برداشته است و در متن شکایت چنین نوشته است: «در خاتمه متذکر می‌شود نشر اکاذیب علیه من از طریق رسانه‌های مختلف از جمله شبکه‌های رسانه ملی در چندسال گذشته به کرات اتفاق افتاده، با هدف آماده‌سازی افکار

۳- گردش کار پرونده: متأسفانه در اثر سوء برداشت‌ها و سوء تفاهم‌های رخ داده، شرایط امنیتی نامناسب و جو کشور بعد از اتفاقات سال ۸۸، با پیش فرض ذهنی انحرافی بودن تمامی فعالیت‌های عرفانی، وابسته بودن به اجانب، گمراه بودن افراد فعال در این حوزه‌ها، موکل در تاریخ ۸۹/۱/۲۹ دستگیر شد، پس از چند ماه، در تابستان ۸۹ آزاد و مجدداً در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۹۰ دستگیر و روانه زندان و غالباً بند انفرادی تحت نظارت نیروهای امنیتی قرار داشته است. به موجب دادنامه شماره ۲۶/۱۶/۹۴-۲۶/۱۶/۹۴ صادر شده از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی، حکم اعدام برای موکل صادر شده است. به موجب دادنامه شماره ۱۰۵۸/۹۴ مورخ ۹۴/۹/۴ از سوی قضاات عالی مقام شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور نقض شده است. متعاقب نقض حکم از دیوان عالی کشور، پرونده مجدداً به شعبه ۲۶ ارجاع و دادگاه جهت رفع برخی از ایرادات دیوان عالی کشور در خصوص ارتداد و سب النبی و ... پرونده را به شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۳ شهید مقدس تهران بازپس فرستاده که شعبه مذکور قرار منع تعقیب موکل را از اتهامات اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و ارتداد و سب النبی تحت قرار شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ موکل صادر کرده است (پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ (بایگانی ۹۱۰۱۱۶).

اما در خصوص افساد فی الارض و ایراد دیوان عالی کشور دایر بر عطف بماسبق نشدن جرم ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (افساد فی الارض) به مجموعه اقدامات ارتكابی موکل به جهت آن که اتهامات انتسابی به وی پیش از سال تصویب قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ حادث شده است و نیز لزوم انجام تحقیقات در خصوص گستره عملیات موکل در کشور و اخذ توضیحات شاکیان خصوصی، متأسفانه دادگاه بدوی، با بهانه محال و خارق عادت بودن تقاضای مذکور بدون تمکین از دستور دیوان عالی کشور و تحت اعمال فشار قرارگاه ثارالله، مجدداً

عمومی برای اقدامات غیرقانونی آتی از یک طرف و تحریک شاگردان موسسه سابق اینجانب از طرف دیگر صورت می‌گیرد تا با طرح اتهامات کذب علیه من آن‌ها را وادار به پاسخگویی به این مطالب کذب و عکس‌العمل از طریق اقدام به تجمعات مسالمت‌آمیز در اعتراض به نشر اکاذیب پخش و انتشار فیلم‌های کلاس‌ها از طریق فضای مجازی، برگزاری کلاس به‌منظور به نمایش گذاردن حقیقت موضوع عرفان کیهانی حلقه در جهت برملا نمودن دسیسه‌ها و پاپوش‌هایی که بانشر اکاذیب برنامه ریزی شده و خنثی کردن نقشه‌های مغرضین به افشای حقایق و پاسخ به تهمت کذب و ناروا و... که در نهایت پس از انجام این تحریکات بتوانند موضوع پرونده مراسیاسی امنیتی جلوه داده و از این طریق بستر را برای پیاده کردن سناریوهای پیش‌رو آماده سازند (طبق تجارب سالیان گذشته) و ضمن فراهم کردن مشغولیات با منت گذاردن بر سر نظام مبنی بر کنترل یک جریان هولناک و نردبانی برای ترقی سریع‌تر و بیش‌تر خود مهیا کنند.»

حکم اعدام صادر و ابلاغ کرده‌اند که حکم بر خلاف موازین حقوقی، عرف و رویه معمول دادرسی در نگارش آراء و کاملاً غیرقانونی و ناعادلانه است.

۴- دلایل و مستندات شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب جهت صدور حکم اعدام:

با توجه به محتوای رأی و هم‌چنین وفق آخرین پاراگراف صفحه آخر دادنامه صادره عبارتند از:

- متسری نشدن قاعده عطف بماسبق نشدن به حدود و احکام الهی.

- استناد به رأی وحدت رویه شماره ۴۵ سال ۶۵

- گزارش‌های جامع و کامل ضابط

- صورتجلسه کشف انواع جزوات انحرافی، ملاحظه فیلم‌های تدریس، سی‌دی‌های تبلیغاتی و کتب ضاله

- فعالیت گسترده متهم در ترویج تفکرات انحرافی در سطح جامعه با ادعای واهی از قبیل درمانگری، اتصال به شبکه مثبت یا روح القدس

- گستردگی فعالین زیر مجموعه در سراسر کشور، تربیت مربی و مستر، صدور کارت‌های مربی‌گری به آنان

- مرتفع شدن ایرادات شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور

- پخش مستندات و فیلم باحضور کارشناسان در جلسه دادگاه

۵- دفاعیات:

۵-۱- عدم حجیت استناد دادگاه به متسری نشدن قاعده عطف بماسبق نشدن به حدود و احکام الهی

به استناد رأی وحدت رویه:

دادگاه بدوی با استناد به رأی وحدت رویه شماره ۴۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ اعلام داشته «قاعده عطف به ماسبق شدن قوانین در مورد احکام الهی مانند حدود قابل استناد نیست و به استناد قانون مؤخرالتصویب نیز قابل رسیدگی و صدور حکم خواهد شد جرم افساد فی الارض از نوع حدود بوده و قطعاً با قانون مؤخرالتصویب قابلیت صدور حکم را خواهد داشت.» متأسفانه قضات محترم شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب فراموش کرده‌اند که اصل عطف بماسبق نشدن قوانین، ریشه و مبنای قرآنی، فقهی و شرعی دارد و بنابراین حدود و تعزیرات را نیز در بر می‌گیرد. ماده ۴ قانون مدنی در بیان قلمرو قانون در زمان می‌گوید: «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد مگر این‌که در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد» فقها و اصولیون

قواعدی چون اصل اباحه، اصل برائت، قاعده قبح عقاب بلا بیان را مبنای این قاعده می‌دانند. طبق قاعده مذکور، مکلف در مورد شبهه‌های حکمی (احکام مجهول شارع) مسؤولیتی نداشته، مواخذه نمی‌شود، قواعد فقهی مزبور، مستند به آیات قرآنی است. آدر احادیث و روایات منقول از پیامبر «ص» نیز بر این قاعده تأکید شده است^۳ با مطالعه این رأی چند نکته معلوم می‌شود:

الف) شمول انحصاری رأی وحدت رویه به قصاص:

رأی وحدت رویه در خصوص قصاص می‌باشد و در مقطعی از زمان صادر شده که قاتلانی از چنگال عدالت گریخته بودند و برای تسکین خانواده‌های بازمانده و برآورده کردن تقاضای اولیای دم آن هم در شهرهایی مانند زاهدان که آمار قتل‌ها پیش از وضع قانون مجازات اسلامی بسیار بالا بود صادر شده است. بنابراین موارد مشابه را باید حمل بر موضوع خود رأی نمود که قصاص است و حکمش از اول محل اختلاف نبوده است.

در موضوع جرمی مانند افساد فی الارض که خود قضات صادر کننده رأی هم اعلام کرده‌اند تعیین مصادیق آن محل اختلاف و ابهام است، چگونه می‌توان به چنین رأی وحدت رویه‌ای استناد کرد. هم‌چنین مگر قضات محترم و عالی‌جنابان فرهیخته دیوان عالی کشور در زمانی که رأی بر نقض دادنامه سابق الصدور شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب دایر بر اعدام موکل به اتهام افساد فی الارض صادر کرده‌اند، بر مفاد چنین رأی وحدت رویه‌ای اشراف نداشتند که دادگاه بدوی هم اکنون پرده از آن برداشته است؟ جای تردیدی نیست که عالی‌جنابان شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور بر وجود چنین رأی وحدت رویه‌ای مطلع بوده‌اند اما این رأی را اساساً منصرف از موضوع می‌دانسته‌اند.

۲. آیه ایتاء: «لینفق ذوسعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها» آیه: «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» (بقره، ۶۸۲) خداوند هیچ انسانی را مگر به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند. آیه: «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (اسراء، ۱۵) ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد مگر آن که پیامبری مبعوث کرده باشیم. آیه: «و لا تقولوا لما تصفُ ألسنتکم الذب هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الذب أن الذین یفترون علی الله الذب لا یفلحون» (نحل، ۱۱۶)

۳. حدیث سعه: «الناس فی سعه ما لا یعلمون»، حدیث اطلاق: «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی»، حدیث حل: «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام»

ب) عدم رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها:

اصل ۳۶ قانون اساسی مقرر می‌کند که: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» مصادیق قانونی افساد فی الارض در زمانی که موکل دستگیر شده به موجب قوانین مبارزه با مواد مخدر تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، اخلال‌گران، مجازات جرائم نیروهای مسلح، مجازات عبور دهندگان از مرزها تشدید مجازات جاعلان اسکناس، تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان، مجازات فعالیت‌کنندگان در امور سمعی بصری، مبارزه با قاچاق انسان، ذکر شده که هیچ یک مصادقی در خصوص موکل ندارد. همانطور که در بالا مشاهده می‌شود همه جرایمی که در بالا آمده است اثر مستقیم روی کیان نظام و امنیت اقتصادی و نظامی و ... کشور دارد که ممکن است علاوه بر این که جان افراد بسیاری را در خطر بیناندازد، کل کشور اسلامی را نیز تهدید کند.

ج) مشخص بودن مصادیق افساد فی الارض در قانون مجازات سال ۷۰:

رأی وحدت رویه که در اصل جایگاه قانونی خود را از اصل ۱۶۷ قانون اساسی می‌گیرد منصرف بر مواردی است که راجع به حدود، قصاص و دیات، حکمی در قوانین مصوب کشور وجود نداشته باشد و تنها در چنین شرایطی است که قاضی اجازه مراجعه به مراجع فقهی را دارد در حالی که موضوع افساد فی الارض در مواد ۱۸۳ الی ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به صراحت وجود داشته و اساساً جایی برای مراجعه به منابع فقهی نمی‌باشد و دیوان محترم عالی کشور به دقت به آن تصریح نموده و تکلیف استفتاء از مرجع تقلید را روشن و در این مورد بخصوص، ردّ نموده است.

د) منسوخ شدن مفاد رأی وحدت رویه با تصویب قانون مجازات ۱۳۹۲:

با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ماده ۷۲۸، کلیه قوانین و مقررات مغایر این قانون از آن تاریخ منسوخ اعلام شده است. بنابراین طبق مفاد ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری، مقررات موجود در رأی وحدت رویه نیز منسوخ و ملغی شده می‌باشد.

ه) حاکمیت قاعده تدرء الحدود بالشبهات در مانحن فیه:

هم در انتساب اتهام افساد فی الارض و هم تشخیص و تبیین و تعیین مصادیق آن و انتسابش به موکل قطعیت و یقینی وجود ندارد و دادگاه بدوی نیز در جای جای رأی به این نکته و اختلافی بودن افساد فی الارض اشاره

کرده است و اساساً استناد به رأی وحدت رویه نیز موید اختلافی بودن موضوع است چون اگر اختلاف و شبهه‌ای نبود، رأی وحدت رویه‌ای اگرچه این رأی مرتبط با موضوع هم نیست، صادر نمی‌شد. تا زمانی که موضوع احراز نشود و موضوعی وجود نداشته باشد، نمی‌توان حکمی را بر آن مترتب کرد، برای این که اثرحکمی روشن شود باید موضوعی وجود داشته باشد، وجود موضوع علت است برای این که حکمی مترتب شود، پس اگر علت منتفی بود معلول هم منتفی است، فعلیت حکم بستگی به این دارد که درعالم خارج موضوع محقق گردد. بنابراین به علت وجود شبهه و اختلاف در حکم و موضوع، قاعده مذکور جاری است و صدور حکم اعدام خلاف شرع و قانون است.

۵-۲- عدم وجاهت استناد مجدد شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و تفهیم اتهام افساد فی الارض:

الف- تصریح دیوان عالی کشور به عدم جواز استناد به ماده ۲۸۶:

در دادنامه شماره ۱۰۵۸/۹۴ مورخ ۹۴/۹/۴ به صراحت ذکر شده که باتوجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مفاد ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز اصل ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همچنین قبح عقاب بلا بیان مستنبط از آیه شریفه ۱۵ از سوره مبارکه نساء «ماکانا معذبین حتی نبعث رسولا» اصل اباحه، اصل برائت و اصل ۳۷ قانون اساسی عمل موکل نمی‌تواند مشمول قانون مؤخرالتصویب مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۲۸۶ آن قرار گیرد. همچنین دیوان محترم عالی کشور با صراحت و در مقام نقض دادنامه سابق الصدور شعبه ۲۶، عنوان می‌نماید که حتی در صورت عدم جواز استناد قانونی به ماده ۲۸۶ قانون مجازات

۴. در سنن ترمذی آمده است: عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم «ادروئ الحدود عن المسلمین فان کان له مخرج فخلو سبیلہ فان الامام ان یخطئ فی العقوب» در سنن ابن ماجه آمده است: «ادفعوا الحدود ما وجدتم له مدفعاً» احتیاط در حدود، یا دماء، قاعده درء را تأیید می‌کند. علامه اردبیلی نیز در هر فرعی به قاعده درء (ادروؤا الحدود بالشبهات) استشهاد کرده است. در حدود، بنابر احتیاط تا جایی که امکان دارد حد نباید جاری شود، همان‌گونه که در بسیاری از احادیث آمده است، پیامبر اکرم و امیر مؤمنان حد را از اقرارکننده دفع می‌کردند و او را به برگشتن از اقرار خود وامی‌داشتند شارع مقدس دقت در مورد دماء را می‌خواهد.

اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اقدامات (موکل) با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و سایر مواد قانونی مربوط به جرم افساد فی الارض نیز منطبق نمی‌باشد. به عبارت دیگر دیوان محترم عالی کشور به صراحت درخصوص اتهام افساد فی الارض موضوع را به طور کل ساقط می‌نماید و معتقد است که عنوان افساد فی الارض نه به موجب قانون مصوب ۱۳۹۲ و نه حتی به موجب قانون مصوب ۱۳۷۰ نسبت به موکل صدق نمی‌کند. با این وصف دادگاه محترم چگونه و به چه مجوزی مجدداً اتهام افساد فی الارض نسبت به موکل را تفهیم و آخرین دفاع را اخذ می‌نماید؟ اتهامی که به طور کل و به صراحت راجع به موکل به استناد هر قانونی که می‌خواهد باشد اعم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، ۱۳۹۲ و یا هر قانون خاص یا عامی که مربوط به عنوان افساد فی الارض گردد، رد شده است!

ب- شبهه حکمی از تلقی انتشار افکار به ادعای دادگاه انحرافی به عنوان افساد فی الارض:

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در متن رأی صادره مقرر داشته است: «متهم علاوه برآن که برای خودش تشکیلاتی تهیه نموده و برای افراد کارت مستری (مربی‌گری) صادر می‌کند آن‌ها را موظف کرده ۱۰ شاگرد را جذب و بطور خوشه‌ای این موضوع رواج پیدا کند. نهایت آن که مردم از این آموزه‌ها دچار سردرگمی شده و حتی اصول دین و فروع دین را فراموش نمایند. عملکرد متهم مسیر عادی و اخلاقی جامعه را برهم زده و نظم عمومی را با اختلال شدید مواجه ساخته و موجب انحراف و گمراهی عقیدتی ده‌ها هزار نفر از مردم شده است که از مصادیق بارز آیه ۲۰۴، ۲۰۵ سوره بقره می‌باشد که می‌فرماید...»

در پاسخ گفتنی است: افساد فی الارض دارای سه رکن فساد، سعی و ارض است. آیه ۲۰۵ سوره بقره می‌فرماید: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» چون به حکومت رسد، در زمین به تکاپو می‌افتد تا در آن تباهی کند و کشت و نسل بشر را به نابودی کشاند و خداوند تباهی را دوست نمی‌دارد. فساد و افساد در آیه به این است که حرث و نسل را نابود کند. «وَ يُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» اگر نابود کردن حرث (زراعت و خوراک ...) و نسل را بیان فساد قرار داد برای این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است، اگر غذا نخورد می‌میرد و اگر تولید مثل نکند نسلش قطع می‌شود. انسان در تأمین غذایش به حرث یعنی زراعت نیازمند است. ^۵ (ترجمه المیزان، ج ۲، ص: ۱۴۴)

۵. راغب، فساد را به معنای خارج شدن شیء از حالت اعتدال دانسته و می‌نویسد: «الفساد خروج الشيء عن الاعتدال، قليلاً كان الخروج عنه او كثيراً و يصاده الصلاح و يستعمل ذلك في النفس و البدن و الاشياء الخارجة عن الاستقامة» (راغب،

این پرسش همین‌جا مطرح است رابطه چنین حکمی با افعال موکل چیست؟

کدامیک از نظریات و اندیشه‌های موکل مشمول احکام افساد فی الارض و موجب قتل، ظلم، کفر، جنگ، تضییع حقوق دیگران و اخلال در احکام الهی، قوانین و مقررات اسلامی شده است؟ دلایل و مستندات چنین ادعایی چیست؟ آیا به صرف حرف و ادعای آن که نظری مخالف با اندیشه‌هایی که آن را شرعی می‌دانند، می‌توان جان یک انسان را گرفت؟ بای ذنب قتلت؟

موکل سعی و جدیتی هم در بسط نظراتش نداشته است و بارها اعلام کرده که پس از آزادی دیگر هیچ فعالیتی در زمینه عرفان کیهانی نخواهد کرد و از همان سال ۱۳۹۰ نیز به شاگردانش گفته است که کلاس‌ها را تعطیل

۱۴۱۲: ۶۳۶) تعریفی که راغب از فساد ارائه می‌دهد، به نظر می‌رسد تعریف جامعی است که مصادیق دیگر فساد را نیز در خود جای می‌دهد. تتبع در آیات قرآن نیز مؤید کلام راغب است، زیرا به رغم آن که فساد در آیه «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس» (روم: ۴۱) به معنای قحط و خشکی و در آیه «لذین لا یریدون علواً فی الارض و لا فساداً» (قصص: ۸۳) به معنای گرفتن مال دیگری به قهر و غلبه و به صورت ظالمانه و در آیه «لو کان فیهما الهة الا الله لفسدتا» (انبیاء: ۱۲۱) به معنای بطلان و اضمحلال به کار رفته است، لیکن قدر جامع همگی آن‌ها تحقق امری بر ضد صلاح و خارج شدن امر از حالت اعتدال است. با توجه به معنای لغوی فساد می‌توان قتل، ظلم، کفر، جنگ، تضییع حقوق دیگران و اخلال در احکام الهی، قوانین و مقررات اسلامی را که همگی ضد اصلاح‌اند، از مصادیق فساد برشمرد. آقای طاهری در سطر بیست و ششم صفحه نخست لایحه دفاعیه دست نویس مضبوط در پرونده اعلام کرده است: «...اینجانب حاضر در پس گرفتن همه گفته‌ها، نظریه‌ها و تعالیم خود هستم و...»

آقای طاهری در سطر نوزدهم صفحه نخست لایحه مقرر داشته است: «از آن‌جا که اینجانب دیگر هرگز تمایلی به ادامه فعالیت در زمینه عرفان حلقه را نداشته و حاضر به فدا کردن مصالح خانوادگی خود در قبال اندیشه‌ام نیستم. آمادگی خود را در جهت کمک به تعطیلی و توقف فعالیت در زمینه عرفان حلقه را به هر نحو ممکن اعلام می‌کنم...»

در سطر بیست و چهارم صفحه هفت لایحه دست نویس اعلام کرده‌اند: «... در اردیبهشت ماه ۹۰ در برگه‌های بازپرسی مکتوب کرده‌ام که هرگونه فعالیت دیگران در مورد عرفان حلقه به هر نحو، از این به بعد هیچ گونه ارتباطی به اینجانب ندارد، زیرا در این زمینه فعالیتی نخواهم داشت ... بنابراین از تاریخ حبس، طبیعتاً هیچ گونه فعالیتی به من ارتباطی نداشته و از این بابت مسوولیتی متوجه من نخواهد بود و همانطور که توضیح دادم، هیچ گونه تمایلی نیز برای ادامه فعالیت در این زمینه را هرگز ندارم...» در آخرین سطر از صفحه ۲۶ لایحه «... اینک اینجانب آمادگی خود را جهت هرگونه کمک و همکاری با صلاح‌دید حضرت تعالی در جهت تعطیلی فعالیت عرفان حلقه را اعلام می‌کنم...»

کنند. موکل با حسن نیت در طول جریان رسیدگی و در اظهارات شفاهی و کتبی متعدد مضبوط در پرونده و نیز اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌هایی که پس از دستگیری صادر کرده است، به صراحت اعلام کرده‌اند که دیگر قصد فعالیت در زمینه عرفان حلقه را ندارند که متأسفانه به این موارد دادگاه رسیدگی کننده توجهی نداشته‌اند.

هم‌چنین موکل، در جلسه دادرسی و برگه‌های بازجویی (دادگاه، بازپرسی و بازجویی) صراحتاً به وحدانیت خداوند، رسالت رسول الله (ص) به عنوان خاتم انبیا، معاد (و معاد جسمانی)، عدالت خداوند و امامت ائمه عیالهم السلام و منجی عالم بشریت امام مهدی (عج) اقرار نموده است که متأسفانه دادگاه محترم بر خلاف موازین شرعی و قانونی و نیز فتوای آیت الله سیستانی مورخ ۹۲/۱۱/۲۶ که فرموده‌اند: هر کس شهادتین بگوید صرف نظر از هرگونه انحراف احتمالی مسلمان است و... به اظهارات موکل هیچ ترتیب اثری نداده و حکم به نابودی موکل داده‌اند.

در متن رأی دادگاه بدوی شعبه ۲۶ تعاریف فقها از مفسد فی الارض اشاره شده و این نظرات مصادره به مطلوب شده است. این در حالی است که در <http://farsi.khamenei.ir> پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب سخنانی از ایشان منتشر یافته که معنای افساد فی الارض را از نظر رهبر انقلاب و فقه انور اسلامی روشن تر می‌سازد و معلوم می‌کند که بسط نظر و اندیشه‌های عرفانی از مصادیق افساد فی الارض نیست. رهبر انقلاب مصادیق تلاشگران در گسترش فساد در روی زمین را داعشیان، آمریکای جهان‌خوار، نسل‌کشان، جریان‌های تکفیری، حکومت‌های استبدادی، طاغوتیان به‌کارگیرندگان سلاح‌های هسته‌ای و ... می‌دانند. ^۶ حال

۶ رهبری معظم انقلاب بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» در چهارم آذر ماه نود و سه فرموده‌اند: «جریانی که امروز به نام داعش شناخته می‌شود یکی از فروع شجره‌ی خبیثه‌ی تکفیر است، همه‌ی آن نیست. این فساد که این مجموعه به راه انداختند، این اهلاک حرث و نسل، این ریختن خون بی‌گناهان، این بخشی از جرائم جریان تکفیر در دنیای اسلام است. با این چشم باید نگاه کرد به این مسأله» بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام به تاریخ بیست و چهار بهمن شصت و نه، گوشه‌ای دیگر از مفهوم فقهی عبارت افساد فی الارض را نمایان می‌سازد: «ببینید امروز در سایه‌ی حکومت‌های مستکبر، بر انسان‌ها چه می‌گذرد. ببینید این جنگ‌های خانمان‌برانداز و نسل‌کش که به وسیله‌ی قدرت‌ها به راه می‌افتد، با مردم چه می‌کند. ببینید قلدری قدرتی مثل امریکا، امروز در دنیا با انسان‌ها و ملت‌ها و کشورها، چه معامله‌ی می‌کند. امروز، ملت عراق مطرح است، ملتی که حرث و نسلش، به وسیله‌ی قدرت‌ها و قلدرهای عالم هلاک می‌شود: «و یرهلك الحرث و النسل والله لا یحب الفساد» این‌ها در حال فساد روی زمین هستند.» همچنین مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون به تاریخ دوم اردیبهشت هفتاد و هفت فرموده‌اند: «حاکمیت دین، در مقابل حاکمیت طاغوت است که «اذا تولى سعى فى الارض ليفسد

پرسش این‌جاست که شخصیتی چون آقای محمد علی طاهری، به راستی با کدام عقل سلیم و کدامین معیار منطقی به این جریان‌ات شبیه است؟

کدام پیام و نوشته ایشان مروج قتل، خشونت، نسل‌کشی، نژاد پرستی، تخریب گسترده محیط زیست، نابودی زراعت و کشاورزی، خشونت‌های قومی و قبیله‌ای، فحشاء و روابط جنسی ناپه‌نجان، مصرف مواد مخدر و توهم‌زا و ... است؟ هم‌چنین در متون فقهی موارد متعددی از جرائم مشاهده می‌شود که برخی از فقها موضوع آن را بر افساد فی‌الارض تطبیق نموده‌اند و هیچ‌کدام قابل انطباق با افعال و نظرات موکل نیست. این موارد عبارتند از آتش‌افروز، قاتل اهل ذمه، قاتل بردگان، کفن‌دزد (نباش)، تکرار کنندگان محرمات (رباخوار، سم‌فروشان) مجازات آدم‌ریا و آدم‌فروش

ب) شبهه موضوعیه در خصوص تلقی فساد از اقدامات موکل:

قضات شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب با اصرار بر نظریات موهوم پیشین ثارالله و بدون هیچ دلیل قانونی و شرعی و بر پایه پیش‌فرض‌های ذهنی ساخته و پرداخته برخی از کارشناسان مغرض ثارالله، مقرر کرده‌اند:

«مباحث انحرافی فرقه ضاله عرفان حلقه محل هجمه به مبانی اسلام و موجب تشکیک در اعتقادات مذهبی ده‌ها هزار نفر از مردم گردیده و تبلیغات فراوان آن موجب اشاعه و گسترش فساد عقیده در جمع زیادی از مردم کشور (تهران، البرز، اصفهان، آذربایجان شرقی، خوزستان و ...) گردیده است. براساس آموزه‌های فرقه عرفان حلقه هر یک به صورت خوشه‌ای به ترویج و آموزش آموزه‌های انحرافی حلقه به زیر مجموعه خود اقدام نموده است ... شایان ذکر است مشروح انحرافات محمدعلی طاهری در کتب، جزوات و فایل‌های صوتی و تصویری به صورت مستند و مستدل توسط ضابطین جمع‌آوری و جمع‌بندی شده و در پرونده موجود می‌باشد...»

در بخش دیگری از رأی صادره آمده است «... تبلیغات گسترده متهم در بحث فرقه انحرافی حلقه به صورت جزوه و یا کتاب و کلاس‌های حضوری دارای تشکیلات بوده درحالی‌که اساساً چنین مجوزی برای تبلیغ فرقه حلقه صادر نشده است. مردم درک صحیحی از کلاس‌های عرفان بدست نیاوردند. ارتباط دادن مسایل روزمره زندگی

فیها و یهلک الحرث و النسل» حاکمیت طاغوت، حاکمیت فساد و حاکمیت ضایع کردن دین و دنیا، نه فقط دین، کمالین که در گذشته‌ی کشور خودمان از نزدیک شاهد بودیم و کسانی که آن دوره را درک کردند، همه آن را حس نمودند.»

و اتصال دادن و صحبت از فرادرمانی و اشاعه خرافات در عملکرد متهم مبرهن است، حتی عکس‌العمل حاضرین در کلاس‌ها پوچ بودن مطالب ارائه شده را تأیید می‌نماید.»

پرسش این جاست:

- موارد اعلامی فوق علیه موکل از چه طریق اثبات شده است؟ مستندات آن چیست؟

- چگونه متوجه فساد گسترده ناشی از نظریات موکل در جامعه شده‌اند؟

- ابزار سنجش این ادعاها و طریق حصول یقین و علم به فاسد بودن نظرات موکل چه بوده است؟

- تحقیقات و معاینات به چه روشی صورت گرفته است؟

- کدام نظر از نظرات و عقاید موکل فاسد بوده است؟

- دلایل صادرکنندگان دایر بر اشاعه خرافات از سوی عرفان حلقه چیست؟

- کدام عکس‌العملها دلیل بر پوچ بودن مطالب ارائه شده در کلاس‌هاست؟

- آیا بر فرض اگر عکس‌العملی انتقادی هم باشد، این به منزله پوچی مطلب مورد انتقاد است؟

موکل بارها اظهار و اعلام کرده که صرفاً مطالبی که در کتاب‌های رسمی منتشر شده از ایشان و نیز مقالات چاپ شده او در نشریات، مورد تأیید وی بوده و سایر مطالب و نوشته‌ها که به صورت غیر رسمی از سوی اشخاص دیگر منتشر شده و یا از دیگران یافت شده مورد تأیید وی نیست.^۷

۷. آقای محمد علی طاهری در صفحه ۱۲ لایحه آخرین دفاع می‌نویسد:

«اینجانب ۵۰ عنوان کتاب و ۱۲۰ عنوان مقاله تألیف نموده ام که سه عنوان از کتاب‌ها توسط ناشرین، از وزارت ارشاد کسب مجوز شده و چاپ و منتشر شده است و چاپ کتاب چهارم، مصادف با دستگیری من شد. اما چون فایل کلیه کتب و مقالات تألیفی من در هاردها و حافظه‌های جانبی رایانه‌های منزل و مؤسسه قرار داشته‌اند به اضافه فیلم‌های مستند تحقیقاتی و کلاس‌های مؤسسه که به هنگام بازرسی از این اماکن توسط کارشناسان ضبط و توقیف شده و پس از حبس من، مطالب بسیار زیادی به عنوان نوشته‌های من چاپ و منتشر شده که بنده از صحت و عدم تحریف و... آن‌ها اطمینان ندارم، بنابراین فقط سه کتاب عرفان کیهانی حلقه، انسان از منظری دیگر و بینش انسان را طبق نمونه ای که صفحات آن‌را امضا کرده‌ام، مورد تأیید می‌باشد، مجلات و مقالاتی که به امضاء و تأیید من رسیده است، همچنین جوابیه کتاب «افسون حلقه» در ۲۰۰ صفحه صرفاً با استناد به مطالب مندرج در این کتاب به علت عدم دسترسی به منابع به نام «حلقه

کدام یک از عقاید با اسلام و شریعت نبوی و سیره امامان و ارتکاز متشرعین ناسازگاری داشته است؟

با کدام معیار و منطق قانونی و شرعی و عقلی، دیدگاه‌های موکل در خصوص خداشناسی، هستی‌شناسی، معاد شناسی و عدم امکان شناخت کُنه ذات خدا، کلب معلم نامیدن شیطان، معاد جسمانی و روحانی که کاملاً منطبق با گفتارهای مندرج در نهج البلاغه و نیز اندیشه‌های حضرت آیت الله جوادی آملی و عرفای بزرگی چون ابن جوزی، ابن عربی، صدرالدین قونوی، سهروردی، ملاصدرا می‌باشند، فسادانگیز اعلام شده است؟

اگر فتاوی مراجع تقلید دلیلی بر صحت انتساب اتهامات به موکل بوده است، گفتنی است حضرات آیات عظام مکارم شیرازی و علوی گرگانی، صافی گلپایگانی به موجب فتوای جدید خود، از صدور حکم (فتوای) اعدام نکول کرده‌اند که تصویر متن استفتاء جدید هم تقدیم دادگاه شده است اما این بار به این استفتائات که در مقام رد نظرات موکل نبوده توجه و استناد نشده است. برای نمونه آیت الله العظمی علوی گرگانی در فتوای جدید خود فرموده‌اند «چنان‌چه به متن فتوی دقت کافی کرده باشید، خواهید دانست که فتوای ارتداد بر فرض بیان مطالب مطرح در سوال و انکار ضروریات دین می‌باشد و هیچ‌گونه فتوای قطعی بر ارتداد ایشان داده نشده است...» دفتر آیت الله صافی گلپایگانی نیز در مورخ ۹۵/۰۶/۱۱ اعلام داشته «جواب استفتاءاتی که معظم له مرقوم می‌دارند در فرض کلی است و در ارتباط با موضوع یا شخص خاصی نیست.»

ج) تفسیر موسع از قانون به ضرر موکل و دست یازیدن به مغالطه:

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در متن رأی عباراتی کلی را آورده که البته به ظاهر این مقدمه چینی ممکن است در ذهن مخاطب درست جلوه کند اما نتیجه‌گیری از آن و ارتباطش با موکل نادرست است که این مغالطه می‌باشد.

افسون و افسانه نیست» در بازداشتگاه نوشته و تحویل داده‌ام و کتاب چاپ شده توسط شاگردانم به همین نام با استناد به منابع مختلف نیز امضاء و ضمیمه می‌باشد.

در ضمن، عکسی که به من نشان دادید، کتابی که در دست من است، کتاب معرفت کیهانی می‌باشد نه «انسان و معرفت» که کتابی در زمینه فیزیک مدرن است.

در ضمن کارشناسان مجلاتی تحت عنوان جزوات مؤسسه به دادگاه ارائه کرده‌اند و همان طوری که شفاهاً به اطلاع دادگاه محترم رسانیدم، هیچ‌گونه جزوه‌ای از سوی مؤسسه اینجانب منتشر نشده است و هر نوع جزوه انتسابی به من و یا مؤسسه هیچ‌گونه اعتباری نخواهد داشت و جعلی می‌باشد.»

متن رأی دادگاه مقرر شده «... بطور قطع تحریف عقاید دینی و نشر اکاذیب از گناهان گسترده تلقی می‌شود، الفتنه أكبر من القتل نیز بر همین معنا تاکید دارد که منحرف ساختن مردم از دین خدا همان افساد است. از دست دادن ایمان در جامعه با آموزه‌های انحرافی و همچنین تمسخر حق و باطل و حرف‌های پوچ و بیهوده جز فساد چیز دیگری نیست همچنین انحراف مردم از جریان صحیح زندگی و پاک کردن افکار پاک و سلیم مردم مصداق بارز فساد می‌باشد در نتیجه تولید فساد عقیدتی و بی‌ایمانی در آموزه‌های انحرافی متهم واقع است...»

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اساساً قصد شنیدن سخنان، اندیشه‌ها و دفاعیات موکل را نداشته و بر پیش‌فرض‌های ذهنی خود پافشاری کرده است و به تعبیری «فاعرض اکثرهم فهم لایسمعون...»

ریاست محترم دادگاه مستحضر هستند ماده مورد استناد کیفرخواست ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی می‌باشد که مقرر می‌دارد: هر کس بطور گسترده ... مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. تبصره ماده فوق مقرر می‌دارد: هرگاه دادگاه از مجموع... مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

ملاحظه می‌گردد عنصر قانونی جرم مزبور عملیات مادی خاصی است که در قسمت اول ماده آمده است و مرتکب در صورتی مفسد فی الارض تلقی می‌گردد که اقدامات مشخص شده در قسمت اول ماده را انجام داده و این اقدامات موجب اخلال شدید در نظم عمومی، نا امنی با ورود خسارت عمده به ... یا سبب فساد و فحشا در حد وسیع گردد.

این در حالی است که:

۱- آن‌چه که به عنوان گسترش فساد به موکل نسبت داده شده است، مستظهر به دلیل شرعی و قانونی نیست (که در بندهای بعد مفصلاً به آن پرداخته می‌شود) و کیفرخواست صرفاً بر اساس پیش‌فرض ذهنی بازجویان قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران با این عنوان اتهامی صادر شده است.

۲- اقدام موکل در ارتباط با طرح موضوع عرفان کیهانی حلقه مبتنی بر قانون بوده و در چارچوب فعالیت‌های علنی، مسالمت‌آمیز و غیرسیاسی صورت گرفته است و با این نحوه عمل، مرتکب جنایتی علیه تمامیت جسمانی افراد یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور یا نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور و ... نگردیده و اعمال وی موجب اخلال در نظم عمومی نشده و نا امنی ایجاد نکرده و خسارتی نیز به کسی وارد نکرده و فساد را نیز موجب نگردیده است و با اقداماتی که در چارچوب قانون به صورت علنی انجام داده، قطعاً قصد اخلال در نظم

عمومی یا ایجاد ناامنی و ایراد خسارات یا اشاعه فحشا و فساد نداشته و با عنایت به تمایل ایشان مبنی بر قانونی بودن کلیه اقدامات وی، احراز چنین قصدی ممتنع است و عمل موکل، عنوان مجرمانه دیگری هم ندارد. لذا با استناد به متن و تبصره ماده ۲۸۶ عمل مادی موکل به هیچ وجه منطبق بر متن قانون نبوده و از طرفی دلیلی بر قصد موکل مبنی بر اخلال، وجود ندارد.

۵-۳- عدم حجیت استناد به فیلم‌ها و تصاویر با توجه به مقررات موضوعه و نیز اظهارات موکل در صفحه نهم لایحه آخرین دفاع:

در رأی صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اشاره شده: «عملکرد متهم در مورد درمان مراجعین به شرح سی‌دی ملاحظه گردید و حکایت از آن دارد که متهم در حضور جمع کثیری از حاضرین با ادعای اتصال به شبکه مثبت یا روح القدس و با حرکاتی از قبیل بالا بردن دست و نگه داشتن آن، آرامش نسبی برای فرد بیمار حاصل نموده است، این عملکرد مورد تأیید مسئولین ذی‌صلاح قرار نگرفته است.»

همان‌گونه که مستحضرید، ادله اثبات کیفری یعنی دلایلی که بر اساس آن یک جرم اثبات می‌شود، محدود و معین شده‌اند. این ادله عبارتند از: اقرار متهم به ارتکاب جرم، شهادت شهود و گواهی‌هایی که بر ارتکاب جرم توسط متهم شاهد بوده‌اند و هم‌چنین گزارش ضابطین دادگستری اعم از مأمورین کلاتری‌ها و نیروی انتظامی و سایر ضابطینی که قانون آن‌ها را تعیین کرده است و نیز معاینه محل و تحقیق محلی و رجوع به کارشناسی و سوگند. در قانون پیش‌گفته و سایر قوانین فعلی ایران برای نوار ضبط شده یا فیلم گرفته شده به عنوان دلیل اعتبار قائل نشده است و خود قرینه و نشانه مستقلاً نمی‌تواند دلیلی برای انتساب جرم به شخصی تلقی شود.

آقای محمد علی طاهری در صفحه نهم لایحه آخرین دفاع می‌نویسد:

«... کارشناسان با توجه به این‌که کپی این فیلم‌ها در اختیار من و وکلایم نیست، اقدام به ساخت کلیپ‌های صوتی و تصویری با محتوای مطالب بی‌سر و ته تحریف شده نموده، غافل از این‌که هیچ قدرتی در طول تاریخ قادر به محو کردن اندیشه و از بین بردن فکر نبوده است و ... لذا به این منظور و با استفاده از نرم افزارهای استودیویی که با استفاده از تُن صدای هر کسی، امکان ساخت حروف و لغات صوتی با در دست داشتن صحبت‌ها، مکالمات، سخنرانی‌ها و ... آن فرد، وجود دارد و سپس با استفاده از این حروف لغات و کلمات آماده شده، هر مطلبی صوتی و جاگذاری روی تصویر قابل تهیه می‌باشد. حتی با کمک نرم افزارهای استودیویی آواساز، امکان ضبط صدا با تُن صدای یک نفر و سپس تغییر کل تُن صدا با تُن صدای فرد دیگری نیز وجود دارد. کارشناسان اقدام به تهیه کلیپ‌های صوتی و تصویری مورد نظر نموده تا اهداف فوق‌الذکر را بتوانند به‌سهولت پوشش

دهند. هم‌چنین امکان کم و زیاد کردن حروف و لغات به صدای کسی وجود دارد... امکان طراحی فونت رایانه‌ای با استفاده از دست خط هر کسی، با استفاده از نرم افزارهای مخصوص این کار وجود دارد که با فونت تهیه شده، می‌توان هر متنی را با دست خط فرد مورد نظر را در رایانه نوشت و این متن را به عنوان متن اسکن شده جا زده و مورد استفاده قرار داده و از آن پرینت گرفت.) مگر این‌که اصل دستخط موجود باشد... بنابراین با عنایت به مطالب فوق الذکر، بدین وسیله اعلام می‌شود که هیچیک از کلیپ‌های صوتی، تصویری انتسابی به علت ناقص بودن، بی‌سر و ته بودن، فاقد قسمت‌های پس و پیش و مقدمه و موخره، دستکاری مونتاژ و ... مورد قبول این‌جانب نبوده و فقط کتب، مجلات، مقالات و مطالبی را که شخصاً مورد تأیید قرار دهم، می‌توانند مورد استناد قرار بگیرند...»

۵-۴- عدم توجه به اظهارات آقای محمد علی طاهری در خصوص توبه:

ایشان در سطر هفدهم صفحه نخست لایحه دفاعیه ۲۶ صفحه‌ای مورخ ... اظهار می‌دارند «...» و در مرحله بعد اگر در حقیقت اعتقاد این‌جانب نسبت به اسلام و شیعه کماکان شکی وجود داشته باشد، در پیشگاه خداوند متعال نسبت به هرگونه خطا و قصوری توبه نموده و از درگاه او طلب استغفار می‌کنم...» به استناد ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته «در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. هم‌چنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید.» می‌بایست هم دادسرا و هم دادگاه محترم به اظهارات ایشان توجه می‌کرده و توبه ایشان را می‌پذیرفتند که متأسفانه در این خصوص موازین مربوطه رعایت نشده است.

به استناد ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی، در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. هم‌چنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید. تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.» هم‌چنین برابر ماده ۱۱۸ قانون مذکور متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید.

۵-۵- عدم ارائه کیفرخواست و عدم ابلاغ رأی به موکل با وجود درخواست صریح وی:

آقای طاهری در لایحه آخرین دفاع به صراحت اعلام کرده است: «... حتی یکی از صفحات کیفرخواست جهت پاسخگویی آن هم به صورت امانت در اختیار من گذاشته نشد و فرمودید کیفرخواست محرمانه است ... تا افکار عمومی نیز از طرح چنین کیفرخواست‌هایی هم که فقط مخصوص دادگاه‌های نفتیش عقاید می‌باشد مطلع نشود ... هم‌چنین هنوز رای و حکم دیوان عالی محترم کشور جهت کسب اطلاع از موضوع پرونده‌ام نیز به من ابلاغ نشده است و ... که قانوناً لازم است به بنده ابلاغ شده و در آینده نیز آرا و احکام صادره نیز به من ابلاغ شوند...»^۸

۸. افزون بر این، در طول این مدت، موکل چندین فقره شکایت به طرفیت اشخاص حقیقی و حقوقی در رابطه با تضییع حقوق قانونی‌اش در فرایند دادرسی و نیز نفوذ و اعمال فشار بر قضات پرونده، افتراء، توهین و هتک حرمت طرح کرده‌اند که متأسفانه تا کنون به هیچ یک از این شکایات رسیدگی نشده است. برای نمونه موکل در یک مورد شکایتی علیه بازجویان پرونده حاضر طرح کرده‌اند. در این شکایت اقدامات غیرقانونی «کارشناسان امنیتی» را شامل ۵ دسته کلی می‌داند: «۱- استفاده از برچسب‌های مجعول، موهوم، کذب و ناروا و عناوین مجرمانه قبل از اثبات در دادگاه»، «۲- ارائه استفتای متقابلانه به نام اینجانب با طرح فرضیات کذب»، «۳- نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، ترور شخصیتی، مدرک سازی، سندسازی و ... از طریق چاپ و انتشار ده‌ها جلد کتاب، مجله، صدها مقاله با ارائه مطالب کذب، جعلی، تحریف شده و ... تهیه و ساخت چندین فیلم و کلیپ و پخش آن‌ها از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها»، «۴- مدرک سازی، نشر اکاذیب و ترور شخصیتی از طریق انتشار مطالب کذب و موهومی که به طور عمده در کیفرخواست مطرح شده در قالب انتشار یک جلد کتاب به نام حلقه اسارت»، «۵- دخل و تصرف در دفاعیات و ...»

در متن این شکوائیه، ادعای استناد کتاب «حلقه اسارت» به مصاحبه خبرنگاران «خبرگزاری رسا» با خود را کذب خوانده و تصریح می‌کند: «هیچ خبرنگاری در خلال این سال‌ها، هرگز با من مصاحبه نکرده است و کارشناس (امنیتی) پرونده به‌عنوان مطلع که در نتیجه با این شگرد مزورانه، مطالب و ادعاهای دروغین و افتراءآمیز مطرح شده در کیفرخواست به اضافه مطالب خلاف واقع و کذب دیگر را در این کتاب گنجانیده و به‌عنوان یک کار تحقیقاتی کارشناسی مستند شده، ضمن نشر اکاذیب و ترور شخصیتی اینجانب در افکار عمومی، مدرک و سند سازی نموده و ضمیمه پرونده کرده‌اند تا پرونده مدلل و مستند به دلایل و مدارک به نظر بیاید.» محمد علی طاهری با بیان این‌که «اقدامات فوق در شرایطی صورت گرفته که هیچ گونه امکانی برای دفاع در قبال اعمال مجرمانه فوق به اینجانب داده نشده است»، می‌گوید: «کلیه موارد و اقدامات فوق، به‌عنوان مدارک مستند کارشناسی شده و تحقیقاتی، ضمیمه پرونده شده‌اند که در واقع استنادات و مدارک اثباتی کیفرخواست محسوب می‌شوند، درحالی‌که خود این مدارک به‌ظاهر مستند در هیچ دادگاهی به اثبات نرسیده و متأسفانه دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده نیز بدون توجه به این موضوع تا کنون این اسناد و مدارک مجعول و ساختگی را پذیرش و ضمیمه نموده است.

۵-۶- خودداری دادگاه از تکمیل تحقیقات:

همان‌گونه که مستحضرنند، در مرحله نخستین رسیدگی که منتج به صدور حکم اعدام برای موکل شده بود، ریاست وقت شعبه ۲۶ (آقای پیرعباسی) با نقص گرفتن کیفرخواست و اعاده آن به دادسرا اعلام داشته بود: شعاع کار و فعالیت متهم چقدر بوده، از لحاظ جمعیت و جغرافیا و حیطة فعالیت و تاثیرات شریعتی، امکان حمایت سرویس‌های بیگانه...

دادسرا پس از طی یکسال بررسی اعلام کرد رفع بعضی از نقائص اعلامی اگر محال نباشد، در حد خارق عادت است، مثلاً برای حالات روانی ۱۰۰ نفر از شاگردان محمدعلی طاهری قبل و بعد از تعلیمات وی، امکان وقوع ندارد و ... در مورد میزان شعاع فعالیت تا پایان سال ۸۹ در سطح کشور، پنجاه هزار نفر دوره‌های فرقه را گذرانیده و به‌عنوان مستر مشغول فعالیت هستند ...

جالب آن‌که متعاقب نقض حکم اعدام از دیوان محترم عالی کشور، این بار نه دادسرا بلکه شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب از انجام تحقیقات در این خصوص طفره رفته و در رأی صادره اعلام کرده که شاکیان نیز حاضر به همکاری به دلیل هراس جانی یا حفظ آبرو نشده‌اند و برای شانه خالی کردن از تکالیف شرعی و قانونی خود، به گزارش‌های ثارالله استناد کرده‌اند که در پرونده مضبوط است.

به استناد ماده ۳۴۱ همین قانون «هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک‌ماه، پرونده را بررسی و چنان‌چه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. هم‌چنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادسرای مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند. در مورد اخیر و هم‌چنین در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد.» هم‌چنین مستنبط از مفاد ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام می‌دهد.»

دادگاه بدوی بدون توجه به ایرادات مطروحه، مجدداً اقدام به صدور حکم اعدام کرده است و هیچ گونه تحقیقی نیز در راستای بند پنجم ایرادات دیوان عالی کشور نکرده است و در متن رأی به همین بسنده کرده که «به لحاظ گذشت زمان مدیدی از تشکیل پرونده اغلب شکات پرونده جهت معرفی به پزشکی قانونی برای بررسی فرادرمانی قابل شناسایی نبوده و بعضی از آن‌ها نیز به لحاظ حفظ جایگاه خانواده حاضر به همکاری نگردیده و بعضاً صدمات وارده آسیب جدی به کیان خانواده شد و باعث از هم پاشیدگی تعدادی از خانواده‌ها شده است...»

با توجه به موارد فوق، این موارد پرسیدنی است که:

-چه تحقیق و اقدامی از سوی دادگاه برای کشف حقیقت انجام گرفته است؟

-کدام مستند قانونی و شرعی برای تفویض اختیار انجام تحقیقات و ارسال پرونده به قرارگاه ثارالله وجود داشته که بر این اساس موضوع شکایت موکل به این مرجع که فاقد نقش بی‌طرفی در چنین پرونده‌ای است محول شده است؟

-اگر قرارگاه ثارالله به عنوان ضابط قضایی در پرونده وارد شده مستند آن چیست و اگر بر فرض هم به عنوان ضابط وارد شده آیا می‌توان از ضابطی که نقش شاکی را ایفاء کرده و از بیان تمام حقایق پرونده‌های کیفری موکل خودداری کرده و از سوی دیگر بازوی دادگاه انقلاب در تهیه مدارک و مستندات علیه موکل بوده و قاعدتاً در پرونده حاضر نمی‌تواند نقش بی‌طرفانه و منصفانه داشته باشد، بهره‌گرفت؟ ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.»

۶-دفاع پایانی:

موکل در صفحه ۱۲۹ لایحه آخرین دفاع مواردی را درخواست کرده که به هیچ یک از آن‌ها دادگاه بدوی توجهی نداشته است. این موارد عبارت بوده‌اند از:

-باتوجه به غیرعلنی بودن جلسات دادگاه تاکنون و پنهان ماندن کیفرخواست و دفاعیات من، یک نسخه از کیفرخواست و دفاعیاتم (تاکنون) در اختیار و کلا قرار داده شود تا حقیقت ادعاهای کذب وارده و دفاعیات من سر به مهر باقی نماند.

-اجازه پاسخگویی به کتاب‌ها، مجلات، مقالات، فیلم‌ها، برنامه‌های رادیویی، همایش‌ها و ... که بر علیه اینجانب توسط کارشناسان ثارالله به منظور مستند کردن پرونده و قانونی جلوه دادن اقدامات خود، تهیه، چاپ، نشر، پخش و برگزار کرده‌اند، از جانب من، برای رعایت عدالت داده شود .

-دفاعیات من تمام و کمال به دیوان عالی محترم کشور ارائه گردد. در مورد قبلی گویا فقط ۲۶ صفحه دفاعیات سال ۹۴ من و دفاعیات و کلا ضمیمه بوده است .

-جهت پاسخگویی و دفاع، رای دادگاه و سایر آرای صادره به این جانب شخصاً ابلاغ گردد زیرا از ابلاغ آن‌ها توسط وکیل تاکنون ممانعت به عمل آمده است و در مورد تقاضای اعاده دادرسی حکم صادره سال ۹۰ قاضی پیرعباسی در مورد اتهام کذب توهین به مقدسات، هیچ اقدامی صورت نگرفت که بدین وسیله مجدداً تقاضای اعاده دادرسی می‌نمایم .

-تنظیم صورت جلسه مربوط به عدم وجاهت قانونی مصاحبه اخذ شده به شیوه‌های غیرقانونی توسط بازپرس اسدی و کارشناسان ثارالله و همچنین عدم اعتبار قانونی هرگونه اقرار و اعتراف نامه احتمالی که ادعا می‌شود وجود دارد که در این صورت یا جعلی است و یا طبق روش‌های غیرمعارف اخذ شده است.

-تنظیم صورت جلسه مبنی بر اعلام نظر قطعی در مورد کشف و توقیف مبلغ دو میلیارد و چهارصد و هفتاد و پنج میلیون تومان موجودی نقدی به هنگام دستگیری من از بانک‌های سراسر کشور در حالی که من فقط در تهران حساب بانکی داشته‌ام و همه موجودی من و مؤسسه‌ام بیست و هفت میلیون تومان بوده است.

-تنظیم صورت جلسه در مورد اظهار نظر نهایی در مورد صحت و سقم فیلم پخش شده از رسانه ملی به نام به سوی حقیقت مبنی بر ادعای بستری کردن من در بیمارستان روانی زندان جهت معالجات روان پزشکی شست و شوی مغزی در اصل هدف این بستری کردن بوده است»

در پایان، با توجه به مراتب پیش گفته به شرح فوق و نظر به ایرادات شکلی و ماهوی در فرایند دادرسی و از آنجایی که نوع اقدامات و اظهارات موکل و همکاری وی جهت تعطیلی مؤسسه عرفان کیهانی و توصیه وی به شاگردانش جهت تعطیلی کلاس‌ها از همان زمان دست گیری در سال ۸۹ و ابراز توبه وی، تمایل ایشان را برای حرکت در چارچوب دین مبین اسلام و قانون و بدون هرگونه موضع‌گیری سیاسی، امنیتی مخالف نظام و به صورتی کاملاً مسالمت آمیز، به اثبات می‌رساند استدعا دارد با توجه به مواد ۴۳۳ و ۴۶۴ و ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز مفاد ماده ۱۱ و ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته است: «در جرائم موجب حد،

مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد و نیز منطوق ماده ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی که می‌فرماید: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود. و همچنین قاعده تدرأ الحدود بالشبهات و نیز قاعده ارزش دماء انسان‌ها و سایر مستندات قانونی مذکور در متن رأی و توجهاً به فتاوی جدید مراجع عظام تقلید به شرح پیوست که با آنچه که به عنوان فتاوی ایشان در متن رأی بدان استناد شده متفاوت بوده و موخر از آن به نوعی عدول از فتاوی پیشین است و توجهاً به مجوزهای قانونی شروع فعالیت موسسه متعلق به موکل و نیز عنایتاً به اظهارات و بیانی‌ها و کتاب‌ها و نشریات و مقالات و لوایح دفاعیه و سایر مکتوبات موکل که نشان از اعتقاد و التزام عملی وی به فروع و اصول دین و ارادت به امامان شیعه و امام عصر و نیز ولایت مطلقه فقیه دارد، تقاضا داریم، رأی شایسته دایر بر نقض رأی صادره از دادگاه بدوی صادر فرمایند.

وکلائی آقای محمد علی طاهری

بخش چهارم: شکایت به مسئولان عالی رتبه قضایی:

شکایت به دادستان کل کشور ۱۳۹۶/۷/۱

بسمه تعالی

دادستان محترم کل کشور، جناب حجت الاسلام والمسلمین منتظری

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً، خواهشمند است با عنایت به توضیحات و دلایل پیوست درمورد الزام به صدور حکم برائت از اتهام کذب انتسابی «افساد فی الارض» و فکّ بازداشت موقت غیرقانونی چندین ساله این جانب همراه با بررسی‌های لازم (از جمله رجوع به شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون، همچنین شکایت مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۰ به کمیسیون محترم مجلس شورای اسلامی اقدام مقتضی مبذول بفرمایید:

دلایل الزام به صدور حکم برائت از اتهام «افساد فی الارض» و فکّ بازداشت موقت:

۱- مردود شناخته شدن اتهام انتسابی «افساد فی الارض»: با استناد به آرای دیوان عالی کشور در آذر ۹۴ و

شهریور ۹۶

۲- اقدام به دستگیری و بازداشت موقت به اتهامات کذب بدون دلیل و مدرک در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹:

در این تاریخ کارشناسان امنیتی ثارالله اقدام به دستگیری و بازداشت موقت من بدون ارائه حکم دستگیری و کارت شناسایی نموده و منزل و دفاتر و انبارهای مؤسسه فرهنگی هنری این جانب را مورد بازرسی قرار داده‌اند و...

متعاقباً در بازرسی، اتهامات پوچ و واهی و بدون دلیل و مدرک (عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق و ...) به این جانب تفهیم و قرار بازداشت موقت صادر شده تا این که طی رأی صادره در آذر ۹۴، دیوان عالی محترم کشور درخواست اسناد و مدارک به منظور اثبات اتهامات وارد نموده که به دلیل عدم وجود ادله اثبات و صرفاً پاپوش امنیتی بودن آن‌ها، منع تعقیب این اتهامات (عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، اجتماع و تبانی، به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ترورهای انجام شده، تهدید افراد) از سوی بازپرس شعبه سوم دادسرای شهید مقدس و ارائه گزارش کتبی مبنی بر عدم وجود هرگونه دلیل و مدرک و شاکای برای سایر اتهامات (جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد، داشتن شاکیان خصوصی متعدد، تشکیک در عقاید مذهبی مردم و ...) از سوی قرار گاه ثارالله، همگی در سال ۹۵ صادر شده است.

۳- صدور حکم بازداشت موقت غیرقانونی به اتهام «افساد فی الارض» در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴: زیرا اتهام وارده با اقدامات انتسابی (صرف نظر از کذب بودن، در زمان صدور قرار بازداشت موقت با قانون قدیم مطابقت نداشته که به همین دلیل، بازداشت موقت از بابت این اتهام غیرقانونی بوده است.

۴- صدور حکم بازداشت موقت به اتهامات ارتداد، سابّ النبی (ص) و... در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ با استناد ناموجه متقلبانانه و غیرقانونی به فتاوی مراجع محترم تقلید: از طریق اخذ فتوا از سه تن از مراجع عظام تقلید با طرح فرضیات کذب و ناروا در استفتاء و نسبت دادن آن‌ها به من و سپس اقدام به صدور قرار بازداشت موقت این جانب از بابت این اتهامات با استناد به این فتواها که صرف نظر از کذب و موهومی بودن اتهامات وارده، متقلبانانه بودن شگرد استفتاء و ... طبق بند سادساً رأی دیوان عالی کشور در آذر ۹۴ با وجود قانون مجازات اسلامی، با وجود قانون، استناد به فتاوی مراجع محترم تقلید و جاهت قانونی نداشته که در نتیجه صدور قرار بازداشت موقت من با این ترفند، غیرقانونی بوده است. در ضمن متعاقباً به دلیل فقدان دلایل و مدارک به عنوان ادله اثبات جهت ارائه به دیوان عالی، منع تعقیب این اتهامات در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ صادر شد.

۵- غیرقانونی بودن آراء و احکام اعدام صادره: زیرا اتهام انتسابی «افساد فی الارض» با قانون قدیم و جدید منطبق نبوده و استناد به قانون جدید هم غیرقانونی بوده است. (با استناد به آرای صادره دیوان عالی کشور)

۶- غیرقانونی بودن طول مدت بازداشت مدت: با توجه به این که اتهام اصلی این‌جانب «افساد فی الارض» بوده که در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ تفهیم اتهام و بازداشت موقت من از این بابت آغاز شده که تا کنون تداوم یافته به‌وضوح مشخص است که این مدت بازداشت موقت به‌منظور تعیین تکلیف نهایی این اتهام، غیرقانونی بوده است. حتی با استناد به ماده ۲۴۲ قانون جدید ۹۲ نیز، مدت قانونی مقرر در قانون سپری شده و تداوم حبس در بازداشت موقت غیرقانونی بوده است.

۷- عدم امکان و شرایط قانونی جهت برگزاری محاکمه مجدد برای رسیدگی به این اتهام انتسابی «افساد فی الارض»: با رجوع و استناد به رأی دیوان عالی نتایج قطعی زیر مشخص می‌شود.

(۱) عدم تطابق اتهام وارده با قانون قدیم و جدید

(۲) مردود بودن اتهام انتسابی «افساد فی الارض» (به‌طور کلی چه با استناد به قانون جدید یا قدیم که در این صورت ماهیتاً مردود می‌باشد).

(۳) غیرقانونی بودن رأی اعدام صادره (به علت استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ و عدم تطابق با قانون قدیم)

(۴) عدم وجاهت قانونی استناد به فتوای مراجع عظام تقلید

(۵) بسته شدن پرونده سایر اتهامات در سال ۹۵ (از طریق صدور منع تعقیب و گزارش کتبی قرارگاه ثارالله)

(۶) عدم وجود هرگونه اتهام دیگر

(۷) عدم وجود نقص در پرونده (با استناد به رأی شه‌ریور ۹۶ دیوان عالی)

لذا، با توجه به استندات فوق‌الذکر واضح و مبرهن است که امکان و شرایط قانونی جهت برگزاری جلسه محاکمه دیگری به‌منظور رسیدگی مجدد به اتهام «افساد فی الارض» انتسابی، آن هم برای چهارمین بار وجود ندارد. (باراول: سال ۹۰ که به علت عدم تطابق با قانون قدیم، می‌بایستی برای آن رأی برائت صادر می‌شد. اما با اعمال نفوذ کارشناسان امنیتی و تباری با قاضی، پرونده مفتوح گذاشته شد. باردوم: سال ۹۳ و ۹۴ که منجر به صدور حکم غیرقانونی اعدام با استناد به قانون جدید ۹۲ گردید. بار سوم سال‌های ۹۵ و ۹۶ که منجر به تکرار و اصرار در حکم غیرقانونی اعدام قبلی و مجدداً با استناد به قانون جدید ۹۲ شد) و در نتیجه این اتهام الزاماً مختوم به برائت است. اما، اشاره دیوان محترم در خاتمه رأی صادره شه‌ریور ۹۶ و پس از تاکید مجدد به نتایج فوق‌الذکر، ضمن نقض دوباره قرار، با استناد به بند ۴ قسمت (ب) ماده ۴۶۹ ضرورت رسیدگی مجدد توسط دادگاه هم عرض

که می‌بایست از نظر دیوان عالی محترم کشور متابعت نموده و در ماهیت انشاء حکم کند (که با توجه به عدم تطابق اتهام انتسابی با قانون قدیم و جدید و ... ماهیتاً مردود می‌باشد و الزاماً باید براءت آن صادر شود) به نحوی که تخلفات و جرائم ارتكابی آشکار قضات و ... (که طی شکایات متعدد صدور آرای غیرقانونی اعدام، به منزله اقدام به قتل عمد از طریق تخطی، سوءاستفاده و انحراف از قانون بوده است) اصلاح شود و دادگاه انقلاب فرصت داشته باشد تا اقدامات غیرقانونی گذشته را رصد و از تکرار مجدد آن جلوگیری نماید، نه این که مجدداً با ارسال پرونده به شعبه مسأله‌دار دیگری (تحت اعمال نفوذ کارشناسان امنیتی) باز هم زمینه ارتكاب تخلفات دیگری را فراهم کند. در ادامه چنین روندی، قاضی صلواتی در مورخه ۱۳۹۶/۹/۸ به من اعلام نموده که از نو قصد رسیدگی به پرونده را دارد و انگار که مرا همین امروز دستگیر و پرونده نیز همین الان تشکیل شده و سپس در اولین گام به منظور تداوم رویه غیرقانونی گذشته، وکلای این پرونده هشت ساله را به بهانه اعمال ماده ۴۸ قانون جدید، عزل و از ورود آن‌ها به شعبه ۱۵ و پی‌گیری پرونده و تعیین تکلیف قانونی آن به‌منظور انشای رأی با تبعیت از نظر دیوان، جلوگیری نموده و از این طریق باعث اطاله وقت دادرسی شده است.

۸- عدم وجاهت قانونی پرونده: به‌واسطه اعمال شکنجه‌های روحی و روانی از جمله صحنه‌سازی‌های اعدام در سال ۹۰ با ارائه پانزده حکم جعلی اعدام با ادعای این که از سوی پانزده تن از مراجع محترم تقلید صادر شده و ... ضرب و شتم، تحقیر و فحاشی، گرفتن مصاحبه زوری کذب دیکته شده، اقدام به شست‌شوی شیمیایی مغزی به بهانه انجام معالجات روان‌پزشکی (طبق اعترافات کارشناسان امنیتی در فیلم به‌سوی حقیقت ...)، تهدید مداوم خانواده و دستگیری و حبس همسر و پرونده و پاپوش‌سازی‌های مکرر برای ایشان، به‌منظور تدارک سناریوهای مورد نظر و اعمال فشار به من و ... نقض آیین‌نامه دادرسی و حقوق شهروندی و ... (با استناد به شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون)، ارائه گزارش‌های خلاف واقع، استناد به صوت‌ها و کلیپ‌های ناقص، منقطع، مونتاژ و صداگذاری شده و ... حمایت همه جانبه دادگاه در پرونده‌سازی با شگرد نشر اکاذیب گسترده توسط کارشناسان امنیتی پرونده از طریق چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب و مجله، صدها مقاله، تهیه و پخش ده‌ها کلیپ و فیلم از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها، ده‌ها برنامه رادیویی و تلویزیونی، برگزاری ده‌ها همایش و ... قبل از اثبات این اکاذیب در دادگاه صالحه که عملی غیرقانونی و بر اساس فتوای مراجع عظام تقلید، فعلی حرام می‌باشد و جلوگیری از پاسخگویی و دفاع این‌جانب در مقابل این هجمه‌های ظالمانه همه جانبه (هم‌چنین دستگیری صدها نفر از کسانی که در صدد پاسخگویی به این اکاذیب و اعتراض به برگزاری دادگاه‌های غیرقانونی برآمده‌اند). هم‌چنین پذیرفتن این مطالب افترا آمیز به‌عنوان ادله اثبات مطالب موهومی کیفرخواست و ضمیمه پرونده شدن این اکاذیب از طرف قضات پرونده به‌عنوان مدارک قطعی و متقن اثبات شده. این درحالی است که برگزاری کلیه جلسات

دادگاه‌ها نیز غیرعلنی و کیفرخواست و کلیه آراء و احکام صادره، برای جلوگیری از افشای حقایق، محرمانه بوده و ابلاغ قانونی نشده و وکلا مجبور به رونویسی از آن‌ها شده، ضمن این که حتی اجازه ارائه نسخه‌های رونویسی شده را نیز به من در بازداشتگاه داده نشده، درحالی که پرونده حاوی مطالب امنیتی و یا منافی عفت نبوده و شاکی خصوصی هم نداشته است.

۹- کذب و موهومی بودن اتهام «افساد فی الارض»:

برطبق ادله ارائه شده در صدها برگ دفاعیات کتبی و صدها ساعت توضیحات شفاهی از تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ تا کنون (اعم از بازجویی در بازداشتگاه و یا به صورت غیرقانونی در اماکن شخصی)، ضمن این که ۲۵۰ برگ از دفاعیاتم از تاریخ ۱۳۹۲/۲/۳ تا کنون به دادگاه ارائه نشده و مفقود می‌باشد و ۱۹۰ برگ دیگر هم که در آبان ۹۱ تحویل یکی از کارشناسان امنیتی پرونده (آقای محمدرضا رحیمی) شده، طی شکایتی که از نامبرده در این مورد به عمل آمده، با اجبار در اسفند ۹۵ به شعبه ۲۶ تحویل شده است. این اقدامات مجرمانه به منظور امحای دفاعیات این جانب صورت گرفته که در نتیجه از این نظر هم که بخشی از دفاعیاتم به دادگاه تحویل نشده، آرای اعدام صادره نیز باطل بوده است. (یکی دیگر از دلایل اقدام به قتل عمد از طریق تخطی، سوءاستفاده و انحراف از قانون)

۱۰- تحمل چندین سال حبس در بدترین شرایط ممکن:

سال‌ها بازداشت موقت در بازداشتگاه امنیتی ۲- الف اوین، از جمله هشت ماه حبس در سلول انفرادی، محروم از کلیه حقوق زندانیان در خلال این سال‌ها و... همچنین تحمل مصائب و مشقات جانبی از اعمال و رفتارهای غیرقانونی کارشناسان امنیتی پرونده در بازداشتگاه (از جمله چهار بار اقدام به خودکشی به منظور اجتناب از ارائه اعترافات کذب زوری دیکته شده که از طریق تهدید به صدمه رسانیدن به همسر و بی‌سرپرست شدن فرزندانم در صورت عدم ارائه، کارشناسان امنیتی قصد گرفتن اعترافات کذب و خلاف واقع را داشتند، هفده بار (با این دفعه) اقدام به اعتصاب غذا در اعتراض به رفتارهای خلاف و مجرمانه و در نتیجه اقدام به این اعتصاب‌ها، هشت بار رفتن به کما) و ...

با آرزوی توفیق الهی
محمدعلی طاهری

شکایت به دادستان استان تهران ۱۳۹۶/۷/۱

بسمه تعالی

دادستان محترم استان تهران، جناب آقای دکتر دولت آبادی

با سلام، احتراماً

دلایل الزام به صدور حکم برائت از اتهام «افساد فی الارض» و فکّ بازداشت موقت

۱- مردود شناخته شدن اتهام انتسابی «افساد فی الارض»:

با استناد به آرای دیوان عالی کشور در آذر ۹۴ و شهریور ۹۶

۲- غیرقانونی بودن آراء و احکام اعدام صادره:

زیرا اتهام انتسابی «افساد فی الارض» (با استناد به آرای دیوان عالی کشور) با قانون قدیم، مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ منطبق نبوده و استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ نیز برای صدور آراء و احکام (اعدام) غیرقانونی بوده است.

۳- اقدام به دستگیری و بازداشت موقت به اتهامات کذب بدون دلیل و مدرک در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹:

کارشناسان امنیتی ثارالله اقدام به دستگیری و بازداشت موقت من به اتهامات پوچ و واهی و بی پایه و اساس (عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق و ...) بدون دردست داشتن هرگونه دلیل و مدرکی و بدون ارائه

حکم دستگیری و کارت شناسایی نموده و منزل، دفاتر و انبارهای مؤسسه فرهنگی هنری این‌جانب را مورد بازرسی قرار داده‌اند و... اما متعاقباً با درخواست دیوان عالی کشور در رأی صادره آذر ۹۴ مبنی بر ارائه اسناد و مدارک به‌منظور اثبات اتهامات وارده به‌دلیل عدم وجود هرگونه دلیل و مدرکی و پاپوش امنیتی بودن این اتهامات قرار منع تعقیب آن‌ها در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ از سوی شعبه سوم دادسرای شهید مقدس و قرارگاه ثارالله صادر شد. قرار منع تعقیب از: (عضویت در سازمان مارکسیستی چریک‌های فدایی خلق ایران، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ترور، تهدید افراد، جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد، داشتن شاکیان متعدد و ...)

۴- صدور حکم بازداشت موقت غیرقانونی به اتهام «افساد فی الارض» در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴:

زیرا اتهام انتسابی (صرف نظر از کذب بودن) در زمان صدور حکم بازداشت موقت با مواد ۱۸۸ و ۱۸۳ جرم مربوطه در قانون (قدیم) اصلاً مطابقت نداشته که به همین دلیل بازداشت موقت غیرقانونی بوده است.

۵- صدور حکم بازداشت موقت غیرقانونی ارتداد و سبّ النبی (ص) و... در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ با استناد ناموجه، متقالبانه و غیرقانونی به فتوای مراجع:

از طریق اخذ فتوا از سه تن از مراجع عظام تقلید با طرح فرضیات کذب و ناروا دراستفنا و نسبت دادن آن‌ها به این‌جانب و سپس اقدام به صدور حکم بازداشت موقت من از بابت این اتهامات با استناد به این فتواها که صرف نظر از کذب و موهومی بودن اتهامات وارده و متقالبانه بودن شگرد استفنا و... طبق بند سادساً رأی دیوان عالی کشور در آذر ۹۴ با وجود قانون مجازات اسلامی، استناد به فتوای مراجع محترم تقلید و جهات قانونی نداشته و صدور حکم بازداشت موقت من با این ترفند غیرقانونی بوده است. درضمن متعاقباً به علت فقدان دلایل و مدارک جهت اثبات اتهامات فوق و ارائه به دیوان عالی در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ برای این اتهامات نیز منع تعقیب صادر شده است.

۶- غیرقانونی بودن طول مدت بازداشت موقت:

با توجه به این که اتهام اصلی این‌جانب «افساد فی الارض» بوده که در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ تفهیم اتهام و بازداشت موقت من از بابت این اتهام آغاز شده که تا کنون تداوم دارد به‌وضوح مشخص است که این مدت بازداشت موقت به‌منظور تعیین تکلیف نهایی این اتهام غیرقانونی بوده است. (درضمن تاریخ‌های تمدید بازداشت موقت در این رابطه ۱۳۹۴/۴/۱۴، ۱۳۹۴/۱۱/۱۸، ۱۳۹۵/۱/۱۸، ۱۳۹۵/۳/۱۸ و خارج از این تاریخ‌ها نیز با این

توجیه که پرونده در دادگاه بوده، علی‌رغم تذکر و اعتراض‌های مکرر من و کلایم قرار بازداشت موقت صادر نشده است.

۷- عدم امکان قانونی رسیدگی مجدد به اتهام انتسابی «افساد فی الارض»:

با رجوع و استناد به رأی دیوان عالی کشور، نتایج قطعی زیر مشخص می‌شود:

- ۱) عدم تطابق اتهام انتسابی «افساد فی الارض» با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ جرم مربوطه در قانون (قدیم)
 - ۲) غیرقانونی بودن آراء و احکام (اعدام) صادره با استناد به قانون جدید (مؤخرالتصویب) ۹۲ (و یا صدور هر رأی با استناد به این قانون در این رابطه از این پس)
 - ۳) مردود بودن اتهام انتسابی «افساد فی الارض» (به‌طور کلی چه با قانون قدیم چه با قانون جدید)
 - ۴) عدم وجاهت قانونی استناد به فتوایهای مراجع عظام تقلید
 - ۵) عدم وجود نقص در پرونده (با استناد به رأی صادره شهریور ۹۶ دیوان عالی محترم کشور)
 - ۶) عدم وجود شاکی خصوصی
 - ۷) عدم وجود دلیل و مدرک برای سایر اتهامات وارده (که برای همه آن‌ها در تاریخ ۱۳/۴/۱۳۹۵ قرار منع تعقیب صادر شده است).
- لذا با توجه به استنادات فوق الذکر واضح و مبرهن است که امکان و شرایط قانونی جهت برگزاری جلسه محاکمه دیگری به‌منظور رسیدگی مجدد به اتهام «افساد فی الارض» آن هم برای چهارمین بار وجود ندارد.
- بار اول: سال ۹۰ که به علت عدم تطابق با قانون، می‌بایستی برای آن رأی برائت صادر می‌شد، اما با اعمال نفوذ کارشناسان امنیتی وتبانی با قاضی، پرونده مفتوح گذاشته شده است.
- بار دوم: سال‌های ۹۳ و ۹۴ که منجر به صدور حکم غیرقانونی اعدام با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ گردید.
- بار سوم: سال‌های ۹۵، ۹۶ که منجر به تکرار و اصرار برحکم غیرقانونی اعدام قبلی و با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ شد.

و در نتیجه این اتهام الزاماً مختوم به برائت است اما اشاره دیوان محترم در خاتمه رأی صادره شهریور ۹۶ پس از تاکید مجدد به نتایج فوق الذکر به عبارت «مجدداً رسیدگی شود» به منظور انشای رأی با در نظر گرفتن تخلفات و جرایم ارتكابی آشکار قضات و کارشناسان امنیتی بوده (که طرح شکایات متعدد ارائه شده، صدور رأی غیرقانونی اعدام و... به منزله اقدام به «قتل عمد» از طریق تخطی، سو استفاده و انحراف از قانون بوده است) تا دادگاه انقلاب این فرصت را داشته باشد اقدامات غیرقانونی گذشته را اصلاح نماید. نه این که مجدداً با ارسال پرونده به شعبه مسأله‌دار دیگری (تحت اعمال نفوذ کارشناسان امنیتی) باز هم زمینه ارتكاب تخلفات سابق را فراهم کند.

در ادامه چنین روندی، «قاضی صلواتی» ۱۳۹۶/۹/۸ به من اعلام نموده که از نو قصد رسیدگی به پرونده را دارد و انگار که مرا همین امروز دستگیر و پرونده همین الان تشکیل شده و سپس در اولین گام به منظور تداوم رویه غیرقانونی گذشته، وکلای این پرونده هشت ساله را به بهانه اعمال ماده ۴۸ عزل و از ورود آن‌ها به شعبه ۱۵ و پی‌گیری پرونده و تعیین تکلیف قانونی آن به منظور انشای رأی که مورد نظر دیوان عالی بوده، جلوگیری نموده است و... با این توضیحات اگر قاضی صلواتی هم قصد تکرار و اصرار در رأی صادره قبلی را داشته باشد با توجه به این که رأی صادره قبلی غیرقانونی بوده‌اند، اصرار در این عمل غیرقانونی، فی نفسه ارتكاب خلاف عامدانه می‌باشد.

۸- عدم وجاهت قانونی پرونده:

به واسطه اعمال شکنجه‌های روحی و روانی از جمله صحنه‌سازی‌های اعدام در سال ۹۰ با ارائه پانزده حکم جعلی اعدام با ادعای این که حکم ما از سوی پانزده تن از مراجع محترم تقلید صادر شده و ... ضرب و شتم، تحقیر و فحاشی، گرفتن مصاحبه زوری کذب دیکته شده، اقدام به شست‌شوی شیمیایی مغزی به بهانه معالجات روان‌پزشکی، تهدید مداوم خانواده و دستگیری و حبس همسر و پرونده و پاپوش‌سازی‌های مکرر برای ایشان به منظور تدارک سناریوهای مورد نظر و اعمال فشار به من و... نقض آیین‌نامه دادرسی و... (با استناد به شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون)، ارائه گزارش‌های خلاف واقع، استناد به صوت‌ها و کلیپ‌های ناقص، منقطع، موتاژ و صداگذاری شده و ... حمایت همه جانبه دادگاه در پرونده‌سازی از طریق نشر اکاذیب گسترده توسط کارشناسان امنیتی پرونده از طریق چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب و مجله و صدها مقاله، تهیه و پخش ده‌ها کلیپ و فیلم از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها، ده‌ها برنامه رادیویی و تلویزیونی، برگزاری ده‌ها همایش و ... قبل از اثبات این اکاذیب در دادگاه صالحه که عملی غیرقانونی و براساس فتوای مراجع عظام تقلید فعلی حرام می‌باشد و

جلوگیری از پاسخگویی و دفاع این جانب در مقابل این هجمه‌های ظالمانه همه جانبه، (هم‌چنین دستگیری صدها نفر از کسانی که در صدد پاسخگویی به این اکاذیب و اعتراض به برگزاری دادگاه‌های غیرقانونی برآمده‌اند).

هم‌چنین پذیرفتن این مطالب افترا آمیز به‌عنوان ادله اثبات کیفرخواست کذب و موهومی و ضمیمه پرونده شده از طرف قضات به‌عنوان مدارک قطعی و متقن. این درحالی است که برگزاری کلیه جلسات دادگاه‌ها نیز غیرعلنی و کیفرخواست و کلیه آراء و احکام صادره، برای جلوگیری از افشای حقایق، محرمانه بوده و ابلاغ قانونی نشده و کلاً مجبور به رونویسی از آن‌ها شده، ضمن این که حتی اجازه ارائه نسخه‌های رونویسی شده را نیز به من در بازداشتگاه داده نشده، درحالی که پرونده حاوی مطالب محرمانه امنیتی و یا منافی عفت نبوده است.

۹- کذب و موهومی بودن اتهام «افساد فی الارض»:

برطبق صدها برگ دفاعیات کتبی و صدها ساعت توضیحات شفاهی ارائه شده از تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ تا کنون (اعم از بازجویی در بازداشتگاه و یا به‌صورت غیرقانونی در اماکن شخصی) ضمن این که ۲۵۰ برگ از دفاعیاتم از تاریخ ۱۳۹۲/۲/۳ تا کنون به دادگاه ارائه نشده و مفقود می‌باشد و ۱۹۰ برگ دیگر هم که در ابان ۹۱ تحویل یکی از کارشناسان امنیتی پرونده (آقای محمدرضا رحیمی) شده، طی شکایتی که از نامبرده به‌عمل آمده، با اجبار در اسفند ۹۵ به شعبه ۲۶ تحویل شده است. این اقدامات مجرمانه به‌منظور امحای دفاعیات این‌جانب صورت گرفته است در نتیجه از این نظر هم که بخشی از دفاعیاتم به دادگاه تحویل نشده، آرای اعدام صادره نیز باطل بوده است. (یکی دیگر از دلایل اقدام به قتل عمد از طریق تخطی، سوءاستفاده و انحراف از قانون توسط کارشناسان امنیتی پرونده در تباری با قضات پرونده)

۱۰- تحمل چندین سال حبس در بدترین شرایط ممکن:

سال‌ها بازداشت موقت در بازداشتگاه امنیتی ۲- الف اوین، از جمله هشت ماه حبس در سلول انفرادی، محروم از کلیه حقوق زندانیان در خلال این سال‌ها و ... هم‌چنین تحمل مصائب و مشقات جانبی از اعمال و رفتارهای غیرقانونی کارشناسان امنیتی پرونده در بازداشتگاه (از جمله چهار بار اقدام به خودکشی به‌منظور اجتناب از ارائه اعترافات کذب زوری دیکته شده که از طریق تهدید به صدمه رسانیدن به همسر و بی‌سرپرست شدن فرزندانم در صورت عدم ارائه کارشناسان امنیتی قصد گرفتن این اعترافات را داشتند، شانزده بار اقدام به اعتصاب غذا در اعتراض به اعمال خلاف و مجرمانه آن‌ها و در نتیجه این اعتصاب، هفت بار رفتن به کما و ...) و ...

هم‌چنین دلایل ابطال انتساب هر اتهامی به طور کلی به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

۱. لزوم تجمیع پرونده‌های جرم‌های متعدد انتسابی به فرد و رسیدگی یک‌جا به همه آن‌ها:

در نتیجه تجمیع اتهامات انتسابی این‌جانب تا مرداد ۹۶ و ارسال پرونده برای دومین بار به دیوان عالی محترم کشور ثابت می‌شود که هیچ اتهام رسیدگی نشده‌ای باقی نمانده که لازم باشد از نو تفهیم اتهام و مورد رسیدگی مقدماتی قرار بگیرد و در صورت باقی ماندن احتمالی اتهامی نیز تخلف عمدی در تجمیع پرونده‌ها صورت گرفته که در این صورت به‌طور قطع توطئه و دسیسه دیگری (مانند گذشته) در جریان می‌باشد. بدیهی است هر اقدامی در راستای تداوم اعمال غیرقانونی گذشته باطل و منجر به طرح شکایات مجدد به مراجع قانونی و اقدام به اعتراض به هر نحو ممکن می‌گردد.

۲. دلایل ابطال اتهام احتمالی جدید (پیرو توضیح شفاهی یکی از وکلایم درمورد موضوع اتهام ماده ۴۹۸ با تجمیع و استناد به پرونده چند نفر از دستگیر شدگان در این رابطه):

اولاً: غیرقانونی بودن استناد به مواد قانونی مؤخرالتصویب ۹۲ از جمله ماده ۴۹۸ و دیگر مواد، هم‌چنین عدم تفهیم اتهام آن قبل از ارسال پرونده به دیوان عالی قبل از شهریور ۹۶

ثانیاً: محبوس بودن در شرایط قرنطینه در بازداشتگاه امنیتی ۲- الف اوین و محروم از حقوق زندانیان (از جمله عدم استفاده از مرخصی، ملاقات شرعی، عدم ملاقات خانواده در خلال ۱۵ ماه گذشته و نداشتن تماس تلفنی به مدت حدود یکسال تا همین چند ماه قبل و ...)

ثالثاً: کذب بودن تشکیل جمعیت، دسته، گروه، فرقه و ... زیرا فعالیت آموزشی در هر حوزه‌ای و در چهارچوب یک مؤسسه فرهنگی هنری قانونی علنی، هرگز به منزله تشکیل گروه و ... نمی‌باشد. ضمن این که پس از دستگیری این‌جانب، مؤسسه‌ام نیز منحل گردیده است.

رابعاً: کذب بودن اتهام «اقدام علیه امنیت کشور»: زیرا این اتهام که با دستگیری و بازداشت موقت در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ بدون تفهیم اتهام شده، پیرو درخواست دیوان عالی محترم کشور در رأی صادره ۹۴ مبنی بر ارائه اثبات اتهام وارده به دلیل عدم وجود هرگونه دلیل و مدرکی (و صرفاً پاپوش امنیتی بودن آن که اساساً به‌عنوان یک ترفندی به‌منظور امنیتی کردن پرونده، فراهم نمودن شرایط برخورد‌های امنیتی غیرقانونی، نگهداری طولانی مدت در بازداشت موقت در بازداشتگاه امنیتی و ... به کار گرفته می‌شود) در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ برای این اتهام (که با‌عنوان مجرمانه اغراق آمیز «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق عضویت در گروه چریک‌های فدایی خلق و ترور افراد و تهدید آن‌ها» به دیوان عالی علیه من اعلام جرم شده بود)، قرار منع تعقیب

صادر شده که در نتیجه هرگونه ادعای جدیدی در این زمینه و مرتبط به «اجتماع و تبانی» و «اقدام علیه امنیت کشور» ماهیتاً مردود و باطل بوده و تکرار این ادعاهای پوچ، پاپوش امنیتی آشکاری می‌باشد.

با این توضیحات به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که شرط اساسی تحقق جرم ماده ۴۹۸ که تشکیل گروه، دسته و... است که بایستی با هدف «برهم زدن امنیت کشور» صورت گرفته باشد، مفقود است و همان طوری که منع تعقیب صادره در این مورد اثبات می‌کند، این جانب تا کنون هیچ اقدامی در این راستا مرتکب نشده‌ام و چنین اتهامی مانند اتهامات قبلی افترا و بهتان می‌باشد.

اما در مورد تجمیع و استناد به پرونده افراد دستگیر شده مرتبط با فعالیت مؤسسه سابق این جانب، ضمن تاکید به این حقیقت که هدف آن‌ها نیز به هیچ عنوان «برهم زدن امنیت کشور» نبوده، لازم به توضیح است که از سال ۹۰ تعداد قابل ملاحظه‌ای از کسانی که با ثبت نام قانونی (پرو کردن فرم ثبت نام، ارائه عکس و فتوکپی شناسنامه و کارت ملی و پرداخت شهریه) در دوره‌های آموزشی مؤسسه در حوزه عرفان برطبق موضوع فعالیت و مجوزهای رسمی آن شرکت کرده‌اند، دستگیر و تحت اعمال فشار، تهدید، رعب و وحشت و رفتارهای غیرقانونی (بر طبق شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون و در صورت لزوم احضار به عنوان شاهد و شاکی) و... قرار گرفته تا به زور و به دروغ شهادت بدهند و شکایت نکنند که توسط من همراه شده‌اند (تا بتوانند حکم «افساد فی الارض» انتسابی را که با قانون قدیم منطبق نبوده به شیوه‌ای سقراطی و خارج از چهارچوب قانون، با تبانی با قاضی پرونده صادرکنند، طبق نوار لو رفته و افشا شده)

از طرف دیگر کارشناسان امنیتی پرونده با نشر اکاذیب گسترده (از طریق چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب و مجله، صدها مقاله، ده‌ها فیلم و کلیپ و پخش آن‌ها از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها، تولید و پخش ده‌ها برنامه رادیویی سریالی و تلویزیونی، ده‌ها همایش و...) اقدام به سم‌پاشی و لجن پراکنی و... علیه این جانب و عرفان حلقه می‌نمایند که در نتیجه افراد شرکت کننده در دوره‌های مؤسسه، با پی بردن به نشر این اکاذیب و توطئه و نیرنگی که با هدف ترور شخصیتی و فیزیکی این جانب طراحی شده مبادرت به خنثی‌سازی این دسیسه‌ها و نقشه شوم آن‌ها می‌نمایند و به این منظور عده‌ای اقدام به برگزاری کلاس، چاپ کتب، مجلات و مقالات (زیرا نسخه‌های اصلی توسط کارشناسان امنیتی پرونده جمع‌آوری و در بیابان‌های اطراف با حضور همسر و خواهر زاده‌ام به آتش کشیده شده و امحا شده‌اند و نسخه‌های جعلی جایگزین آن‌ها شده و منتشر می‌گردد. هم‌چنین مطالب جعلی تحت عنوان جزوات درسی نیز تهیه و منتشر گردیده، در حالی که مؤسسه هرگز جزوه درسی منتشر نکرده است)، اطلاع رسانی از طریق فضای مجازی و... نموده تا با آشکار نمودن حقایق و زنده نگه داشتن آن پرده از دغل کاری‌ها، دروغ و بهتان و نشر اکاذیب به عمل آمده بردارند. عده‌ای نیز در دفاع از مظلوم و اعتراض به دادگاه‌های

غیرقانونی توسط قاضی احمدزاده (که به واسطه عدم انطباق اتهام انتسابی «افساد فی الارض» با قانون قدیم، شکست توپنه و نیرنگ در جهت گرفتن اعترافات زوری کذب از دستگیر شدگان مبنی بر گمراه شدن توسط من، همچنین گرفتن اعترافات زوری کذب از خود من و ... مبادرت به صدور آراء و احکام غیرقانونی اعدام با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ نموده که مجموعه این اعمال، اقدام به «قتل عمد» از طریق سو استفاده، تخطی و انحراف از قانون بوده است) از سال ۹۳ اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی مردمی مسالمت‌آمیز غیرسیاسی نموده تا نظر مسئولین قوه قضاییه نسبت به ارتکاب این قبیل اعمال مجرمانه به نام «قانون» صورت می‌گیرد، جلب شده و تظلم خواهی شود اما نه تنها به این اعتراضات هیچ‌گونه توجهی نمی‌شود بلکه تعداد زیادی نیز دستگیر شده‌اند. همه این فعالیت‌های حق طلبانه، علی‌رغم میل باطنی من از درست شدن مشکلات عدیده و دستگیری آن‌ها و درست شدن پرونده برای این انسان‌های آزاد اندیش فرهیخته و ظلم ستیز و حق طلب که قطعاً نامشان در تاریخ آزاد اندیشی به نیکی به‌جای خواهد ماند و همچنین مجاهدت آن‌ها در مسیر برقراری عدالت و تثبیت آن و ... در تاریخ ماندگار خواهد شد، صورت گرفته است. ضمن این که این اقدامات مسالمت‌آمیز، غیرسیاسی و آرام بوده و هرگز هدف آن نیز برهم زدن امنیت کشور نبوده و صرفاً به‌منظور جلوگیری از اعدام و حبس یک معلم بی‌گناه (به گواهی هزاران شاهد) انجام شده است.

لازم به ذکر است آنچه را که امروز با آن مواجه هستیم نتیجه اقدامات مجرمانه کارشناسان امنیتی پرونده، «بازپرس اسدی» و «قضات شعبه ۲۶» و تباری آن‌ها با یکدیگر می‌باشد و اگر ارتکاب این تخلفات نبود، یا به همه اتهامات کذب انتسابی در همان دادگاه بدوی برگزار شده سال ۹۰ به‌طور یک‌جا رسیدگی قانونی می‌شد یا اگر به شکایات ارائه شده این‌جانب از سال ۹۰ تا کنون رسیدگی شده بود، یا قاضی احمدزاده جلسه دادگاه را با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ برگزار نمی‌کرد و ... هرگز نیازی به این‌گونه اقدامات اعتراضی و ... نبود. همانطور که خود من نیز در اعتراض به مجموعه این اعمال غیرقانونی، شانزده بار اقدام به اعتصاب غذا نموده و یا چهار بار اقدام به خودکشی (به علی که قبلاً ذکر شد) و ...

در ضمن همه این مجاهدت‌ها توسط من و یا دیگران با استناد به آیه شریفه: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» و بر حسب وظیفه انسانی و شرعی در مواجهه با ظلم و ستم و بی‌عدالتی بوقوع پیوسته و عملی است و واکنشی که باز هم در صورت تداوم این‌گونه ترفندها و شگردهای طاغوتی که به نام «خدا»، «قانون» و ... صورت گرفته، حداقل خود من به هر نحو ممکن اعتراض نموده و صدای مظلومیت خود را به گوش همه انسان‌های آزادی‌خواه و ظلم ستیز رسانده و در مقابل هرگونه بی‌عدالتی، ایستادگی خواهیم کرد.

۳. اما اگر منظور از مطرح نمودن اتهام جدید، اقدام براساس همان روال متداول در دادگاه انقلاب است که طبق یک اصل نانوشته هیچ متهم (سیاسی - امنیتی) نباید طلبکار از بازداشت موقت آزاد شود. به عبارتی دیگر در صورتیکه اتهام وارده منجر به صدور براءت گردد (به‌طور عمده از طریق دیوان عالی کشور که بستگی به شعبه، نفوذ کارشناسان امنیتی در آنجا زیاد نیست، برخلاف دادگاه بدوی و تجدید نظر، مدت بازداشت موقت را با بستن یک اتهام «هوایی» که سبک‌تر از اتهام اصلی است و ممکن است با اتهام اولیه نیز هیچ ارتباطی نداشته باشد، جبران نموده تا هیچ کس نتواند ادعای ضرر و زیان و اعاده حیثیت از بابت دستگیری و بازداشت موقت و ... ناموجه غیرقانونی بنماید (به این‌گونه اقدامات الکی و سفارشی، اتهامات هوایی و این عمل را «هوایی در کردن» می‌گوییم.) این‌گونه شگردها همواره در دادگاه انقلاب به اجرا در آمده و همان طوری که همه به‌خوبی می‌دانند مرسوم است.

در چنین مواردی، صدور رأی براءت اتهام اصلی از طرف دادگاه گرو نگه داشته می‌شود و اتهام سبک‌تری را به فرد می‌چسبانند و پیشنهاد می‌کنند آن را پذیرفته و تمکین کند، (هرچند که فرقی نمی‌کند، زیرا در صورت اعتراض متهم معمولاً رأی در دادگاه بدوی انقلاب و دادگاه تجدیدنظر تحت نفوذ کارشناسان امنیتی شکسته نمی‌شود، به‌ویژه آرای هوایی) و پس از قطعی شدن این مدت محکومیت هوایی، مدت دیگری را باز هم باید در حبس بگذرانند. لذا با این ترفند جای هیچ‌گونه طلبکاری و اعاده حیثیت برای وی باقی نخواهد ماند.

در همین رابطه یکی از کارشناسان امنیتی پرونده (آقای صدرا) طی جلسه مورخه ۱۳۹۶/۱/۲۷ و ... در ازای صدور براءت اتهام انتسابی «افساد فی الارض» را که دو بار توسط دیوان عالی کشور مردود شناخته شده، منوط به پذیرش اتهام سبک‌تر (هوایی) که در دادگاه تجدید نظر هم قابل رسیدگی مجدد باشد، پیشنهاد نموده (یعنی ده سال) که مدت بازداشت موقت قبلی جبران شده و مدتی دیگر را هم در بازداشت موقت در بازداشتگاه سپری کنم تا دسیسه و توطئه بعدی که به علت غیرقانونی بودن چنین روش‌ها و روند خودسرانه‌ای، آن را نپذیرفته و نخواهم پذیرفت.

با تقدیم احترام و با آرزوی توفیق الهی
محمد علی طاهری

قرار نهایی منع تعقیب دادسرای کارکنان دولت ۱۳۹۷/۷/۷

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷

شماره قرار نهایی دادسرا: ۹۷۰۹۹۷۲۱۳۲۳۰۰۲۲۶

شماره بایگانی شعبه: ۹۷۰۱۳۵

شماره پرونده: ۹۷۰۹۹۸۲۱۳۲۳۰۰۱۰۴

قرار نهایی دادسرا

بسمه تعالی

به تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۴ جلسه شعبه سوم بازپرسی در وقت فوق العاده به تصدی امضاء کنندگان ذیل تشکیل است پرونده کلاسه ۹۷۰۱۳۵ تحت نظر است با ملاحظه اوراق و محتویات پرونده ختم تحقیقات مقدماتی اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور قرار می‌گردد.

قرار منع تعقیب

سرپرست محترم دادسرای کارکنان دولت

در خصوص شکایت آقایان احمد خسروی تازه قشلاق و سید محمدزمان دریاباری به وکالت از آقای محمدعلی طاهری فرزند محمدآقا علیه آقایان ۱- رستمی، سرپرست دایره نظارت بر متهمان، محکومان امنیتی و ۲- هدایت فرزادی رئیس زندان تهران بزرگ دایر بر: الف) بازداشت غیرقانونی از تاریخ ۹۷/۱/۵ لغایت ۹۷/۴/۱۱ در بازداشتگاه

۲- الف و بازداشت غیرقانونی از ۱۳۹۷/۴/۱۱ تا زمان طرح شکایت، ب) سوء استفاده از موقعیت و اختیارات قانونی به جهت عدم توجه به قوانین و درخواست زندانی و وکلایش (تذکر به وجود قرار منع تعقیب و غیرواقعی بودن قرار بازداشت موقت)، ج) استفاده از سند مجعول (کارتکس جعلی) در سیستم رایانه‌ای زندان تهران بزرگ و استناد به آن در تداوم و استمرار بازداشت غیرقانونی، د) امتناع از رسیدگی به تظلم خواهی، ه) امتناع از تسلیم زندانی به مقام صالح قضایی.

بازپرس از توجه اظهارات وکلای محترم شاکی در شکواییه و در بازپرسی گزارش ۹۷/۶/۱۲ - ۴۲۰۷/۱۵۶/۲/۲۰ - سرپرست محترم ندامتگاه تهران بزرگ، گزارش ۲۴۰/۱۳۹۸ - ۹۷/۶/۱۲ - معاون محترم دادستان و سرپرست دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۳ تهران گزارش ۳۷۴/۹۰۰۲/۵۱۶۴۰ - ۹۷/۶/۱۳ - مدیر محترم بازداشتگاه ۲- الف در خصوص تاریخ ورود و خروج زندانی شاکی به آن بازداشتگاه و بازه‌های زمانی نگهداری وی در بازداشتگاه مذکور گزارش شماره ط-۱۷-۹۷/۵/۲۲ تهیه شده توسط دادیار محترم دایره نظارت بر متهمان و محکومان امنیتی از فرایند دادرسی در پرونده اتهامی محکوم علیه محمدعلی طاهری، مفاد تصمیمات قضایی و آراء صادره در خصوص اتهامات متعدد زندانی (شاکی پرونده حاضر) که تصویر آن ضمیمه می‌باشد، محکومیت‌های متعدد زندانی، لایحه ارسالی از سوی قاضی مشتکی عنه و سایر محتویات پرونده از آن‌جا که اختیارات دایره نظارت بر متهمان، محکومان امنیتی محدود به سرکشی و بازدید از متهمان و محکومان امنیتی و بازداشتگاه‌ها و زندان‌های محل نگهداری آنان و انعکاس درخواست‌ها و مکاتبات زندانیان موصوف به دادستان محترم تهران است و هیچ‌گونه دستور بازداشت، آزادی در خصوص زندانیان از سوی این دایره صورت نمی‌گیرد و حسب پاسخ قاضی یاد شده و مکاتبه انجام شده توسط ریاست ندامتگاه تهران بزرگ، انتقال زندانی محمدعلی طاهری از بازداشتگاه ۲- الف به زندان تهران بزرگ به صورت انتقال موقت به دستور دادستان محترم تهران آن هم در پی پیشنهاد سازمان اطلاعات سپاه بنابه رعایت برخی مصالح و درخواست‌های مکرر زندانی مبنی بر انتقال به زندان عمومی صورت گرفته و متعاقباً هم عودت شده است. بدیهی است انتقال موقت یا غیرموقت زندانی از زندانی به زندان دیگر در یک حوزه قضایی به دستور صاحب منصبان دادسرای مربوطه، بازداشت غیرقانونی تلقی نمی‌گردد و این امر منافاتی با امکان آزادی زندانی نداشته و به محض صدور دستور آزادی از مرجع قضایی صلاحیت دار زندانی با رعایت مقررات و تشریفات مربوطه زندانی آزاد خواهد شد. سرپرست ندامتگاه تهران بزرگ نیز در مکاتبه خود آورده است که ... انتقال زندانی فوق به این ندامتگاه موقت بوده که به علت کوتاهی مدت حضور مشارالیه در این زندان ارسال پرونده و وصول آن در این مدت اندک با امان نظر به مدت عرفی ارسال و وصول چنین مکاتباتی امکان پذیر نبوده و توجیهی نداشته و از طرفی نیز به عدم دسترسی این زندان به مشخصات زندانی و در نتیجه عدم ثبت انتقال موقت در سیستم بانید به علت محدودیت این سیستم در ثبت چنین انتقالی نهایتاً به ناچار پذیرش این زندانی با امان نظر به محدودیت‌های ثبتی پیش فرض سیستم بانید و با عنایت به دستور قضایی فقط از

این طریق ثبت آن تحت عنوان قرار بازداشت صورت پذیرفت... بدیهی است پذیرش این زندانی در این ندامتگاه از طریق ثبت آن در سیستم بانید تحت عنوان بازداشت در این ندامتگاه، صرفاً راهکاری اداری برای این ندامتگاه جهت ثبت چنین انتقال‌هایی و محدود به این زندان بوده است و با قرار بازداشت موقت قضایی که از طریق سیستم به این ندامتگاه ارسال می‌شود بسیار متفاوت است ... چنان‌چه در مدت حضور زندانی موصوف در این زندان از سوی مرجع قضایی قرار می‌منتهی به آزادی مشارالیه صادر می‌شد، قطعاً منجر به آزادی فوری نامبرده می‌گردید.

از این رو بازپرسی به لحاظ عدم احراز رکن ضروری جعل (برگ اعلام وضعیت زندانی مبنی بر بازداشت با قرار بازداشت موقت) وقوع بزه جعل و به تبع آن بزه استفاده از سند مجعول را محرز نمی‌داند و صرف نظر از این‌که با وجود داشتن وکلای متعدد، تظلم‌خواهی برای زندانی با توجه به اوضاع و احوال موجود ممکن و میسر به نظر می‌رسد دلیلی مبنی بر امتناع مشتکی عنهم از رسیدگی به تظلم‌خواهی وی ارائه نشده است هم چنین دلیلی مبنی بر این‌که قاضی موصوف و رئیس زندان مربوطه از اعزام و تسلیم زندانی به مقام صالح متعاقب صدور دستور اعزام خودداری کرده باشند، وجود ندارد. ارکان بزه جلوگیری از اجرای قوانین و مقررات مملکتی، اوامر مقامات قانونی و احکام قضایی با سوء استفاده از مقام و موقعیت شغلی نیز احراز نمی‌گردد، دستوری هم مبنی بر آزادی شاکی از زندان توسط مرجع قضایی صلاحیت‌دار صادر نشده است. بنابراین صرف نظر از این‌که نحوه رسیدگی ماهوی و اجرای احکام در خصوص شاکی چگونه بوده است بازپرسی وقوع بزه‌ی را از ناحیه مشتکی عنهم محرز نمی‌داند. در مجموع به لحاظ عدم وقوع بزه مستنداً به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری به منبع پی‌گرد اظهار عقیده می‌نماید قرار صادره پس از موافقت دادستان محترم ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم دو کیفری تهران می‌باشد.

فرم ویژه مکاتبات میهمانان

قوه قضائیه

سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

اداره کل زندانهای استان تهران

بازداشتگاه

نام: محمد علی نام خانوادگی: طالبی نام پدر: محمد ش.ش: ۳۱۱۹۱ کد: ۹۰۰۰۰۰۰۰
 نوع اتهام: افسار دهنی الازهری سابقه کیفری: خیر ثبت: ۱۳۳۵
 دادرسی: مهملین شعبه: سوم اجرای احکام: شماره قرار: تاریخ قرار:
 محکومیت: میزان محکومیت:

موضوع درخواست: شکایت از آقای احمدزاده و آقای طبرانی

به: دارگاه انتظامی قضات

باسلام و تحیات دعاوی خیر: احتراماً، بدینوسیله، پیرو شکایت های مورخ ۲۳/۹/۹۵ و ۳۰/۹/۹۵ و ۱۲/۱۰/۹۵ با استناد به دلایل زیر شکایت خود را از جناب آقای احمدزاده - شعبه ۲۱۴ دارگاه انتظامی اسلام، جهت هرگونه تیررس و اذیت نام قانونی عاجل تقویم سکرد و ...
 ۱- محصور حکم اعلام در ۲۹/۱۰/۹۵ با اطمینان عاملان احوال و اوقات متب تب به اطمینان در رابطه با اتهام افساد حق الازهری (رضه نظر از کتب و روزنامه ایران) با شماره ۲۸۶ قانون جدید (مصوب ۹۲) که در حالیکه این اتهام در رابطه با همانست موسس فرهنگی هنری قانونی منته به طرح شکوه که مربوط به قبل از سال ۸۷ می باشد که هیچکس بی توجهی محوری به در مقامات منته و در مقامی در این مورد ...
 ۲- از این جهت و اعتراضات که زمان دستگیری من کیفری ۲۹/۱۰/۹۵ و زمان تفهیم این اتهام ۱۳/۱۰/۹۵ بوده و تاکنون در این باره شکایت صورت ...
 در شرایط عرفانه با شرایط نگاه ۲- الف- اولی من با ششم حکم اعلام صادره در ۱۰/۱۰/۹۵ از سوی شعبه ۳۲۳ در بیان محترم عالی کشور به دلیل استناد به قانون مجرای التصریح و عدم نظایق با قانون قدیم (مصاد ۸۸) که ۱۸۳۰ است و انقض کردید در واقع مانع از حضور از ...
 به دلیل اینکه محوری برای اذیت اتهام استای با قانون قدیم در اختیار نهاده شده با اعراض از قانون (نماده ۱۱) صادره به استناد به قانون جدید کرده که نباید برای در بیان محترم استادی به قانون مجرای التصریح عمل صحیح بلورده که با تفهیم به سایر جرائم از کتب بازنویسی اموری و کتابخانه استانی به نام الله اعلم است و اعتراضات غیر قانونی و نامتعارف که منجر به چهار بار برخورد کش و شش بار تیررس به اعلام می اعصاب من ...
 گردیده و محقق شدت ۲۵۰ محصور از زمان تفهیم و نظایق از آن است محصور برضا قاضی (نماینده و مستحق گوی کتابخانه استان ارضیتی تا والایم در همه نظریه قطع این عمل محوری و با این طرح در نامه بوده است

۲- صدور حکم اعلام مجدد در شهر ماه ۹۵ بدو اخلاف در باره از قانون در مورد حکم با استناد به قانون مجرای التصریح صادره
 ۳- مصوب ۹۲ که محوری جدول ورودی منجینی این عمل غیر قانونی را محوری نمایند
 ۴- استادی اوعامی جعلی که تیررس و محوری اجنولان دلایل صدور حکم اعلام مانده اوعامی اکتف و ...
 توضیح: مبلغ در سیلارد و چهار صد و هشتاد و پنج سیلرد تومان به وجهی متعلق به بنده و از بانک های ...
 صفحه یک از دو
 ۹۴۷۰۱۵

تذکره
 انگشت
 میهمان

امضاء افسر جاوید:

نظریه:

نظریه مسئول بازداشتگاه:

شکایت به دادگاه انتظامی قضات ۱۳۹۶/۷/۱۵

بسمه تعالی

موضوع: شکایت از قاضی احمدزاده و قاضی طیرانی

به: دادگاه محترم انتظامی قضات

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً، بدین وسیله پیرو شکایت‌های مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۳ و ۱۳۹۵/۱۲/۳ با استناد به دلایل زیر شکایت خود را از جناب قاضی احمدزاده ریاست شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی جهت هرگونه بررسی و اقدام قانونی عاجل تقدیم می‌دارد:

۱- صدور حکم اعدام در تیرماه ۹۴ بانطباق عامدانه اعمال و اقدامات منتسب به این‌جانب در رابطه با اتهام «افساد فی الارض» (صرف نظر از کذب و واهی بودن) با ماده ۲۸۶ قانون جدید (مصوب ۹۲)، در حالی که این اتهام در رابطه با فعالیت من در حوزه عرفان از طریق مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه عنوان شده که مربوط به قبل از سال ۸۷ می‌باشد. هم‌چنین بی توجهی عمدی به دفاعیات بنده و وکلایم در این مورد.

لازم به ذکر است که زمان دستگیری این‌جانب تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ و زمان تفهیم این اتهام تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ بوده که تا کنون در بازداشت موقت در شرایط قرنطینه بازداشتگاه ۲- الف اوین در حبس می‌باشم. حکم اعدام

صادره در آذرماه ۹۴ از سوی شعبه محترم ۳۳ دیوان عالی کشور به دلیل استناد به قانون مؤخرالتصویب و عدم تطابق با قانون قدیم (مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸)، ماهیتاً نقض گردیده است. در واقع قاضی احمدزاده به دلیل این که مدرکی برای اثبات اتهام انتسابی با قانون قدیم در اختیار نداشته، با انحراف از قانون (ماده ۱۱) مبادرت به استناد به قانون جدید نموده که بنابه رأی دیوان محترم، استناد به قانون مؤخرالتصویب، عمل صحیحی نبوده که با توجه به سایر جرایم ارتكابی بازپرس اسدی، کارشناسان امنیتی ثارالله، اقدامات غیرقانونی و نامتعارفی که منجر به چهار بار اقدام به خودکشی و شانزده بار اقدام به اعتصاب غذا گردیده، مفقود شدن ۲۵۰ صفحه از دفاعیات، نوار لورفته و افشا شده آقای محمودرضا قاسمی (نماینده و سخنگوی کارشناسان امنیتی ثارالله) در مورد سفارش دادن حکم اعدام به قاضی پیرعباسی و سپس به قاضی احمدزاده و ... به طور قطع صدور حکم اعدام، عمدی بوده است.

۲- صدور حکم اعدام مجدد در شهریور ماه ۹۶ با انحراف دوباره از قانون و صدور حکم با استناد به قانون مؤخرالتصویب (ماده ۲۸۶) برای بار دوم که عمدی بودن، دسیسه چینی و اقدام به قتل عمد با سوءاستفاده از قانون را محرز می‌نماید.

۳- استناد به ادعاها و مطالب جعلی، کذب و موهومی به عنوان دلایل صدور حکم‌های اعدام، مانند: ادعای کشف و توقیف مبلغ دومیلیارد و چهارصد و هفتاد و پنج میلیون تومان موجودی نقدی متعلق به بنده از بانک‌های سراسر کشور به هنگام دستگیری (بدون تفهیم اتهام هر نوع جرمی در این رابطه و یا هرگونه سوال و جواب و یا اطلاع رسانی در خلال چندین سال بازداشت موقت)، در حالی که بنده و مؤسسه‌ام فقط در تهران حساب داشته و جمع موجودی نیز فقط مبلغ بیست و هفت میلیون بوده است.

۴- عدم ابلاغ رأی و حکم اعدام صادره در مرداد ماه ۹۴، به منظور جلوگیری از پاسخگویی من به دلایل جعلی و موهومی صدور حکم اعدام و ممانعت از برملا شدن مطالب کذب آن، علی‌رغم چندین بار اقدام به اعتصاب غذا (و چند بار رفتن به کما) در اعتراض به این روند ناعادلانه، عدم ابلاغ رأی و حکم دیوان عالی محترم کشور به منظور جلوگیری از کسب اطلاع از جزئیات رأی صادره و هم‌چنین عدم ابلاغ رأی و حکم اعدام صادره شهریور ۹۶ به دلایل فوق الذکر.

۵- عدم توجه به توضیحات، دفاعیات و شکایات این‌جانب در مورد عدم وجاهت قانونی پرونده، به واسطه جرائم ارتكابی بازپرس اسدی، کارشناسان امنیتی، نقض آیین‌نامه دادرسی، گرفتن مصاحبه زوری دیکته شده تحت

اعمال فشار، تهدید خانواده و ... هم‌چنین طفره رفتن از تنظیم صورتجلسه غیرقانونی بودن و عدم وجاهت قانونی مصاحبه فوق‌الذکر و ...

۶- ایجاد انگیزه برای شاگردان مؤسسه فرهنگی هنری سابق این‌جانب و تحریک آن‌ها جهت برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز اعتراضی نسبت به اقدامات غیرقانونی نامبرده از طریق تشکیل دادگاه غیرقانونی (براساس قانون جدید) و انحراف از قانون به‌صورت عمدی و توطئه‌آمیز از سال ۹۳ به بعد و دو بار صدور حکم اعدام با سوءاستفاده از قانون. این غرض‌ورزی به حدی آشکار و عیان بوده که اعتراض مکرر کلیه محافل حقوق بشری بین‌المللی، سازمان عفو بین‌الملل، مجامع و افراد آزادیخواه و آزاداندیش داخل و خارج از کشور، حقوق دانان و همه کسانی که دفاع از مظلوم را وظیفه انسانی و شرعی خود میدانند و ... را به‌دنبال داشته است.

۷- طولانی نمودن زمان بازداشت موقت غیرقانونی این‌جانب آن هم در شرایط قرنطینه بازداشتگاه و محروم از حقوق زندانیان.

۸- وارد نمودن فشارهای روانی سنگین به اعضای خانواده و بستگان به‌واسطه صدور حکم‌های غیرقانونی اعدام (گذشته از سایر جرائم ارتكابی کارشناسان امنیتی از طریق اعمال فشار، تهدید، درست کردن پاپوش و پرونده‌سازی، دستگیری و حبس همسر و ...)

۹- به‌کاربردن سوالات تلقینی، استفاده از عناوین مجرمانه اثبات نشده و برچسب‌های کذب مانند فرقه و ...

۱۰- عدم بی‌طرفی در قضاوت و تبانی با کارشناسان امنیتی در پیاده کردن سوء قصد و توطئه آن‌ها نسبت به این‌جانب.

درضمن صدور حکم اعدام مجدد در شهریور ماه ۹۶ به امضاء و تأیید قاضی طیرانی نیز رسیده است که به دلایل فوق‌الذکر و هم‌چنین جلوگیری از ادای توضیحات و دفاع در جلسه دادگاه و تهدید (با عنوان این که اگر حرف زیادی بزنم، جلسه دادگاه را تعطیل خواهد کرد)، تمسخر و ... از ایشان هم شکایت دارم.

لذا خواهشمند است در جهت احقاق حق این‌جانب، اقدامات قانونی لازم را مبذول بفرمایند.

با تقدیم احترام و با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

۱۳۹۶/۷/۱۵

نامه اعتراض به عزل وکلا ۱۳۹۶/۹/۸

بسمه تعالی

روز چهارشنبه ۸ آذرماه بدون اطلاع به وکلا، به «شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب» به ریاست «قاضی صلواتی» احضار شدم و به این‌جانب تفهیم کردند که باید وکلای خود را عزل کرده و وکیلی که مورد تأیید قوه قضاییه است را معرفی نمایم! و در این راستا، دادگاه به ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری استناد کرده است.

این‌جانب در پاسخ اعلام کردم که وکلای منتخب، اساساً باید مورد اعتماد و وثوق من باشند که هستند نه مورد اعتماد قوه قضاییه، زیرا قرار است از من دفاع کنند نه از قوه قضاییه، قرار است وکلا مستقل باشند و با نظارت دقیق بر روند رسیدگی پرونده هر جا شاهد بی‌قانونی باشند (طبق سوگندنامه وکالت) اعتراض کنند و صدای مظلومیت من باشند اما وکیلی که شما معرفی کنید معلوم است چه خواهد کرد.

شما می‌خواهید بدون حضور وکلای من، مرا محاکمه کنید، بسیار خب من هم در صورت جلسه دادگاه خواهم نوشت که این دادگاه غیرقانونی تشکیل شده و به تمام محافل «بین‌المللی» و «حقوق بشری» اعلام و از «قاضی» و «قوه قضاییه» شکایت خواهم کرد.

اگر بنا باشد با روش‌های غیرقانونی و ظالمانه، به این روند ۸ ساله ادامه دهند، من رسماً «موجودیت» و فعالیت «عرفان حلقه» را اعلام خواهم کرد.

«تبصره» همان ماده ۴۸ قانون آیین داری کیفری تصریح دارد:

اولاً: این ماده در مورد پرونده‌های خاص امنیتی است که در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارند، مانند پرونده‌های جاسوسی که به‌صورت سازمان یافته عمل می‌کنند و ممکن است مثلاً از طریق وکیل اطلاعاتی رد و بدل شود، نه در مورد پرونده‌ی من که یک پرونده کاملاً عقیدتی است.

ثانیاً: این پرونده حتی مرحله فرجام را پشت سر گذاشته و مرحله تحقیقاتی آن مدت‌هاست به اتمام رسیده است.

ثالثاً: با توجه به این که تبصره همان ماده اعلام می‌دارد این وکلای لیستی از سوی رییس قوه قضاییه اعلام خواهند شد که خوشبختانه به دلیل تناقض آشکار این ماده با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین تناقض با تمام اسناد بین‌المللی از جمله میثاق مدنی و سیاسی که ایران هم آن را امضا نموده است، تا کنون اجرا نشده و حتی رییس قوه قضاییه نیز از ارائه این لیست صرف‌نظر کرده است.

محمد علی طاهری

۱۳۹۶/۹/۸

بسمه تعالی

موضوع در وزارت : ابلاغ رسمی و قانون کلیه آراء و احکام صادره از دادگاهها ، بازویس ، در بیان عالی کتبی است به اجابت در حکام
به د جناب آگاهان حاج مراد - دار بار محترم فاطمه زهرا ادرین
با سلام و تحیات خیر: امکلاً ، برود نکند و حتمی سرخ ۹۸، ۹۶ با جناب ماضی صلواتی در محل شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب در
اجابت من بر طرفه رای و حکم در بیان عالی محترم که صادره سرخ آبان ماه ۹۶ و استماع ایشان بر بنویسید به استعلام رسیده ؛
از تاریخ دستگیری ۳۴ در تاریخ ۸۹، ۱۲۹ و تاریخ تفهیم اتهام کذب در هوشی آنحضرت در تاریخ ۱۳۰۴ در ۹۰ و در ۹۰ با وزارت عدالت
من در بازرسگاه ۲ الف تاکنون ، کلیه اسناد و مدارک صادره شامل کتبی و شفاهی ، جمع پروسی ، آراء و احکام اعلام صادره در سال های
۹۶، ۹۴ ، ۹۵ و حکم صادره از در بیان عالی محترم که در نقص ماستی حکم اعلام صادره سال ۹۴ ، سینی بریدم و تطابق با قانون تعیین و
حفاظت با مالک جید در آذر ماه ۹۴ ، کار منع تصیّب سایر ارکانات کذب است (عضوین آن حزباً در آن وقت در آن وقت ، در روز تهریز
بنیاد علیه سبّ ، بر داشتن کتبی شخصی ، سبّ لفظی ، ارتداد و غیره) این امر که در وقت شش سال در تاریخ ۱۳۰۴ ، ۹۵ از سوی بازرس
محترم سبب عدم در بیان شده است و در بیان عالی محترم که در وقت و در وقت آنانی صادره به سبب کتبی به اطلاع
من رسیده و حتی از آنرا ، حال که اعلام در بنویسید که من نیز در بازرسگاه همانست یعنی آنکه وقت و در آن وقت نیز جناب ماضی
صلواتی نیز کتبی اجازه خوانندگی را بر رویه عالی کتبی صادره در بیان عالی محترم که اعلام سر خوانندگی صادره در آبان ماه ۹۶ نقص و غیره در بیان
بجمله آنرا اعلام نموده به اجابت صادره است ، با این نکته که در آن وقت باید توسط حکام خوانندگی در بنویسید شود و من خود آن
مطابق و آن کتبی به اطلاع من برساند و بر این اساس که در آن وقت حکام اعلام (بر روی این پرونده وقت سال نیز آنرا باید کتبی بخوانند و در
از روی قره قضایه تأسیس بدین وقت نموده ؛ که با توجه به فرض در این وقت یعنی آنکه (اطاعت من شکایات اجابت ارسال ۹۰ تاکنون)
از جهت در بار صادره حکم اعلام غیر قانونی با استناد به قانون موقوفه تصدیق که به تکرار اعلام به وقت محمد باسو و استناد
و انطباق از آنرا من باشد ، محرم و حکام از کتبی در سبب های جدید آنی تا سلسله استیسی با آنکه در اجابت
کلاً آنرا محرم نیست .

لذا با عنایت به مطالب فوق ، ضمن ایجاب از آنحضرت سید خود است به این صورت ظاهر و محرم نموده اجابت
و حکام از حقوق شهروندی و حقوق عمده قانون اساسی ، با در نظر گرفتن به حقوق قانونی تعیین کرده خود در فرایط من تمام
کلیه آراء و احکام فوق الذکر ، بصورت رسمی و قانونی به من و حکام ابلاغ گردد ، بجز آنکه بر طبق قانون اساسی لازم است کلیه
مطالب مربوط به بازرسگاهها ، امپارتنر کتبی و شفاهی ، آراء و احکام صادره و سبب کتبی ، آنکه در بیان عالی محترم که در آنجا
باشد . بدین است در بنویسید شکایت خود را به مراجع ذمه دار (در صورت عدم رسیدن سبب آنکه کتبی که در آن وقت در آن وقت
من (الله) تا آنکه فراموش نمود ، در وقت و آن تا آنکه اجابت مجامع آراء ماضی محمد صلواتی ، خاتم نوبت ظاهر و آراء
احمدرسون .

لازم به ذکر است ، برخی موارد از من مشکوک ماست عدم اطلاع رای و حکم دادگاه ما به سبب سیاسی است و حکام آنرا اجابت
و حکام در بنویسید که کتبی است ، آراء و احکام و در نظر فراموش آنکه ایجاب تغییر و بعضی موارد آنرا در بار و در بار لازم ، در اختیار
شهران هرگونه استناد مدارک کتبی رسمی جهت استناد آنرا در دادگاه یا لایحه شکایات و تطابق خواهی ، در وقت استیسی از سبب در

شکایت به دادیار ناظر اوین ۱۳۹۶/۹/۲۹

بسمه تعالی

موضوع درخواست: ابلاغ رسمی و قانونی کلیه آراء و احکام صادره از دادگاهها، بازپرسی، دیوان عالی کشور و ... به این جانب و وکلایم

به: جناب آقای حاج مرادی - دادیار محترم ناظر زندان اوین،

با سلام و نثار دعای خیر، احتراماً، پیرو مذاکره حضوری مورخ ۱۳۹۶/۹/۸ با جناب قاضی صلواتی در محل شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و درخواست این جانب مبنی بر خواندن رأی و حکم دیوان عالی محترم کشور صادره مورخ آبان ماه ۹۶ و امتناع ایشان بدین وسیله به استحضار می‌رساند:

از تاریخ دستگیری ام در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ و تاریخ تفهیم اتهام کذب و موهومی «افساد فی الارض» در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ و تداوم بازداشت موقت من در بازداشتگاه ۲- الف تا کنون، کلیه اسناد و مدارک صادره شامل کیفرخواست‌های حجیم موهومی، آراء و احکام اعدام صادره در سال‌های ۹۴ و ۹۶، رأی و حکم صادره از دیوان عالی محترم کشور در نقض ماهیتی حکم اعدام صادره سال ۹۴ مبنی بر عدم تطابق با قانون قدیم و مغایرت با قانون جدید در آذر ماه ۹۴، قرار منع تعقیب سایر اتهامات کذب انتسابی (عضو سازمان چریک‌های فدایی خلق

ایران، ترور، تهدید، جنایت علیه بشریت، داشتن شاکی خصوصی، سبّ النبی (ص)، ارتداد و ... که پس از گذشت شش سال در تاریخ ۴/۱۳/۱۳۹۵ از سوی بازپرس محترم شعبه سوم دادسرای شهید مقدس صادر شد و ... همگی توسط وکلایم رونویسی شده و فقط آرای صادره به صورت تلفنی به اطلاع من رسیده و حتی از ارائه همان آراء و احکام رونویسی شده به من نیز در بازداشتگاه ممانعت به عمل آمده است و هم اکنون نیز جناب قاضی صلواتی حتی اجازه خواندن رأی دیوان عالی کشور را که برای دومین بار حکم اعدام اصراری مغرضانه صادره را در آبان ماه ۹۶ نقض و غیرقانونی بودن آن را اعلام نموده به این جانب نداده است، با این بهانه که رأی فقط باید توسط وکلایم خوانده و رونویسی شود و سپس مضمون آن مطابق روال گذشته به اطلاع من برسد و برای تحقق این امر و ادامه فعالیت وکلایم (بر روی این پرونده هشت ساله) نیز آن‌ها باید تحت عنوان ماده ۴۸ از رییس قوه قضاییه تاییدیه دریافت نمایند!!! که با توجه به غرض‌ورزی‌های به عمل آمده (مطابق متن شکایات این جانب از سال ۹۰ تا کنون) از جمله دو بار صدور حکم اعدام غیرقانونی با استناد به قانون مؤخرالتصویب که به منزله اقدام به قتل عمد با سوءاستفاده و انحراف از قانون می‌باشد، عزل وکلایم از توطئه و دسیسه‌های جدید آتی کارشناسان امنیتی می‌باشد که این جانب هرگز آن را نخواهم پذیرفت.

لذا با عنایت به مطالب فوق، ضمن ابراز اعتراض شدید خود نسبت به این روند ظالمانه و محروم نمودن این جانب و وکلایم از حقوق شهروندی و حقوق مقرر در قانون اساسی، بار دیگر با توجه به حقوق قانونی تضییع شده خود، درخواست می‌نمایم کلیه آراء و احکام فوق‌الذکر، به صورت رسمی و قانونی به من و وکلایم ابلاغ گردد. به‌ویژه آن که بر طبق قانون اساسی لازم است کلیه مطالب مربوط به دادگاه اعم از کیفرخواست، دفاعیات، آراء و احکام صادره و ... کاملاً علنی، آشکار و بدون هرگونه ابهام و شبهه‌ای باشد. بدیهی است در غیر این صورت شکایت خود را به مراجع ذی‌صلاح (و در صورت عدم رسیدگی مانند آن‌چه تا کنون رخ داده به محافل بین‌المللی) قانونی ارائه خواهم نمود. در ضمن وکلای قانونی این جانب عبارتند از: آقای سید محمود علیزاده طباطبایی، خانم زینب طاهری و آقای احمد خسروی.

لازم به ذکر است است، برخی مواد قانونی مشکوک مانند عدم ابلاغ رسمی و قانونی رأی و حکم دادگاه‌ها به متهمین سیاسی-امنیتی و وکلای آن‌ها و اجبار وکلا به رونویسی از کیفرخواست، آراء و احکام و ... که به‌منظور فراهم نمودن امکان ایجاد تغییر و عوض نمودن آن‌ها در موارد و شرایط لازم، در اختیار نبودن هرگونه اسناد و مدارک قانونی رسمی جهت استناد به آن‌ها در دفاعیات یا ارائه شکایات و تظلم خواهی، گرو نگهداشتن از متهمین در جهت وادار نمودن آن‌ها به انجام امور غیرقانونی مورد نظر کارشناسان امنیتی و بسیاری اهداف ناعادلانه دیگر صورت می‌گیرد. یا موضوع عجیب دیگر تحت عنوان ماده ۴۸ مبنی بر این که وکلای متهمین سیاسی-امنیتی

باید مورد وثوق و اطمینان ریاست قوه قضاییه باشند!!! که این شگرد نیز به منظور وادار نمودن وکلا به همکاری‌های لازم با مأموران امنیتی می‌باشد که در غیر این صورت به آن‌ها اجازه فعالیت بر روی این‌گونه پرونده‌ها داده نشود و عملاً مجبور به کناره‌گیری و عزل از فعالیت گردند. همکاری با مأموران امنیتی نیز به منزله عدم افشای موارد غیرقانونی اعمال شده بر روی پرونده متهمین و عدم ارائه شکایات و هرگونه اعتراضی نسبت به این موارد، عدم توجه به شکایات متهمین در مورد نقض آیین نامه دادرسی و ... محرمانه نگهداشتن کیفرخواست، دفاعیات و مسائل مطروحه در دادگاه که به‌طور عمد به‌صورت غیرعلنی برگزار می‌شود (بر خلاف قانون اساسی)، عدم افشای اعمال غیرقانونی بازجوها و شیوه‌های گرفتن اعترافات، مصاحبه‌ها و ... دادن اطلاعات غلط در جهت اهداف کارشناسان امنیتی و خلاصه این که وکلای متهمین سیاسی-امنیتی نیز خود عضو تیم کارشناسان باشند و کارشناسان نیز هم نقش شاکی را بازی کنند و هم نقش ضابطین قانونی را و ... در حالی که مواد قانون مجازات اسلامی، آیین نامه دادرسی، حقوق شهروندی و ... می‌بایستی برگرفته از «عدالت اسلامی» و الگوی ایده‌آلی برای آن باشد که برای نظام قضات جهانی، نمونه‌ای ممتاز محسوب شود به‌طوری که سرمشق شاخصی برای دنیا گردد.

ولیکن گذشته از فضاقت رفتار، گفتار، آراء و احکام صادره دادگاه انقلاب (طبق پرونده و تجربه این‌جانب)، این‌گونه مواد که به نام قانون مورد استفاده قرار می‌گیرد، تصور نمی‌شود در هیچ کجای دنیا، حتی عقب‌مانده‌ترین ممالک (اتیوپی و ...) نیز دیده شود و به‌طور مسلم این‌جانب نیز چنین موارد نامعقولی را به نام قانون نپذیرفته و نسبت به آن‌ها که با نیت خلع وضع دفاع متهمین سیاسی-امنیتی و محدود نمودن آن‌ها و وکلایشان از دفاع عادلانه به قانون‌گذاران سفارش شده است، اعتراض داشته و شکایت خود را از این بابت به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و اتحادیه بین‌المجالس بین‌المللی (IPU) تقدیم می‌کنم.

در خاتمه برای چندمین بار تقاضای انتقال از بازداشتگاه ۲-الف به زندان عمومی اوین را دارم و در صورت عدم موافقت جهت حل و فصل مسائل و مشکلات خانوادگی و پی‌گیری موارد مربوط به پرونده‌ام که هر روز با توطئه‌ها و دسیسه‌های جدیدی مواجهه است، نیاز دارم هر روز به مدت ۱۰ دقیقه اجازه تلفن داشته باشم (با توجه به این که با خانواده‌ام نیز ملاقات ندارم).

با تشکر و قدردانی و آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

۱۳۹۶/۹/۲۰

نامه به سردار نجات ۱۳۹۶/۱۰/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای سردار نجات، قائم مقام محترم سازمان اطلاعات سپاه

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً به استحضار می‌رساند، یکی از کارشناسان امنیتی ثارالله به نام آقای «محمدحسین صدرا علوی» دو بار در تاریخ‌های ۱۳۹۶/۶/۲۴ و ۱۳۹۶/۱۰/۲۷ ادعا نموده که جناب‌عالی به شدت برای اعدام این جانب مصرّ هستید و پافشاری می‌نمایید و ایشان در تلاشند تا شما را از این تصمیم و پافشاری منصرف کند. (با استناد به فیلم ... و این خود ضمن این که نشان می‌دهد که حاکمیت حق و عدالت در مملکت، جایگاهی نداشته و مسائل مهمی در قانون مجازات اسلامی مانند «اعدام» به توصیه و سفارش افراد با نفوذ است و نه براساس قانون، پرده از تصمیم‌گیری‌های خودسرانه محفلی و ... کنار می‌زند. (مانند قتل‌های زنجیره‌ای و ...)

اما من با عدم باور چنین ادعایی نسبت به شما، هر دو بار به نامبرده عرض کرده‌ام که حتی اگر این‌طور هم باشد حق را به جناب‌عالی و امثال شما می‌دهم که چنین توصیه و سفارشی کنید، زیرا با توجه ارائه انبوهی از گزارش‌های کذب افترا آمیز خلاف واقع و ... خاطر هر فردی را که در قبال جامعه احساس مسئولیت نماید، آزرده می‌سازد و هر شنونده‌ای را متأثر می‌کند، به‌خصوص این که دریافت‌کننده این گزارش‌ها و اطلاعات غلط مقامی مسئول باشد با دغدغه‌های خاص امنیتی، اجتماعی و ... از طرف دیگر این‌گونه گزارش‌ها هم از جانب افرادی ارائه شود که امین و درست‌کار به حساب آمده و هم عناوین پرطمطراق و غلط‌اندازی مانند ثارالله و ... را بناحق

برخود داشته باشند که ناخودآگاه باعث می‌شود تا مقامات بالا دست که خود شخصاً هیچ‌گونه اطلاعات میدانی از موضوعات و جریان‌های مختلف را ندارند به اعتمادی کور نسبت به آن‌ها وا داشته شوند.

غافل از این که این عده صرفاً برای پیشرفت خود و رسیدن به اهداف مشکوک مورد نظر و بر اساس توطئه و دسیسه‌هایی که در محافل سازمان یافته خصوصی و هیأتی طراحی نموده‌اند، مسئولین را بازیچه دست خویش قرار داده و حداقل با منت گذاردن بر سر نظام، از این که چنین و چنان کرده و شاخ غول را شکسته‌اند و با اهمیت بخشیدن به کشفیات جعلی و موهومی خود و بزرگ‌نمایی و اغراق در آن‌ها زمینه بهره‌برداری‌های مسأله‌دار را فراهم و به سوء استفاده‌های بعدی از آن می‌پردازند.

به این ترتیب با ترور شخصیتی و فیزیکی افراد و ... (با سوء استفاده و تخطی از قانون) ایجاد موج منفی، نارضایتی، تشویش اذهان عمومی، سیاسی‌سازی جریان‌های غیرسیاسی، فرقه‌سازی از طریق جوسازی و فرقه خواندن جمعیت‌ها و گروه‌های اجتماعی معمولی غیرسیاسی و تحریک آن‌ها و ... نموده تا با این ترفندها نقشه‌های شوم تفرقه‌اندازانه خود را به مورد اجرا بگذارند.

برای مثال در مورد این‌جانب با ارائه گزارش‌ها، ادعاها و اتهامات کذب و ناروا (طبق اسناد موجود) مانند عضو سازمان مارکسیستی چریک‌های فدایی خلق ایران، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ترور، تهدید علیه افراد و ... داشتن ارتباط نامشروع، کسب مال نامشروع، جادوگری، جن‌گیری، رمالی، شیطان پرستی و ... داشتن شاکیان متعدد، جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد و ... افساد فی الارض، سبّ النَّبِیِّ (ص)، ارتداد، محارب با خدا و رسول خدا و ... به اضافه صدها بهتان و ادعای پوچ و واهی دیگر و نشر اکاذیب در حد گسترده از طریق چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب و مجله، صدها مقاله، تهیه و پخش ده‌ها کلیپ و فیلم از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها، ده‌ها برنامه رادیویی و تلویزیونی، برگزاری ده‌ها همایش و ... (قبل از اثبات این اکاذیب و افتراها در دادگاه صالحه که این عمل غیرقانونی و برطبق فتواهای مراجع عظام تقلید فعل حرام می‌باشد).

هر کسی را، اگر تصور کند که فقط چند تا از این ادعاها صحت داشته باشد، به قدری تحت تاثیر قرار می‌دهد که حاضر باشد بدون محاکمه این‌جانب در دادگاه صالحه، طناب دار را با وجدانی راحت بر گردن من ببندازد (همان طوری که شاید جناب عالی و مسئولین دیگری همانند شما را به این باور رسانده باشند. هر چند که حتی برای قاتل بنیتای کوچولو و امثال او نیز به‌طور قطع دادگاه برگزار و علی‌رغم خشم عمومی و تقاضای همه آحاد مردم برای اعدام و قصاص وی، همه مراحل قانونی محاکمه قاتل با حضور وکلای مدافع، حتماً رعایت و پشت سر گذارده می‌شود).

اما لازم است بدانید که حتی یکی از این ادعاهای فوق‌الذکر در مورد این جانب صحت نداشته و دو بار حکم اعدام غیرقانونی صادره برای اتهام انتسابی «افساد فی الارض» توسط دیوان عالی محترم کشور در آذر ۹۴ و مجدداً در شهریور ۹۶ نقض شده‌است (به علت عدم تطابق با قانون قدیم و صدور آرای غیرقانونی اعدام با استناد به قانون مؤخرالتصویب جدید ۹۲ که براساس شکایات متعدد ارائه شده این جانب صدور این آرای غیرقانونی اعدام به منزله اقدام به قتل عمد از طریق تخطی، سوءاستفاده و انحراف از قانون بوده‌است و همچنین سایر اتهامات انتسابی نیز که دیوان محترم در آذرماه ۹۴ طبق رأی صادره برای آن‌ها درخواست ارائه اسناد و مدارک نموده، به دلیل عدم وجود هرگونه مدرکی جهت اثبات و بهتان و افترا بودن آن‌ها، در تاریخ ۱۳/۴/۱۳۹۵ از سوی شعبه سوم دادسرای شهید مقدس منع تعقیب صادرشده، آن هم در شرایط و وضعیتی که تلاش‌های بسیار زیادی از طرف کارشناسان امنیتی پرونده در جهت جلوگیری از صدور این احکام به عمل آمده است.

هم اکنون نیز مجدداً علی‌رغم این که اتهام «افساد فی الارض» طبق آرای دیوان عالی محترم کشور، کاملاً مردود شناخته شده کماکان به همین اتهام مرا در بازداشت موقت نگهداشته و قصد ارتکاب اقدامات غیرقانونی دیگری را به کمک قاضی صلواتی دارند که اولین اقدام آن‌ها در این رابطه عزل وکلایم (به بهانه ماده ۴۸) بوده، آن هم پس از چندین سال مطالعه و بررسی این وکلا بر روی پرونده هشت ساله و در شرایط بازداشت موقت طولانی مدت این جانب (عزل وکلا به منزله جلوگیری از افشای اقدامات غیرقانونی در جریان دادرسی و ... صورت می‌گیرد).

این عده سازمان یافته و محلی با اهداف مشکوک خود به علت داشتن مصونیت قضایی و این واقعیت که هیچ دادگاهی در ایران به شکایات علیه آن‌ها رسیدگی نمی‌کند، با توجه به سناریوهای از پیش تعیین شده برای افراد مورد نظر، اقدام به طراحی توطئه، دسیسه و پاپوش نموده و آن را اجرا می‌کنند و به سادگی هم انگشت اتهام و ارتکاب این تخلفات و جرائم را متوجه مسئولین نموده و خود را مأمور و معزول جا می‌زنند. حتی در سال‌های گذشته در پاسخ به اعتراض‌های مکرر من و این که آن‌ها این رفتارهای غیرقانونی را صرفاً در جهت منافع شخصی و پیشرفت و ترقی خود انجام می‌دهند و مسئولین نظام به طور قطع از این شگردهای شیخ غیراسلامی و غیرقانونی هیچ‌گونه اطلاعی ندارند و آن را به هیچ وجه تأیید نمی‌کنند و ... چندین بار به صراحت به من گفته‌اند که مطمئن باشم زیر نظر مستقیم بیت رهبری و شخص آقا محبتی قرار دارند و تحت امر ایشان انجام وظیفه می‌کنند و ... البته بنده تا کنون تأیید و دستور اعمال رفتارهای غیرقانونی از طرف مقامات بالادستی «نظام» را نپذیرفته‌ام، به این دلیل که تا به حال دو بار دیوان عالی محترم کشور جلوی کلیه اقدامات خلاف و مجرمانه این عده خودسر و تبهکار را علی‌رغم فشار همه جانبه آن‌ها سد نموده که این موضوع ثابت می‌کند که

اقدامات غیرقانونی سازمان یافته در قوه قضاییه سطوح مشخصی را آلوده و فاسد کرده و انگیزه اطلاع‌رسانی بنده به جناب‌عالی نیز از همین واقعیت ناشی شده است. بنابر این در جریان باشید که بسیاری از جرائم و تخلفات ارتكابی مأموران امنیتی در حین دادرسی و ... به نام مسئولین نظام انجام می‌شود.

علت بی‌پروایی این عده در ارتكاب جرم و رفتارهای غیرقانونی در کسوت مأموران امنیتی داشتن اطمینان کامل از عدم رسیدگی دادگاه‌های ذی‌ربط به شکایات در این موارد می‌باشد زیرا آن‌ها به خوبی می‌دانند که از یک‌سو «نظام» حیثیت خود را در گرو شخصیت و رفتار آن‌ها مبنی بر درستکاری و تقوا، حق‌طلبی و ... گذاشته و در این مورد تبلیغات زیادی نموده که در نتیجه برملا شدن هرگونه ارتكاب جرمی در رابطه با این عده، به شدت آبروی نظام را به خطر می‌اندازد.

بنابراین با اطمینان از این واقعیت به مصونیت قضایی خود واقف بوده و پی برده‌اند که در هیچ کجا مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند و همواره هرگونه فساد از ناحیه آن‌ها کتمان شده و پوشش داده خواهد شد.

هم‌چنین از طرف دیگر، گره زدن مقدسات مذهبی با موجودیت مأموران امنیتی و منتسب کردن آن‌ها به ائمه علیهم‌السلام، به‌ویژه امام عصر (عج) باعث شده تا آن‌ها بیش از پیش به مصونیت قضایی خود پی ببرند، زیرا این را به خوبی فهمیده‌اند که آشکارشدن هرگونه فساد و فضاختی در مورد آن‌ها، تقدس مذهبی شیعه را تخریب خواهد کرد و در نتیجه، برای پیشگیری از چنین فاجعه‌ای، «نظام» مجبور است تا با همه توان خود و به‌کاربردن هرگونه تمهید لازم، این فضاخت‌ها را پوشانده و از لو رفتن اخبار مربوط به آن جلوگیری نماید. (از جمله این تمهیدات: تصویب قوانین ویژه مانند ماده ۴۸ در جهت عزل وکلای غیرنمایشی، عدم رسیدگی به شکایاتی مانند شکایات ارائه شده من از سال ۹۰ تا کنون، برگزاری غیرعلنی و محرمانه و ...) بنابراین بدیهی است که امکان ارائه شکایت وجود نداشته باشد و در صورت ارائه هم در هیچ دادگاهی مورد رسیدگی قرار نگیرد ... تا با جلوگیری از افشای حقایق پشت پرده اعتماد مردم از «نظام» سلب نشود که البته در طولانی مدت چنین امری اجتناب‌ناپذیر است (برای کسب اطلاعات بیشتر از عمق فاجعه به شکایات و دفاعیات این‌جانب از سال ۹۰ تا کنون از جمله شکایت اخیر به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس مراجعه شود). لذا خواهشمند است بررسی‌ها و اقدامات مقتضی و لازم را در این رابطه مبذول بفرمایند.

با تقدیم احترام و با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

۱۳۹۶/۱۰/۲۷

بسمه تعالی

موضوع درخواست: صدور برائت از اتهام انتسابی اُسادنی الارض و تک بازداشت موقت و...
به دادیار محترم ناظر نظایر اوبن - جناب آناه حاج مرادی
باسلام و تشکر دعای خیر

احتراماً، بدینوسیله در راستای رسیدگی به تخلفات و جرائم ارتکابی قضات شعبه ۲ در صدور آراء و احکام اعلام غیر قانونی و خاتمہ بخشیدن به این اعمال خورسازانه خلافکارانه سازمان یافته (با استناد به شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تاکنون) و انشای رای برائت اینجانب از اتهام کذب انتسابی اُسادنی الارض (به دلیل عدم تطابق با قانون قدیم، براد ۱۸۵م تا ۱۸۳ و غیرقانونی بودن هرگونه استناد به قانون مؤخر التصرف ۹۲-۱۰۰۰ با استناد به آراء و احکام ریاست عالی محترم کشور در آذر ۹۴ و مجدداً در شهر بورد ۹۶) و تک بازداشت موقت غیرقانونی چندین ساله، خواهشمند است ضمن انجام هرگونه اقدام مقتضی:

- ۱- درخواست پیوست (دو برگ A4) جهت هرگونه رسیدگی و اقدام تقدیم دارستان محترم کل کشور گردد.
- ۲- در صورتیکه منظور ریاست محترم قوه قضائیه در حسابیه اخیر از اشاره به «قضات متخلف» شامل قضات دادگاه انقلاب نیز میشود، مراتب اعلام به قتل عمد از طریق کتبی، سوءاستفاده و ارتکاب از قانون توسط برخی از قضات دادگاه انقلاب در بنیانی با کارشناسان امنیتی، همچنین موضوع شکایات اینجانب از سال ۹۰ تاکنون از چند شکایت مورخ ۹۶/۱۰/۹ به کمیسیون محترم مجلس در روز نهمت پیوست این نامه (دو برگ A4) نیز جهت هرگونه اطلاع و اقدام، خدمت ایشان نیز تقدیم شود.
- ۳- در صورتیکه روزنامه‌های غیرقانونی چندین سال گذشته، تکرار است که امکان ادامه داشته باشد (همانطوریکه در شعبه ۵۱ توسط قاضی صلواتی با کد جدیدین مجدداً گنجانده شده است) و در رسیدگی به شکایات اینجانب و تقاضایم نیست به استقاله اینجانب از بازداشتگاه استیسی ۲ الف

اوبن به زندان محمدر اوبن، اقدام لازم انجام شود.

باتشکر و قدر دانی و با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری
۸ / ۱۱ / ۹۶

- پیوست اصلی: دارستان محترم کل کشور
- روز نهمت ۱: ریاست محترم قوه قضائیه
 - روز نهمت ۲: بازرس محترم کل کشور
 - روز نهمت ۳: حفاظت اطلاعات محترم قوه قضائیه
 - روز نهمت ۴: دبیرخانه حقوق بشر قوه قضائیه

شکایت به دادیار ناظر زندان اوین ۱۳۹۶/۱۱/۸

بسمه تعالی

موضوع درخواست: صدور براءت از اتهام انتسابی «افساد فی الارض» و فکّ بازداشت موقت و ...

به: دادیار محترم ناظر زندان اوین - جناب آقای حاج مرادی

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً بدین وسیله در راستای رسیدگی به تخلفات و جرائم ارتكابی قضات شعبه ۲۶ در صدور آراء و احکام اعدام غیرقانونی و خاتمه بخشیدن به این اعمال خودسرانه خلافکارانه سازمان یافته (با استناد به شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون) و انشای رأی براءت این جانب از اتهام کذب انتسابی «افساد فی الارض» به دلیل (عدم تطابق با قانون قدیم، مواد ۱۸۸-۱۸۳ و غیرقانونی بودن هرگونه استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ و ... با استناد به آراء و احکام دیوان عالی محترم کشور در آذر ۹۴ و مجدداً در شهریور ۹۶) و فکّ بازداشت موقت غیرقانونی چندین ساله، خواهشمند است ضمن انجام هرگونه اقدام مقتضی:

- ۱- درخواست پیوست (۲برگه A4) جهت هرگونه رسیدگی و اقدام تقدیم «دادستان محترم کل کشور» گردید.
- ۲- در صورتی که منظور ریاست محترم قوه قضاییه در مصاحبه اخیر از اشاره به «قضات متخلف» شامل قضات دادگاه انقلاب نیز می‌شود مراتب اقدام به قتل عمد از طریق تخطی، سوءاستفاده انحراف از قانون توسط برخی از قضات دادگاه انقلاب در تباری با کارشناسان امنیتی هم‌چنین موضوع شکایات این‌جانب از سال ۹۰ تا کنون از جمله شکایت مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۹ به کمیسیون محترم مجلس و رونوشت پیوست این نامه (دوبرگه A4) نیز جهت هرگونه اطلاع و اقدام خدمت ایشان نیز تقدیم شود.
- ۳- در صورتی که روند اقدامات غیرقانونی چندین سال گذشته قراراست کماکان ادامه داشته باشد (همانطور که در شعبه ۱۵ توسط قاضی صلواتی باشگرد جدیدی مجدداً آغاز شده‌است)، تارسیدگی به شکایات این‌جانب تقاضا دارم نسبت به انتقال این‌جانب از بازداشتگاه امنیتی ۲- الف اوین به زندان عمومی اوین اقدام لازم انجام شود.

پیوست اصلی: دادستان محترم کل کشور
رونوشت ۱: ریاست محترم قوه قضاییه
رونوشت ۲: بازرسی محترم کل کشور
رونوشت ۳: حفاظت اطلاعات محترم قوه قضاییه
رونوشت ۴: دبیرخانه حقوق بشر قوه قضاییه

با تشکر و قدردانی و با آرزوی توفیق الهی
محمدعلی طاهری
۱۳۹۶/۱۱/۸

موضوع درجست و ارائه شکایات ضمیمه به رایگان عالی محترم استثنای قضات

به: دادگاه محترم ناظر بر پرونده ابرین

با سلام و تشریحی خیر

احتراماً، ضمن تشکر فراوان از ارسال مکاتبات کرامت کزین به جناب عالی مکتوب؛ خواهشمند است نسبت به ارائه سایر شکایات اینجانب به دلایلی که از سال ۹۵ تاکنون به کرات در برابر مختلف کوریل کرده و تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. گمان کنم محبت نبوی اید. محترم رسیدگی به این امر، باعث اتمام مادی و معنای شکایات منسوب به من و توجیه جری نسبت به شکایات از مقامات قضایی (مختصراً حفظ اکبرین نظام و مسلمات و حسن حیثیت نظام را خدشه دار ننورده و نیز تفریق نظام های حکومتی با یکدیگر، در بود یا نبود «عدالت» است و حسن و اگر عدالت نباشد هیچ فرق بین آنها نخواهد بود با هر نام و در هر لباسی که باشد و ... اما شکایات ضمیمه و بیست آن گذشته از نظام خواهان، در زمان از عملکرد کلیه خود را با سازمان عدل ملی (بی) می خوانند و بر مسند قضات او تکیه زده اند و این به نام اسلام و ظلم است برای راز بر جان و مال آبرو و سانسان ها را بر حق به خطر انداخته و عدالت را فدای مناصبت و منافق گردیده خود نموده و بصورت کفایتی و سازمان یافته در عمل های خصوصی و رهبری خود در کشیدن خون انسان های بی گناه از طریق و در اجرای آن به هر عملی دست می زنند و به صورت مناصد هکلی و وحولان انسان های آزاده می گذارند.

با آرزوی توفیق الهی

محمد علی طاهری

پیوست این شکایت: چهار برگ A4 و چهار برگ ضمیمه

(صفحه یک از پنج)

بسمه تعالی

دادگاه عالی محترم ناظر بر شکایات قضات

با سلام، ضمن ارجاع به مطالب پیوسته؛ با توجه به دستگیری و بازداشت صورت غیر قانونی اینجانب (بدلیل عدم وجود هرگونه دلیل و مدرک) به اتهامات محترم در سابق و در یک ماهی مدتی خلق و ... در تاریخ ۲۹ آذر ۹۹ و بعد از تقصیر اتهام و بازداشت صورت غیر قانونی (علیه عدم کفایت با مانور) به اتهامات مسافرین الی و ... همچنین اتهامات ارتداد سایه الی (بی) و ... (صحت استناد غیر قانونی به تناوای طرح محرم تعلیه و عدم وجود هرگونه دلیل و مدرک) در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۹۰ تاکنون که پس از گذشت حدود هفت سال و صدور منع تعقیب اتهامات محضرت در سازمان مرکزی چک های ملی حقوق ایران و انجام وکالیتهای منحصراً تکلیفی محرم علیه امنیت کشور و برقراری انجام شده، که هر امر از دست و کورنگ سایه الی (بی) و جناب علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد و داشتن مشکلات متعدد و مشکلات در اختیار منزهی خزان تفر و در سال ۹۵ و دوبار نقض حکم اعلام صادره از جانب امراضی الی (بی) از سوی روان عالی محترم کشف بدلیل عدم انطباق اتهامات ای یا تاکنون مدتی (که نهایت وقت اعلامی من باقی قرار با برداشت صورت صادر شده و یاد در همان دادگاه جرایم ارتداد و سال ۹۰ برای آن جرایم صادر شده بود) و صدور حکم با استناد به تایید بر جزای تعزیری ۹۱ و ارجاع پرونده به دادگاه محرم (طبق بند ۴ قسمت سه ماده ۴۵۹ - ۴۵۸ - ۴۵۷ - ۴۵۶ - ۴۵۵ - ۴۵۴ - ۴۵۳ - ۴۵۲ - ۴۵۱ - ۴۵۰ - ۴۴۹ - ۴۴۸ - ۴۴۷ - ۴۴۶ - ۴۴۵ - ۴۴۴ - ۴۴۳ - ۴۴۲ - ۴۴۱ - ۴۴۰ - ۴۳۹ - ۴۳۸ - ۴۳۷ - ۴۳۶ - ۴۳۵ - ۴۳۴ - ۴۳۳ - ۴۳۲ - ۴۳۱ - ۴۳۰ - ۴۲۹ - ۴۲۸ - ۴۲۷ - ۴۲۶ - ۴۲۵ - ۴۲۴ - ۴۲۳ - ۴۲۲ - ۴۲۱ - ۴۲۰ - ۴۱۹ - ۴۱۸ - ۴۱۷ - ۴۱۶ - ۴۱۵ - ۴۱۴ - ۴۱۳ - ۴۱۲ - ۴۱۱ - ۴۱۰ - ۴۰۹ - ۴۰۸ - ۴۰۷ - ۴۰۶ - ۴۰۵ - ۴۰۴ - ۴۰۳ - ۴۰۲ - ۴۰۱ - ۴۰۰ - ۳۹۹ - ۳۹۸ - ۳۹۷ - ۳۹۶ - ۳۹۵ - ۳۹۴ - ۳۹۳ - ۳۹۲ - ۳۹۱ - ۳۹۰ - ۳۸۹ - ۳۸۸ - ۳۸۷ - ۳۸۶ - ۳۸۵ - ۳۸۴ - ۳۸۳ - ۳۸۲ - ۳۸۱ - ۳۸۰ - ۳۷۹ - ۳۷۸ - ۳۷۷ - ۳۷۶ - ۳۷۵ - ۳۷۴ - ۳۷۳ - ۳۷۲ - ۳۷۱ - ۳۷۰ - ۳۶۹ - ۳۶۸ - ۳۶۷ - ۳۶۶ - ۳۶۵ - ۳۶۴ - ۳۶۳ - ۳۶۲ - ۳۶۱ - ۳۶۰ - ۳۵۹ - ۳۵۸ - ۳۵۷ - ۳۵۶ - ۳۵۵ - ۳۵۴ - ۳۵۳ - ۳۵۲ - ۳۵۱ - ۳۵۰ - ۳۴۹ - ۳۴۸ - ۳۴۷ - ۳۴۶ - ۳۴۵ - ۳۴۴ - ۳۴۳ - ۳۴۲ - ۳۴۱ - ۳۴۰ - ۳۳۹ - ۳۳۸ - ۳۳۷ - ۳۳۶ - ۳۳۵ - ۳۳۴ - ۳۳۳ - ۳۳۲ - ۳۳۱ - ۳۳۰ - ۳۲۹ - ۳۲۸ - ۳۲۷ - ۳۲۶ - ۳۲۵ - ۳۲۴ - ۳۲۳ - ۳۲۲ - ۳۲۱ - ۳۲۰ - ۳۱۹ - ۳۱۸ - ۳۱۷ - ۳۱۶ - ۳۱۵ - ۳۱۴ - ۳۱۳ - ۳۱۲ - ۳۱۱ - ۳۱۰ - ۳۰۹ - ۳۰۸ - ۳۰۷ - ۳۰۶ - ۳۰۵ - ۳۰۴ - ۳۰۳ - ۳۰۲ - ۳۰۱ - ۳۰۰ - ۲۹۹ - ۲۹۸ - ۲۹۷ - ۲۹۶ - ۲۹۵ - ۲۹۴ - ۲۹۳ - ۲۹۲ - ۲۹۱ - ۲۹۰ - ۲۸۹ - ۲۸۸ - ۲۸۷ - ۲۸۶ - ۲۸۵ - ۲۸۴ - ۲۸۳ - ۲۸۲ - ۲۸۱ - ۲۸۰ - ۲۷۹ - ۲۷۸ - ۲۷۷ - ۲۷۶ - ۲۷۵ - ۲۷۴ - ۲۷۳ - ۲۷۲ - ۲۷۱ - ۲۷۰ - ۲۶۹ - ۲۶۸ - ۲۶۷ - ۲۶۶ - ۲۶۵ - ۲۶۴ - ۲۶۳ - ۲۶۲ - ۲۶۱ - ۲۶۰ - ۲۵۹ - ۲۵۸ - ۲۵۷ - ۲۵۶ - ۲۵۵ - ۲۵۴ - ۲۵۳ - ۲۵۲ - ۲۵۱ - ۲۵۰ - ۲۴۹ - ۲۴۸ - ۲۴۷ - ۲۴۶ - ۲۴۵ - ۲۴۴ - ۲۴۳ - ۲۴۲ - ۲۴۱ - ۲۴۰ - ۲۳۹ - ۲۳۸ - ۲۳۷ - ۲۳۶ - ۲۳۵ - ۲۳۴ - ۲۳۳ - ۲۳۲ - ۲۳۱ - ۲۳۰ - ۲۲۹ - ۲۲۸ - ۲۲۷ - ۲۲۶ - ۲۲۵ - ۲۲۴ - ۲۲۳ - ۲۲۲ - ۲۲۱ - ۲۲۰ - ۲۱۹ - ۲۱۸ - ۲۱۷ - ۲۱۶ - ۲۱۵ - ۲۱۴ - ۲۱۳ - ۲۱۲ - ۲۱۱ - ۲۱۰ - ۲۰۹ - ۲۰۸ - ۲۰۷ - ۲۰۶ - ۲۰۵ - ۲۰۴ - ۲۰۳ - ۲۰۲ - ۲۰۱ - ۲۰۰ - ۱۹۹ - ۱۹۸ - ۱۹۷ - ۱۹۶ - ۱۹۵ - ۱۹۴ - ۱۹۳ - ۱۹۲ - ۱۹۱ - ۱۹۰ - ۱۸۹ - ۱۸۸ - ۱۸۷ - ۱۸۶ - ۱۸۵ - ۱۸۴ - ۱۸۳ - ۱۸۲ - ۱۸۱ - ۱۸۰ - ۱۷۹ - ۱۷۸ - ۱۷۷ - ۱۷۶ - ۱۷۵ - ۱۷۴ - ۱۷۳ - ۱۷۲ - ۱۷۱ - ۱۷۰ - ۱۶۹ - ۱۶۸ - ۱۶۷ - ۱۶۶ - ۱۶۵ - ۱۶۴ - ۱۶۳ - ۱۶۲ - ۱۶۱ - ۱۶۰ - ۱۵۹ - ۱۵۸ - ۱۵۷ - ۱۵۶ - ۱۵۵ - ۱۵۴ - ۱۵۳ - ۱۵۲ - ۱۵۱ - ۱۵۰ - ۱۴۹ - ۱۴۸ - ۱۴۷ - ۱۴۶ - ۱۴۵ - ۱۴۴ - ۱۴۳ - ۱۴۲ - ۱۴۱ - ۱۴۰ - ۱۳۹ - ۱۳۸ - ۱۳۷ - ۱۳۶ - ۱۳۵ - ۱۳۴ - ۱۳۳ - ۱۳۲ - ۱۳۱ - ۱۳۰ - ۱۲۹ - ۱۲۸ - ۱۲۷ - ۱۲۶ - ۱۲۵ - ۱۲۴ - ۱۲۳ - ۱۲۲ - ۱۲۱ - ۱۲۰ - ۱۱۹ - ۱۱۸ - ۱۱۷ - ۱۱۶ - ۱۱۵ - ۱۱۴ - ۱۱۳ - ۱۱۲ - ۱۱۱ - ۱۱۰ - ۱۰۹ - ۱۰۸ - ۱۰۷ - ۱۰۶ - ۱۰۵ - ۱۰۴ - ۱۰۳ - ۱۰۲ - ۱۰۱ - ۱۰۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۸ - ۷۷ - ۷۶ - ۷۵ - ۷۴ - ۷۳ - ۷۲ - ۷۱ - ۷۰ - ۶۹ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۶ - ۶۵ - ۶۴ - ۶۳ - ۶۲ - ۶۱ - ۶۰ - ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۴ - ۵۳ - ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ - ۴۵ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۳۱ - ۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ - ۲۶ - ۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ - ۰ - ۹۹ - ۹۸ - ۹۷ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۹۳ - ۹۲ - ۹۱ - ۹۰ - ۸۹ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ - ۸۰

شکایت به دادگاه عالی انتظامی قضات ۱۳۹۶/۱۲/۱

بسمه تعالی

موضوع درخواست: ارائه شکایت ضمیمه به دادگاه عالی محترم انتظامی قضات

به: دادیار محترم ناظر زندان اوین

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً ضمن تشکر فراوان از ارسال مکتوبات تحویل به جناب عالی تا کنون: خواهشمند است نسبت به ارائه سایر شکایات این جانب به مراجع قانونی ذی ربط که از سال ۹۰ تا کنون به کرات در موارد مختلف تحویل شده و تا کنون مورد رسیدگی قرار نگرفته، کماکان محبت فرمایید عدم رسیدگی به این مهم، باعث اطاله دادرسی و ایجاد مشکلات جبران ناپذیری گردیده است. نبود رسیدگی و توجه جدی نسبت به شکایات از مقامات قضایی (به منظور حفظ آبروی نظام، مصلحت و ...) حیثیت نظام را خدشه دار نموده، زیرا فرق نظام‌های حکومتی با یکدیگر در بود و نبود «عدالت» است و بس و اگر عدالت نباشد هیچ فرقی بین آنها نخواهد بود با هر نام و در هر لباسی که

باشند و... اما شکایت ضمیمه و پیوست آن گذشته از تظلم خواهی، دور نمایی از عملکرد کسانی که خود را پاسداران عدل علی (ع) می خوانند و بر مسند قضاوت او تکیه زده اند ولی به نام اسلام، ظلم و ستم روا می دارند و جان، مال، آبرو و... انسان ها را به راحتی به خطر انداخته و عدالت را فدای مصلحت و منافع گروهی خود نموده و به صورت تشکیلاتی و سازمان یافته در محفل های خصوصی و هیأتی خود ریختن خون انسان های بی گناه را طراحی و برای اجرای آن به هر عمل دست می زنند و ... به معرض قضاوت همگانی و وجدان انسان های آزاده می گذارند. پیوست این شکواییه چهار برگ A4، جمعاً نه صفحه است.

با آرزوی توفیق الهی
محمدعلی طاهری

دادگاه عالی محترم انتظامی قضات

با سلام

احتراماً، ضمن ارجاع به مطالب پیوست، با توجه به دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی این جانب (به دلیل عدم وجود هرگونه دلیل و مدرک) به اتهامات عضویت در سازمان چریک های فدایی خلق و... در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ و مجدداً تفهیم اتهام و بازداشت موقت غیرقانونی (به علت عدم تطابق با قانون) به اتهام «افساد فی الارض» و هم چنین اتهامات ارتداد، سبّ النبی (ص) و... (به علت استناد غیرقانونی به فتاوی مراجع محترم تقلید و عدم وجود هرگونه دلیل و مدرک) در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ اکنون که پس از گذشت حدود هشت سال و صدور منع تعقیب اتهامات عضویت در سازمان مارکسیستی چریک های فدایی خلق ایران، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ترورهای انجام شده، تهدید افراد متعدد، ارتداد، سبّ النبی (ص)، جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد، داشتن شاکیان متعدد، تشکیک در اعتقادات مذهبی هزاران نفر و... در سال ۹۵ و دو بار نقض حکم اعدام صادره از بابت «افساد فی الارض» از سوی دیوان عالی محترم کشور به دلیل عدم انطباق اتهام انتسابی با قانون قدیم (که به این علت اصلاً نمی بایستی قرار بازداشت موقت صادر می شد و یا در همان دادگاه برگزار شده سال ۹۰ برای آن برائت صادر شده بود) و صدور حکم با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ و ارجاع پرونده به دادگاه هم عرض (طبق بند ۴ قسمت پ ماده ۴۶۹ ا.د.ک) که می بایستی طبق نظر دیوان محترم در ماهیت رسیدگی و انشاء حکم کند که با در نظر گرفتن نقض ماهیتی اتهام یعنی عدم امکان رسیدگی به اتهام فوق با استناد به قانون قدیم، به علت عدم تطابق و غیرقانونی بودن استناد به قانون جدید ۹۲، عدم وجود نقص در پرونده، عدم وجاهت قانونی استناد به فتاوی مراجع عظام تقلید، مردود بودن اتهام وارده به طور کلی، عدم وجود هرگونه اتهام دیگر، عدم وجود شاکی خصوصی و ... برای این اتهام الزام به صدور برائت می باشد.

اما متأسفانه قاضی صلواتی به‌عنوان ریاست شعبه هم عرض، برای انشای رای، طبق نظر دیوان محترم، ضمن عزل وکلای اصلی پرونده هشت ساله این‌جانب به اتفاق یکی از کارشناسان امنیتی پرونده (آقای محمدحسین صدرا علوی) صدور برائت از این اتهام وبسته شدن پرونده آن را مشروط به پذیرش و قبول اتهام جدید دیگری و تمکین در مقابل آن نموده تا با این شرط به من اجازه داده شود پس از چندسال دیگر تحمل حبس، نجات پیدا کرده و آزاد شوم (طی جلسات متعدد با کارشناس امنیتی نامبرده و دو تن از وکلای غیراصلی این‌جانب که با قاضی صلواتی مذاکره کرده‌اند، قبول جرم موضوع ۴۹۸ قانون جدید با ده سال حبس مورد نظر آن‌ها می‌باشد) که در اصل این گروکشی که تحت پوشش قانون صورت می‌گیرد، عملی خلاف و نیرنگی آشکار است.

این شگرد مکارانه به‌منظور جلوگیری از درخواست ضرر و زیان مادی و معنوی و اعاده حیثیت به‌واسطه بازداشت موقت غیرقانونی و... ارائه شکایت از رفتارها و اقدامات مجرمانه بازپرس اسدی، کارشناس امنیتی و قضات پرونده، شکایت از عدم استرداد اموال غارت شده بدون رسید، مفقودشدن ۲۵۰ برگ از دفاعیاتم از اوایل سال ۹۲ تا کنون، هم‌چنین جلوگیری از آشکارشدن تبهکاری‌های سازمان یافته با اهداف مشکوک به‌منظور سیاسی کردن جریان‌های غیرسیاسی، فرقه‌سازی، ایجاد نارضایتی و... بر باد دادن حیثیت و نام «تارالله» به‌واسطه این همه افتراها، بهتان‌ها، نشر اکاذیب در سطح گسترده، بدون در دست داشتن مدارک لازم و کافی معتبر که صرفاً با استناد به چند کتاب دستکاری شده و جزوات جعلی و هفت کلیپ کوتاه مقطع جعلی مونتاژ شده و... اقدامات مجرمانه خود را در تبنانی با یکدیگر در طول هشت سال گذشته، مدیریت کرده‌اند. این در حالی است که پس از ارتکاب، این همه خلاف و ظلم و ستم و... نسبت به من و خانواده‌ام، اینک به‌جای عذرخواهی و حلالیت طلبیدن باکمال بی‌شرمی و وقاحت برای نجات خود از این همه رسوایی، باز هم به‌دنبال ارتکاب عمل ناعادلانه و مزورانه دیگری به پشتوانه حمایتی که از طرف قانون به غلط از آن برخوردارند، می‌باشد.

*لذا بدین‌وسيله شکایت خود را از مقام‌های قضایی به‌شرح زیر جهت هر گونه اقدام و بررسی قانونی (برای چندمین بار) تقدیم می‌دارد:

۱- جناب قاضی صلواتی (پیرو شکایت مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۹ به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس محترم شورای اسلامی)

- عزل غیرمستقیم وکلای اصلی این‌جانب از پرونده هشت ساله به بهانه اعمال ماده ۴۸ (ا.د.ک) و جلوگیری از حضور آن‌ها در شعبه ۱۵ (جهت نظارت قانونی بر انشای رأی برطبق نظر دیوان عالی کشور) به‌منظور ممانعت از افشای اقدامات غیرقانونی مورد نظر. در حالی که ماده ۴۸، اولاً، برای پرونده‌های تازه تشکیل شده در دادسرا

می‌باشد و عطف بما سبق نمی‌شود. ثانیاً، هنوز اجرایی نشده است. ثالثاً، مورد قبول متهمین و وکلایشان نمی‌باشد و مورد تمکین قرار نمی‌گیرد.

- اقدام به گروکشی با سوءاستفاده از قانون (صدور حکم براءت اتهام اصلی درازای قبول محکومیت یک اتهام فرعی دیگر به ده سال حبس و تمکین در مقابل آن)

- عدم اعمال ماده ۲۴۲ (ا.د.ک) در جهت فکّ باز داشت موقتّ به علت منقضی شدن مدت قانونی آن، با توجه به تفهیم اتهام و بازداشت موقتّ از بابت «افساد فی الارض» در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ که تا کنون تداوم دارد. بدیهی است این مدت طولانی بازداشت موقتّ جهت تعیین تکلیف این اتهام که از اساس مردود بوده غیرقانونی می‌باشد و مهلت قانونی آن خاتمه یافته است ...

- اطاله وقت دادرسی به بهانه اعمال ماده ۴۸ (ا.د.ک) زیرا اگر این سنگ‌اندازی صورت نگرفته بود، با حضور این‌جانب در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۸ در محل شعبه ۱۵ و ملاقات با آقای صلواتی، انشای رأی اتهام «افساد فی الارض» انتسابی طبق نظر دیوان عالی محترم کشور، حداکثر تا چند هفته بعد خاتمه یافته بود.

- توجیه اعمال مرتکبین تخلفات و جرایم نسبت به این‌جانب و نجات آن‌ها از چنگال قانون از طریق مجرم جلوه دادن من با صدور محکومیت جدید فرمایشی و سفارشی به‌طوری که دستگیری و بازداشت موقتّ غیرقانونی من و... در طول سال‌های متمادی گذشته، موجه به نظر آمده و امکان چندسال دیگر حبس مراهم فراهم نماید. جالب است که طبق پیشنهاد به‌عمل آمده، باید خود من هم همکاری نموده و در مقابل چنین حيله و نیرنگی تمکین نمایم تا بلکه تا چندسال دیگر به من اجازه رهایی از حبس داده شود!!!

با این ترفند بنده برای آزاد شدن از این اسارت، امکان هیچ‌گونه شکایت و اعتراضی را نخواهم داشت.

۲- جناب قاضی احمد زاده (پیرو شکایت ۱۳۹۵/۹/۲۳، ۱۳۹۵/۱۲/۳، ۱۳۹۶/۷/۱۵، ۱۳۹۶/۱۰/۹ کمیسیون محترم اصل ۹۰ مجلس):

- برگزاری دادگاه غیرقانونی با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ و صدور حکم غیرقانونی اعدام در تیر ۹۴ بابت اتهام «افساد فی الارض» با استناد به ماده ۲۸۶ قانون جدید. در حالی که این اتهام که در رابطه با موضوع فعالیت من در چهارچوب مؤسسه فرهنگی هنری قانونی این‌جانب و تدریس کتب قانونی تالیفی بنده مطرح شده، مربوط به قبل از سال ۸۹ بوده و در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ دستگیر شده‌ام و در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴، این اتهام تفهیم و بازداشت موقتّ از بابت آن آغاز و تا کنون در بازداشتگاه ۲- الف اوین ادامه دارد. حکم اعدام صادره به دلیل

استناد به قانون جدید ۹۲ که عملی خلاف می‌باشد، نموده و مجدداً بدون توجه به رأی دیوان محترم و اعتراضات همه جانبه، اقدام به برگزاری جلسات دادگاه و صدور حکم اعدام در شهریور ۹۶ با استناد دوباره به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ و ماده ۲۸۶ آن می‌نماید که این بار نیز از سوی دیوان عالی محترم کشور مانند دفعه قبل، به علت عدم تطابق با قانون قدیم و غیرقابل استناد بودن به قانون جدید و مردود بودن اتهام «افساد فی الارض»، حکم صادره ماهیتاً نقض شده و به منظور انشای رأی و رسیدگی در ماهیت (ضمن این که این اتهام ماهیتاً نقض شده) طبق نظر دیوان عالی کشور به دادگاه هم عرض ارجاع شده است. اما با توجه به سایر جرایم از جمله: اقدامات متقلبانه و مجرمانه بازپرس اسدی، مفتوح گذاشتن غیرقانونی پرونده این اتهام توسط قاضی پیرعباسی، اقدامات خلاف و غیرقانونی کارشناسان امنیتی پرونده که منجر به چهار بار اقدام به خودکشی و هفده بار اعتصاب غذا شد و مقفودشدن ۲۵۰ برگ از دفاعیاتم، حقایق پشت پرده آشکارشده از نوار لو رفته و افشا شده نماینده و سخنگوی کارشناسان امنیتی ثارالله و... به وضوح ثابت می‌کند که مجموعه این اعمال اقداماتی سازمان یافته، با طرح و برنامه از قبل طراحی شده و... بوده که با هدف اقدام به قتل عمد از طریق تخطی، سوءاستفاده و انحراف از قانون، پیاده شده که ایشان ضربه اصلی را وارد نموده است.

- استناد به دلایل جعلی و کذب به عنوان دلایل صدور حکم اعدام مانند: ادعای کشف و توقیف مبلغ دو میلیارد و چهارصد و هفتاد و پنج میلیون تومان موجودی نقدی متعلق به بنده از بانک‌های سراسر کشور در حکم صادره تیر ۹۴، در حالی که من فقط در تهران حساب داشته و کل موجودی‌ام نیز فقط ۲۷ میلیون تومان بوده است.

- عدم توجه به تذکرات و اعتراضات این جانب و وکلایم، تجمعات مسالمت‌آمیز مردمی، در ایران و خارج کشور، شورای حقوق بشر، عفو بین‌الملل، پارلمان اتحادیه اروپا و بسیاری از شخصیت‌ها و محافل داخلی و بین‌المللی و... در مورد برگزاری دادگاه‌های غیرقانونی و صدور حکم‌های اعدام در این رابطه از سال ۹۳.

- ایجاد انگیزه برای معرفت پژوهان مؤسسه فرهنگی هنری سابق این جانب و تحرک آن‌ها جهت برگزاری تجمعات اعتراضی مسالمت‌آمیز مردمی با هدف جلوگیری از اقدامات غیرقانونی قاضی احمدزاده و... که منجر به دستگیری تعداد بسیار زیادی از آنان و صدور محکومیت‌های طولانی مدت برای بعضی دیگر شده است.

- اطلاع وقت دادرسی از طریق برگزاری جلسات دادگاه‌ها و صدور آراء و احکام با استناد ناموجه به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ و ائتلاف وقت چندین ساله از این بابت.

- به کار بردن سوالات تلقینی، استفاده از عناوین مجرمانه، موهومی و اثبات نشده و برجسب‌های کذب مانند فرقه، سرکرده فرقه، فرقه ضالّه و...

- عدم بی‌طرفی و تبانی با کارشناسان امنیتی پرونده در جهت پیاده کردن سوء قصد و توطئه آن‌ها.

- وارد نمودن فشارهای روانی سنگین به اعضای خانواده و وابستگان به واسطه صدور آراء و حکم‌های غیرقانونی اعدام.

- عدم موافقت با انتقال به زندان عمومی و استفاده از مرخصی، آن هم پس از نقض ماهیتی حکم اعدام در آذر ۹۴ و صدور منع تعقیب سایر اتهامات در ۱۳/۴/۱۳۹۵ حتی به مناسبت‌های مهم و ویژه مانند: مراسم ترحیم مادر همسر، مراسم عقد دخترم، مراسم ترحیم مادرم، مراسم عروسی دخترم و...

- عدم توجه به توضیحات و شکایات این جانب در مورد عدم وجاهت قانونی پرونده، به واسطه جرایم ارتكابی، نقض آیین‌نامه دادرسی، حقوق شهروندی و... هم‌چنین به‌ویژه در مورد گرفتن مصاحبه زوری کذب دیکته شده که از طریق اعمال فشار و تهدید خانواده اخذ شده و طفره رفتن از تنظیم صورتجلسه عدم وجاهت قانونی پرونده و عدم اعتبار قانونی مصاحبه فوق‌الذکر و ...

۳- جناب آقای طبرانی

- تأیید حکم غیرقانونی اعدام صادره شهریور ۹۶ به‌عنوان قاضی دوم

- تحقیق این جانب در جلسات دادگاه در اسفند ۹۵ و تیر ۹۶

- جلوگیری از ارائه دفاعیات و توضیحات شفاهی توأم با تهدید مبنی بر تعطیل نمودن جلسه دادگاه در صورت ادامه به توضیح دادن به‌منظور ممانعت از افشای حقایق.

- عدم بی‌طرفی و تبانی با کارشناسان امنیتی پرونده.

۴- جناب قاضی پیرعباسی (پیرو شکایات ارائه شده از سال ۹۱ تا کنون)

- پذیرفتن و مفتوح گذاشتن غیرقانونی پرونده اتهام «افساد فی الارض» (به‌دلیل عدم انطباق با قانون در زمان برگزاری دادگاه در سال ۹۰، در حالی که شفاهاً به من و وکیلیم در پایان جلسه اول دادگاه ۱۳۹۰/۷/۱۷ و پس از قرائت کیفرخواست در تأیید تذکر وکیلیم و پاسخ به این جانب در خصوص نحوه مدیریت زمان به‌منظور اختصاص وقت کافی برای جواب دادن به کلیه موارد مطرح شده در کیفرخواست ۵۰ صفحه‌ای فرمودند که «به دلیل فوق این اتهام را نپذیرفته‌اند و نیازی به پاسخگویی نیست و فقط به چند مورد از اتهامات... جواب بده» (هرچند که طبق نوار لو رفته و افشا شده سخنگوی کارشناسان امنیتی ثارالله به قاضی پیرعباسی سفارش صدور حکم اعدام مرا بابت اتهام «افساد فی الارض» داده‌اند و چون ایشان قبول نکرده وی را به دادگاه خانواده منتقل نموده و با جایگزین شدن قاضی احمدزاده به‌جای ایشان در تصدی ریاست شعبه ۲۶ همین پیشنهاد را به قاضی احمد زاده

داده‌اند، با این تهدید که اگر حکم اعدام صادر نکند، او را هم مانند قاضی پیرعباسی به دادگاه خانواده تبعید خواهند کرد و ایشان نیز پذیرفته و به صورت غیرقانونی با استناد به قانون جدید ۹۲ دو بار حکم اعدام صادر نموده است.)

- صدور محکومیت برای اتهامات بدون دلیل و مدرک و یا ... بدون توجه به دفاعیات ارائه شده این‌جانب و وکیل.

- عدم توجه به شکایات ارائه شده این‌جانب نسبت به اقدامات خلاف و مجرمانه صورت گرفته در جهت گرفتن اعترافات زوری دیکته شده، حکم‌های جعلی اعدام و صحنه‌سازی‌های مربوطه و ... در جلسه دادگاه مورخ ۱۳۹۰/۷/۳۰ (با استناد به فیلم دادگاه)

- صدور حکم امحاء کتب و آثار مکتوب این‌جانب با استناد غیرقانونی به فتوای متقلبانه اخذ شده از سه تن از مراجع عظام تقلید (طبق بند سادساً رأی دیوان در آذر ۹۴) قبل از خاتمه دادرسی و فراهم نمودن زمینه چاپ و نشر کتب و جزوات جعلی (مؤسسه هرگز جزوه درسی نداشته است) به وسیله کارشناسان امنیتی (با استناد به مدارک ارائه شده به دادگاه) پس از جمع‌آوری و به آتش کشیدن نسخه‌های اصلی در بیابان‌های اطراف تهران و سپس ضمیمه نمودن این جعلیات به عنوان ادله اثبات مطالب کذب و موهومی مطرح شده در کیفرخواست و ... ضمن این که امحای این مکتوبات و ... قبل از خاتمه دادرسی (که تا کنون نیز هنوز خاتمه نیافته) خلاف آشکاری بوده است.

۵- بازپرسی اسدی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای شهید مقدس، در سال ۹۰ پیرو شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون)

- اقدام به اخذ فتوای متقلبانه و مزورانه از سه تن از مراجع محترم تقلید از طریق طرح فرضیات کذب و ناروا در استفتاء و نسبت دادن آن‌ها به این‌جانب به گونه‌ای که پاسخ مراجع به فرضیات مطروحه، ارتداد، افساد و ... باشد. سپس با استناد به این فتواها که سال ۸۹ اخذ شده، مبادرت به اقدامات غیرقانونی علیه من نموده از جمله:

(۱) صدور حکم بازداشت موقت غیرقانونی این‌جانب به اتهامات ارتداد، سبّ النبّی (ص) در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ با استناد ناموجه، متقلبانه و غیرقانونی به فتوای فوق که صرف نظر از کذب و موهومی بودن اتهامات، متقلبانه بودن شگرد استفتاء و ... طبق بند سادساً رأی دیوان عالی کشور در آذر ۹۴، با وجود قانون مجازات اسلامی، استناد به فتوای مراجع عظام تقلید و جاهت قانونی ندارد که در نتیجه صدور بازداشت موقت من و سایر اقدامات صورت

گرفته با این ترفند غیرقانونی بوده است. لازم به ذکر است، منع تعقیب اتهامات فوق به دلیل عدم وجود هرگونه دلیل و مدرکی جهت اثبات در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ صادر شد.

(۲) صدور قرار ممنوع الخروجی این جانب در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۱

(۳) صدور حکم امحاء کتب، مجلات و مقالات این جانب توسط قاضی پیرعباسی با استناد به این فتوهای متقلبانه.

(۴) مورد استناد و اشاره قرار گرفتن، به عنوان یکی از دلایل محکم و متقن صدور آرای غیرقانونی اعدام.

(۵) مورد استناد قرارگرفتن جهت نشر اکاذیب گسترده از جمله مورد استناد قرار گرفتن در فیلم (حلقه شیطان) و پخش آن از رسانه ملی و سایر رسانه‌ها و...

- صدور حکم بازداشت موقت غیرقانونی به اتهام «افساد فی الارض» در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ به دلیل عدم تطابق با قانون در زمان صدور قرار مربوطه و عالم بودن ایشان به آن.

- ارائه پانزده حکم جعلی اعدام (به جای سه فتوای اخذ شده) با این ادعا که این حکم‌ها از سوی پانزده تن از مراجع محترم تقلید (پس از مطالعه کتب، مجلات، مقالات و استماع موضوعات آموزشی من صادر شده است. و با این شگرد مجرمانه و کثیف زمینه را برای ایجاد رعب و وحشت توسط کارشناسان امنیتی از طریق صحنه‌سازی‌های حکم اعدام و ... به منظور گرفتن اعترافات زوری کذب دیکته شده و... فراهم نموده است. (مدت‌ها بعد در دادگاه از طریق وکیل فهمیدم که اصلاً چنین حکم‌هایی صادر نشده و آن‌هایی را که بازپرس اسدی به من نشان داده، جعلی بوده‌اند و ایشان فقط با توضیحات ارائه شده، از سه تن از مراجع عظام تقلید استفتاء نموده است.)

- گرفتن مصاحبه زوری کذب دیکته شده از طریق تهدید خانواده، اعمال فشار به طریق فوق الذکر، فریب و اغوا و... با تبانی و همدستی کارشناسان امنیتی پرونده. این مصاحبه مورد استناد قاضی پیرعباسی برای صدور محکومیت برای چند اتهام در سال ۹۰ قرار گرفت و پس از آن به تقاضاهای اعاده این جانب به دلیل عدم اعتبار قانونی این مصاحبه و... رسیدگی نشده است.

- مفتوح گذاشتن غیرقانونی پرونده اتهامات انتسابی فاقد دلیل و مدرک (مانند: عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق و ...) که به همین علت برای آن‌ها در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ منع تعقیب صادر شده است. (در حالی که بازپرس بدون در دست داشتن مدارک لازم و کافی، حتی حق احضار کسی را هم ندارد.)

- جلوگیری و ممانعت از دادن اعتراض به تمدید بازداشت موقت تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱۴ به بهانه‌های واهی، وعده‌های پوچ، فریب و نیرنگ.

- خالی گذاشتن جای برخی از سوالات (س) در برگه بازجویی و ارائه سوال به صورت شفاهی و یا در برگه کاغذ باطله جداگانه و گرفتن جواب (ج) در برگه بازجویی.

- اعمال فشار و تهدید به منظور قبول کردن و اعتراف به اتهامات ارتداد و ... که در متن حکم‌های جعلی اعدام توسط مراجع محترم تقلید نسبت به من تأیید شده بود.

- سوءاستفاده ایزاری از جایگاه اجتماعی مراجع محترم تقلید و مهر و امضای آن‌ها در جهت پیشبرد مقاصد غیرقانونی و اهداف شوم سازمان یافته.

توضیح این که با شکایت‌های به عمل آمده از بازپرس اسدی (از سال ۹۰) قرار منع تعقیب نامبرده به تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱۸ از سوی شعبه ۱۵ بازپرس ناحیه ۲۸ تهران، بدون آن که این جانب به عنوان شاکی به این شعبه احضار شده باشم، صادر و به جای بازداشتگاه به منزل ابلاغ شده! و پس از دسترسی بسیار مشکل به این ابلاغیه (به علت ممانعت از تحویل آن در بازداشتگاه) علی‌رغم اعتراض به آن در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۳۱ هیچ‌گونه رسیدگی مجددی به عمل نیامده و قرار منع تعقیب ایشان قطعی شد. متعاقباً از شعبه ۱۵ بازپرسی ناحیه ۲۸ تهران نیز در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۱ طرح شکایت نمودم که آن هم رسیدگی نشده است. پیوست این شکواییه: چهار برگ A4

با تقدیم احترام و با آرزوی توفیق الهی
محمدعلی طاهری

شکایت به دادسرای انتظامی قضات ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

بسمه تعالی

ریاست محترم دادسرای انتظامی قضات

باسلام و احترام

بدین وسیله پیرو شکایات متعدد ارائه شده از سال ۹۰ تاکنون به این دادسرا و سایر مراجع قانونی ذی ربط در مورد ارتکاب تخلفات مغرضانه و جرایم عمدی سازمان یافته مقامات قضایی مرتبط با پرونده اینجانب، جهت هرگونه بررسی و اقدام مقتضی تقدیم می گردد:

۱- در تاریخ ۸۹/۱/۲۹ نیروهای امنیتی ثارالله اقدام به دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی اینجانب به اتهامات پوچ و واهی عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ترور افراد متعدد، تهدید افراد متعدد به قتل و ... نموده و از طریق ایجاد رعب و وحشت، تهدید به صدمه رساندن به اعضای خانواده‌ام و ... قصد گرفتن اعترافات کذب دیکته شده زوری داشتند که موفق به تحقق اهداف شوم خود نشدند. (قرار منع تعقیب اتهامات فوق الذکر به دنبال درخواست دیوان عالی محترم کشور در رأی

صادره آذر ۹۴ مبنی بر ارائه دلایل و مدارک اثبات این اتهامات و عدم وجود هرگونه سند و مدرکی در این رابطه در تاریخ ۱۳/۴/۹۵ توسط شعبه سوم دادرسی شهید مقدس صادر شد که به این ترتیب ثابت شد که دستگیری و بازداشت موقت من کاملاً خود سرانه صورت گرفته است.)

۲- متعاقب شکست در مورد اخذ اعترافات کذب دیکته شده به شرح فوق و به دنبال چندین ماه بازجویی غیرقانونی در اماکن شخصی و انتقال از این محل به دادرسی شهید مقدس، آقای اسدی بازپرس شعبه پنجم در تاریخ ۹۰/۲/۱۴ افساد فی الارض و... بدون آن که اقدامات کذب انتسابی به من با قانون قدیم یعنی عناوین مندرج در ماده ۱۸۳ تا ۱۸۸ (ق. م.ا) مطابقت داشته باشد (طبق آرای دیوان صادره) تفهیم اتهام و اقدام به بازداشت موقت غیرقانونی من نموده که تاکنون ادامه دارد (نقض ماده ۲۴۲). ایشان صرف نظر از ارتکاب سایر تخلفات مغرضانه و جرایم عمدی از جمله ارائه ۱۵ حکم جعلی اعدام با ادعای این که از سوی پانزده تن از مراجع محترم تقلید مبنی بر ارتداد، افساد و... اینجانب صادر شده که فوراً لازم الاجرا می باشد، زمینه صحنه سازی های اعدام توسط کارشناسان امنیتی را به منظور ایجاد رعب و وحشت در جهت گرفتن اعترافات کذب دیکته شده با این شگرد و ترفند را فراهم نموده است. (طبق شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تاکنون)

۳- قاضی پیر عباسی، ریاست وقت شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب که می بایستی به دلیل فوق الذکر برائت از اتهام انتسابی افساد فی الارض را در دادگاه برگزار شده سال ۹۰ صادر می نمود به بهانه های نامربوط و نامرتب با عناوین مندرج در مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون وقت، جرم افساد فی الارض و همچنین به بهانه ناموجه تکمیل تحقیقات، پرونده را به صورت غیرقانونی مفتوح گذاشته و به این ترتیب و با طرح نقشه و دسیسه ای، زمینه دستگیری حدود ۱۵۰ نفر از افراد شرکت کننده در کلاس های موسسه فرهنگی هنری قانونی اینجانب را توسط کارشناسان امنیتی در آن زمان فراهم نمود. در نتیجه این عده در معرض انواع شکنجه و تهدید خانواده و ... قرار گرفته تا با ارائه اعترافات کذب دیکته شده به دروغ شهادت بدهند که توسط من گمراه شدند!!! تا از این طریق جرم افساد فی الارض من به اثبات برسد در صورتی که ارائه چنین شهادت نامه هایی هیچ گونه ارزش و اعتباری برای اثبات این جرم در قانون قدیم و جدید ندارد. ضمن این که در این مورد نیز موفق به اخذ چنین شهادت نامه های دروغینی هم نشدند. قاضی پیرعباسی به غیر از این تخلفات عمدی، اقدام به صدور محکومیت هایی از جمله به اتهام توهین به مقدسات با استناد به اسناد و مدارک مجعول و ... نموده، بدون آن که از آن زمان تا کنون به اعتراض، اعاده دادرسی و شکایات من در این مورد و سایر موارد رسیدگی شود.

۴- با مفتوح ماندن غیرقانونی پرونده افساد فی الارض انتسابی و جانشین شدن قاضی احمدزاده به جای قاضی پیرعباسی در سال ۹۳، باتوجه به این که اتهام انتسابی با قانون قدیم مطابقت نداشته و توطئه اخذ شهادت نامه های دروغین نیز با شکست مواجه گردید، قاضی احمدزاده به عمد و مغرضانه اقدام به برگزاری جلسه دادگاه غیرقانونی

با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ (نقض ماده ۱۰ ق.م.ا) و هم به لحاظ عدم تطابق با عناوین مندرج در ماده ۲۸۶ قانون فوق و هم عدم تطابق با عناوین مندرج در قانون قدیم ماده ۱۸۳ تا ۱۸۸، فاقد وجهت و اعتبار قانونی بوده است. (صرف نظر از سایر جرائم ارتكابی این شعبه در این مرحله)

۵- مجدداً قاضی احمدزاده با مستشاری قاضی طیرانی به جای متابعت از رأی صادره دیوان محترم در آذر ۹۴ و صدور رأی برائت از اتهام انتسابی، با استناد غیرقانونی دوباره به ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب ۹۲، مبادرت به صدور حکم غیرقانونی اعدام اصرار نموده که باز هم به دلایل پیش گفته این حکم غیرقانونی نیز توسط دیوان عالی محترم در شهریور ۹۶ نقض و به منظور انشای رأی طبق بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ به دادگاه هم عرض ارجاع می شود تا این دادگاه طبق ماده ۴۷۰ (ا.د.ک) با متابعت از آرای صادره دیوان انشای رأی نماید که با توجه به مردود بودن ماهیتی اتهام انتسابی می بایستی برائت از این اتهام را صادر کند لازم به ذکر است حکم های غیرقانونی اعدام صادره و اصرار بر این عمل مغرضانه و عمدی به منزله اقدام به شروع قتل عمد از طریق تخطی، انحراف و سوء استفاده از قانون بوده است. (صرف نظر از سایر جرایم ارتكابی و فراهم کردن زمینه دستگیری چند صد نفر توسط نیروهای امنیتی که به عنوان اعتراض به برگزاری این دادگاه های غیرقانونی و ... اقدام به برگزاری تجمعات مسالمت آمیز نموده اند و ...)

۶- در ادامه این روند مجرمانه، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی و مستشاری قاضی احمد پور، به عنوان دادگاه هم عرض با سرپچی و عدم متابعت از آرای صادره دیوان عالی مبنی بر مردود بودن ماهیتی اتهام انتسابی افساد فی الارض (صادر آذر ۹۴ و شهریور ۹۶)، این بار با استناد غیرقانونی به تبصره ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب ۹۲، اقدام به انشای رأی محکومیت ۵ سال حبس بدون ذکر دلایل و استنادات نمود و همچنین مبادرت به اقدام غیرقانونی دیگری مبنی بر منظور کردن فقط ۲ سال از ایام بازداشت موقت ۷ سال گذشته از بابت این اتهام در حکم غیرقانونی صادره ۹۶/۱۲/۱۲ کرده که با توجه به توضیحات پیش گفته مغرضانه و غیرقانونی بدون آن محرز می باشد. (طبق شکایات ارائه شده مجزا)

۷- شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب در اقدام متخلفانه عمدی دیگری حکم غیرقانونی صادره را به دنبال فرجام خواهی من و کلایم بجای ارجاع به دیوان عالی که قبلاً دوبار این اتهام را مردود شناخته بود و این بار نیز برای بار سوم جهت صدور حکم نهایی می بایستی باز هم به دیوان فرستاده می شد، به دادگاه تجدید نظر ارسال شده که با این شگرد حق فرجام خواهی تضییع شده است و به شکایات در این مورد نیز توجهی به عمل نیامده است.

۸- با ارجاع غیرقانونی پرونده به شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر به ریاست قاضی سید احمد زرگر و مستشاری قاضی حسن بابایی این شعبه بدون داشتن صلاحیت رسیدگی به اتهام افساد فی الارض، حکم غیرقانونی صادره شعبه ۱۵ بدون توجه و تبعیت از آرای صادره دیوان عالی، به صورت غیرقانونی به تائید می رساند مضافاً بر این که به

اقدام غیرقانونی دیگری نیز مبادرت کرده و عنوان اتهام را از افساد فی الارض به عناوین ارتداد و سب النبی (ص) تغییر می‌دهد، درحالی‌که این اتهامات انتسابی واهی که به‌عنوان پاپوش سیاسی مورد بهره‌برداری قرار گرفته شده اند، قبلاً در تاریخ ۹۵/۴/۱۳ در شعبه سوم دادسرای شهید مقدس منع تعقیب صادر شده و شعبه ۳۶ تجدید نظر گذشته از ارتکاب اقدامات غیرقانونی و مغرضانه به‌شرح فوق اقدام خلاف‌کارانه عمدی دیگری نیز مرتکب شده که با استناد به امر مختومه و اتهامات منع تعقیب گرفته رأی صادر نموده است که این اقدامات اثبات کننده عدم پای‌بندی به قانون و انجام اقدامات خود سرانه و مغرضانه این مقامات قضایی می‌باشد.

۹- از طرف دیگر، با قطعی شدن غیرقانونی رأی صادره در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر در مرداد ۹۷ که می‌بایستی در اسرع وقت به شعبه اجرای احکام ارجاع می‌شد تا قاضی اجرای احکام نسبت به اعمال ماده ۲۷ (ق.م.ا) و ماده ۱۲۴ (ا.د.ک) و... نسبت به تجمیع اتهامات و محاسبه ایام بازداشت موقت قبلی اقدامات قانونی مقتضی را به‌عمل آورده و باتوجه به دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی اینجانب از ۸۹/۱/۲۹ و ایام این بازداشت در سال ۸۹ و ایام بازداشت موقت از بابت اتهام افساد فی الارض از تاریخ ۹۰/۲/۱۴ تاکنون و طلبکار بودن من از بابت محاسبه ایام بازداشت موقت قبلی لازم بوده حکم آزادی فوری اینجانب صادر می‌شد. (صرف نظر از غیرقانونی بودن حکم‌های صادره و شکایات من از این بابت) که به‌علت عدم پاسخگویی مراجع و مقامات قانونی ذی‌ربط تاکنون دچار اطاله وقت دادرسی گشته و به شکایات من نیز همانند سال‌های گذشته رسیدگی نمی‌شود.

۱۰- با توجه به عدم ارجاع پرونده به دیوان عالی محترم کشور برای سومین بار به‌منظور رسیدگی نهایی به تقاضای فرجام‌خواهی من و وکلایم در قبال حکم غیرقانونی صادره شعبه ۱۵ و تائید غیرقانونی آن در شعبه ۳۶ تجدید نظر و پایمال شدن حق فرجام‌خواهی من با این شگرد، وکلایم بالاجبار در اعتراض به این رأی شعبه ۳۶، تقاضای اعاده دادرسی داده‌اند ولیکن حکم غیرقانونی صادره که به‌جای فرجام‌خواهی از آن، این بار به‌منظور اعاده دادرسی به شعبه ۳۳ دیوان عالی برای سومین مرتبه ارجاع شد. باکمال تعجب پس از مدت‌ها اطاله وقت دادرسی علی‌رغم قبلاً طبق توضیحات پیش گفته دوبار اتهام انتسابی را ماهیتاً مردود شناخته، این دفعه بدون ذکر هرگونه دلیلی، از پذیرش اعاده دادرسی امتناع نموده و با ذکر دلایل ارائه شده وکلایم جهت تقاضای اعاده دادرسی در رأی صادره آن شعبه راه را برای تقاضای اعاده دادرسی جدید نیز مسدود کرده است و ...

بنابراین، با نگاهی اجمالی به این روند دادرسی، غرض‌ورزی و عدم بی‌طرفی، نقض قانون و عدالت، حقوق بشر و حقوق شهروندی، اطاله وقت و طولانی نمودن روند دادرسی، تباری و هم‌دستی در ارتکاب تخلفات عمدی و جرایم سازمان یافته توسط مقامات قضایی مرتبط با پرونده در اقدام به ترور شخصیتی و سوء قصد به اینجانب به‌طریق مختلف به‌عنوان سند زنده نقض حقوق بشر در دادگاه انقلاب اسلامی و ... به اثبات می‌رسد که علی‌رغم

ارائه شکایات متعدد از سال ۹۰ تاکنون، ۴ بار اقدام به خودکشی (به منظور امتناع از ارائه اعترافات کذب دیکته شده زوری و جلوگیری از صدمه رسیدن به خانواده‌ام به واسطه تهدید کارشناسان امنیتی ثارالله) ۱۷ بار اقدام به اعتصاب غذا در اعتراض به این روند مغرضانه و ظالمانه و در نتیجه ۸ بار رفتن به کما و... تاکنون هیچگونه توجه و رسیدگی در جهت احقاق حقوق تضییع شده اینجانب به عمل نیامده است. لذا، خواهشمند است ضمن رسیدگی جدی به این شکوائیه نسبت به جلوگیری از اطاله وقت بیشتر دادرسی و پایان بخشیدن به اسارت هشت و نیم ساله من به بهانه‌ها و پاپوش‌های مختلف) و اعمال ماده ۲۷ و ۱۳۴ و... در جهت صدور حکم آزادی فوری عاجل توسط قاضی اجرای احکام محترم مبذول بفرمایند.

با آرزوی توفیق الهی
محمد علی طاهری

به سبب کتبی - دارای حکم ناظر بر بیان اوست - خطاب آگاه رسمی - با سلام و تشکر در قای خبر ،
 احتراماً ، پیرو صحابه رسیده ای حکم در کتبی است که نمون ، خطاب آگاهی غلام حسن اسفندی در مورد رای جدید صادره در مورد پرونده امانت (روزنامه اطلاعات
 مورخ ۱۳۲۶/۹) را یکبار این خبر به اندک تکلیف در جهت کمرکشانن کیا این رای که بر نظر ضرای به عمل خواهد آمد یا خیر ؟ بدینوسیله با استحضار درگاه محترم
 کجبه نظر استان تهران (سرور لایحه کجبه نظر ضرای مورخ ۱۳۲۶/۹) در کتبی کل حکم را در کتبی استان تهران می رساند :
 رای جدید صادره در مورخ ۱۳۲۶/۹ در عمل رسیده ها که بر نظر ضرای صحت است بر صورت ایشان رسیده که در ذیل حکم هر چه در طلب اکتواض جهت کجبه نظر ضرای در شکایت
 خود را از نامه در جهت تخطی ، اکتواض از سازمان و آران بیان عالی محترم کسره و صدور رای غیر قانونی شرح صورت ، خطاب به درگاه عالی انتظامی قضات کتبا اعلام نمود .
 متاسفانه در همان تاریخ ، لایحه دفاعیه و اعتراض به رای غیر قانونی صادره جهت کجبه نظر ضرای خطاب به درگاه کجبه نظر استان و کجبه رای خود را نسبت به حکم
 شکایت از آران بیان عالی محترم کسره و تخطی و کتلف از صادره رای غیر قانونی ، با زیانست غیر قانونی در برابر استگناه لایحه و سایر کتلفات شکایات
 قضات می رود که در دست رساله گذشته را تقدیم درگاه عالی انتظامی قضات نمودم (ها آنروز که از سال ۹۰ تا کنون ، این روند کتلام داشته و علت حضرت قضای
 قضات درگاه انقلاب ، کار و تقاضای استعفیای پرونده و در کتبی حیرت انگیزی هر روز رسیده که هرگز کتبه است)
 لذا جهت کجبه نظر ضرای ، در زیانست و لایحه دفاعیه امانت تقدیم گردیده ، و کتبی تلفات تا این تاریخ ، ماضی صلوات از ورود هر سه نفر از کلام به عمل شعبه کتبا
 حل و فصل عمل آمده و امانت استوار است تا کنون رای غیر قانونی صادره را رویت و متاسفانه تقاضای کجبه نظر ضرای مندره و لایحه دفاعیه مندره برای درگاه کجبه نظر استان
 متاسفانه تحویل نشده در نتیجه کتبی کتبه است ماضی صلوات در نظر در برابر کتبا عمل ختلاف سازمان و کتبی از طریق کتبه مندره در خلوت کجبه نظر ضرای
 امانت و صلواتی از آران در ضرایت و کتبی در اکتواض حکم غیر قانونی صادره را در همین مرحله درگاه جوری ، قطعی نماید که بدینوسیله اعتراض در شکایت خود را نسبت
 به این روند غیر قانونی و ... نیز اعلام می نماید با آرزوی رضوان الهی - محمد علی طاهری ۹۶، ۱۲، ۲۱

شکایت به دادیار ناظر زندان اوین ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

بسمه تعالی

دادیار محترم ناظر زندان اوین، جناب آقای رستمی

با سلام و نثار دعای خیر، احتراماً، پیرو مصاحبه رییس کل محترم دادگستری استان تهران، جناب آقای «غلامحسین اسماعیلی» درمورد رأی جدید صادره در مورد پرونده این‌جانب (روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰) و این که ایشان فرموده‌اند: «منتظریم در مهلت مقرر قانونی آیا از این رأی تجدیدنظر خواهی به عمل خواهد آمد یا خیر؟» بدین وسیله به استحضار دادگاه محترم تجدید نظر استان تهران (پیرو لایحه تجدید نظر خواهی مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲) و رییس کل محترم دادگستری استان تهران می‌رساند:

رای جدید صادره در مورخه ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ در محل شعبه ۱۵ توسط «قاضی صلواتی» به رؤیت این‌جانب رسید که در ذیل حکم مربوطه مراتب اعتراض جهت تجدید نظر خواهی و شکایت خود را از نامبرده به علت تخطی، انحراف از قانون و آرای دیوان عالی محترم کشور و صدور رأی غیرقانونی به شرح پیوست، خطاب به دادگاه عالی انتظامی قضات کتباً اعلام نمودم.

متعاقباً در همان تاریخ، لایحه دفاعیه و اعتراض به رأی غیرقانونی صادره جهت تجدید نظر خواهی خطاب به دادگاه تجدید نظر استان و شکواییه خود را نسبت به عدم متابعت از آرای دیوان عالی محترم کشور و تخطی و تخلف از مفاد صریح قانونی و صدور رأی غیرقانونی، باز داشت غیرقانونی در بازداشتگاه ۲- الف و سایر تخلفات مقامات قضایی پرونده در هشت ساله گذشته را تقدیم دادگاه عالی انتظامی قضات نمودم (همان‌گونه که از سال ۹۰ تا کنون، این روند تداوم داشته و به علت مصونیت قضایی قضات دادگاه انقلاب، کارشناسان امنیتی پرونده و... تا کنون هیچ شکایتی مورد رسیدگی قرار نگرفته است)

لذا جهت تجدید نظر خواهی، درخواست و لایحه دفاعی این‌جانب تقدیم گردیده ولیکن متأسفانه تا این تاریخ قاضی صلواتی از ورود هر سه نفر از وکلایم به محل شعبه ۱۵ جلوگیری به عمل آورده و آن‌ها نتوانسته‌اند تا کنون رأی غیرقانونی صادره را رؤیت و متعاقباً تقاضای تجدید نظر خواهی نموده و لایحه دفاعی خود را برای دادگاه تجدیدنظر استان قانوناً تحویل دهند.

در نتیجه آن‌چه که از شواهد معلوم می‌شود «قاضی صلواتی» در نظر دارد با ارتکاب عمل خلاف قانون دیگری از طریق:

- کتمان نمودن درخواست تجدیدنظر خواهی این‌جانب و

- جلوگیری از ارائه درخواست وکلا

در این مورد حکم غیرقانونی صادره را در همین مرحله دادگاه بدوی، قطعی نماید که بدین‌وسیله اعتراض و شکایت خود را نسبت به این روند غیرقانونی و... نیز اعلام می‌نماید.

با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

۱۳۹۶/۱۲/۲۲

شکایت به دادگاه عالی انتظامی قضات ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

بسمه تعالی

دادگاه عالی انتظامی قضات

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً، پیرو شکایت مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ از مقامات قضایی پرونده این جانب (قاضی صلواتی، قاضی احمدزاده، قاضی طیرانی، قاضی پیرعباسی و بازپرس اسدی) بدین وسیله شکایت خود را از قاضی صلواتی با توجه به تخلفات اخیر، ضمن تاکید فراوان، جهت هرگونه بررسی و اقدام قانونی عاجل تقدیم می‌دارد.

با توجه به صدور حکم غیرقانونی پنج سال حبس با استناد غیرقانونی به تبصره ماده ۲۸۶ که حکم صادره در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ در شعبه ۱۵ توسط قاضی صلواتی به رؤیت این جانب رسیده که در ذیل آن درخواست تجدید نظر خواهی و شکایت نسبت به صدور حکم غیرقانونی توسط ایشان را تقاضا نمودم و متعاقباً در همین تاریخ درخواست رسمی تجدید نظر خواهی خطاب به دادگاه تجدید نظر خواهی استان و شکایت از نقض قانون در

صدور حکم فوق و مقامات قضایی پرونده در خلال هشت سال گذشته خطاب به دادگاه انتظامی قضات، تحویل مدیریت بازداشتگاه امنیتی ۲- الف گردید. موارد تخلف و نقض قانون در صدور حکم فوق عبارتند از:

۱- عدم متابعت از آرای صادره دیوان عالی محترم کشور آذر ۹۴ و شهریور ۹۶ به‌عنوان شعبه هم عرض و رسیدگی در ماهیت با استناد به بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ و انشای رأی با استنادات ارائه شده در آرای دیوان محترم مبنی بر:

الف) مردود بودن اتهام انتسابی «افساد فی الارض» به علت عدم تطابق اقدامات کذب انتسابی با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون قدیم و ماده ۲۸۶ قانون جدید ۹۲

ب) غیرقانونی بودن استناد به ماده ۲۸۶ «افساد فی الارض» قانون جدید ۹۲ و صدور آراء و احکام با استناد به این ماده به‌واسطه استناد به قانون مؤخرالتصویب که با توجه به موارد فوق الذکر می‌بایست رأی برائت از اتهام انتسابی «افساد فی الارض» صادر می‌شد. اما متأسفانه قاضی صلواتی هم در ادامه همان روند تخطی و انحراف از قانون در طی هشت سال گذشته (با استناد به شکایات ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون و هم‌چنین آرای دیوان محترم) در تخلفی آشکار و محرز اقدام به صدور رأی این بار با استناد به تبصره ماده ۲۸۶ نموده و اشد مجازات این تبصره را یعنی پنج سال حبس، محکومیت صادر کرده است. در حالی که به‌دلیل مردود و غیرقانونی بودن استناد به ماده ۲۸۶ قانوناً و عقلاً، استناد به تبصره این ماده نیز باطل و غیرقانونی می‌باشد و رأی صادره فاقد وجهت قانونی است.

۲- نقض ماده ۳۱۳ (ا.د.ک): از طریق عدم احتساب ایام بازداشت موقت قبلی به‌طور کامل و عدم تجمیع با سایر اتهامات و منظور کردن فقط دو سال از مدت حدود هفت سال بازداشت موقت اتهام «افساد فی الارض» به‌عنوان اتهام اصلی که در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ تفهیم اتهام و بازداشت موقت من از بابت آن آغاز شده است.

۳- نقض ماده ۲۴۲ (ا.د.ک): به‌دلیل سپری شدن مدت مقرر دو ساله در قانون جهت نگهداری در بازداشت موقت از بابت اتهام انتسابی که در این صورت حبس به مدت حدود هفت سال در شرایط قرنطینه بازداشتگاه امنیتی ۲- الف به‌طور قطع غیرقانونی بوده است.

۴- بازداشت غیرقانونی براساس ماده ۵۳۸ (ق.م.ا)، غرض‌ورزی و عدم بی‌طرفی

۵- اعمال محرومیت از حقوق مسلم محبوسین و ادامه روند هشت سال گذشته از جمله عدم انتقال به زندان عمومی، عدم موافقت با قرار وثیقه، عدم موافقت با مرخصی و ...

۶- عزل وکلای اصلی به بهانه اعمال ماده ۴۸ (ا.د.ک) از پرونده هشت ساله این جانب و اطاله بیشتر وقت دادرسی از این طریق

۷- اقدام به گروکشی از طریق صدور محکومیت با استناد غیرقانونی به تبصره ماده ۲۸۶ (شرح موضوع گروکشی در شکایات مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۹ به کمیسیون محترم اصل ۹۰ مجلس و شکایت مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ به دادگاه عالی انتظامی قضات گزارش شده است.)

۸- نادیده گرفتن درخواست تجدیدنظر خواهی این جانب در ذیل حکم غیرقانونی صادره در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ در محل شعبه ۱۵ و هم‌چنین درخواست تجدیدنظر خواهی رسمی ارائه شده به مدیریت بازداشتگاه ۲- الف و شکایت از قضات پرونده در همین تاریخ و عدم اجازه به وکلای این جانب جهت ارائه درخواست تجدیدنظر خواهی (در حالی که وکیل سوم پرونده‌ام، آقای احمدخسروی که قاضی صلواتی برای حضور ایشان در جلسه دادگاه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۵ اجازه داده بود، پس از آن دیگر مانع حضور این وکیل در شعبه ۱۵ جهت مطالعه حکم غیرقانونی صادره و ارائه درخواست تجدیدنظر خواهی تا این تاریخ شده است) به طوری که جناب آقای غلامحسین اسماعیلی، رییس کل دادگستری استان تهران طی مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ اعلام نموده که حکم این جانب ابلاغ شده و منتظر هستند که آیا من و وکلایم، درخواست تجدید نظر خواهی ارائه خواهیم داد یاخیر؟! که این موضوع نشان می‌دهد درخواست‌های تجدیدنظر خواهی این جانب کتمان شده و با ایجاد ممانعت برای ارائه درخواست تجدیدنظر خواهی توسط وکلا نیز توطئه جدیدی مبنی بر جلوگیری از ارجاع پرونده به دادگاه تجدیدنظر خواهی استان تهران، در دست اجرا می‌باشد تا با این ترفند حکم غیرقانونی صادره در شعبه ۱۵ قطعی شود. در ضمن بازداشتگاه نیز هیچگاه در قبال دریافت مکتوبات زندانیان، رسید ارائه نمی‌دهد.

با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

۱۳۹۶/۱۲/۲۲

شکایت از قاضی صلواتی ۱۳۹۷/۱/۱۵

بسمه تعالی

موضوع درخواست: شکایت از قاضی صلواتی (شعبه ۱۵) و رفع مانع ارسال دادخواست فرجام‌خواهی این‌جانب به دیوان عالی محترم کشور

به: دادیار محترم ناظر زندان اوین، بند ۲- الف، برادر عزیز و ارجمند جناب آقای رستمی

با سلام و نثار دعای خیر، احتراماً، با توجه به مذاکرات حضوری و اعلام شکایات مکرر در خصوص تکذیب اعلام وصول درخواست‌های فرجام‌خواهی و ممانعت از ورود وکلای این‌جانب به شعبه ۱۵ جهت قرائت حکم صادره و ارائه درخواست فرجام‌خواهی تا این تاریخ، هم‌چنین با عنایت به این که حکم مذکور در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ در محل شعبه ۱۵ توسط قاضی صلواتی به این‌جانب ابلاغ گردیده که در ذیل آن مراتب تجدید نظر و فرجام‌خواهی و هم‌چنین شکایت خود را از حکم غیرقانونی صادره (به دلایل شکایت پیوست) مکتوب نموده‌ام که به این ترتیب قانوناً می‌بایستی پرونده فوراً جهت رسیدگی به دیوان عالی محترم کشور ارسال می‌شد. مضافاً بر این که متعاقباً

درخواست‌های فرجام‌خواهی و شکایت من نسبت به حکم غیرقانونی صادره در تاریخ‌های ۱۳۹۶/۱۲/۱۲، ۱۳۹۶/۱۲/۲۲، ۱۳۹۶/۱۲/۲۳، ۱۳۹۶/۱۲/۲۶، ۱۳۹۶/۱/۵، ۱۳۹۶/۱/۱۰، ۱۳۹۷/۱/۱۰ که دو بار تقاضاهای فوق به جناب‌عالی و یک‌بار به آقای حاج مرادی و بقیه تحویل مدیریت بازداشتگاه ۲- الف گردیده است. ولیکن تا کنون شعبه ۱۵ ضمن عدم پذیرش وکلایم، کماکان اعلام رسید تقاضاهای فرجام‌خواهی مرا تکذیب می‌نماید، در حالی که جناب‌عالی نیز درخواست‌های فرجام‌خواهی دریافتی را طبق اعلام شفاهی خود به این شعبه تحویل نموده و رسید دریافت کرده‌اید که شعبه آن را نیز تکذیب می‌کند. هم اکنون من و وکلایم در مواجهه با چنین بی‌قانونی شیادانه‌ای که از طرف حافظان قانون این مملکت در دادگاه انقلاب اسلامی!!! سر می‌زند، عاجز مانده‌ایم (همان طوری که در این مورد یکی از وکلایم تاریخ ۱۳۹۷/۱/۱۴ نیز به خود شما مراجعه نموده است) که به نظر می‌رسد این روند همان ادامه روال ترور شخصیتی و ترور فیزیکی و اقدام به قتل عمد این‌جانب از طریق تخطی، سوءاستفاده و انحراف از قانون می‌باشد که در خلال هشت سال گذشته با صدور حکم‌های سفارشی و غیرقانونی اعدام و ... در جریان بوده است (درضمن در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ هم رییس کل دادگستری استان تهران اعلام نموده که تا آن تاریخ تقاضای فرجام‌خواهی به‌عمل نیامده است.)

لذا، خواهشمنداست ضمن انجام اقدامات قانونی مقتضی جهت ارسال پرونده این‌جانب به دیوان عالی محترم کشور جهت فرجام‌خواهی و جلوگیری از اطاله بیشتر وقت دادرسی، شکایت مرا نسبت به اجرای چنین شگردها و ترفندهای غیرقانونی که به دنبال طراحی توطئه‌ها و دسیسه‌های دیگری در محفل‌های خصوصی و هیأتی و مافیایی و ... به مراجع قانونی ذی‌ربط ارسال بفرمایند.

با تشکر و قدردانی و با آرزوی توفیق الهی

محمد علی طاهری

۱۳۹۷/۱/۱۵

رونوشت ۱: دادگاه عالی انتظامی قضات

رونوشت ۲: حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران

رونوشت ۳: کمیسیون اصل ۹۰ مجلس

شکایت به حفاظت اطلاعات قوه قضائیه ۱۳۹۷/۱/۱۵

بسمه تعالی

حفاظت اطلاعات محترم قوه قضائیه

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً، با توجه به صدور حکم غیرقانونی توسط قاضی صلواتی (شعبه ۱۵) مبنی بر محکومیت پنج سال حبس با استناد غیرقانونی به تبصره ماده ۲۸۶ (ق.م.ا) جرم «افساد فی الارض» که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ در محل شعبه توسط قاضی صلواتی به این جانب ابلاغ گردیده و در ذیل آن مراتب اعتراض و فرجام‌خواهی خود را و طرح شکایت خطاب به دادگاه عالی انتظامی قضات به واسطه انحراف و تخطی آشکار و محرز از قانون را مکتوب نموده‌ام. که بدین وسیله در این جا نیز شکایت خود را نسبت به صدور حکم غیرقانونی (قسمت A) و اقدامات غیرقانونی پس از صدور حکم غیرقانونی فوق (قسمت B) به منظور جلوگیری از ارسال تقاضای فرجام‌خواهی این جانب به دیوان عالی محترم کشور، جهت هر گونه اقدام قانونی مقتضی تقدیم می‌دارد:

قسمت اول

۱) عدم متابعت از آرای دیوان عالی محترم کشور صادره در آذر ۹۴ و شهریور ۹۶؛ که شعبه ۱۵ به‌عنوان دادگاه هم عرض می‌بایستی با استناد به بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ در ماهیت اتهام انتسابی با درنظر گرفتن استنادات دیوان محترم بر طبق موارد زیر، انشای رأی می‌نمود:

الف) عدم مطابقت اتهام انتسابی با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون قدیم و ماده ۲۸۶ قانون جدید و در نتیجه مردود بودن آن به‌طور کلی و ماهیتاً.

ب) عدم وجاهت قانونی استناد به ماده ۲۸۶ قانون جدید ۹۲ به‌واسطه مؤخرالتصویب بودن آن و صدور آراء و احکام (اعدام در سال‌های ۹۴ و ۹۶ در این رابطه).

پ) غیرقانونی بودن استناد به فتواهای مراجع عظام تقلید و عدم تطابق آیات قرآنی مورد استناد دادگاه با اقدامات (کذب) انتسابی.

ت) عدم وجود هرگونه اتهام دیگری و منع تعقیب سایر اتهامات مورد نقص در رأی آذر ۹۴ دیوان محترم، عدم وجود شاکای خصوصی و ...

در نتیجه: با توجه به موارد فوق و مردود و غیرقانونی بودن استناد به ماده ۲۸۶، قانوناً و عقلاً استناد به تبصره این ماده (۲۸۶) نیز غیرقانونی می‌باشد.

۲) نقض ماده ۳۱۳ و عدم احتساب کامل طول مدت بازداشت موقت از بابت اتهام انتسابی «افساد فی الارض»: که از تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ تفهیم اتهام و بازداشت موقت من از این بابت در بازداشتگاه امنیتی ۲- الف اوین آغاز شده و تا کنون ادامه دارد و عدم تجمیع این اتهام و رسیدگی با سایر اتهامات. زیرا قاضی صلواتی در حکم غیرقانونی صادره فقط دوسال از محکومیت پنج سال را بابت ایام بازداشت موقت قبلی در محاسبه منظور کرده است (در حالی که این مدت هفت سال بوده است) لازم به ذکر است که رسیدگی به این اتهام از تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ تا کنون طی چهار دوره محاکمه غیرقانونی در دادگاه قرار گرفته است.

بار اول: درسال ۹۰ که می‌بایستی به علت عدم تطابق با قانون قدیم، برائت آن صادر می‌شد (ضمن این که بازداشت موقت من به این اتهام، اساساً غیرقانونی بوده است)، ولیکن پرونده به‌صورت غیرقانونی مفتوح گذاشته شده است.

بار دوم: برگزاری جلسات دادگاه در سال‌های ۹۳ و ۹۴ که با ابلاغ قانون جدید ۹۲، با استناد غیرقانونی به ماده ۲۸۶ آن، حکم غیرقانونی (اعدام) صادر شده که در آذر ۹۴ توسط دیوان عالی، به همین دلیل و ... نقض گردیده است.

بار سوم: برگزاری جلسات دادگاه در سال‌های ۹۵ و ۹۶ که مجدداً با انحراف و تخطی از قانون با استناد به ماده ۲۸۶، رأی غیرقانونی (اعدام) صادر که در شهریور ۹۶ باز هم توسط دیوان عالی نقض گردید.

بار چهارم: برگزاری جلسه دادگاه در شعبه ۱۵ توسط قاضی صلواتی به‌عنوان شعبه هم‌عرض در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۵ که این بار نیز در راستای انحراف، تخطی و سوءاستفاده از قانون در خلال هشت سال گذشته (از تاریخ دستگیری غیرقانونی در ۱۳۸۹/۱/۲۹)، قاضی صلواتی مبادرت به صدور محکومیت پنج سال حبس با استناد به تبصره ماده مردود ۲۸۶ نمود که به دلایل فوق، اقدامی غیرقانونی می‌باشد.

۳) نقض ماده ۲۴۲ (ا.د.ک) و عدم رعایت مهلت قانونی مقرر جهت نگهداری در بازداشت موقت: که می‌بایستی برطبق این ماده، حداکثر ظرف مدت ۲ سال از تاریخ شروع بازداشت موقت، تکلیف قانونی اتهام انتسابی مشخص می‌شد. در حالی که از بابت اتهام کذب «افساد فی الارض» از تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ تا کنون در بازداشتگاه در بازداشت موقت می‌باشم.

۴) عدم بی‌طرفی و عدم توجه به دفاعیات این‌جانب و وکلایم (هم‌چنین سایر قضات پرونده در خلال هشت سال گذشته، مفقود نمودن ۲۵۰ برگ از دفاعیاتم و ...)

۵) عزل غیرمستقیم وکلای پرونده هشت ساله من و ممانعت از ورود آن‌ها به شعبه از زمان ارجاع پرونده در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۸ تا کنون به بهانه اعمال ماده ۴۸ (ا.د.ک) به‌منظور جلوگیری از افشا و اعتراض آن‌ها نسبت به اقدامات غیرقانونی که این شعبه در تداوم تخلفات قضات قبلی پرونده، قصد ارتکاب آن را داشته است. در حالی که: اولاً) ماده ۴۸ هنوز اجرایی نشده است.

ثانیاً) مربوط به پرونده‌هایی است که در دادسرا از زمان اجرایی شدن این ماده تشکیل می‌شوند.

ثالثاً) لیست وکلای مورد وثوق قوه قضاییه هنوز اعلام نشده است.

رابعاً) این ماده مورد قبول متهمین و وکلای آن‌ها نیست و موجب سفارشی شدن وکلای جدید و عدم اعتماد متهمین به آن‌ها می‌شود.

درخاتمه با توجه به توضیحات فوق الذکر، توطئه و دسیسه دیگری در راستای اقدامات غیرقانونی و خلافکارانه هشت سال گذشته مبتی بر دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی، صدور حکم‌های غیرقانونی اعدام که به منزله اقدام به قتل عمد از طریق تخطی، انحراف و سوءاستفاده از قانون بوده است و ... در دست اجرا می‌باشد (و متعاقباً به اطلاع می‌رسد) که برخی از قضات دادگاه انقلاب اسلامی با اطمینان از مصونیت قضایی خود و این که هیچ مرجعی در ایران اسلامی به شکایت علیه آن‌ها رسیدگی نمی‌کند. (با استناد به شکایات متعدد ارائه شده این جانب از سال ۹۰ تا کنون از جمله شکایت مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۹ به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس)، آلت دست محفل‌های هیأتی، امنیتی و ... قرار گرفته و در ارتکاب جرائم و خلاف‌های سازمان یافته از طریق سوءاستفاده از قانون، مشارکت جدی دارند که در آینده‌ای نه چندان دور پرده از روی این اعمال برداشته خواهد شد. در این رابطه قاضی صلواتی، به‌عنوان قاضی طراز اول قوه قضاییه نظام اسلامی، قاضی‌ای است که به‌خوبی می‌داند چگونه قانون را به نام اسلام زیر پا بگذارد.

لذا، خواهشمنداست جهت رفع موانع ایجاد شده توسط قاضی صلواتی به‌منظور جلوگیری از ارسال پرونده این جانب به دیوان عالی محترم کشور برای فرجام‌خواهی و صدور رأی نهایی و خاتمه یافتن این پرونده هشت ساله، اقدامات قانونی مقتضی مبذول فرمایند.

با تشکر و قدردانی و با آرزوی توفیق الهی
محمدعلی طاهری

شکایت به حفاظت اطلاعات قوه قضاییه ۱۳۹۷/۱/۲۹

بسمه تعالی

حفاظت اطلاعات محترم قوه قضاییه

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً، پیرو شکایات متعدد (و بی نتیجه چندین سال گذشته) به مراجع مختلف ذی‌ربط قانونی، از جمله شکایت مورخ ۱۳۹۷/۱/۱۵ به آن سازمان محترم، مجدداً جهت هرگونه بررسی و اقدام قانونی عاجل به استحضار می‌رساند:

به علت حاکم بودن روح بی‌قانونی و بازی با جان، مال، آبرو و ... متهمین (سیاسی-امنیتی- عقیدتی) به نام اجرای قوانین اسلامی! توسط برخی از شعب دادگاه انقلاب اسلامی و خودکامگی و خودمختاری سازمان یافته خلافاً کارانه که در تباری با کارشناسان امنیتی به بهانه‌های تحقق اهداف قدرت طلبانه، انحصار طلبانه و ... صورت می‌گیرد و به واسطه برخورداری از مصونیت قضایی و اطمینان کامل از عدم رسیدگی به جرائم ارتكابی آن‌ها در محافل قانونی ذی‌ربط هیچ ابایی از ارتكاب ظلم و ستم و قانون‌گریزی (عدم پابندی به همین قانون سر تا پا اشکال مجازات اسلامی و آیین‌نامه دادرسی) نسبت به متهمین و خانواده‌های آن‌ها ندارند.

این جانب به‌عنوان یکی از قربانیان نقض قانون و حقوق شهروندی و چنین روند خلافکارانه سازمان یافته محفلی که دقیقاً در هشت سال قبل در چنین روزی در ۱۳۸۹/۱/۲۹ گرفتار چنین توطئه شومی شده و افرادی از خدا بی‌خبر به نام کارشناسان امنیتی ثارالله با وارد کردن برچسب اتهاماتی بی‌پایه و اساس مانند عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ترورهای انجام شده، تهدید افراد مختلف و ... با امید به گرفتن اعترافات کذب زوری دیکته شده مرا دستگیر نموده و چون از این طریق به هدف خود نرسیدند، با توسل به توطئه و دسیسه‌های جدیدی، اتهامات کذب دیگری مانند «افساد فی الارض»، ارتداد، سابّ التّبیّ (ص)، جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد، تشکیک در اعتقادات هزاران نفر از مردم، داشتن شاکیان متعدد و ... به اضافه صدها برچسب و افترای مزورانه و متقلّبانه دیگری مانند: همکاری با رژیم سابق، شیادی، کلاهبرداری، جن‌گیری، جادوگری، شیطان‌پرستی و ... همراه با نشر اکاذیب گسترده با بهره برداری از امکانات بیت‌المال و رسانه‌های مختلف از جمله رسانه ملی و بخش خصوصی وابسته به نهاد امنیتی ثارالله وارد نمودند (در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴) این بار با این امید که از طریق ایجاد رعب و وحشت و تهدید به صدمه رسانیدن به خانواده و ... (در مراحل بعد تهدید به دستگیری، حبس و پرونده‌سازی و ...) نیات پلید خود را مبنی بر گرفتن اعترافات کذب زوری و انجام مصاحبه‌های دروغین در این مورد، اجرا کنند که با چهار بار اقدام به خودکشی این جانب به منزله اجتناب از ارائه چنین اعترافات و جلوگیری از صدمه رسیدن به خانواده‌ام، این نقشه‌های شیطانی نیز نقش بر آب شد که در نتیجه آن‌ها رأساً با دادن سفارش حکم‌های فرمایشی به قضات دادگاه شعبه ۲۶ (قاضی پیرعباسی، قاضی احمدزاده، قاضی طبرانی) با استناد به نوار لو رفته و افشا شده سخنگوی کارشناسان امنیتی ثارالله (آقای محمود رضا قاسمی) محکومیت‌هایی را صادر کردند از جمله دو بار صدور حکم غیرقانونی اعدام که با مردود شناخته شدن اتهام وارده (ماده ۲۸۶ جرم «افساد فی الارض») و نقض آن‌ها توسط دیوان عالی محترم کشور در سال‌های ۹۴ و ۹۶ و صدور منع تعقیب سایر اتهامات در سال ۹۵ (به‌واسطه پاپوش بودن آن‌ها و عدم وجود هرگونه سند و مدرکی جهت ارائه به دیوان محترم)، پرونده این اتهام به شعبه ۱۵ به‌عنوان دادگاه هم عرض به‌منظور انشای رأی نهایی با تبعیت از استنادات آرای دیوان عالی محترم طبق بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ ارجاع گردید. اما متأسفانه قاضی صلواتی در تداوم بخشیدن به روند غیرقانونی اعمال شده در هشت سال گذشته مبنی بر ترور شخصیتی و اقدام به شروع قتل عمد، با تخطی، سوءاستفاده و انحراف از قانون توسط قضات قبلی پرونده، در جهت نجات آبروی آن‌ها و به‌نحوی مجرم جلوه دادن این جانب و پوشش دادن به اقدامات خلاف قانون صورت گرفته مبادرت به انجام تخلفات جدید و غرض‌ورزی آشکاری به شرح زیر نموده که باعث استیصال من و وکلایم گردیده و هیچ مرجع قانونی نیز تا کنون پاسخگو نبوده است. برخی از این تخلفات عبارتند از:

۱- جلوگیری از حضور وکلای این‌جانب در شعبه ۱۵ و ممانعت از دفاع آن‌ها از این پرونده هشت ساله به بهانه اعمال تبصره ماده ۴۸ از تاریخ ۱۳۹۶/۹/۸

۲- صدور حکم غیرقانونی محکومیت پنج سال حبس با استناد غیرقانونی به تبصره ماده ۲۸۶ و عدم متابعت از آرای دیوان عالی محترم کشور در این مورد

۳- نقض ماده ۳۱۳ و عدم تجمیع مدت پنج سال حبس با اتهامات گذشته و محاسبه ایام بازداشت موقت هفت سال قبلی به اتهام انتسابی «افساد فی الارض» (از تاریخ تفهیم اتهام و شروع بازداشت موقت از بابت این اتهام در ۱۳۹۰/۲/۱۴)

۴- نقض ماده ۴۳۹ و عدم ارائه رسید مبنی بر ارائه درخواست تجدید نظر و فرجام‌خواهی تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ و کتمان دریافت درخواست‌های مکرر ارائه شده این‌جانب در این مورد تا کنون.

۵- نقض ماده ۲۴۲ و عدم رعایت حد نصاب مدت نگهداری در بازداشت موقت (که مدت دو سال تعیین شده در این ماده در مورد این‌جانب به متجاوز از هفت سال رسیده است).

۶- ارتکاب جرم موضوع ماده ۵۸۳ (ق.م.ا)، در رابطه با بازداشت غیرقانونی این‌جانب

۷- عدم ارسال پرونده اتهام «افساد فی الارض» و حکم غیرقانونی صادره به دیوان عالی محترم کشور در مهلت مقرر پس از دریافت درخواست تجدید نظر و فرجام‌خواهی این‌جانب در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ تا کنون و عدم پاسخگویی به من و وکلایم در این مورد.

۸- عدم اجازه به وکلایم جهت رؤیت حکم غیرقانونی صادره جهت ارائه درخواست فرجام‌خواهی و ارائه لایحه دفاعی از تاریخ ابلاغ حکم به این‌جانب در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ تا تاریخ ۱۳۹۷/۱/۱۹ که آن هم به زور اعتراضات و شکایات متعدد من و وکلایم به یکی از وکلا (آقای احمد خسروی) با پی‌گیری‌های مداوم ایشان، اجازه رؤیت پرونده و ارائه درخواست فرجام‌خواهی داده شد.

۹- صدور قرار آزادی به قید چهارصد میلیون تومان برای این‌جانب و عدم اجرا و اختفای آن و به‌جای آن موافقت با سه روز مرخصی با اخذ چهار صد میلیون تومان وثیقه از من و ششصد میلیون تومان وثیقه جداگانه از همسر و نگهداری آن نزد شعبه ۱۵ که در نهایت با دو روز اضافی تمدید از تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ لغایت ۱۳۹۷/۱/۵ این‌جانب با رعایت تمهیدات ویژه‌ای در مرخصی به‌سر برده‌ام و با توجه به رؤیت قرار آزادی به قید وثیقه من

توسط آقای احمد خسروی، آقای صلواتی منکر بازگشت این جانب به بازداشتگاه شده و ادعا نموده که من به قید وثیقه آزاد هستم که این موضوع علی‌رغم پی‌گیری‌های این وکیل، کماکان مبهم و بی‌پاسخ مانده است.

۱۰- عدم موافقت با انتقال این جانب از قرنطینه بازداشتگاه امنیتی ۲- الف اوین به زندان عمومی اوین، پس از سال‌ها بازداشت موقت غیرقانونی در این بازداشتگاه.

۱۱- اطلاع وقت دادرسی به بهانه‌های مختلف تا کنون (صرف نظر از چندین سال اطلاع وقت دادرسی قضات قبلی)

۱۲- عدم توجه به دفاعیات این جانب و وکلایم

۱۳- عدم توجه به شکایات این جانب در خصوص روند طی شده غیرقانونی هشت سال گذشته پرونده و ارتکاب تخلفات توسط خود ایشان.

۱۴- عدم بی‌طرفی و غرض‌ورزی و خروج از عدالت

با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

۱۳۹۷/۱/۲۹

شکایت به دادیار ناظر زندان تهران بزرگ ۱۳۹۷/۴/۱۲

بسمه تعالی

به: دادیار محترم ناظر زندان تهران بزرگ

موضوع درخواست: ابلاغ قرار بازداشت موقت و رسیدگی به شکایت این‌جانب در خصوص بازداشت موقت غیرقانونی و فک آن به دادیار محترم ناظر زندان تهران بزرگ

با سلام و نثار دعای خیر احتراماً با توجه به بازداشت موقت غیرقانونی این‌جانب به اتهامات ارتداد و ساب النبی به استحضار می‌رساند:

۱- نظر به این که با درخواست شعبه ۳۳ دیوان عالی محترم کشور در رأی صادره آذر ۹۴ مبنی بر ارائه اسناد و مدارک به عنوان ادله اثبات اتهامات انتسابی فوق‌الذکر به آن شعبه محترم و عدم وجود هر گونه سند و مدرکی در این رابطه، قرار منع تعقیب این اتهامات پوچ و واهی در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ از سوی شعبه سوم دادسرای شهید مقدس صادر و با تأیید دادستان محترم آقای امین ناصری قطعی شده است که در نتیجه در رأی نهایی دیوان محترم صادره در سال ۹۶، این قرار قطعی مورد اذعان و تأکید قرار گرفت. بنابراین صدور قرار بازداشت موقت

مجدد مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۱ به اتهامات ارتداد و سابّ التّبیّی که در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ بدون در دست داشتن هر گونه دلیل و مدرکی، تفهیم اتهام و بازداشت موقت از بابت آن، تا تاریخ صدور منع تعقیب در بازداشتگاه ۲-الف اوین ادامه داشته، کاملاً غیرقانونی و خودسرانه و در راستای ارتکاب سایر جرائم پیرامون پرونده این‌جانب (موضوع شکایات از سال ۹۰ تا کنون) بوده، به‌ویژه این که از این بابت قرار بازداشت موقت مجدد به من ابلاغ نشده و پرونده آن نیز مختومه می‌باشد. (لازم به توضیح است که به علت شکایات متعدد از بازپرس شعبه پنجم آقای اسدی به اتهام جرائم ارتكابی رسیدگی به پرونده از سال ۹۳ به شعبه سوم دادسرای مقدس واگذار شد که منع تعقیب صادر و پرونده مختومه گردید.)

۲- نقض ماده ۲۴۲ و نگهداری در بازداشت موقت در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ تا تاریخ صدور منع تعقیب اتهامات فوق در ۱۳۹۵/۴/۱۳ و در صورت منظور کردن بازداشت موقت غیرقانونی در حال حاضر، به مدت متجاوز از ۷ سال که فی‌نفسه نقض آشکار قوانین مربوطه می‌باشد.

۳- نقض ماده ۳۱۳، عدم تجمیع با سایر اتهامات و رسیدگی یک‌جا به آن‌ها در سال ۹۰ در جهت تداوم بخشی به بازداشت موقت غیرقانونی و اطاله وقت دادرسی به‌منظور به‌دست آوردن فرصت‌های لازم جهت پیاده کردن نیات سوء طبق روال ۸ سال گذشته (بر اساس استنادات موجود و شکایات ارائه شده) و ...

لذا خواهشمند است ضمن رسیدگی به شکایت فوق، در مراجع ذی‌صلاح، نسبت به فکّ بازداشت موقت غیرقانونی این‌جانب اقدامات مقتضی مبذول بفرمایند.

محمد علی طاهری

۱۳۹۷/۴/۱۲

شکایت جعل سند برای انتقال به زندان فشافویه

۱۳۹۷/۴/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

«يا بَنِي إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ»

فرزندم، از ظلم به کسی که در برابر تو، هیچ یاری کننده‌ای به جز خداوند ندارد، بر حذر باش. امام حسین (ع)

بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از قضات و اعضای دستگاه قضایی (۱۳۷۱/۱۰/۲۳)

«قوهی قضاییه، به معنای حقیقی کلمه، باید ملجأ و پناهگاهی باشد برای کسانی که در جامعه به آن‌ها ظلم می‌شود. با ظلم هر کسی، در هر حدی و در هر مرتبه‌ای، برخورد کنید. آن ظالم هر که باشد، در هر رتبه‌ای از رتب و هر درجه‌ای از درجات قرار داشته باشد، باید با او برخورد شود. با ظالم باید برخورد شود ... باید دفاع از حقوق بشر، به‌وسیله‌ی قوهی قضاییه انجام گیرد... چه برسد به زندانی، چه برسد به متهم تحت تعقیب، چه برسد به آن کسی که حتی تهمت دربارهی او واضح و ثابت نیست و فقط گمانی دربارهی او هست! باید حقوق انسان و حقّی که خدای متعال برای آحاد انسان معین کرده است، نسبت به همه‌ی افراد و در همه‌ی موارد، کاملاً رعایت شود.»

شاکی: محمد علی طاهری فرزند محمد آقا

وکلائی شاکی: سید محمد زمان دریاباری به نشانی ذیل لایحه و احمد خسروی تازه قشلاق به موجب وکالتنامه شماره ۲۰۰۷ مورخ ۱۳۸۹/۴/۲۸ تنظیمی دفترخانه تهران و وکالتنامه ملصق به تمبر مالیاتی مشتکی عنهم:

۱- آقای رستمی؛ سرپرست محترم دایره نظارت بر زندانیان امنیتی به نشانی زندان اوین.

۲- آقای فرزادی؛ ریاست محترم زندان تهران بزرگ. به نشانی زندان تهران بزرگ

موضوع شکایت:

۱- بازداشت غیرقانونی موضوع ماده ۵۷۵ ق.م.ا.

۲- استفاده از سند مجعول قراربازداشت و برگه کارتکس زندان موضوع ماده ۵۳۵ ق.م.ا.

۳- سوء استفاده از موقعیت شغلی موضوع ماده ۵۷۶ ق.م.ا.

۴- امتناع از رسیدگی به تظلم موکل موضوع ماده ۵۹۷ ق.م.ا.

۵- امتناع از تسلیم موکل به مقام صالح قضایی موضوع ماده ۵۷۴

۶- سایر موارد حسب تشخیص مقام قضایی وفق ماده ۲۸۰ ق.ا.د.ک

محل وقوع جرم: تهران

دلایل و مدارک:

۱- تصویر برگ فرم ویژه مکاتبات مددجویان مورخ ۹۷/۰۴/۱۲ موکل آقای طاهری خطاب به آقای رستمی دادیار ناظر بر زندان اوین

۲- تصویر قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ و تاییدیه معاونت دادستان، مضبوط در پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ (بایگانی ۹۱۰۱۱۶) شعبه سوم بازپرسی دادرسی ناحیه ۳۳ شهید مقدس تهران (متعاقب ارجاع از شعبه پنجم)

۳- تصویر برگ اعلام وضعیت زندانی (موکل) متضمن قرار بازداشت موقت منتسب الصدور مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۱۱ به شعبه ۵ بازپرسی دادرسی ناحیه ۳۳ شهید مقدس تهران کلاسه ۸۹۰۳۷۷

۴- تصاویر آرای صادره از شعبه سی ام دیوان عالی کشور

ریاست محترم دادسرای رسیدگی به جرایم کارکنان دولت

با سلام و احترام، این‌جنابان احمد خسروی تازه قشلاق و سید محمد زمان دریاباری به موجب وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی و وکالت از موکل آقای محمد علی طاهری. ضمن اعلام شکایت از مشتکی عنهم دلایل و مستندات انتساب اتهام‌های اعلامی را به شرح زیر اعلام می‌کنیم.

موکل از سال ۱۳۸۹ به اتهامات متعدد تحت تعقیب قرار گرفته و با صدور قرار بازداشت موقت به دو اتهام ارتداد و ساب‌النبی (ص) از مورخ ۹۰/۲/۱۴ به صورت مستمر در بازداشتگاه موقت بند ۲- الف زندان اوین و تحت اختیار ضابطین امنیتی بازداشت بوده است تا این‌که نسبت به بعضی از جرائم مانند توهین به مقدسات و دخالت در امر پزشکی و ... به تحمل ۵ سال حبس محکوم شده و مجازات قانونی خود را تحمل نموده و جریمه آن را پرداخت کرده است اما در خصوص اتهام افساد فی الارض دوبار برایشان حکم اعدام صادر شده و هر دو بار نقض شده است، بار اول به خاطر نقض حکم از مواردی و نقض تحقیقات در خصوص عدم رسیدگی به اتهامات بی‌اساس اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی از طریق عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق و ترور افراد و تهدید به قتل و ارتداد و سب‌النبی (ص) که پرونده به شعبه سوم بازپرسی ناحیه ۳۳ مقدس ارجاع شد و منجر به صدور قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۴/۱۳ در پرونده‌ی کلاسه‌ی ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ به شماره‌ی بایگانی ۹۱۰۱۱۶ گردید که به موافقت و امضای معاونت محترم دادستان آقای امین ناصری رسید (پیوست شماره ۲) و مورد تأیید و تأکید دیوان محترم عالی کشور نیز قرار گرفت و راجع به تنها اتهام باقی مانده افساد فی الارض نیز شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران مجدداً حکم اعدام صادر نمود و پس از فرجام‌خواهی در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور برای بار دوم هم به لحاظ ماهیتی که ماهیتاً اتهام افساد فی الارض را مردود اعلام و جهت رسیدگی به شعبه هم‌عرض ارجاع شد که در نهایت شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب تهران نسبت به آن رسیدگی و حکم محکومیت به تحمل ۵ سال حبس تعزیری صادر نمود که فعلاً در مرحله‌ی فرجام‌خواهی است و قرار آزادی موکل به قید وثیقه‌ی ۴۰۰ میلیون تومانی صادر و ابلاغ شده و موکل وثیقه را تودیع و قرار قبولی در مورخ ۹۶/۱۲/۲۷ صادر گردید لکن آن‌چه موجب تعجب و تأسف است این‌که از آن تاریخ تا تاریخ ۹۷/۴/۱۱ همچنان به صورت غیرقانونی در بازداشت موقت در بند ۲- الف محبوس بوده هر چند که پیشتر نیز پس از اتمام محکومیت پنج ساله و علی‌رغم صدور قرار منع تعقیب، بدون قرار بازداشت سالها محبوس بوده، با این حال در تداوم نقض آشکار قوانین علی‌رغم پی‌گیری‌های مستمر وکلای مدافع آقای طاهری در نهایت در مورخ ۹۷/۴/۱۱ باردیگر بدون اطلاع و ابلاغ به وکلا و بدون قرار بازداشت به زندان تهران بزرگ منتقل شد.

پس از پی‌گیری‌های مکرر در خصوص علت بازداشت موکل در مراجعات احد از وکلا به زندان فوق، مشخص گردید در برگه کارتکس زندان (اعلام وضعیت زندانی) علت بازداشت موکل قرار بازداشت موقت صادره از سوی شعبه ۵ بازپرسی دادسرای ناحیه ۳ شهید مقدس با اتهامات ارتداد و سب‌النبی (ص) می‌باشد (پیوست شماره ۳) این در حالی است که به موجب قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۴/۱۳ به شماره‌ی بایگانی ۹۱۰۱۱۶ گردید که به موافقت و امضای معاونت محترم دادستان آقای امین ناصری رسیده (پیوست شماره ۲) و مورد تأیید و تأکید دیوان محترم عالی کشور نیز قرار گرفته نسبت به این اتهامات و سایر اتهامات منع تعقیب صادر شده است و با مراجعه احد از وکلا به شعبه ۵ بازپرسی مذکور، بازپرس محترم در این باره اظهار بی‌اطلاعی نموده و اعلام داشت که موکل هیچ پرونده مفتوحی در آن شعبه ندارد.

در مراجعه همکارمان آقای دکتر علیزاده طباطبایی به آقای رستمی، مشتکی‌عنهم ردیف اول، علت بازداشت موقت موکل را جویا شدیم و کتباً نیز مراتب اعتراض خود را اعلام نمودیم که این اتهامات منجر به قرار منع تعقیب شده است و چنین پرونده‌ای به شماره‌ی ۸۹۰۳۷۷ ب ۵ در شعبه ۵ پنجم بازپرسی که در برگه کارتکس به آن اشاره شده مختومه شده است و به جهت شکایت موکل از بازپرس وقت شعبه مذکور (بازپرس اسدی) قرار امتناع از رسیدگی صادر و نهایتاً به شعبه سوم دادسرای اوین ارجاع و در همان شعبه قرار منع تعقیب صادر شده است و قاعدتاً نمی‌توان برای پرونده‌ای که با قرار منع تعقیب مختومه شده است، قرار بازداشت صادر کرد.

در این راستا به صراحت اعلام شد اگر هم قرار جدیدی صادر شده که نمی‌توانست صادر شود، برابر ماده‌ی ۲۲۵ ق.آ.ک باید فوراً به متهم ابلاغ و به ایشان تحویل گردد و در صورتی که قرار تأمین منتهی به بازداشت گردد مفاد قرار در برگه اعزام درج می‌شود و این قرار برابر ماده‌ی ۲۴۱ همان قانون، قابل اعتراض است در حالی که چنین قرارى نه به موکل ابلاغ شده و نه به وکلا و اساساً وجود خارجی ندارد. بنابراین لازم است که از بازپرس صادرکننده قرار اعتبار یا عدم اعتبار آن استعلام گردد. علی‌الخصوص که تاریخ این قرار ۹۷/۴/۱۱ قید شده است.

عیناً همین مطلب به دادیار محترم ناظر زندان تهران بزرگ به صورت کتبی منعکس شده است که نامبرده جهت تعیین تکلیف آن را به آقای فرزادی، رئیس زندان مذکور (مشتکی عنہ ردیف دوم) ارسال نمود که متأسفانه هیچ‌گونه ترتیب اثری به آن نداده‌اند. متأسفانه مشتکی عنهم با علم به این که بر اساس مستنداتى که موکل به ایشان اعلام کرده، ماه‌ها پیش می‌بایست آزاد می‌شد سوء استفاده از موقعیت شغلی و اختیارات قانونی، مستنداً به یک برگ کارتکس جعلی که مفاد آن کاملاً غیرواقعی می‌باشد (پیوست شماره ۳) مبادرت به بازداشت غیرقانونی موکل در تیپ ۴ اندرزگاه ۲ واحد ۴ زندان تهران بزرگ در بین معتادان و بیماران مبتلا به HIV، هیپاتیت، گال و ... نموده‌اند. صرف نظر از این که اصل موضوع انتقال موکل به ندامتگاه تهران بزرگ به شرحی که نگاهشده شد با

موازین حقوقی ناسازگار است، گفتنی است بر فرض این که انتقال موکل به ندامتگاه بر اساس کارتکس صحیح و غیر جعلی انجام گرفته می‌شد، با توجه به عنوان اتهامی که صدور قرار بازداشت موقت در متن برگ قید شده، می‌بایست ایشان وفق ماده ۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ قوه قضاییه در بازداشتگاه و یا مکانی جدا از محکومین قطعی نگهداری می‌شدند نه در بند عمومی زندانیان مواد مخدر و ... ماده ۴ آیین‌نامه موصوف مقرر می‌دارد: «بازداشتگاه محل نگهداری متهمینی است که با قرار کتبی مقامات صلاحیت‌دار قضائی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آن جا معرفی می‌شوند .

تبصره ۱ - تا زمانی که بازداشتگاه‌های موضوع این ماده ایجاد نشده است، در طبقه بندی داخل زندان‌ها محل جداگانه‌ای برای نگهداری متهمین تحت قرار در نظر گرفته می‌شود.»

ضمناً به استناد ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی که مقرر می‌دارد: «هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم عمدی قرار گیرد، دادستان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قرائن، دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضائی را تا صدور رأی قطعی توسط مرجع ذی‌صلاح و اجرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می‌کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلایل، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید . تبصره ۱- مرجع کیفری صالح می‌تواند تعلیق قاضی را جهت اقدام مقتضی از دادستان درخواست نماید . تبصره ۲- دادستان مکلف است، پیش از اظهار نظر راجع به تعلیق قاضی به وی اعلام کند که می‌تواند ظرف یک هفته پس از ابلاغ، اظهارات خود را به‌طور کتبی یا با حضور در دادرسی اعلام نماید. دادگاه عالی نیز در صورت اقتضاء به همین ترتیب اقدام می‌نماید .

تبصره ۳- در صورتی که درخواست تعلیق قاضی از سوی دادرسی یا دادگاه عالی رد شود و پس از آن دلیل جدیدی کشف شود، مرجع کیفری صالح می‌تواند بررسی مجدد موضوع تعلیق را از دادستان درخواست نماید.»

با توجه به مراتب فوق ضمن استعلام وضعیت آزادی موکل از شعبه ۵ بازپرسی دادرسی ناحیه ۳۳ تهران

اقدام شایسته جهت تعلیق مشتکی عنهم ردیف یکم و دوم که از مقامات قضایی می‌باشند و در خصوص همگی مشتکی عنهم صدور قرار تأمین کیفری مناسب وفق مواد ۲۱۷ و نیز قرار نظارت قضایی وفق ماده ۲۴۷ ق.ا.د.ک و متعاقباً صدور کیفرخواست با امعان نظر به ماده ۱۳۴ قانون مجازات (تعدد جرم) در خصوص اتهامات مشروحه زیر:

۱- بازداشت غیرقانونی موکل از تاریخ ۹۷/۱/۵ لغایت ۹۷/۴/۱۱ در زندان بند ۲- الف و بازداشت غیرقانونی وی از تاریخ ۹۷/۴/۱۱ تا کنون در زندان تهران بزرگ

۲- سوء استفاده از موقعیت و اختیارات قانونی در عدم توجه به قوانین و درخواست شخص زندانی و وکلایش (تذکر به وجود قرار منع تعقیب و غیرواقعی بودن قرار بازداشت)

۳- استفاده از سند مجعول (کارتکس جعلی) در سیستم رایانه‌ای زندان تهران بزرگ و استناد به آن در تداوم و استمرار بازداشت غیرقانونی

و سایر موارد به شرح صدر شکواییه تقدیمی به استناد مواد ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۳۵، ۵۹۷، ۵۷۴ و ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مستدعی است.

با آرزوی توفیق الهی

وکلائی آقای محمد علی طاهری

احمد خسروی تازه فشلاق

سید محمد زمان دریاباری

شکایت در شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت

۱۳۹۷/۲/۱۵

بسمه تعالی

«عدلوا هو اقرب للتقوی»

ریاست محترم شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت

موضوع: پرونده کلاسه ۹۷۰۱۳۵

با سلام و احترام، پیرو لایحه شکایت و اعلام وکالت قبلی اینجانبان احمد خسروی تازه قشلاق و سید محمد زمان دریاباری به وکالت از آقای محمد علی طاهری موارد زیر را جهت تشحید ذهن حضرتعالی اعلام و استدعای بذل توجه و اتخاذ تصمیم شایسته را دارم.

۱- شخصیت شناسی موکل:

آقای محمدعلی طاهری، بنیان گذار طب مکمل فرادمانی و سایمنتولوژی، فردی تیزهوش و شخصیتی مذهبی، انقلابی است. بعد از انقلاب نیز با شروع جنگ در زمینه تیربارهای انفرادی طرحهایی را در صنایع جنگ افزارسازی آماده و به وزارت دفاع تقدیم کرده و در خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی هم به این موضوع اشاره شده است.

موکل طی چند دهه تحقیق و بررسی و ملاقات با اساتید رشته‌های مختلف عرفان، فلسفه، دین، پزشکی، روان‌شناسی و ... به حجت قلبی رسیده که یافته‌های او ارزش نظری و عملی داشته و رحمانی می‌باشند. مجموعه اقدامات وی در برگزاری کلاس‌های عرفانی و تالیفات و انتشار مقالات دارای مجوز قانونی بوده که مستنداتش در پرونده مضبوط است. وی موفق به اخذ هفت مدرک دکترای افتخاری از شرق و غرب شده و هم‌چنین ۴ مدال طلا از جمله اولین مدال طلای علمی آفیسر اتحادیه اروپا به نام جمهوری اسلامی ایران، کسب یک مدال نقره، دو مدال برنز، کاپ‌ها، لوح‌های ویژه شده است.

۲- گردشکار پرونده‌های اتهامی موکل:

موکل این‌جانب آقای محمد علی طاهری از سال ۱۳۸۹ به اتهامات متعدد تحت تعقیب قرار گرفته و با صدور قرار بازداشت موقت به دو اتهام ارتداد و ساب‌النبی (ص) از مورخ ۹۰/۲/۱۴ به‌صورت مستمر در بازداشتگاه موقت بند ۲- الف زندان اوین و تحت اختیار ضابطین امنیتی بازداشت بوده است. نسبت به بعضی از جرائم مانند توهین به مقدسات و دخالت در امر پزشکی و ... به تحمل ۵ سال حبس محکوم شده و مجازات قانونی خود را تحمل نموده و جریمه آن را پرداخت کرده است در خصوص ارتداد و ساب‌النبی و ... شعبه پنجم بازپرسی اوین شروع به تحقیق کرده و سپس پرونده به شعبه سوم ارجاع شد. در خصوص اتهام افساد فی الارض تحت کلاسه دط/ ۱۸۵۹۳/۹۰ دوبار برایشان حکم اعدام صادر شده و هر دو بار توسط شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور نقض شده است. بار نخست به استناد دادنامه شماره ۱۰۵۸/۹۴ مورخ ۹۴/۹/۴ شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور، به صراحت ذکر شده که «باتوجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مفاد ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز اصل ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هم‌چنین قبح عقاب بلا بیان مستنبط از آیه شریفه ۱۵ از سوره مبارکه نساء (مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا) اصل اباحه، اصل براءت و اصل ۳۷ قانون اساسی عمل موکل نمی‌تواند مشمول قانون مؤخرالتصویب مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۲۸۶ آن قرار گیرد. هم‌چنین دیوان محترم عالی کشور با صراحت و در مقام نقض دادنامه سابق الصدور شعبه ۲۶، عنوان می‌نماید که حتی در صورت عدم جواز استناد قانونی به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اقدامات (موکل) با مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و سایر مواد قانونی مربوط به جرم افساد فی الارض نیز منطبق نمی‌باشد.» از این‌رو بار اول به خاطر نقض حکم صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب از مواردی و نقص تحقیقات در خصوص عدم رسیدگی به اتهامات بی اساس اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی از طریق عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق و ترور افراد و تهدید به قتل و ارتداد و ساب‌النبی (ص) که پرونده جهت تکمیل تحقیقات به شعبه

سوم بازپرسی ناحیه ۳۳ مقدس ارجاع شد و منجر به صدور قرار منع تعقیب شد. بار دوم نیز پس از فرجام‌خواهی از رأیی که شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در خصوص تنها اتهام باقی مانده (افساد فی الارض) حکم اعدام صادر کرد، شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور به لحاظ ماهیتی که ماهیتاً اتهام افساد فی الارض را مردود اعلام و با این استدلال که مصادیق قانونی افساد فی الارض در زمانی که موکل دستگیر شده منطبق با هیچ یک از مصادیق موضوع قوانین مبارزه با مواد مخدر تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، اخلال گران، مجازات جرائم نیروهای مسلح، مجازات عبوردهندگان از مرزها تشدید مجازات جاعلان اسکناس، تشدید مجازات محتکران و گران فروشان، مجازات فعالیت کنندگان در امور سمعی بصری، مبارزه با قاچاق انسان، نمی‌باشد و ضمن تأکید بر خروج موضوعی عنوان اتهامی منتسب به موکل از شمول ماده ۲۸۶ به جهت عطف بماسبق نشدن قوانین و نیز عدم شمول آیات ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۱۷ سوره بقره در خصوص موکل آن حکم را به استناد بند ب ماده ۴۶۹ نقض که سرانجام جهت رسیدگی به شعبه هم‌عرض ارجاع شد که در نهایت شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب تهران نسبت به آن رسیدگی و با اصرار خلاف وجه بر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، این بار بدون توجه به استدلالات شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور که متضمن عدم وجاهت استناد به مقررات مؤخرالتصویب سال ۹۲ در زمان دستگیری موکل (۱۳۹۰) می‌باشد، حکم محکومیت به تحمل ۵ سال حبس تعزیری موکل به جهت افساد فی الارض غیرعمدی صادر نموده است افزون بر این که ایام بازداشت موقت قبلی موکل به ویژه بازداشت انفرادی وی از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب نیز به صورت کامل ملحوظ نشده است. این در حالی است که متأسفانه قواعد و اصول حقوقی چون عطف بما سبق نشدن قوانین و سایر قواعد زیر ساختاری این اصل حقوقی نادیده انگاشته شده است. فقها و اصولیون قواعدی چون اصل اباحه، اصل برائت، قاعده قبح عقاب بلا بیان را مبنای این قاعده می‌دانند. طبق قاعده مذکور، مکلف در مورد شبهه‌های حکمی (احکام مجهول شارع) مسؤولیتی نداشته، مواخذه نمی‌شود، قواعد فقهی مزبور، مستند به آیات قرآنی است.^۹ در احادیث و روایات منقول از پیامبر «ص» نیز بر این قاعده تأکید شده است.

۹. «لینفق ذوسعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهها» آیه: «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» (بقره، ۶۸۲) خداوند هیچ انسانی را مگر به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند. آیه «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (اسراء، ۱۵) ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم.

وکلاى ایشان با استناد به این که تعیین مجازاتی غیر از مجازات اصلی تأثیری در ماهیت و قابلیت فرجام‌خواهی ندارد و توجهاً به استصحاب حق فرجام‌خواهی موکل در فقرات گذشته، نسبت به آن در مورخ ۹۶/۱۲/۲۷ فرجام‌خواهی کرده‌اند اما متأسفانه و با وجود آن که پرونده می‌بایست طبق تبصره ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین طبق بند پ ماده ۴۷۰ به جهت نوع اتهام (افساد فی الارض) و اصرار دادگاه بدوی بر نظر سابق خود و نیز اصل تفسیر مضیق به نفع متهم، به دیوان عالی کشور ارجاع می‌شد، به شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع گردید و هم اکنون پرونده موکل در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران تحت عنوان تبصره ذیل ماده ۲۸۶ با وجود اعلام ایرادات شکلی به صلاحیت دادگاه مذکور به در دست رسیدگی است. این

۱۰. در پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب (<http://farsi.khamenei.ir>) سخنانی از ایشان منتشر یافته که معنای افساد فی الارض را از نظر رهبر انقلاب و فقه انور اسلامی روشن‌تر می‌سازد و معلوم می‌کند که بسط نظر و اندیشه‌های عرفانی از مصادیق افساد فی الارض نیست. رهبر انقلاب مصادیق تلاشگران در گسترش فساد در روی زمین را داعشیان، آمریکای جهان‌خوار، نسل‌کشان، جریان‌های تکفیری، حکومت‌های استبدادی، طاغوتیان به کارگیرندگان سلاح‌های هسته‌ای و... می‌دانند. رهبری معظم انقلاب بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام در چهارم آذر ماه نود و سه فرموده‌اند: «جریانی که امروز به نام داعش شناخته می‌شود یکی از فروع شجره‌ی خبیثه‌ی تکفیر است، همه‌ی آن نیست. این فسادى که این مجموعه به راه انداختند، این اهلاک حرث و نسل، این ریختن خون بی‌گناهان، این بخشی از جرائم جریان تکفیر در دنیای اسلام است، با این چشم باید نگاه کرد به این مسأله.» بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام به تاریخ بیست و چهار بهمن شصت و نه، گوشه‌ای دیگر از مفهوم فقهی عبارت افساد فی الارض را نمایان می‌سازد: «ببینید امروز در سایه‌ی حکومت‌های مستکبر، بر انسان‌ها چه می‌گذرد. ببینید این جنگ‌های خانمان‌برانداز و نسل‌کش - که به وسیله‌ی قدرت‌ها بهره‌ی می‌افتد - با مردم چه می‌کند. ببینید قلدری قدرتی مثل امریکا، امروز در دنیا با انسان‌ها و ملت‌ها و کشورها، چه معامله‌ای می‌کند. امروز، ملت عراق مطرح است، ملتی که حرث و نسلش، به وسیله‌ی قدرت‌ها و قلدرهای عالم هلاک می‌شود: «و یهلك الحرث و السلوله لا یحب الفساد». این‌ها در حال فساد روی زمین هستند.» همچنین مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون به تاریخ دوم اردیبهشت هفتاد و هفت فرموده‌اند: «حاکمیت دین، در مقابل حاکمیت طاغوت است که «اذا تولى سعى فى الارض لفسد فیها ویهلك الحرث و النسل» حاکمیت طاغوت، حاکمیت فساد و حاکمیت ضایع کردن دین و دنیا است - نه فقط دین - کمالین که در گذشته‌ی کشور خودمان از نزدیک شاهد بودیم و کسانی که آن دوره را درک کردند، همه آن را حس نمودند.» حال پرسش اینجاست که شخصیتی چون آقای محمد علی طاهری، به راستی با کدام عقل سلیم و کدامین معیار منطقی به این جریانات شبیه است؟ کدام پیام و نوشته ایشان مروج قتل، خشونت، نسل‌کشی، نژاد پرستی، تخریب

در حالی است که هیچکدام از مصادیق موضوع این ماده و نیز مصادیق ذکر شده در فقه اسلامی (آتش افروز، قاتل اهل ذمه، قاتل بردگان، کفن دزد (نباش)، تکرار کنندگان محرمات (رباخوار، سم فروشان) مجازات آدمربا و آدمفروشی) قابل انطباق با افعال و نظرات موکل نیست.

گسترده محیط زیست، نابودی زراعت و کشاورزی، خشونت‌های قومی و قبیله ای، فحشاء و روابط جنسی ناپهنجار، مصرف مواد مخدر و توهم زا و.....است؟

۱۱. در روایت معتبره سکونی از امام صادق(ع) آمده است: حضرت علی (ع) در مورد مردی که در خانه افرادی آتش افکند و در نتیجه آن خانه و اشیای درون آن سوختند، حکم کردند که افزونده آتش باید خسارت خانه و آنچه را درون آن بوده بپردازد و پس از آن کشته شود (طوسی، ۱۳۶۵، ۱۰: ۲۳۱، صدوق، ۱۴۰۴، ۴: ۱۶۲) بر اساس برخی از روایات، هرگاه مسلمانی عادت به قتل اهل ذمه پیدا کرده باشد، کشته خواهد شد (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۱۰، طوسی، ۱۳۶۵، ۱۰: ۱۹۰، صدوق، همان، ۴: ۱۲۴) به اعتقاد مشهور فقیهان هرگاه مسلمانی مکرراً اقدام به قتل اهل ذمه نماید، کشته خواهد شد. در صحیحه یونس چنین آمده است: از امام در مورد شخصی که برده‌اش را به قتل رسانده بود سؤال شد، امام فرمود: اگر قاتل معروف به قتل بردگان نباشد، به شدت زده شده و قیمت برده از او گرفته می‌شود و در اختیار بیت‌المال مسلمانان قرار می‌گیرد و اگر قتل بردگان عادت او باشد، به سبب این کارش کشته می‌شود. (کلینی، همان: ۳۰۳، طوسی، ۱۳۶۳: ۲۷۳) در مورد مجازات شخصی که اقدام به نیش قبر و سرقت کفن‌ها می‌نماید، روایات متعددی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در چند دسته قرار داد. در دسته‌ای از روایات مجازات قطع نباش منوط به تکرار عمل سرقت از قبور شده است (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۰: ۱۱۷) در صحیحه فضیل از امام ششم وارد شده که: هرگاه نباش معروف به نیش قبر باشد، دستش قطع خواهد شد. (طوسی، همان: ۱۱۶) شیخ صدوق در مقنع می‌نویسد: اگر شخصی قبرها را نیش کند، بر او حد قطع جاری نمی‌شود، مگر این که (کفن را) بردارد و یا مکرراً نیش قبر نماید - و لو آن که چیزی بر ندارد - (صدوق، ۱۴۱۵: ۴۴۷) در مورد تکرار کنندگان محرمات در صحیحه یونس از امام موسی کاظم(ع) به‌عنوان یک قاعده کلی آمده است. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق(ع) در مورد رباخواری که بر او بینه اقامه شده است پرسیدم. امام فرمودند: تأدیب می‌شود. پس اگر عملش را تکرار کرد باز تأدیب می‌شود و اگر باز عملش را تکرار نمود کشته می‌شود. (کلینی، همان، ۷: ۲۴۱، صدوق، همان، ۴: ۷۰) با عنایت به این که سموم در دوران گذشته عموماً برای مصارف نامشروع مصرف می‌شده، از این رو بسیاری از فقها تجارت سموم را ممنوع و مرتکب آن را سزاوار تعزیر دانسته‌اند. چنین شخصی اگر با تعزیرهای متعدد، متنبه نشود و عملش را تکرار نماید، به قتل خواهد رسید (طوسی، بی‌تا: ۷۱۳، ابن براج، همان: ۵۳۶، مفید، همان: ۸۰۱) با عنایت به فتاوی فقهای در این مورد، می‌توان مرتکب هر نوع تجارتی را که مضر به حال افراد بوده و مصرف مجازی نداشته باشد، تعزیر نمود و در صورت مؤثر نبودن تعزیرهای مکرر و اصرار مرتکب بر ادامه عملش، او را به قتل رساند. افساد فی الارض رفتار کسی است که به رغم تحمل مجازات تعزیری برای چندمین بار فعل حرامی را مرتکب می‌شود. هر گاه شخصی اقدام به سرقت یا فروش انسانی نماید، بنا بر قول مشهور فقها دست او قطع خواهد شد.* دلیل قطع دست آدمربا یا آدمفروش به طور حتم سرقت نمی‌تواند

۴- تخلفات انجام گرفته پس از درخواست فرجام‌خواهی موکل:

در فرایند رسیدگی به موضوع اتهامات موکل، متأسفانه بر خلاف نص صریح ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری عمل شده است و از اتخاذ تصمیم در خصوص تأمین متناسب برای آقای محمد علی طاهری خودداری شده است و ایشان مدت‌هاست که بدون قرار تأمین معتبر در بازداشت می‌باشند. همان‌گونه که در شکایت تقدیمی اعلام شد، در تداوم نقض آشکار قوانین نسبت به موکل، درنهایت در مورخ ۹۷/۴/۱۱ بدون اطلاع و ابلاغ به وکلا، موکل بدون آن‌که قرار بازداشت موقت واقعی و یا محکومیت قطعی داشته باشد به استناد قرار بازداشت موقت مورخ ۹۷/۰۴/۱۱ صادره از شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۳ اوین به زندان تهران بزرگ اعزام شده‌اند ...

۵- احراز استناد به قرار بازداشت موقت موهوم جهت انتقال موکل به زندان تهران بزرگ:

بازپرس محترم شعب سوم دادسرای ناحیه ۳۳ طی مکاتبه به شماره ب ۹۱۰۱۱۶/۳ مورخ ۹۷/۴/۲۷ با سرپرست دادسرای اوین، ضمن تصریح به صدور قرار منع تعقیب، به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ و تاییدیه معاونت دادستان، مضبوط در پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ (بایگانی ۹۱۰۱۱۶) بابت ارتداد، ساب النبی، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، صدور هرگونه قرار بازداشت موقت به تاریخ ۹۷/۴/۱۱ را با توجه به اعلام بازپرس شعبه پنجم ناحیه ۳۳ تکذیب و انکار کرده‌اند و هم‌چنین سرپرست دادسرای ناحیه ۳۳ نیز به موجب نامه شماره ۱۰۲۰/۲۴۰ مورخ ۹۷/۰۴/۲۷ مکاتبه مذکور تصریح کرده‌اند «در حال حاضر پرونده مفتوح در این دادسرا ندارد و هیچ‌گونه قراری نیز از این دادسرا صادر نشده است ...»

در ادامه افزوده‌اند «حسب دستور آقای رستمی ... به مدت دو هفته به آن زندان، اعزام شده ... لذا جهت اطمینان از زندان تهران بزرگ و جناب رستمی استعلام نمایم.»

باشد، زیرا انسان مال نیست که تعریف سرقت بر ربودن او صدق نماید. از این رو، گرچه در روایات مربوط قید افساد نیامده است، اما بسیاری از فقها دلیل قطع دست آدم‌با را به جهت افساد او می‌دانند. در آیه ۸۱ سوره یونس آمده است: فلما القوا قال موسیٰ ماجئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لایصلح عمل المفسدین، زمانی که ساحران وسایل سحر خود را افکندند موسیٰ (ع) به آنان فرمود: آنچه شما آوردید سحر است که خداوند به زودی آن را باطل می‌کند. به درستی که خداوند عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند.

با این وصف موکل، بدون وجود پرونده مفتوح در دادسرای اوین، از بند ۲- الف اوین به ندامتگاه تهران بزرگ (تیپ ۴ اندرگاه ۲ واحد ۴) و در بین محکومین قطعی و معتادان و بیماران مبتلا به HIV، هپاتیت، گال و ... به نحو غیرقانونی و حتی برخلاف ماده ۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ منتقل شده است و سپس بار دیگر در مورخ ۹۷/۰۴/۲۵ تحت تدابیر ویژه و بدون اطلاع به خانواده اش از زندان مرکزی تهران بزرگ به بند ۲-الف منتقل شده‌اند و از مورخ سوم مردادماه نود و هفت به بند هشت سالن هفت اتاق ششم زندان اوین (بخش عمومی) منتقل شده‌اند.

همه این موارد (سرگردانی موکل میان دو زندان اوین و تهران بزرگ و بازداشت غیرقانونی بدون آن‌که هیچ قرار بازداشت موقتی در تاریخ اعزام وی به زندان تهران بزرگ صادر شده باشد) از حیث عدم اعمال نظارت مقامات قضایی ذی‌صلاح وفق قانون نظارت بر رفتار قضات در زمانی بوده که پرونده موکل و شخص ایشان تحت تصدی و نظارت مشتکی عنهم به ویژه دادیار ناظر بر زندانیان امنیتی (آقای رستمی) بوده است.

۶- عدم تصمیم‌گیری در خصوص قرار تأمین موکل:

عدم تصمیم‌گیری در خصوص قرار تأمین موکل از دیگر موارد عدم رعایت مقررات قانونی از سوی مشتکی عنهم می‌باشد به گونه‌ای که با اهمال در تصمیم‌گیری قاطع در خصوص تأمین موکل، ایشان مدت‌هاست بدون قرار تأمین معتبر و محکومیت قطعی در زندان می‌باشند و متأسفانه با خودداری از اعمال مفاد ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری که بر ضرورت اخذ تأمین مناسب از متهم اشاره دارد، موجبات اطلاع دادرسی و تضییع حقوق موکل از جمله نیل به حق آزادی فراهم شده است ... لازم به ذکر است برابر ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری برای کلیه اتهامات موکل یک قرار تأمین صادر می‌شود و برای موکل نیز در مورخ ۹۰/۲/۱۴ قرار بازداشت صادر شده و یک فقره حکم محکومیت قطعی ۵ سال حبس را گذرانده است.

۷- بی‌اعتباری مدت قرار بازداشت موقت به شماره ۹۵۱۰۴۵۰۲۷۶۳۰۰۰۰۷ مورخ ۹۵/۲/۱ شعبه سوم بازپرسی ناحیه ۳۳:

طی ملاقاتی که با موکل در زندان اوین شد و حسب مندرجات پرینت زندانی (کاندیکس) که در حضور مأمور ناظر زندان در اختیار قرار گرفت و از آن استکتاب شد، موکل به استناد قرار فوق الذکر هم اکنون در بند عمومی زندان اوین است که بدو استعلام وضعیت ایشان استدعا می‌گردد. به استناد ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴، «بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرایم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف - جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است.

ب - جرایم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است. پ - جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آن‌ها درجه پنج و بالاتر است.

ت - ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به‌وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث - سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور باشد. تبصره: موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرایم نیروهای مسلح از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ملغی است.»

از سوی دیگر به موجب ماده ۲۳۸ «صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده قبل، منوط به وجود یکی از شرایط زیر است:

الف) آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند.

ب) بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

پ) آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.»

هم‌چنین ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «هرگاه در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرایم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می‌شود. متهم می‌تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می‌شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت

مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف، یا ابقای بازداشت موقت، باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دوماه یا هر یک‌ماه اعمال می‌شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرایم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرایم از یک‌سال تجاوز نمی‌کند.

تبصره:

۱. نصاب حداکثر مدت بازداشت، شامل مجموع قرارهای صادره در دادسرا و دادگاه است و سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم را نیز شامل می‌شود.

۲. تکلیف بازپرس به اظهارنظر درباره درخواست متهم، موضوع ماده (۲۴۱) این قانون، در صورتی است که وفق این ماده، نسبت به قرار اظهارنظر نشده باشد.»

از مجموع موارد فوق چند نکته استنباط می‌گردد:

الف- طبق کیفرخواست صادره که در پرونده موجود است به اتهامات ۱۶ گانه از جمله دخالت در امور پزشکی، کلاهبرداری، تحصیل مال نامشروع، استفاده غیر مجاز از عناوین علمی مانند دکتر مهندس و ارتباط نامشروع از طریق لمس نامحرم و افساد فی الارض و ارتداد و ساب النبى و اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در سازمان‌های چریکی فدایی خلق و توزیع و تکثیر آثار سمعی و بصری غیر مجاز و اقدام به ترور و تهدید اشخاص و اقدام به قتل و ... تحت تعقیب قرار گرفته است. هم‌چنین موکل، طی دادنامه صادره در سال ۹۰ به تحمل ۵ سال حبس بابت توهین به مقدسات محکوم شده است صرف نظر از این که محکومیت اشاره صحیح بوده و یا خیر و نیز بابت دخالت در امور پزشکی محکومیت قطعی داشته که ان را تحمل نموده است نکته قابل توجه این‌جاست که نمی‌توان به استناد همان اعمال، مجدداً ایشان را به اتهام افساد فی الارض و یا هر اتهام دیگری مجازات نمود و در این خصوص از مفاد ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری عدول شده است و از این‌رو تداوم بازداشت ایشان از زمان سپری شدن دوران محکومیت پنج ساله و از سال ۹۵ تا کنون غیرقانونی است.

ب- برابر ماده ۱۳۴ مجازات اسلامی در مورد تعدد جرائم تعزیری چنان چه جرائم انتسابی بیش از سه عنوان باشد. دادگاه برای هر یک از جرائم بیش از حداکثر مجازات قانونی مشروط به این که از حداکثر به اضافه نصف آن‌ها تجاوز نکند را تعیین می‌نماید اما در عمل فقط یک مجازات اشد قابل اجرا است. دادگاه محترم بدوی در سال ۱۳۹۰ برای پنج عنوان جرم، یک مجازات اشد (۵ سال حبس) را تعیین نموده و برای یازده عنوان جرم دیگر قرار

منع تعقیب صادر شده و برای تنها عنوان باقی مانده (مفسد فی الارض) دوبار حکم اعدام بر اساس کیفرخواست صادره از شعبه سوم دادسرای ناحیه ۳۳ موضوع پرونده کلاسه ۰۴۰۶-۲۷۶۴۰-۹۱۰۹۹۸۰ صادر که این دو فقره احکام اعدام توسط شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور نقض شده است. با این استدلال که عنوان (افساد فی الارض) مشمول یک مجازات حدی است و طبق ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی می‌بایست با مجازات تعزیری جمع گردد. صرف نظر از این که در صورت اجرای مجازات اعدام، ۵ سال حبس مقرر در حکم کاملاً فاقد وجهت قانونی بوده، موضوع جالب توجهی که در این مرحله از رسیدگی به وقوع پیوسته است این است که شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران در رسیدگی خود به عنوان شعبه هم عرض به این نتیجه رسیده است که موضوع از جرائم تعزیری بوده و از ذیل ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، موکل را به ۵ سال حبس تعزیری محکوم نموده است. با این تفاسیر به جای جمع مجازات‌های تعزیری، طبق ماده ۱۳۴ قانون مذکور برای کلیه ی اتهامات ۱۶ گانه مقرر کیفر خواست، دو مجازات اشد برای موکل تعیین گردیده است یک مجازات طبق حکم ۱۳۹۰ (۵ سال حبس) و یک مجازات اشد برای اتهام افساد فی الارض (۵ سال حبس) در حالی که قانوناً می‌بایست یک مجازات اشد (۵ سال) به علاوه حداکثر تا نصف مجازات (۲/۵) سال مجموعاً هفت سال و نیم برای موکل معین می‌گردید. بنابر این در فرض صحت اقدامات قضایی انجام گرفته از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب نیز، با توجه به بازداشت اولیه موکل در سال ۱۳۸۹، تداوم بازداشت وی غیرقانونی محسوب می‌گردد.

ج- وفق ماده ۲۴۲ ق.ا.د.ک مدت زمان بازداشت موقت نباید بیش از یک ماه و حداکثر در صورت تمدید بیش از دو سال باشد، در مانحن فیه حتی در فرض صحت صدور قرار بازداشت موقت که به نظر منطبق با مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ ق.ا.دک نیست، خودداری از اتخاذ تصمیم در خصوص اعمال و اجرای تبدیل قرار بازداشت موقت صادره اول اردیبهشت سال ۹۵ که مواعد مذکور در ماده ۲۴۲ به پایان رسیده و فک و یا تخفیف نشده و در صورت ابقای آن نیز به موکل ابلاغ نشده است و افزون بر این در فرض ابلاغ به موکل و عدم پذیرش اعتراض وی، مدت دو سال اعتبار آن در یکم اردیبهشت سال ۹۷ به پایان رسیده است، مخالف قانون بوده و از آن تاریخ تا کنون ایشان در بازداشت غیرقانونی به سر برده‌اند که در صورت صلاح‌دید استعلام وضعیت آزادی ایشان و اعتبار قرار بازداشت موقت وی و مستندات ابلاغ فک و یا تخفیف و یا ابلاغ قرار و ابلاغ آن به موکل و چگونگی اعتراض وی و علت عدم پذیرش اعتراض موکل، از دادگاه رسیدگی کننده به اتهام اصلی و نیز انجام تحقیقات از سرپرست زندان اوین بند عمومی بابت تداوم بازداشت و اخذ تصویری از کاندیکس (پرینت زندانی) که در حال حاضر پذیرای موکل از سوم مردادماه در بند عمومی ویژه محکومین قطعی (اندرزگاه هشت سالن هفت) می‌باشد، مستدعی است. با توجه به مراتب فوق، ضمن ابلاغ فوری شکایت مطروحه به مشتکی عنهم محترم ردیف یکم

و دوم به منظور امتناع ایشان از رسیدگی به پرونده موکل طبق ماده ۴۲۱ ق. ادک، اقدام وفق ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضات و پی‌گرد ایشان طبق موازین آیین دادرسی کیفری به ویژه مواد ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵ و ۵۹۷ ق.م.ا حسب خواسته موکل درخواست می‌گردد.

وکلائی آقای محمد علی طاهری

احمد خسروی تازه فشلاق

سید محمد زمان دریاباری

شکایت به دادگاه ویژه روحانیت ۱۳۹۷/۵/۱۰

بسمه تعالی

دادگاه محترم کارکنان دولت

دادگاه محترم ویژه روحانیت

با سلام، احتراماً بدین وسیله شکایت خود را از دادگاه تجدید نظر استان تهران شعبه ۳۶ به ریاست حجت الاسلام و المسلمین احمد زرگر و مستشاری آقای بابایی با استناد به دلایل زیر جهت هر گونه بررسی و اقدام قانونی اعلام می‌دارم.

۱- ورود غیرقانونی به پرونده بدون داشتن صلاحیت رسیدگی به موضوع اتهام «افساد فی الارض» به منظور اعمال سوء نیت و تأیید حکم غیرقانونی صادره شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب (قاضی صلواتی) که این شعبه مبادرت به صدور حکم غیرقانونی با استناد ناموجه به تبصره ماده ۲۸۶ جرم «افساد فی الارض» قانون جدید مؤخرالتصویب ۹۲ نموده در حالی که ماده ۲۸۶ قانون جدید، قبلاً دو بار در آرای صادره دیوان عالی محترم کشور در سال‌های ۹۴ و ۹۶ مردود شناخته شده است. دلایل مردود بودن اتهام «افساد فی الارض» در آرای دیوان محترم عبارتند

از اولاً) مؤخرالتصویب بودن این ماده، زیرا تاریخ تفهیم این اتهام و بازداشت موقت از بابت آن مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ اتفاق افتاده است.

ثانیاً) عدم تطابق اتهام انتسابی با قانون جدید (ماده ۲۸۶) و با قانون قدیم (ماده ۱۸۳ تا ۱۸۸) که در این صورت بازداشت موقت من از این بابت در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ غیرقانونی بوده است.

۲- اطلاع‌ی وقت و طولانی کردن روند دادرسی

۳- عدم توجه به دفاعیات و تذکرات کتبی و توضیحات حضوری (جلسه دادگاه مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۰) این جانب و وکلایم و نشان دادن واکنش تند و توهین آمیز نسبت به توضیحات من در این مورد

۴- عدم توجه به آرای صادره‌ی دیوان عالی محترم کشور مبنی بر مردود بودن اتهام وارده

۵- عدم بی‌طرفی، خروج از عدالت، تبانی با کارشناس امنیتی پرونده و شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و غرض‌ورزی

۶- اقدام به بازداشت غیرقانونی همسر در شعبه ۳۶ به مدت چندین ساعت به دلیل اعتراض ایشان به روند غیرقانونی پرونده

۷- سایر دلایل و مدارک در جلسه رسیدگی دادگاه ارائه خواهد شد.

با آرزوی توفیق الهی

محمد علی طاهری

۱۳۹۷/۵/۱۰

شکایت به دادگاه کارکنان دولت ۱۳۹۷/۵/۱۰

بسمه تعالی

دادگاه محترم کارکنان دولت

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً بدین وسیله شکواییه خود را از دادگاه محترم تجدید نظر استان تهران شعبه ۳۶ به ریاست آقای زرگر و مستشاری آقای بابایی به اتهام غرض ورزی، تبانی و اطاله وقت دادرسی از طریق مفتوح نمودن خارج از حوزه صلاحیت پرونده اتهام «افساد فی الارض» انتسابی به این جانب موضوع تبصره ماده ۲۸۶ که به صورت غیرقانونی از طرف شعبه ۱۵ (قاضی صلواتی) صادر گردیده که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه تجدید نظر نمی باشد و شعبه ۱۵ به منظور تداوم بخشیدن به روند غیرقانونی بر روی پرونده این جانب، اطاله وقت دادرسی بیشتر و قطعی نمودن غیرقانونی حکم صادره آن را به این شعبه ارسال نموده در حالی که می بایستی طبق روند دفعات گذشته به دیوان عالی محترم کشور ارسال می شد. لذا بدین وسیله با استناد به دلایل متعدد ذیل نسبت به غرض ورزی و تخلفات آشکار شعبه ۱۵ در صدور حکم غیرقانونی ۵ سال حبس با استناد ناموجه به تبصره ماده ۲۸۶ جرم «افساد فی الارض» و تبانی با شعبه ۳۶ تجدید نظر در جهت مفتوح نمودن خارج از حوزه صلاحیت شکایت خود را از هر دو شعبه ی فوق الذکر اعلام می دارم.

۱- عدم مطابقت اقدامات کذب انتسابی با قانون قدیم مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ طبق آرای صادره دیوان عالی محترم کشور در سال‌های ۹۴ و ۹۶ لازم به ذکر است تاریخ تفهیم اتهام و بازداشت موقت این‌جانب بابت اتهام «افساد فی الارض» ۱۳۹۰/۲/۱۴ بوده که به دلیل فوق صدور قرار بازداشت موقت در این مورد غیرقانونی بوده است.

۲- عدم مطابقت اقدامات کذب انتسابی با ماده ۲۸۶ جرم «افساد فی الارض» قانون جدید مصوب ۹۲ آرای صادره دیوان عالی محترم کشور در سال‌های ۹۴ و ۹۶ و مردود بودن انتساب این ماده و همین‌طور عقلاً و قانوناً غیرقانونی بودن انتساب تبصره ماده ۲۸۶

۳- عدم وجاهت قانونی استناد به مواد قانون جدید مصوب ۹۲ به‌واسطه استناد به قانون مؤخرالتصویب از جمله استناد به ماده‌ی ۲۸۶ و تبصره ماده ۲۸۶ این قانون

۴- عدم متابعت شعبه ۱۵ قاضی صلواتی به‌عنوان شعبه دادگاه هم‌عرض در انشای رأی در ماهیت از آرای صادره دیوان عالی محترم کشور در سال‌های ۹۴ و ۹۶ با رجوع به بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ که در این صورت می‌بایستی برائت این‌جانب را از اتهام وارده صادر می‌کرد.

۵- عدم محاسبه ایام بازداشت موقت قبلی از تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ تا کنون که متجاوز از ۷ سال می‌باشد و فقط منظور نمودن دو سال از این مدت در حکم صادره ۵ سال حبس غیرقانونی

۶- نقض ماده ۲۴۲ و عدم رعایت حد نصاب نگهداری در بازداشت موقت

۷- عدم بی‌طرفی و اطاله وقت دادرسی به‌صورت مشهود و عمدی از طریق ارسال پرونده به دادگاه تجدید نظر استان به‌جای ارسال به دیوان عالی محترم کشور و اعمال نفوذ در جهت قطعی کردن غیرقانونی حکم صادره

۸- عزل وکلای پرونده‌ی ۸ ساله این‌جانب (از تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹) به بهانه‌ی اعمال تبصره ماده ۴۸ در حالی که اعمال این تبصره قانون مؤخرالتصویب بوده و عطف به‌ماسبق نمی‌شود.

۹- ایجاد انحراف در مسیر قانونی پرونده از طریق اقدام به بازداشت غیرقانونی در زندان تهران بزرگ در جهت اقدام به سوء قصد از طریق حبس دربندهای غیر متعارف.

لذا با استناد به دلایل فوق‌الذکر اتهام «افساد فی الارض» انتسابی موضوع ماده ۲۸۶ و تبصره مربوطه محکوم و محتوم به برائت است که شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر با ورود به پرونده موضوع «افساد فی الارض» که صلاحیت رسیدگی به آن را نداشته ضمن چندین ماه اطاله وقت دادرسی در تبانی با شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و کارشناس امنیتی پرونده آقای محمدحسین صدرالعلوی قصد قطعی نمودن غیرقانونی پرونده را دارد که بدین‌وسیله شکایت خود را از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر جهت هرگونه رسیدگی عاجل تقدیم می‌دارد.

با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

شکایت به دادسرای انتظامی نیروهای مسلح ۱۳۹۷/۵/۱۰

بسمه تعالی

دادسرای انتظامی نیروهای مسلح

با سلام و نثار دعای خیر

احتراماً بدین وسیله شکایت خود را از آقای محمدحسین صدرا علوی کارشناس امنیتی ثارالله به اتهام اعمال نفوذ در روند دادرسی پرونده و گرفتن حکم‌های سفارشی غیرقانونی با اعتراف نامبرده و سند حکم‌های صادره و اعمال نفوذ در جلوگیری از ارسال حکم به دیوان عالی محترم کشور و ارجاع غیرقانونی آن به دادگاه تجدید نظر و... و تهدید و تشویق و اعمال فشار به منظور قبول این حکم‌های غیرقانونی سفارشی و تفکیک در مقابل آن‌ها... جهت هر گونه بررسی و اقدام قانونی مقتضی تقدیم می‌گردد. این شکواییه جدا از سایر تخلفات جرائم نامبرده و عده دیگری از کارشناس امنیتی ثارالله از تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ دستگیر و تا کنون بازداشت موقت غیرقانونی در این تاریخ می‌باشد که متقابلاً ارائه خواهد شد.

مدارک پیوست:

- ۱- حکم غیرقانونی صادر شده در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی توسط قاضی صلواتی و ارجاع آن به شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر و قبول این شعبه جهت ورود به پرونده بدون داشتن صلاحیت رسیدگی.
- ۲- آرای صادره دیوان عالی محترم کشور در آذر ۹۴ و شهریور ۹۶ مبنی بر مردود بودن اتهام وارده.
- ۳- قرارهای دادسرا مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ مبنی بر منع تعقیب تعدادی از اتهامات از جمله اتهاماتی که به واسطه آنها در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ از بابت آنها دستگیر و بازداشت موقت شدم.

با آرزوی توفیق الهی
محمد علی طاهری
۱۳۹۷/۵/۱۰

شکایت به مستشار دادگاه تجدید نظر ۱۳۹۷/۵/۲۷

بسمه تعالی

به: دادگاه محترم کارکنان دولت

موضوع درخواست: ارائه شکایت از آقای حسن بابایی مستشار شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران با سلام، احتراماً پیرو شکوائیه مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۰ از نامبرده به واسطه ارتکاب تخلفات عمدی و جرائم سازمان یافته، شکایت خود را به شرح زیر جهت هرگونه بررسی و اقدام قانونی تقدیم می‌دارد:

۱- ورود غیرقانونی به پرونده اتهام «افساد فی الارض» انتسابی بدون داشتن صلاحیت رسیدگی به عنوان مستشار شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر به منظور اعمال سوء نیت و تأیید حکم غیرقانونی صادره شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب توسط قاضی صلواتی و مستشاری قاضی احمدپور که با استناد ناموجه به تبصره ماده ۲۸۶ جرم «افساد فی الارض» قانون جدید مؤخر التصویب ۹۲ نموده، در حالی که ماده ۲۸۶ این قانون قبلاً دو بار در آراء صادره دیوان عالی محترم کشور به دلایل:

اولاً) استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲، نقض ماده ۱۰ (ق.م.ا) و صدور حکم غیرقانونی به این علت، زیرا تفهیم این اتهام و بازداشت موقت از بابت آن در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ صورت گرفته است.

ثانیاً) عدم تطابق اتهام انتسابی با عناوین مندرج

در ماده ۲۸۶ قانون جدید و ماده ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون قدیم جرم «افساد فی الارض» که در این صورت اتهام انتسابی مردود و بازداشت موقت من از این بابت غیرقانونی بوده است.

۲- عدم توجه و تبعیت از آراء صادره دیوان عالی محترم کشور صادره آذر ۹۴ و شهریور ۹۶ و عدم انشاء و رأی بر طبق بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ رأی دیوان در باب مردود بودن اتهام انتسابی، اطاله وقت و طولانی کردن روند دادرسی از این طریق و تأیید حکم غیرقانونی صادره توسط شعبه ۱۵ (قاضی صلواتی)

۳- عدم بی طرفی، خروج از عدالت و غرض ورزی و تداوم بخشیدن به روند غیرقانونی و تخلفات و جرائم سازمان یافته اعمال شده از تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۱ تا کنون و عدم توجه به دفاعیات و تذکرات کتبی (در چندین ماه گذشته) و حضوری توسط اینجانب و وکلایم

۴- سایر دلایل و مدارک در جلسه رسیدگی دادگاه ارائه خواهد شد.

با آرزوی توفیق الهی

محمد علی طاهری

۱۳۹۷/۵/۲۷

شکایت به دادگاه کارکنان دولت ۱۳۹۷/۵/۲۷

بسمه تعالی

به: دادگاه محترم کارکنان دولت

موضوع درخواست: ارائه شکایت از مقامات قضایی مرتبط با پرونده اتهامات انتسابی

با سلام و احترام، بدین وسیله پیرو شکایات متعدد ارائه شده از سال ۹۰ تاکنون به این دادگاه محترم و سایر مراجع قانونی ذی ربط در مورد ارتکاب تخلفات عمدی و جرائم سازمان یافته مقامات قضایی مرتبط با پرونده اینجانب جهت هرگونه بررسی و اقدام مقتضی تقدیم می‌گردد:

۱- در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۱ نیروهای امنیتی نارالله اقدام به دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی اینجانب به اتهامات پوچ و واهی عضویت در سازمان مارکسیستی چریک‌های فدایی خلق ایران، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، ترور افراد متعدد، تهدید افراد متعدد به قتل و ... نموده و از طریق ایجاد رعب و وحشت، تهدید به صدمه رسانیدن به اعضای خانواده و ... قصد گرفتن اعترافات کذب دیکته شده زوری داشتند که موفق به تحقق اهداف شوم خود نشدند (قرار منع تعقیب اتهامات فوق الذکر به دنبال درخواست دیوان محترم در رأی صادره آذر ۹۴ مبنی بر ارائه ادله اثبات و عدم وجود هرگونه سند و مدرکی جهت اثبات در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ صادر شده است).

۲- متعاقب شکست در مورد اخذ اعترافات کذب دیکته شده به شرح فوق به دنبال چندین ماه بازجویی غیرقانونی در اماکن شخصی و انتقال از این محل به دادسرای شهید مقدس، آقای اسدی بازپرس شعبه پنجم، در تاریخ

۱۳۹۰/۲/۱۴، اتهام «افساد فی الارض» را بدون آن که اقدامات کذب انتسابی با قانون قدیم یعنی عناوین مندرج در موارد ۱۸۳ تا ۱۸۸ (ق.م.ا) مطابقت داشته باشد (طبق آراء دیوان) تفهیم اتهام و اقدام به بازداشت موقت غیرقانونی من نموده‌اند که تا کنون ادامه دارد (نقض ماده ۲۴۲ ا.د.ک. صرف نظر از سایر جرائم ارتكابی بازپرس اسدی)

۳- قاضی پیرعباسی ریاست شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب که می‌بایستی به دلایل فوق‌الذکر، برائت از اتهام انتسابی را در دادگاه برگزار شده سال ۹۰ صادر می‌نمود با طرح سؤالاتی نامربوط و نامرتب با عناوین مندرج در موارد ۱۸۳ تا ۱۸۸ (ق.م.ا) جرم «افساد فی الارض» به بهانه تکمیل تحقیقات، پرونده را به صورت غیرقانونی مفتوح گذاشته و زمینه دستگیری ۱۵۰ نفر از افراد شرکت کننده در کلاس‌های مؤسسه قانونی اینجانب را توسط کارشناسان امنیتی ثارالله را فراهم می‌کنند و این عده در معرض انواع شکنجه و تهدید خانواده و ... قرار گرفته تا با ارائه اعترافات کذب دیکته شده زوری به دروغ شهادت بدهند که توسط من گمراه شده‌اند؟؟؟

تا از این طریق جرم «افساد فی الارض» من به اثبات برسد، در حالی که ارائه چنین شهادت‌نامه‌هایی هیچ گونه ارزشی برای اثبات جرم «افساد فی الارض» در قانون قدیم و قانون جدید ندارد، ضمن این که در این مورد نیز موفق به اخذ چنین شهادت‌نامه‌های دروغین هم نشدند (صرف نظر از سایر جرائم ارتكابی قاضی پیرعباسی و ...)

۴- با مفتوح ماندن غیرقانونی پرونده «افساد فی الارض» و جانشین شدن قاضی احمدزاده به جای قاضی پیرعباسی در سال ۹۳ با توجه به این که اتهام انتسابی با قانون قدیم مطابقت نداشته و توطئه اخذ شهادت‌نامه‌های دروغین نیز با شکست مواجه می‌شود، قاضی احمدزاده اقدام به برگزاری جلسه دادگاه غیرقانونی با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲، ماده ۲۸۶ (ق.م.ا) جرم «افساد فی الارض» نموده و مبادرت به صدور حکم غیرقانونی اعدام می‌کند که طبق آراء صادره دیوان عالی محترم کشور هم به لحاظ صدور حکم با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ (نقض ماده ۱۰ ق.م.ا) و هم به لحاظ عدم تطابق با عناوین مندرج در ماده ۲۸۶ قانون فوق و هم عدم تطابق با قانون قدیم ماده ۱۸۳ تا ۱۸۸ فاقد وجهت و اعتبار قانونی بوده است (صرف نظر از سایر جرائم ارتكابی نامبرده)

۵- مجدداً قاضی احمدزاده با مستشاری آقای طیرانی به جای متابعت از آراء صادره دیوان در آذر ۹۴ و صدور رأی برائت از اتهام انتسابی، با استناد غیرقانونی دوباره به ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب ۹۲، مبادرت به صدور حکم غیرقانونی اعدام اصرار نموده که باز هم به دلایل پیش گفته، حکم غیرقانونی صادره توسط دیوان محترم در شهریور ۹۶ نقض و به منظور انشاء رأی طبق بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌شود. ضمن این که بر اساس شکایات ارائه شده، حکم‌های غیرقانونی اعدام صادره و اصرار بر این عمل مجرمانه، به

منزله اقدام به شروع قتل عمد از طریق تخطی، انحراف و سوءاستفاده از قانون بوده است (صرف نظر از سایر جرائم ارتكابی و فراهم کردن زمینه دستگیری چند صد نفر توسط نیروهای امنیتی که به عنوان اعتراض به برگزاری دادگاه‌های غیرقانونی و ... اقدام به تجمعات مسالمت‌آمیز نموده‌اند.)

۶- در ادامه این روند مجرمانه، شعبه ۱۵ به ریاست قاضی صلواتی و مستشاری قاضی احمدپور به عنوان دادگاه هم‌عرض با سرپیچی از آراء صادره دیوان مبنی بر مردود بودن اتهام وارده در آذر ۹۴ و شهریور ۹۶ و عدم تبعیت از بند ۴ قسمت ب ماده ۴۶۹ آراء دیوان و این بار با استناد غیرقانونی به تبصره ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب ۹۲، اقدام به انشاء رأی محکومیت ۵ سال حبس نموده که به دلایل فوق الذکر عملی غیرقانونی و مغرضانه بوده است. (صرف نظر از سایر جرائم ارتكابی و نقض مواد ۳، ۲۴۲، ۳۱۳، ۴۳۹ و ...)

۷- عدم ارسال پرونده اتهام انتسابی «افساد فی الارض» به دیوان عالی محترم پیرو درخواست فرجام‌خواهی اینجانب و وکلایم و ارسال غیرقانونی آن به دادگاه تجدید نظر با سوء نیت شعبه ۱۵ (در حالی که پرونده این اتهام قبلاً دو بار در دیوان عالی مورد بررسی قرار گرفته (و اتهام وارده مردود شناخته شده است) و باز هم برای بار سوم می‌بایستی به دیوان ارجاع می‌شد.)

۸- با ارجاع غیرقانونی پرونده به شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر تهران به ریاست آقای احمد زرگر و مستشاری آقای حسن بابایی و تأیید حکم غیرقانونی شعبه ۱۵ قاضی صلواتی (به شرح بند ۶) و عدم توجه به آراء صادره دیوان عالی محترم، روند خلاف قانون و مجرمانه و سازمان یافته مقامات قضایی مرتبط با پرونده اتهام انتسابی با یکدیگر ادامه یافته و حکم صادره توسط شعبه ۳۶ سند قطعی دیگری برای اثبات اعلام جرم به شرح فوق می‌باشد. بنابر این، با نگاهی اجمالی به این روند رسیدگی، غرض‌ورزی و عدم بی‌طرفی، نقض قانون، عدالت و حقوق بشر، اطاله وقت و طولانی نمودن روند دادرسی، تبانی و همدستی در ارتكاب جرائم سازمان یافته توسط مقامات قضایی مرتبط با پرونده در اقدام به ترور شخصیتی و سوء قصد به اینجانب به طرق مختلف به عنوان سند زنده نقض حقوق بشر و قانون در دادگاه انقلاب اسلامی و ... به اثبات می‌رسد که علی‌رغم ارائه شکایات متعدد، ۴ بار اقدام به خودکشی (به‌منظور امتناع از ارائه اعترافات کذب دیکته شده زوری و جلوگیری از صدمه رسیدن به خانواده‌ام به واسطه تهدید کارشناسان امنیتی ثارالله) ۱۷ بار اقدام به اعتصاب غذا در اعتراض به این روند مغرضانه و در نتیجه ۸ بار رفتن به کما ... هیچ‌گونه توجهی در جهت احقاق حقوق تضییع شده اینجانب نشده است. لذا خواهشمند است بررسی و اقدامات قانونی مقتضی در این رابطه مبذول بفرمایید.

با آرزوی توفیق الهی

محمد علی طاهری

۱۳۹۷/۵/۲۷

شکایت در شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت

۱۳۹۷/۶/۱۵

بسمه تعالی

«و الذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات به غیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثماً مبیناً»

کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمنه را به غیر چیزی که مرتکب شده‌اند آزار کنند، بهتان و گناه آشکاری را بر دوش کشیده‌اند. آیه ۵۸ سوره احزاب

ریاست محترم شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت

موضوع: پرونده کلاسه ۹۷۰۱۳۵

با سلام و احترام، پیرو شکواییه و لوائح تقدیمی پیشین این‌جانبان احمد خسروی تازه قشلاق و سید محمد زمان دریاباری به وکالت از آقای محمد علی طاهری فرزند محمد آقا به شماره ملی ۳۲۵۰۳۰۹۹۳۱ در پاسخ به گزارش ط ۱۷ - مورخ ۹۷/۰۶/۱۳ سر پرست محترم دادسرای نظارت بر محکومین و متهمین امنیتی موارد زیر را اعلام می‌دارد:

الف) اظهارات مکتوب آقای رستمی متهم ردیف نخست:

۱- در صدر گزارش گزارش ط ۱۷ - مورخ ۹۷/۰۶/۱۳ صادره از دادسرای محترم نظارت بر محکومین و متهمین امنیتی اعلام شده است: «این دایره نظارت تنها به پرونده نظارتی زندانیان که حاوی مکاتبات زندانی با این دایره، شرح ملاقات‌ها، شرح اعزام‌های مشارالیه به مراکز درمانی خارج از زندان و نیز سوابق مرخصی و ... می‌باشد، دسترسی دارد که متضمن روند ابقاء، تخفیف و تبدیل احتمالی در قرارهای تأمین کیفری و اتهامات و نوع تأمین منتهی به بازداشت متهمان نیست و از سوی مراجع بازداشت کننده نیز هیچ مکاتبه‌ای به این دایره نظارت ارسال نمی‌گردد ...»

۲- در بند یک گزارش فوق ضمن اشاره به دایره‌های نظارت بر زندانیان تهران بزرگ مستقر در زندان‌های اوین، رجایی شهر، تهران بزرگ، شهر ری، محکومان اقتصادی، امنیتی و ... اعلام شده که «فلسفه تشکیل هر دایره محدود به اظهار نظر در خصوص نهادهایی چون آزادی مشروط، تعلیق و تعویق اجرای مجازات، مرخصی، عفو، اعزام به مراکز درمانی و ... بوده است و مابقی امورات موصوف توسط شعب اجرای احکام مستقل از این دوایر انجام می‌پذیرد و پرونده‌های محاکماتی محکومان جهت اجراء و نیز نظارت بر اجرای آن از سوی محاکم مختلف نیز به آن شعب اجرای احکام ارسال می‌گردند در حالی که این اختیارات در این سرپرستی از سایر دوایر نظارت نیز بسیار کمتر بوده و تنها محدود به سرکشی و بازدید از متهمان و محکومان امنیتی و بازداشتگاه‌ها و زندان‌های محل نگهداری آنان و انعکاس درخواست‌ها و مکاتبات زندانیان موصوف به دادستان محترم ارائه شده است ... این حساسیت موجب شده است اظهار نظر در خصوص آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی محکومان امنیتی صرفاً با نظر دادستان محترم تهران صورت پذیرد ...»

۳- در بند ۲ گزارش، اشاره شده است «... نسبت به محمد علی طاهری و یا سایر زندانیان از سوی دایره نظارت بر زندانیان امنیتی ورود ماهوی، اظهار نظر قضایی، صدور قرار بازداشت موقت صادر نشده و قانون نیز اجازه چنین تصمیمی به دادیاران اجرای احکام دوایر نظارت نداده است ...»

۴- در بند ۳ گزارش اشاره شده «انتقال زندانی آقای طاهری به زندان تهران بزرگ به صورت انتقال موقت و به دستور دادستان محترم تهران و آن هم در پی پیشنهاد سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا به رعایت برخی مصالح و درخواست‌های مکرر خود زندانی دایر بر انتقال به زندان عمومی صورت پذیرفته است و واضح است که چنین انتقالی مانعیت و منافاتی با امکان آزادی متهم نداشته و به محض صدور قرار منتهی به آزادی متهم از سوی هر مرجع قضایی، بلافاصله زندان نسبت به آزادی متهم حتی در ایام تعطیل اقدام می‌کرد ...»

- ۵- در بند ۴ گزارش اعلام شده است «... اظهار نظر و تکلیف مقرر در مواد ۲۴۲ و ۳۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متوجه مقام قضایی تحقیق در دادرسی و قاضی رسیدگی کننده دادگاه می‌باشد و اقدام مرجع قضایی در راستای اعمال مواد قانونی مذکور به هیچ وجه به دوایر نظارت ابلاغ نمی‌گردد و اقدام مرجع قضایی در راستای اعمال مواد قانونی به هیچ وجه به دوایر نظارت ابلاغ نمی‌گردد بلکه مستقیماً به زندان اعلام می‌گردد...»
- ۶- در بند ۵ گزارش اعلام شده است: «... در ابلاغ صادره از سوی دادستان محترم، اختیار این سرپرستی صرفاً در خصوص سرکشی از بازداشتگاه امنیتی و انعکاس مشکلات و درخواست‌های این دسته از زندانیان به محضر دادستان محترم است که این وظیفه از سوی این دایره نظارت با درخواست‌ها و مکاتبات به محضر دادستان و یا شعبه منعکس شده است...»
- ۷- در بند ۶ گزارش آمده است: «... پر واضح است که تا کنون هیچ گونه دستور بازداشتی در خصوص زندانی مورد بحث از سوی این دایره نظارت خطاب به زندان یا بازداشتگاه صادر نشده است و بالتبع هیچ مجوز قانونی نیز برای محکومان دوایر نظارت بر زندان‌ها مبنی بر صدور دستور آزادی زندانیان وجود ندارد...»
- ۸- سرپرست دایره نظارت، در پایان نامه تاکید کرده «... آن مرجع می‌تواند در صورت نیاز به تکمیل تحقیقات و یا اطلاع از صحت مندرجات از مراجع قضایی مربوط و نیز بازداشتگاه و زندان‌های محل نگهداری زندانی استعلامات به عمل آورد...»

ب) اظهارات مکتوب آقای فرامرزی متهم ردیف دوم:

- ۹- آقای فرامرزی ریاست زندان تهران بزرگ طی نامه شماره ۲۰/۲/۱۵۶/۴۲۰۷ مورخ ۹۷/۰۶/۱۲ در پاسخ به استعلام شماره ۱۷۰۰ ط مورخ ۹۷/۵/۲۱ دایره نظارت بر متهمین و محکومین امنیتی اعلام داشته است: «... زندانی محمد علی طاهری در تاریخ ۹۷/۰۴/۱۱ به مدت یک هفته صرفاً به دستور آن سرپرستی به این ندامتگاه منتقل و در نهایت با تمدید یک هفته دیگر در مورخ ۹۷/۰۴/۲۵ به زندان اوین عودت شد...»
- ۱۰- در ادامه ریاست زندان تهران بزرگ اعلام کرده: «... به علت کوتاهی مدت حضور مشارالیه در این زندان، ارسال پرونده و وصول آن در این مدت اندک با امان نظر به مدت عرفی ارسال و وصول چنین مکاتباتی امکان پذیر نبوده و توجیهی نداشته و از طرفی نظر به عدم دسترسی این زندان به مشخصات زندانی و در نتیجه عدم ثبت انتقال موقت در سیستم ... نهایتاً ناچار به پذیرش زندانی با امان نظر به محدودیت‌های ثبتی پیش فرض سیستم پانیز و با عنایت به دستور قضایی، فقط از طریق ثبت آن تحت عنوان قرار بازداشت موقت صورت پذیرفت...»

۱۱- در بخش دیگری از مکاتبه ریاست زندان تهران بزرگ طی نامه شماره ۲۰/۲/۱۵۶/۴۲۰۷ مورخ ۹۷/۰۶/۱۲ در

پاسخ به استعلام شماره ۱۷۰۰ ط مورخ ۹۷/۵/۲۱ دایره نظارت بر متهمین و محکومین امنیتی اشاره شده: «... پذیرش این زندانی در این ندامتگاه جهت ثبت آن در سیستم پانید تحت عنوان بازداشت توسط این ندامتگاه صرفاً راهکار اداری برای این ندامتگاه جهت ثبت چنین انتقال‌هایی و محدود به این زندان بوده است و با قرار بازداشت موقت قضایی که از طریق سیستم به این ندامتگاه ارسال می‌شود بسیار متفاوت است...» و سپس افزوده است «... نسبت به زندانی موصوف نه تنها از سوی آن سرپرستی بلکه از ناحیه هیچ مرجعی قضایی دیگری خطاب به این ندامتگاه چنین قراری تا کنون واصل نگردیده است...»

ج) اظهارات مکتوب سرپرست دادسرای اوین:

۱۲- آقای امین ناصری سرپرست دادسرای اوین طی نامه شماره ۱۳۹۸/۴۰ مورخ ۹۷/۰۶/۱۲ در پاسخ به استعلام ط-۱۷ مورخ ۹۷/۰۵/۲۱ سرپرست دایره نظارت بر زندانیان امنیتی، ضمن اشاره به سوابق قضایی موکل طی پرونده کلاسه ۸۹۰۳۷۷ و بیان این که موکل ۷ مورد اتهامی داشته که در خصوص ۶ مورد حکم محکومیت در سال ۹۰ صادر شده و یک مورد افساد فی الارض نقص در تحقیقات داشته و سه مورد دیگر منع تعقیب صادر شده اشاره کرده است:

«... علی‌رغم عقیده بازپرس بر منع تعقیب متهم از اتهامات ارتداد و ساب النبى، چون بازپرس محترم رفتارهای متهم را منطبق با افساد فی الارض دانسته، از همان بدو ارسال پرونده از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به آن شعبه جهت رفع نقایص اعلامی، شعبه مذکور (سوم بازپرسی) اقدام به ابقای قرار بازداشت موقت متهم (آقای طاهری) در خصوص افساد فی الارض در تاریخ‌های ۹۴/۱۱/۱۸ و ۹۵/۱/۱۸ و ۹۵/۳/۱۸ می‌نماید. سپس پرونده را تکمیلماً به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب جهت رسیدگی مجدد به اتهام افساد فی الارض ارسال می‌دارد... با هر بار ابقای قرار بازداشت موقت توسط بازپرس محترم، شعبه سوم در خصوص اتهام افساد فی الارض، متهم به قرار مذکور اعتراض، لیکن شعب دادگاه انقلاب حسب ارجاع، ضمن رد اعتراض، قرار مذکور را تأیید نموده‌اند که آخرین مورد رد اعتراض نموده و تأیید قرار بازداشت موقت متهم در تاریخ ۹۵/۰۳/۲۹ و توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب صورت پذیرفته است...»

با تقدیم شایسته‌ترین احترامها

احمد خسروی تازه قشلاق

سید محمد زمان دریاباری

اعتراض به قرار منع تعقیب ۱۳۹۷/۶/۱۵

بسمه تعالی

رسول اکرم (ص): «من أصبح لا يهتم بأمور المسلمين فليس منهم و من سمع رجلاً ينادى يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم» «هرکس صبح کند و به امور مسلمانان همت نوردد، از آنان نیست و هرکس فریاد کمک خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست.»

ریاست محترم شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت

موضوع: اعتراض به قرار منع تعقیب صادره پرونده کلاسه ۹۷۰۱۳۵

با سلام و احترام، پیرو شکواییه و لوائح تقدیمی پیشین اینجانبان احمد خسروی تازه قشلاق و سید محمد زمان دریاباری به وکالت از آقای محمد علی طاهری فرزند محمد آقا صادره از کرمانشاه متولد ۱۳۳۵/۰۱/۰۱ در پاسخ به گزارش ط ۱۷ - مورخ ۹۷/۰۶/۱۳ سر پرست محترم دادسرای نظارت بر محکومین و متهمین امنیتی موارد زیر را اعلام می‌دارد:

همان‌گونه که مستحضرید موکل اینجانبان آقای محمد علی طاهری از سال ۱۳۸۹ به اتهامات متعدد تحت تعقیب قرار گرفته است که البته شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزایی تهران طی دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۳۱۲۴۲۰۰۱۷۵ مورخ ۸۹/۳/۱۲ از اتهامات وارده دایر بر برگزاری جلسات عرفانی بدون اخذ مجوز و ... ایشان را به جهت ارائه مستندات و مجوزها تبرئه کرد.

متعاقباً به جهت گزارش‌های اطلاعات سپاه به جهت برگزاری کلاس‌های عرفانی و ... موکل تحت پی‌گرد دادسرای امنیت (اوین) قرار گرفت و با صدور قرار بازداشت موقت از مورخ ۹۰/۲/۱۴ به صورت مستمر در بازداشتگاه

موقت بند ۲- الف زندان اوین و تحت اختیار ضابطین امنیتی بازداشت بوده است. نسبت به بعضی از جرائم مانند توهین به مقدسات و دخالت در امر پزشکی و ... از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب طی دادنامه شماره ۹۰/۵۰۲ مورخ ۱۳۹۰/۹/۸ به تحمل ۵ سال حبس محکوم و مجازات قانونی خود را تحمل و جزای نقدی آن را پرداخت کرده است. بخشی از اتهامات پرونده در خصوص افساد فی الارض نیز مفتوح ماند و به دادرسی جهت تکمیل تحقیقات ارجاع شد و متعاقب ارجاع پرونده، مرجع مذکور بدون اتکا به دلایل متقن و با استناد به فتاوی که بر اساس گزارش‌های نادرست ضابطین از مراجع تقلید اخذ شده بود، کیفرخواست صادر و به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب ارسال که در خصوص اتهام افساد فی الارض تحت کلاسه دط/ ۱۸۵۹۳/۹۰ بار اول توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به موجب دادنامه شماره ۹۴/۱۶/۲۶ مورخ ۱۳۹۴/۵/۴ حکم اعدام صادر که این حکم طی دادنامه شماره ۱۰۵۸/۹۴ مورخ ۹۴/۹/۴ شعبه ۳۳ نقض و جهت رفع نقص به دادگاه مذکور ارجاع و مجدداً شعبه ۲۶ طی دادنامه شماره ۹۶/۶۲/۲۶ مورخ ۱۳۹۶/۵/۶ حکم اعدام صادر و این بار نیز طی دادنامه ۹۶۰۹۹۱۰۹۱۰۶۰۰۸۲۶ مورخ ۹۶۰۹۹۱۰۹۱۰۶۰۰۸۲۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۰۳ شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور حکم اعدام نقض و پرونده در نهایت پرونده به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به عنوان شعبه هم عرض ارجاع شد. در نهایت شعبه‌ی مذکور با اصرار خلاف وجه بر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، بدون توجه به استدلال‌ات شعبه ۳۳ دیوان که متضمن عدم وجاهت استناد به مقررات مؤخرالتصویب سال ۹۲ در زمان دستگیری موکل (۱۳۹۰) می‌باشد، طی دادنامه شماره ۱۵/ش/۳۸۷۰/۹۶ مورخ ۹۶/۱۲/۷ حکم محکومیت به تحمل ۵ سال حبس موکل به جهت افساد فی الارض را صادر و متعاقب فرجام خواهی، پرونده به جای ارجاع به دیوان عالی کشور، به دادگاه تجدید نظر (شعبه ۳۶) ارجاع شد که در مقام رسیدگی مجدد به دادنامه شعبه ۱۵ انقلاب با عنوان اتهامی ارتداد، ساب النبئی، اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در گروه چریک‌های فدایی خلق و ... آن هم استناد به تبصره ماده ۲۸۶ در مورخ ۹۷/۵/۲۷ بر خلاف موازین شرعی و قانونی طی دادنامه ۳۷۲-۲۲۳۶-۹۷۰۹۹۷-۹۷ تاریخ ۹۷/۵/۲۴ رأی صادر کرد در حالی بود که در خصوص اتهام‌های اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی از طریق عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق و ترور افراد و تهدید به قتل و ارتداد و سب النبئی (ص)، قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ صادر شده بود که نسبت به این حکم از حیث عدم انطباق رأی دادگاه تجدید نظر با عناوین اتهامی دادگاه بدوی و عدول از قاعده اعتبار امر مختومه (با انتساب مجدد اتهام‌های مذکور که قرار منع تعقیب قطعی به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ از شعبه سوم دادرسی اوین صادر شده)، با اعلام این که به قاعده قانونی و شرعی عطف به ما سبق نشدن قوانین و نیز اصل قانونی بودن جرم و مجازات و جرم انگاری اقدامات موکل با وجود فقد عناصر سه گانه توجیهی نشده در خواست اعاده دادرسی به شماره ۹۶۰۹۹۸۰۲۷۶۲۰۰۴۰۶ مورخ ۹۷/۵/۲۹ مطرح و در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور طی پرونده کلاسه ۹۷۰۴۱۹ ثبت و در شرف رسیدگی است.

۲- موکل مدت‌ها تحت بازداشت غیرقانونی بوده‌اند زیرا که با انقضای مدت بازداشت موکل در مورخ ۹۵/۳/۱۸، دیگر قرار بازداشتی برای ایشان صادر نشده و حتی با انقضای مدت بازداشت موضوع ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری (دو سال) در تاریخ ۹۶/۱۱/۱۸، همچنان از آزادی وی خودداری و به نوعی از اصل ۳۲ قانون اساسی نیز عدول شده است این در حالی است که به موجب نامه شماره ۱۴۹۵۳۷۶/۱۳۹۷۱۶۸۰۰ مورخ ۰۵/۲۴/۹۷ دادیار شعبه اول اجرای احکام شهید مقدس محکومیت حبس موکل در تاریخ ۹۴/۱۱/۱۸ پایان یافته اعلام و پرونده موکل در آن دادسرا مختومه شده است. شرح مصایبی که بر موکل در طول این سالیان روا داشته شده را ایشان به موجب شکواییه‌های سه گانه‌ای عنوان کمیسیون اصل ۹۰ مجلس تقدیم کرده که نسخه‌ای از آن طی لایحه پیشین به پیوست تقدیم گردید.

۱- دبی‌چپه: موازین داخلی و بین‌المللی حمایت از حقوق و آزادی‌های زندانیان:

به استناد بند ۶ اصل‌های دوم، نوزدهم و بیستم و به ویژه اصول متضمن حقوق ملت (فصل سوم قانون اساسی) هیچ گونه منع و تمایزی در بهره‌مندی از برخی حقوق اساسی نظیر حق احترام به کرامت انسانی، بین زندانیان و سایر اقلیت وجود ندارد و از این حیث حقوق آن‌ها به طور مساوی با سایر افراد تضمین شده است، اصل سی و نهم قانون اساسی مقرر نموده: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» ضمانت اجرای این اصل قانون اساسی را نیز به صورت کلی در ماده ۵۷۰ ق.م.ا. می‌توان یافت که در آن سلب حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، موجب انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی و حبس از دو ماه تا سه سال خواهد بود. قانون سازمان زندان‌ها و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۴ و همچنین دستورالعمل کاهش جمعیت کیفری زندانیان مصوب ۱۳۹۵ ریاست محترم قوه قضاییه از موارد دیگر موازین حقوقی زندانیان است. از موازین بین‌المللی، می‌توان به اعلامیه «اصول اساسی رفتار با زندانیان» مصوب چهاردهم دسامبر ۱۹۹۰ که طی قطعنامه شماره ۴۵ / ۱۱۱ به تصویب هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است و نیز قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان مصوب اولین کنفرانس سازمان ملل برای پیشگیری از جرایم و رفتار با مجرمان (۱۹۵۵) و قطعنامه شماره ۱۰ درباره وضعیت زندانیان و قطعنامه شماره ۱۷ درباره حقوق بشر زندانیان مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل برای پیش‌گیری از جرایم و رفتار با مجرمان اشاره کرد. به استناد ماده یک اعلامیه «اصول اساسی رفتار با زندانیان»، «باید با تمامی زندانیان با احترام به «کرامت ذاتی» و ارزش آن‌ها به عنوان افراد انسانی، رفتار گردد» همچنین وفق ماده دوم اعلامیه مذکور «هیچ گونه تبعیضی بر اساس نژاد، رنگ، جنس،

زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره، ریشه‌های ملی و اجتماعی، اموال، تولد و دیگر وضعیت‌ها وجود نخواهد داشت.»

الف) پاسخ به اظهارات مکتوب آقای رستمی متهم ردیف نخست:

در صدر گزارش گزارش ط ۱۷ - مورخ ۹۷/۰۶/۱۳ صادره از دادسرای محترم نظارت بر محکومین و متهمین امنیتی اعلام شده است: «این دایره نظارت تنها به پرونده نظارتی زندانیان که حاوی مکاتبات زندانی با این دایره، شرح ملاقات‌ها، شرح اعزام‌های مشارالیه به مراکز درمانی خارج از زندان و نیز سوابق مرخصی و ... می‌باشد، دسترسی دارد که متضمن روند ابقاء، تخفیف و تبدیل احتمالی در قرارهای تأمین کیفری و اتهامات و نوع تأمین منتهی به بازداشت متهمان نیست و از سوی مراجع بازداشت کننده نیز هیچ مکاتبه‌ای به این دایره نظارت ارسال نمی‌گردد ...»

در پاسخ گفتنی است:

۱-۱- دادیار ناظر زندان به عنوان قاضی دادسرا و مستقر در دادسراست اما باید مطابق آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و «مفاد ماده ۲۱ دستورالعمل سازماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها» به صورت مرتب و مستمر در زندان‌ها حضور یابد و به مشکلات زندانیان رسیدگی کند. لیکن با هماهنگی بعمل آمده با اداره کل زندان‌ها دادیار ناظر زندان در داخل زندان مستقر بوده و به مشکلات قضایی زندان‌ها رسیدگی می‌نماید.^{۱۲}

رسیدگی به مشکل زندانیان به ویژه مشکلات قضایی آنان از قبیل ادعای عدم پذیرش تأمین توسط قضات دادسرا، طولانی شدن ایام بازداشت، داشتن ادله و اسناد لازم در خصوص عدم توجه اتهام، طولانی شدن فرآیند رسیدگی در دادسرا، محاکم بدوی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور و ... را بررسی کند. همچنین انعکاس مشکلات به مقامات قضایی ذی‌ربط وفق دستورالعمل سازماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها) از وظایف قاضی ناظر زندان است. ضمناً حضور مستمر در شورای طبقه بندی زندان حداقل هفته‌ای یک‌بار و اظهارنظر

۱۲. ماده ۲۱ - دادستان‌ها، رؤسای حوزه‌های قضایی بخش و قضات اجرای احکام کیفری در اجرای وظایف محوله در آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و این دستورالعمل موظفند به صورت مرتب و مستمر در زندان‌ها حضور یافته و مشکلات زندانیان از جمله مشکلات قضایی آنان از قبیل ادعای عدم پذیرش تأمین توسط قضات مراجع قضایی، طولانی شدن ایام بازداشت و بلا تکلیف ماندن، داشتن ادله و اسناد لازم در خصوص عدم توجه اتهام، طولانی شدن فرآیند رسیدگی در مراجع قضایی از قبیل دادسرا، محاکم بدوی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را بررسی نموده و با انعکاس آن به مقامات قضایی ذی‌ربط موضوع را تا حصول نتیجه پی‌گیری نمایند.

درخصوص درخواست مرخصی، آزادی مشروط و عفو زندانیان واجد شرایط طبق از دیگر وظایف قاضی ناظر زندان است و آن چه مشتکی عنه محترم اشاره کرده متکی به دلایل قانونی نیست.

۱-۲- آقای فرامرزی ریاست زندان تهران بزرگ طی نامه شماره ۲۰/۲/۱۵۶/۴۲۰۷ مورخ ۹۷/۰۶/۱۲ در پاسخ به استعلام شماره ۱۷۰۰ ط مورخ ۹۷/۵/۲۱ دایره نظارت بر متهمین و محکومین امنیتی اعلام داشته است:

«... زندانی محمد علی طاهری در تاریخ ۹۷/۰۴/۱۱ به مدت یک هفته صرفاً به دستور آن سرپرستی به این ندامتگاه منتقل و در نهایت با تمدید یک هفته دیگر در مورخ ۹۷/۰۴/۲۵ به زندان اوین عودت شد ...»

اگر مشتکی عنه ردیف نخست دسترسی به قرار بازداشت موقت موکل و یا فرایند پرونده محاکماتی موکل نداشته‌اند، چگونه است که دستور انتقال آقای محمد علی طاهری را حسب اعلام مشتکی عنه ردیف دوم صادر کرده‌اند.

در این میان کدام یک از اظهارات مشتکی عنهم منطبق با واقعیت است؟

۱-۳- استنادی که مشتکی عنه ردیف یکم به شرح وظایف خود کرده‌اند صرفاً متکی به خود اظهاری است و هیچ دلیل و مدرکی که شرح وظایف مقام قضایی شاغل در سمت سرپرستی ناظر بر زندانیان امنیتی چنان باشد نیست و اگر هم بپذیریم که مسئولیت و خیطه اختیارات یک مقام قضایی در حد یک مقام اداری به همان وظایف خود اظهار کرده ایشان تنزل یافته است، بنابراین دستور انتقال موکل به زندان تهران بزرگ حسب اظهار ریاست آن زندان چه توجیه قانونی دارد؟^{۱۳}

۱۳. ماده ۴۵ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ در خصوص برخی از وظایف قاضی ناظر زندان که مشتکی عنه محترم جناب آقای رستمی نیز از مصادیق آن است مقرر می‌دارد: «افزون بر نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به زندان‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و سایر وظایفی که به موجب مقررات بر عهده قاضیان ناظر زندان گذارده شده است. برخی از وظایف آنان با رعایت مقررات این آیین‌نامه عبارت است از:

۱- اعمال نظارت بر امور محکومان از حیث پیشبرد اهداف بازپرورانه و اتخاذ تدابیر مناسب به منظور فردی سازی هر چه بیشتر کشورها

۲- شرکت در شورای طبقه‌بندی، ملاحظه پرونده شخصیت محکوم و اتخاذ تصمیم در مورد شیوه اعمال کیفر

۳- اعلام تخلف‌های آیین‌نامه‌ای و قانون محکومان و متهمان به مراجع قضایی مربوط، در مواردی که متضمن جرم باشند.

۴- صدور مجوز به منظور ملاقات نمایندگان سیاسی و کنسولی اتباع خارجی که در حال تحمل کیفر یا بازداشتند.

موکل مکاتبات متعددی با دادیار ناظر بر زندانیان امنیتی آقای رستمی داشته و نسبت به وضعیت خود اعتراض داشته است. مشتکی عنه ردیف یکم مکاتبات متعددی نیز با داستان تهران داشته و وضعیت موکل را شرح داده است.

هم‌چنین به استناد ماده ۸ دستورالعمل کاهش جمعیت کیفری زندانیان مصوب ۱۳۹۵، «با رعایت مفاد ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری، ضرورت دارد ترتیبی اتخاذ گردد تا هرگاه علت بازداشت متهم مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، فوراً زمینه برای فک قرار بازداشت و یا تبدیل آن فراهم گردد.»

ضمناً به استناد ماده ۵ اعلامیه اصول اساسی زندانیان «صرف نظر از محدودیت‌های ناشی از مسأله بازداشت، تمامی زندانیان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های اختیاری آن و دیگر حقوق مندرج در اسناد ملل متحد برخوردار خواهند بود» باز پرس محترم مستحضرنند که وفق ماده ۹ قانون مدنی عهدنامه‌های بین‌المللی که ایران به آن ملحق می‌گردد در حکم قانون است و ایران به مفاد آن پیوسته و در نتیجه لازم الاجراست.

این در حالی است که مشتکی عنه دلیل و مدرکی که ثابت کند به شرح وظایف قانونی خود در قبال موکل عمل کرده و یا تخطی از موارد گفته شده نکرده ارائه نکرده است.

در بند یک گزارش فوق مشتکی عنه ضمن اشاره به دایره‌های نظارت بر زندانیان تهران بزرگ مستقر در زندان‌های اوین، رجایی شهر، تهران بزرگ، شهر ری، محکومان اقتصادی، امنیتی و ... اعلام شده که «فلسفه تشکیل هر دایره محدود به اظهار نظر در خصوص نهادهایی چون آزادی مشروط، تعلیق و تعویق اجرای مجازات،

-
- ۵- اعطای مرخصی به محکومان با ملاحظه پیشرفت‌های بازپرورانه و مقرات آیین‌نامه
 - ۶- مطالعه پرونده افراد تحت قرار بازداشت موقت یا کسب اطلاع از پرونده آنان به وسیله دفتر حمایت از حقوق شهروندی سازمان یا طرف دیگر و اعلام مراتب گذشت مدت‌های قانونی موضوع بند ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸) صرفاً جهت اطلاع به مراجع یاد شده
 - ۷- صدور مجوز قانونی به منظور ملاقات و کیلان و مشاوران حقوقی با موکلان خود
 - ۸- برگزاری جلسه‌های هفتگی پرسش و پاسخ با محکومان و متهمان به منظور حل مشکلات قانونی برآمده از نحوه اجرای کیفرها و پاسخگویی به مشکلات حقوقی آنان

مرخصی، عفو، اعزام به مراکز درمانی و ... بوده است و مابقی امورات موصوف توسط شعب اجرای احکام مستقل از این دواير انجام می‌پذیرد و پرونده‌های محاکماتی محکومان جهت اجراء و نیز نظارت بر اجرای آن از سوی محاکم مختلف نیز به آن شعب اجرای احکام ارسال می‌گردند در حالی که این اختیارات در این سرپرستی از سایر دواير نظارت نیز بسیار کمتر بوده و تنها محدود به سرکشی و بازدید از متهمان و محکومان امنیتی و بازداشتگاه‌ها و زندان‌های محل نگهداری آنان و انعکاس درخواست‌ها و مکاتبات زندانیان موصوف به دادستان محترم ارائه شده است ... این حساسیت موجب شده است اظهار نظر در خصوص آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی محکومان امنیتی صرفاً با نظر دادستان محترم تهران صورت پذیرد ...»

در پاسخ گفتنی است:

۲-۱- صرفنظر از این که هم اکنون انتساب اتهام ذیل تبصره ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب بر اعمال انتسابی به موکل که ماهیتاً از سوی دیوان عالی کشور نیز سالبه به انتفای موضوع قلمداد شده است عنوان امنیتی ندارد، وفق ماده ۳۰ دستورالعمل کاهش جمعیت زندانیان مصوب ۱۳۹۵، تفاوتی میان زندانیان امنیتی و غیر امنیتی در برخورداری از نهادهای ارفاقی و قانونی وجود ندارد.^۴ همچنین طبق ماده ۲۷ دستورالعمل مذکور، علاوه بر رؤسای کل دادگستری‌ها، رؤسای سازمان‌ها، نهادها و واحدهای تابعه قوه قضاییه، از جمله زندان‌ها که وظیفه اجرای برخی از مفاد دستورالعمل بر عهده سازمان متبوع آنان می‌باشد نیز پی‌گیری‌های لازم را به‌منظور اجرای دقیق آن‌ها به عمل آورند .

همچنین بر اساس ماده ۱۳ همان دستورالعمل، «با توجه به تغییر شرایط آزادی مشروط در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رؤسای زندان‌ها موظفند با بررسی اخلاق، حالات و رفتار زندانیان در دوران تحمل حبس،

۱۴ رؤسای کل دادگستری‌ها مکلفند قضاتی را که در قرارهای تأمین و مجازات‌ها با رعایت قوانین و مقررات، از صدور قرار منجر به بازداشت و صدور حکم حبس، حتی الامکان کمتر استفاده کرده و از سایر مجازات‌های جایگزین حبس بهره می‌گیرند، همچنین دادستان‌ها و قضات اجرای احکام کیفری که وفق قوانین و مفاد این دستورالعمل در جهت کاهش جمعیت کیفری تلاش می‌نمایند، به نحو مناسبی تشویق و پاداشی برای آنان در نظر گیرد. همچنین، رؤسای کل دادگستری‌ها مکلفند در مورد قضاتی که عدم نظارت مرتب و مستمر آن‌ها نسبت به زندانیان، منجر به حبس غیر قانونی افراد از قبیل حبس پس از اتمام مدت قانونی، می‌شود، مراتب را به دادستانی کل کشور اعلام و جهت اعمال مجازات‌های قانونی به دادرسی انتظامی قضات معرفی نمایند.

درخواست آزادی مشروط زندانیان واجد شرایط را به اجرای احکام دادسرا ارسال نمایند. بررسی درخواست مذکور در اجرای احکام و رسیدگی به آن در دادگاه با قید فوریت و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. دادستان‌ها فرآیند آزادی مشروط را نظارت و پی‌گیری نمایند.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید استناد مشتکی عنه به این که «اظهار نظر در خصوص آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی محکومان امنیتی صرفاً با نظر دادستان محترم تهران صورت پذیرد ...» محلی از اعراب ندارد و اساساً اظهار نظر در این موارد توجهی به شکواییه مطروحه به طرفیت متهم ندارد.

در بند ۲ گزارش، اشاره شده است «... نسبت به محمد علی طاهری و یا سایر زندانیان از سوی دایره نظارت بر زندانیان امنیتی ورود ماهوی، اظهار نظر قضایی، صدور قرار بازداشت موقت صادر نشده و قانون نیز اجازه چنین تصمیمی به دادیاران اجرای احکام دوایر نظارت نداده است ...» هم‌چنین در بند ۶ گزارش تکرار شده است:

«... پر واضح است که تا کنون هیچ‌گونه دستور بازداشتی در خصوص زندانی مورد بحث از سوی این دایره نظارت خطاب به زندان یا بازداشتگاه صادر نشده است و بالتبع هیچ‌مجاز قانونی نیز برای محکومان دوایر نظارت بر زندان‌ها مبنی بر صدور دستور آزادی زندانیان وجود ندارد ...»

در پاسخ گفتنی است:

۳-۱- اظهار من الشمس است که قانون نیز اجازه صدور قرار بازداشت موقت به دادیاران اجرای احکام دوایر نظارت نداده است ... علت اصلی شکواییه مطروحه به طرفیت مشتکی عنهم بر این مقدمه استوار بود که برابر ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری برای کلیه اتهامات موکل می‌بایست یک قرار تأمین صادر می‌شد و برای موکل نیز در مورخ ۹۰/۲/۱۴ قرار بازداشت صادر شده و یک فقره حکم محکومیت قطعی ۵ سال حبس را به استناد حکم محکومیت صادره در سال ۹۰ از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب گذرانده است. با انقضای مدت بازداشت موکل در مورخ ۹۵/۳/۱۸، دیگر قرار بازداشتی برای ایشان صادر نشده و حتی با انقضای مدت بازداشت موضوع ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری (دو سال) در تاریخ ۹۶/۱۱/۱۸، همچنان از آزادی وی خودداری و به نوعی از اصل ۳۲ قانون اساسی نیز عدول شده است. ضمناً محاکم بدوی و تجدید نظر، نه تنها اقدام به صدور قرار تأمین مناسب وفق مواد ۳۳۷ و ۴۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری نکرده‌اند بلکه مدت بازداشت قبلی هفت ساله و نزدیک به هشت ماهه موکل را به هنگام صدور حکم وفق ماده ۲۷ ق.م.ا ملحوظ نکرده‌اند و قاضی ناظر بر امور زندانیان امنیتی که حسب وظایف محوله قانونی می‌بایست بر این امور اشراف داشته باشد نه تنها حقوق قانونی موکل را پی‌گیری نکرده است حتی حسب اظهار کتبی سرپرست زندان تهران بزرگ اقدام به نقل و انتقال موکل با استناد

به قرار بازداشت موقت موهوم صدور ۹۷/۰۴/۱۱ کرده است که قویا از سوی سرپرست دادسرای اوین و نیز بازپرسی شعب سوم و پنجم آن سرپرستی تکذیب شده است.^{۱۵} و متأسفانه مشتکی عنه به عنوان قاضی ناظر بر زندانیان امنیتی هیچ توجهی به درخواست‌های مکرر موکل که پیوست شکواییه تقدیم شده، وفق ماده ۲۷ دستورالعمل کاهش جمعیت کیفری نکرده است. از این‌ها ناگوارتر تخطی مشتکی عنه ردیف دوم از مفاد ماده ۵۷۳ قانون مجازات (پذیرش زندانی بدون قرار بازداشت و استفاده از قرار موهوم و مجعول و دست کاری در سیستم پذیرش بوده است)

۳-۲- بازپرس محترم شعب سوم دادسرای ناحیه ۳۳ طی مکاتبه به شماره ب ۹۱۰۱۱۶/۳ مورخ ۹۷/۴/۲۷ با سرپرست دادسرای اوین، ضمن تصریح به صدور قرار منع تعقیب، به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ و تاییدیه معاونت دادستان، مضبوط در پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ (بایگانی ۹۱۰۱۱۶) بابت ارتداد، ساب النبی، اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، صدور هرگونه قرار بازداشت موقت به تاریخ ۹۷/۴/۱۱ را با توجه به اعلام بازپرس شعبه پنجم ناحیه ۳۳ تکذیب و انکار کرده‌اند و همچنین سرپرست دادسرای ناحیه ۳۳ نیز به موجب نامه شماره ۱۰۲۰/۲۴۰ مورخ ۹۷/۰۴/۲۷ مکاتبه مذکور تصریح کرده‌اند «در حال حاضر پرونده مفتوح در این دادسرا ندارد و هیچ گونه قراری نیز از این دادسرا صادر نشده است ...»

در ادامه افزوده‌اند «حسب دستور آقای رستمی ... به مدت دو هفته به آن زندان، اعزام شده ... لذا جهت اطمینان از زندان تهران بزرگ و جناب رستمی استعلام نمایید.»

۳-۳- با این وصف موکل، بدون وجود پرونده مفتوح در دادسرای اوین، از بند ۲- الف اوین به نامتگاه تهران بزرگ (تیپ ۴ اندرزگاه ۲ واحد ۴) و در بین محکومین قطعی و معتادان و بیماران مبتلا به HIV، هیاتیت، گال و

۱۵. ماده ۲۱ دستورالعمل کاهش جمعیت کیفری زندانیان مقرر می‌دارد: «دادستان‌ها، رؤسای حوزه‌های قضایی بخش و قضات اجرای احکام کیفری در اجرای وظایف محوله در آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و این دستورالعمل موظفند به‌صورت مرتب و مستمر در زندان‌ها حضور یافته و مشکلات زندانیان از جمله مشکلات قضایی آنان از قبیل ادعای عدم پذیرش تأمین توسط قضات مراجع قضایی، طولانی شدن ایام بازداشت و بالاتکلیف ماندن، داشتن ادله و اسناد لازم در خصوص عدم توجه اتهام، طولانی شدن فرایند رسیدگی در مراجع قضایی از قبیل دادسرا، محاکم‌بدوی، تجدید نظر و دیوانعالی کشور را بررسی نموده و با انعکاس آن به مقامات قضایی ذی‌ربط موضوع را تا حصول نتیجه پی‌گیری نمایند.»

... به نحو غیرقانونی و حتی بر خلاف ماده ۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ منتقل شده است و سپس بار دیگر در مورخ ۹۷/۰۴/۲۵ تحت تدابیر ویژه و بدون اطلاع به خانواده اش از زندان مرکزی تهران بزرگ به بند ۲- الف منتقل شده‌اند و از مورخ سوم مردادماه نود و هفت به بند هشت سالن هفت اتاق ششم زندان اوین (بخش عمومی) منتقل شده‌اند.

همه این موارد (سرگردانی موکل میان دو زندان اوین و تهران بزرگ و بازداشت غیرقانونی بدون آن که هیچ قرار بازداشت موقتی در تاریخ اعزام وی به زندان تهران بزرگ صادر شده باشد) از حیث عدم اعمال نظارت مقامات قضایی ذی‌صلاح وفق قانون نظارت بر رفتار قضات در زمانی بوده که پرونده موکل و شخص ایشان تحت تصدی و نظارت مشتکی عنهم به ویژه دادیار ناظر بر زندانبان امنیتی (آقای رستمی) بوده است.

در بند ۳ گزارش اشاره شده «انتقال زندانی آقای طاهری به زندان تهران بزرگ به صورت انتقال موقت و به دستور دادستان محترم تهران و آن هم در پی پیشنهاد سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا به رعایت برخی مصالح و درخواست‌های مکرر خود زندانی دایر بر انتقال به زندان عمومی صورت پذیرفته است و واضح است که چنین انتقالی مانعیت و منافاتی با امکان آزادی متهم نداشته و به محض صدور قرار منتهی به آزادی متهم از سوی هر مرجع قضایی، بلافاصله زندان نسبت به آزادی متهم حتی در ایام تعطیل اقدام می‌کرد...»

در پاسخ گفتنی است:

۴-۱- آن چه مشتکی عنه محترم ادعا کرده‌اند متکی به دلیل قانونی نیست. البینه علی المدعی و دستور دادستان محترم و یا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از سوی مشتکی عنه به عنوان معاذیر اداری عمل خویش عنوان کرده در پرونده مضبوط نیست.

۱۶. به استناد ماده ۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها «بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آن‌جا معرفی می‌شوند.

تبصره ۱: تا هنگامی که بازداشتگاه‌های موضوع این ماده ایجاد نشده است، در زندان محل جداگانه‌ی طبقه بندی شده‌ای برای نگهداری متهمان تحت قرار در نظر گرفته می‌شود و نگهداری متهمان با محکومان در یک مکان ممنوع است.

تبصره ۲: با اجرای طرح ساماندهی منطقه‌ای زندان‌های کشور، که از سوی سازمان تعیین و ابلاغ می‌شود می‌توان محکومان به حبس‌های کوتاه مدت تا ۶ ماه را در بازداشتگاه نگهداری کرد.»

۴-۲- امر آمر قانونی در جایی است که آمر مافوق مأمور باشد که در خصوص سازمان اطلاعات سپاه دست کم این موضوع منتفی است. در خصوص دادستان نیز دستور نقل و انتقال باید متکی بر قانون باشد و هیچ مقامی حق اقدامات فرا قانونی را وفق اصل ۴۰ و ۳۲ قانون اساسی و نیز ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی نسبت به اشخاص از جمله زندانیان بی پناه که فقط به خداوند بزرگ پشت گرم هستند ندارد.

۴-۳- رعایت کدام مصالح موجب انتقال موکل به زندان تهران بزرگ شده است؟ دو بار حکم اعدام موکل از سوی دیوان عالی کشور نقض شده است و ثابت شده که کلیه اتهامات منتسب به موکل در خصوص افساد فی الارض وفق گزارش‌های ثارالله فاقد حجیت عقلی و شرعی و قانونی بوده است. ضمناً دلیل و مستندی که نشانگر درخواست موکل جهت انتقال به زندان تهران باشد در پرونده مضبوط نیست.

در بند ۴ گزارش اعلام شده است «... اظهار نظر و تکلیف مقرر در مواد ۲۴۲ و ۳۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متوجه مقام قضایی تحقیق در دادسرا و قاضی رسیدگی کننده دادگاه می‌باشد و اقدام مرجع قضایی در راستای اعمال مواد قانونی مذکور به هیچ وجه به دوایر نظارت ابلاغ نمی‌گردد بلکه مستقیماً به زندان اعلام می‌گردد...»

هم‌چنین در بند ۵ گزارش اعلام شده است: «... در ابلاغ صادره از سوی دادستان محترم، اختیار این سرپرستی صرفاً در خصوص سرکشی از بازداشتگاه امنیتی و انعکاس مشکلات و درخواست‌های این دسته از زندانیان به محضر دادستان محترم است که این وظیفه از سوی این دایره نظارت با درخواست‌ها و مکاتبات به محضر دادستان و یا شعبه منعکس شده است...»

در پایان نیز سرپرست دایره نظارت، در پایان نامه تاکید کرده «... آن مرجع می‌تواند در صورت نیاز به تکمیل تحقیقات و یا اطلاع از صحت مندرجات از مراجع قضایی مربوط و نیز بازداشتگاه و زندان‌های محل نگهداری زندانی استعلامات به عمل آورد...»

در پاسخ گفتنی است:

به موجب ماده ۲۰ دستورالعمل کاهش جمعیت کیفری زندانیان، قضات اجرای احکام کیفری مطابق مفاد مواد ۴۸۹، ۵۰۲، ۵۵۲ و ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ و وظایفی از قبیل نظارت بر امور زندانیان، اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط، پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های جسمی و روانی

و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه و پیشنهاد کاهش مدت تعلیق اجرای مجازات محکومین را بر عهده داشته و مکلفند با بررسی پرونده‌ها در اسرع وقت اقدام مقتضی را معمول دارند. در خصوص بیماران مذکور، فهرست آنان ماهانه توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه و جهت اخذ نظر پزشکی قانونی به قاضی اجرای احکام اعلام می‌گردد. اظهار نظر پزشکی قانونی در این خصوص با توجه به وضعیت زندانی باید صریح و روشن باشد.

هم‌چنین به استناد ماده ۵ آیین نامه اجرایی بازداشتگاه‌های موقت متهمان موضوع ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴، مصوب تاریخ ۱۳۸۵/۸/۳۰، قاضی ناظر در بازداشتگاه‌ها از میان قضات مجرب دادگستری محل به انتخاب دادستان حوزه قضائی مربوطه انتخاب شده و دارای وظائفی به شرح زیر می‌باشد:

۱- نظارت بر وضعیت قضائی متهمان و اقدام لازم به منظور تسریع در آزادی آنان.

۲- صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه برای متهمان در غیر موارد دسترسی به مرجع بازداشت‌کننده به میزانی که از طرف مراجع قضائی مذکور تعیین شده است و اعلام مراتب به آن مراجع.

۳- معاضدت قضائی متهمان.

۴- انجام سایر وظائف پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه و دیگر مقررات مربوط.

از سوی دیگر متأسفانه مشتکی عنه ردیف یکم به تکلیف قانونی ماده ۲۴۳ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ نیز عمل نکرده است.^{۱۷}

۱۷. «اجرای احکام زندان مکلف است یک هفته قبل از پایان مدت محکومیت محکومان به پرونده آنان به دقت رسیدگی نموده و برگ آزادی صادر و به رییس زندان اعلام و تسلیم نماید. رییس زندان یا جانشین او نیز وظیفه دارد پرونده محکومانی را که به حکم مراجع قضایی یا در انقضای مدت محکومیت باید از زندان آزاد شوند بررسی نموده و بدون وقفه و تأخیر نسبت به آزادی آنان بر اساس سابقه و دستور رسیده اقدام نماید. تبصره - زمان آزادی محکوم باید به‌وسیله رییس زندان بطور کتبی به قاضی صادرکننده حکم اعلام گردد.»

این در حالی است که به موجب نامه شماره ۱۳۹۷۱۶۸۰۰۱۴۹۵۳۷۶ مورخ ۹۷/۰۵/۲۴ دادیار شعبه اول اجرای احکام شهید مقدس محکومیت حبس موکل در تاریخ ۹۴/۱۱/۱۸ پایان یافته اعلام و پرونده موکل در آن دادسرا مختومه شده است.

موکل به موجب مکاتبات متعدد با مشتکی عنه ردیف یکم موضوع بازداشت غیرقانونی خود را متذکر شده است اما ایشان بر خلاف ماده ۵۹۷ از رسیدگی به تظلم وی خودداری کرده و نیز با صدور دستور غیرقانونی و بر خلاف حیطة اختیارات به رییس زندان تهران بزرگ، دامنه اقدامات غیرقانونی خود را توسعه داده‌اند که در شکواییه تقدیمی و صورتجلسات تنظیمی موارد به تفصیل اعلام شده است

ب) پاسخ به اظهارات مکتوب آقای فرامرزی متهم ردیف دوم:

آقای فرامرزی ریاست زندان تهران بزرگ طی نامه شماره ۲۰/۲/۱۵۶/۴۲۰۷ مورخ ۹۷/۰۶/۱۲ در پاسخ به استعلام شماره ۱۷۰۰ ط مورخ ۹۷/۵/۲۱ دایره نظارت بر متهمین و محکومین امنیتی اعلام داشته است:

«... زندانی محمد علی طاهری در تاریخ ۹۷/۰۴/۱۱ به مدت یک هفته صرفاً به دستور آن سرپرستی به این ندامتگاه منتقل و در نهایت با تمدید یک هفته دیگر در مورخ ۹۷/۰۴/۲۵ به زندان اوین عودت شد ...»

در پاسخ گفتنی است:

وفق ماده ۵۷۳ قانون مجازات اسلامی پذیرش زندانی می‌بایست با برگ بازداشت معتبر از سوی مقام قضایی انجام پذیرد. به استناد ماده ۴۸ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۸۴ نیز بر همین موضوع تأکید داشته و رییس زندان را مکلف می‌کند که بدون برگ بازداشت صادره از مقام قضایی شخصی را بازداشت نکند.^{۱۸}

۱۸. «پذیرش از هنگامی آغاز می‌گردد که متهم یا محکوم به موجب برگ رسمی به امضا و مهر مقام قضایی صادر کننده قرار یا حکم، متضمن مشخصات کامل متهم یا محکوم (شهرت، نام، نام پدر، سن، شماره شناسنامه، شماره ملی، کد پستی، شغل، نوع جرم و اتهام یا محکومیت، نوع و میزان مجازات، شماره قرار یا حکم، تاریخ شروع بازداشت) به وسیله مأمور شناخته شده قبلی که باید کارت شناخت شناسایی رسمی ملصق به عکس خود را ارائه دهد به مراکز حرفه آموزی و اشتغال، بازداشتگاه زندان یا سایر مراکز وابسته تحویل می‌گردد.

تبصره - عدم ذکر نام و نام خانوادگی، نام پدر، نوع اتهام، شماره قرار و نیز عدم مهر و امضای مقام قضایی و قانونی موجب عدم پذیرش فرد خواهد بود مگر در مواردی که به ولگردی یا بی‌هویتی و امثال آن تصریح گردد که در این صورت زندان و مرجع قضایی بایستی به هر نحو ممکن مشخصات دقیق وی را به دست آورده و در سوابق ثبت کند.

با توجه به مراتب فوق، ضرورت دارد تا مشتکی عنه ردیف دوم دلایل و مستندات را که ثابت کننده معرفی موکل به موجب برگ رسمی به امضا و مهر مقام قضایی صادر کننده قرار یا حکم، متضمن مشخصات کامل متهم یا محکوم می‌باشد به آن بازپرسی محترم تقدیم کند که متأسفانه مدارک و مستندات در این خصوص در پرونده مشاهده نشد.

افزون بر این، به استناد ماده ۵۹ آیین‌نامه مذکور «هنگام انتقال محکوم یا متهم به زندان دیگر باید تشریفات تحویل و تحول و بسته‌بندی لوازم و اشیاء دیگر او با تنظیم صورتمجلس و ثبت مراتب در دفتر نگهبانی و انبار به طور کامل انجام شده و یک نسخه از صورت‌مجلس به همراه وی به موسسه یا زندان مقصد ارسال شود.»

مشتکی عنه محترم دلیل و مدرکی را نیز که ثابت کننده عمل به تکالیف قانونی اش در این خصوص عمل کند به آن مقام محترم تحویل نداده‌اند.

افزون بر این به موجب ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه، «پذیرش متهمین در بازداشتگاه‌های انتظامی صرفاً به موجب برگ قرار کتبی رسمی با مهر و امضا مقام قضایی مربوطه که مجزا از دستور ارجاع انجام تحقیقات به ضابطین می‌باشد صورت خواهد گرفت. مقامات قضایی مکلفند در معرفی متهمین به بازداشتگاه نسبت به تعیین مدت نگهداری آنان تصریح نمایند .

تبصره: در پایان مهلت تعیین شده رئیس بازداشتگاه موظف است مراتب را به قاضی صادر کننده قرار منعکس و در صورت عدم تمدید مهلت نسبت به انتقال متهم به زندان اقدام نماید.»

در ادامه ریاست زندان تهران بزرگ اعلام کرده: «... به علت کوتاهی مدت حضور مشارالیه در این زندان، ارسال پرونده و وصول آن در این مدت اندک با امعان نظر به مدت عرفی ارسال و وصول چنین مکاتباتی امکان پذیر نبوده و توجیهی نداشته و از طرفی نظر به عدم دسترسی این زندان به مشخصات زندانی و در نتیجه عدم ثبت انتقال موقت در سیستم ... نهایتاً ناچار به پذیرش زندانی با امعان نظر به محدودیت‌های ثبتی پیش فرض سیستم پانید و با عنایت به دستور قضایی، فقط از طریق ثبت آن تحت عنوان قرار بازداشت موقت صورت پذیرفت ...»

تبصره ۲: سازمان موظف است فهرست مقام‌های صاحب‌دار قانونی را که بر اساس سایر قوانین موضوعه مجاز به معرفی متهمان یا محکومان به زندان می‌باشند به اداره‌های کل زندان‌ها اعلام نماید.»

در پاسخ گفتنی است:

موکل به مدت بیش از دو هفته به صورت غیرقانونی در زندان تهران بزرگ نگهداری شده است. حتی یک ساعت و یا یک روز اقامت در زندان به نحو غیرقانونی و بدون وجود قرار بازداشت، مدت بسیار طولانی است. اگر چنین اقدامی نسبت به شخص رییس زندان انجام بپذیرد بدون شک اقدام به صدور چنین توجیهاتی جهت سرپوش نهادن به اقدامات خلاف قانون خود نخواهند کرد و فریاد تظلم خواهی شان افلاک را در خواهد نوردید.

هیچ توجیهی برای بهره‌گیری از شماره قرار بازداشت موهوم پذیرفته نیست و چنین دفاعی اساساً مشروع و قانونی نیست. نقل و انتقال و نگهداری موکل تحت یک قرار بازداشت با شماره و تاریخ ساختگی همان قدر خلاف قانون و مقررات است که نگهداری و بازداشت شخص رییس زندان در یک ندامتگاه دیگر بدون آن که دستور بازداشت واقعی داشته باشند.

موکل در زمان انتقال به زندان تهران بزرگ تحت قرار بازداشت موقت قانونی وفق ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ... نبوده‌اند و بنابراین کلیه اقدامات انجام گرفته در مسیر انتقال وی به زندان تهران بزرگ و نگهداری ایشان در آن زندان غیرقانونی بوده است. به ویژه آن که مشتکی عنه ردیف دوم اساساً اقرار به عالمانه و عامدانه بودن عمل خود با دست یازیدن به توجیه (ناچار شدن به ثبت پذیرش موکل تحت قرار بازداشت) اشاره کرده‌اند. پرسش این‌جاست چه ضرورتی به اتخاذ چنین روشهای غیرقانونی بوده است؟

هم‌چنین وفق شق ۳ از بند ت ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه ج.ا.ا «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است ضمن آگاهی دادن به مقامات قضائی در خصوص وضعیت آمار زندانیان و فضای آزاد زندان، ظرفیت پذیرش زندانیان را به صورت برخط و با رعایت جهات امنیتی در اختیار مقامات قضائی صلاحیت‌دار قرار دهد. قضات با لحاظ ظرفیت اعلام شده و تناسب قرار تأمین، از صدور قرارهای تأمین منتهی به بازداشت و یا احکام حبس جز در موارد ضروری به موجب قوانین مربوط خودداری و با رعایت قوانین مربوط از تأسیس‌های جدید کیفری مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی‌های مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس استفاده خواهند نمود. دادسرای انتظامی قضات بر حسن اجرای این بند نظارت می‌کند...»

با توجه به بند فوق نیز رییس زندان تهران بزرگ به عنوان نماینده قانونی سازمان زندان‌ها در آن ندامتگاه، مکلف به در اختیار دادن ظرفیت پذیرش زندانیان به صورت برخط به مقامات ذی‌صلاح قضایی بوده است و بدیهی است که موکل این‌جانب نیز خارج از شمول حکم کلی این ماده قانونی نبوده و توجیهاتی نظیر آن چه در پاسخ مشتکی عنه ردیف دوم آمده است، رافع مسئولیت کیفری و حقوقی ایشان جهت عدم انجام تکالیف قانونی

و پذیرش موکل خارج از روش‌های مقرر قانونی نیست و مصداق بارز ماده ۵۷۳ قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد:

(اگر مسئولین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیت‌دار شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهند شد.)

در بخش دیگری از مکاتبه ریاست زندان تهران بزرگ طی نامه شماره ۲۰/۲/۱۵۶/۴۲۰۷ مورخ ۹۷/۰۶/۱۲ در پاسخ به استعلام شماره ۱۷۰۰ ط مورخ ۹۷/۵/۲۱ دایره نظارت بر متهمین و محکومین امنیتی اشاره شده:

«... پذیرش این زندانی در این ندامتگاه جهت ثبت آن در سیستم پانید تحت عنوان بازداشت توسط این ندامتگاه صرفاً راهکار اداری برای این ندامتگاه جهت ثبت چنین انتقال‌هایی و محدود به این زندان بوده است و با قرار بازداشت موقت قضایی که از طریق سیستم به این ندامتگاه ارسال می‌شود بسیار متفاوت است...» و سپس افزوده است «... نسبت به زندانی موصوف نه تنها از سوی آن سرپرستی بلکه از ناحیه هیچ مرجعی قضایی دیگری خطاب به این ندامتگاه چنین قراری تا کنون واصل نگردیده است...»

در پاسخ گفتنی است:

به استناد بندهای الف، ب، ج، ز ماده ۲۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، وظایفی بر عهده رییسان زندان‌ها نهاده شده است که اگر این وظایف و تکالیف قانونی از سوی مشتکی عنه ردیف دوم صورت می‌گرفت، شاهد بروز چنین تخلف گسترده‌ای در خصوص موکل نمی‌بودیم. این وظایف به تصریح ماده مذکور عبارتند از:

«الف - اجرای قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های وضع شده

ب - اجرای تصمیم‌های شورای طبقه‌بندی با رعایت مقررات مربوطه

ج - مراقبت در نحوه رفتار مأموران با محکومان و متهمان

ز - اعمال نظارت و بازرسی مداوم و کسب اطلاعات لازم از وضعیت عمومی و فردی محکومان و متهمان...»

ل - انجام سایر وظایف پیش بینی شده در این آیین‌نامه»

افزون بر این مشتکی عنه محترم ردیف دوم به عنوان رییس زندان تهران بزرگ، وفق ماده ۲۵ آیین‌نامه مکلف بوده تا در مواجهه با پذیرش یک زندانی با مشخصات موکل، موضوع غیر معمول بودن چنین پذیرشی را به مقام

دادستان اطلاع می‌داده که سوابق موجود در پرونده حکایت از عدم توجه ایشان به تکالیف قانونی شان دارد. ماده ۲۵ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «رییس زندان یا مراکز وابسته شخصاً و در غیاب وی مسئول مربوطه به محض اطلاع از وقوع حادثه باید در محل حاضر شده، ضمن اتخاذ تدابیر لازم و عاجل برای برقراری نظم و آرامش، در صورت لزوم مراتب را در اسرع وقت به مقامهای بالاتر گزارش نماید و رونوشت آن نیز برای دادستان با قاضی ناظر زندان ارسال می‌گردد»

هم‌چنین به استناد ماده ۲۶ آیین‌نامه، استقرار نظم و تامین امنیت زندانیان و مقابله لازم با هرگونه اخلاص نظم، اغتشاش، شورش و اقدامهای مخل امنیت، تحت نظارت و هدایت رییس زندان می‌باید انجام بگیرد که به این وظیفه نیز به جهت اقرار مشتکی عنه به بی‌نظمی ساختاری که حتی اعلام شده مخصوص همان زندان است، عمل نشده است.

ج) اظهارات مکتوب سرپرست دادسرای اوین:

آقای امین ناصری سرپرست دادسرای اوین طی نامه شماره ۱۳۹۸/۴۰ مورخ ۹۷/۰۶/۱۲ در پاسخ به استعلام. ط-۱۷ مورخ ۹۷/۰۵/۲۱ سرپرست دایره نظارت بر زندانیان امنیتی، ضمن اشاره به سوابق قضایی موکل طی پرونده کلاسه ۸۹۰۳۷۷ و بیان این که موکل ۷ مورد اتهامی داشته که در خصوص ۶ مورد حکم محکومیت در سال ۹۰ صادر شده و یک مورد افساد فی الارض نقص در تحقیقات داشته و سه مورد دیگر منع تعقیب صادر شده اشاره کرده است:

«... علی‌رغم عقیده بازپرس بر منع تعقیب متهم از اتهامات ارتداد و ساب النبى، چون بازپرس محترم رفتارهای متهم را منطبق با افساد فی الارض دانسته، از همان بدو ارسال پرونده از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به آن شعبه جهت رفع نقایص اعلامی، شعبه مذکور (سوم بازپرسی) اقدام به ابقای قرار بازداشت موقت متهم (آقای طاهری) در خصوص افساد فی الارض در تاریخهای ۹۴/۱۱/۱۸ و ۹۵/۱/۱۸ و ۹۵/۳/۱۸ می‌نماید. سپس پرونده را تکمیلأً به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب جهت رسیدگی مجدد به اتهام افساد فی الارض ارسال می‌دارد ... با هر بار ابقای قرار بازداشت موقت توسط بازپرس محترم، شعبه سوم در خصوص اتهام افساد فی الارض، متهم به قرار مذکور اعتراض، لیکن شعب دادگاه انقلاب حسب ارجاع، ضمن اعتراض، قرار مذکور را تأیید نموده‌اند که آخرین مورد رد اعتراض نموده و تأیید قرار بازداشت موقت متهم در تاریخ ۹۵/۰۳/۲۹ و توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب صورت پذیرفته است ...»

در پاسخ گفتنی است:

رأی قطعی دادگاه ۱۰۶۰ کیفری ۲ تهران ۱۳۹۷/۸/۶

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۷/۰۸/۰۶

شماره دادنامه: ۹۷۰۹۹۷۰۲۳۰۸۰۰۶۸۵

شماره بایگانی شعبه: ۹۷۰۴۹۳

شماره پرونده: ۹۷۰۹۹۸۲۱۳۲۳۰۰۱۰۴

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۲۱۳۲۳۰۰۱۰۴ شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی کارکنان دولت تهران (شعبه ۱۰۶۰ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۳۰۸۰۰۶۸۵

شاکلی: آقای محمدعلی طاهری فرزند محمدآقا با وکالت آقای سید محمدزمان دریاباری و آقای احمد خسروی تازه قشلاق

موضوع: اعتراض به قرار دادسرا

بسمه تعالی

به تاریخ ۹۷/۸/۶ در فوق‌العاده پرونده کلاسه فوق تحت نظر است دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به انشای رأی می‌نماید.

رای دادگاه

در خصوص اعتراض آقای سیدمحمدزمان دریاباری به وکالت از آقای محمدعلی طاهری نسبت به قرار منع تعقیب صادره از شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۸ تهران در مورد آقایان: ۱- سرپرست دایره نظارت بر متهمان، محکومان امنیتی ۲- رییس زندان تهران بزرگ دایر بر: الف) بازداشت غیرقانونی از تاریخ ۹۷/۱/۵ لغایت ۹۷/۴/۱۱ در بازداشتگاه ۲-الف و بازداشت غیرقانونی از ۹۷/۴/۱۱ تا زمان طرح شکایت، ب) سوء استفاده از موقعیت و اختیارات قانونی به جهت عدم توجه به قوانین و درخواست زندانی و وکلایش (تذکر به وجود قرار منع تعقیب و غیر واقعی بودن قرار بازداشت موقت)، ج) استفاده از سند مجعول (کارتکس جعلی) در سیستم رایانه‌ای زندان تهران بزرگ، د) امتناع از رسیدگی به تظلم خواهی، ه) امتناع از تسلیم زندانی به مقام صالح قضایی، با توجه به اوراق و محتویات پرونده و تحقیقات صورت گرفته توسط بازپرس محترم و نظر به این که معترض اعتراض موجه و مدلی که موجبات نقض قرار موصوف را فراهم آورد به دادگاه ارائه نمودند و نیز از حیث رعایت اصول و تشریفات دادرسی فاقد خدشه و ایراد موثر قانونی می‌باشد. لذا ضمن رد اعتراض به استناد ماده ۲۷۳ از قانونی آیین دادرسی کیفری قرار معترض عنه را عیناً تأیید و ابرام می‌نماید رأی صادره قطعی است.

رئیس شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کیفری ۲ تهران (ویژه جرایم کارکنان دولت)

فرشید دهقانی

بخش هشتم: اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور

درخواست اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور

۱۳۹۷/۵/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

«و الذين يؤذون المؤمنين و المؤمنات به غير ما اكتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثماً مبيناً»

کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمنه را به غیر چیزی که مرتکب شده‌اند آزار کنند، بهتان و گناه آشکاری را بر دوش کشیده‌اند. آیه ۵۸ سوره احزاب

ریاست محترم دیوان عالی کشور

موضوع: اعاده دادرسی نسبت به دادنامه ۳۷۲-۲۲۳۶-۹۷۰۹۹۷ تاریخ ۹۷/۵/۲۴ شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران (کلاس بایگانی ۳۶-۹۷ تجدیدنظر)

دلایل و مستندات:

۱- تصویر دادنامه ۳۷۲-۲۲۳۶-۹۷۰۹۹۷ تاریخ ۹۷/۵/۲۴ کلاس بایگانی ۳۶-۹۷ شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران.

۲- تصویر دادنامه شماره ۱۰۵۸/۹۴ مورخ ۹۴/۹/۴ و دادنامه ۰۸۲۶-۰۶۰۹۱۰۹۱۰۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۰۳ شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور.

۴- تصویر قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ و تأییدیه معاونت دادستان، مضبوط در پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ (بایگانی ۹۱۰۱۱۶) شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۳ شهید مقدس تهران (متعاقب ارجاع از شعبه پنجم)

۵- تصویر مکاتبه مورخ ۹۷/۴/۲۷ بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه ۳۳ با سرپرست دادسرای اوین.

۶- دادنامه شماره ۱۵/ش/۹۶/۳۸۷۰ مورخ ۹۶/۱۲/۷ شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب.

۷- تصویر مجوزهای قانونی ایجاد مؤسسه عرفان کیهانی و برگزاری کلاس‌ها.

۸- وکالت نامه ملصق به تمبر مالیاتی.

با سلام و احترام، این‌جانبان احمد خسروی تازه قشلاق و سید محمد زمان درباباری به وکالت از آقای محمد علی طاهری فرزند محمد آقا به موجب وکالتنامه پیوست ضمن استدعای اعاده دادرسی نسبت به دادنامه صدر الذکر، توقف اجرای حکم تا صدور حکم جدید را نیز با توجه به موارد زیر درخواست می‌کنیم:

الف- گردشکار پرونده:

موکل این‌جانبان، جناب آقای محمد علی طاهری از سال ۱۳۸۹ به اتهامات متعدد تحت تعقیب قرار گرفته است و با صدور قرار بازداشت موقت از مورخ ۹۰/۲/۱۴ به صورت مستمر در بازداشتگاه موقت بند ۲- الف زندان اوین و تحت اختیار ضابطین امنیتی بازداشت بوده است. نسبت به بعضی از جرائم مانند توهین به مقدسات و دخالت در امر پزشکی و ... به تحمل ۵ سال حبس محکوم شده و مجازات قانونی خود را تحمل نموده و جزای نقدی آن را پرداخت کرده است. در خصوص اتهام افساد فی الارض تحت کلاسه دط/ ۱۸۵۹۳/۹۰ دو بار برایشان حکم اعدام صادر شده و هر دو بار توسط شعبه محترم ۳۳ دیوان عالی کشور نقض و پرونده در نهایت پرونده به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به عنوان شعبه هم عرض ارجاع شد. در نهایت شعبه‌ی مذکور با اصرار خلاف وجه بر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، این بار بدون توجه به استدلالات شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور که متضمن عدم وجاهت استناد به مقررات مؤخرالتصویب سال ۹۲ در زمان دستگیری موکل (۱۳۹۰) می‌باشد، حکم محکومیت به تحمل ۵ سال حبس تعزیری موکل به جهت افساد فی الارض غیر عمدی را صادر کرد و متعاقب فرجام خواهی، پرونده به جای ارجاع به دیوان عالی کشور، به دادگاه تجدید نظر (شعبه ۳۶) ارجاع شد. شعبه مذکور حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب را از حیث ایجاد فرقه کیهانی و تشکیل کلاس و بسط تفکرات انحرافی ضدین و

ادعاهای واهی و تضعیف نگرش دینی مردم آن هم بدون احتساب ایام بازداشت قبلی هفت ساله عیناً با انتساب اتهامات جدید که واجد اعتبار امر مختومه بوده، تأیید کرد که این موارد به جهات زیر مورد اعتراض است:

(ب) دفاعیات شکلی:

۱- عدم انطباق رأی دادگاه تجدیدنظر با عناوین اتهامی دادگاه بدوی و عدول از قاعده اعتبار امر مختومه با انتساب مجدد اتهامات ارتداد، ساب النبی:

شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر در مقام رسیدگی مجدد به دادنامه شماره ۱۵/ش/۹۶/۳۸۷۰ مورخ ۹۶/۱۲/۷ شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران با کمال شگفتی با عنوان اتهامی ارتداد، ساب النبی، اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در گروه چریک‌های فدایی خلق و ... آن هم استناد به تبصره ماده ۲۸۶ در مورخ ۹۷/۵/۲۷ بر خلاف موازین شرعی و قانونی رأی صادر که این رأی در محل شعبه دادگاه به صورت حضوری و استنساخ به احد از وکلا ابلاغ شده است. این در حالی است که در خصوص اتهام‌های اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی از طریق عضویت در سازمان چریک‌های فدایی خلق و ترور افراد و تهدید به قتل و ارتداد و سب‌النبی (ص)، قرار منع تعقیب به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ صادر شده که به تأیید معاونت محترم دادستان هم رسید و در نتیجه قطعی است. (پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ -بایگانی ۹۱۰۱۱۶). شعب دیوان عالی نیز انتساب افساد فی الارض را هم طبق قانون قدیم و هم قانون مؤخر التصویب سال ۹۲ به موکل را که از ۱۳۹۰ در حبس انفرادی است و نیز سایر اتهامات را سالبه به انتفای موضوع دانسته‌اند از سویی موکل در جلسه دادرسی و برگه‌های بازجویی (دادگاه، بازپرسی و بازجویی) صراحتاً به وحدانیت خداوند، رسالت رسول الله (ص) به عنوان خاتم انبیا، معاد (و معاد جسمانی)، عدالت خداوند و امامت ائمه علیهم السلام و منجی عالم بشریت امام مهدی (عج) اقرار نموده است که متأسفانه شعبه ۳۶ محترم تجدیدنظر استان تهران با وجود مساعد بودن زمینه قانونی جهت صدور حکم برائت موکل از اتهامات انتسابی افساد فی الارض وفق ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری و صدور حکم آزادی موکل، نه تنها رأی دادگاه بدوی را نقض نکرده بلکه اقدام به تأیید محتوای حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب آن هم با عناوین اتهامی جدید که واجد اعتبار امر مختومه است کرده است.

۲- مبانی قانونی ایجاد موسسه عرفان کیهانی و تشکیل کلاس:

بر خلاف نظر شعبه محترم تجدیدنظر، هم ایجاد مؤسسه عرفان کیهانی و هم برگزاری کلاس‌ها از سوی موکل کاملاً قانونی و با مجوز رسمی نهادهای ذی‌ربط بوده است. موکل با اخذ مجوز رسمی از وزارت ارشاد، شورای عالی مساجد و سازمان جوانان ریاست جمهوری، وزارت کشور (اداره کل سازمان‌های مردم‌نهاد و مشارکت‌های

مردمی) و ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات تجاری، اقدام به تأسیس مؤسسه مذکور و برگزاری کلاس‌های علنی آموزشی در حوزه عرفان نظری و عملی نموده است.

۳- مبانی قانونی عدم صلاحیت دادگاه تجدید نظر جهت رسیدگی:

با توجه به این که از دادنامه شماره ۱۵/ش/۹۶/۳۸۷۰ مورخ ۹۶/۱۲/۷ شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب طی لایحه مورخ ۹۶/۱۲/۲۷ و کلا، فرجامی خواهی شده، می‌بایست به درخواست فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شد. زیرا که ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «آرای صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات و ... می‌باشد قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.» چون عنوان اتهامی موکل در کیفرخواست قرائت شده در جلسه رسیدگی و تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع و نیز عنوان مقیده ی دادنامه فرجام خواسته «افساد فی الارض» بوده و توجهاً به این که دادگاه بدوی در مقام شعبه هم عرض به پرونده واصله از دیوان عالی کشور رسیدگی کرده می‌بایست پرونده را پس از انجام دستور دادگاه عالی به همان مرجع (دیوان عالی کشور) مسترد می‌کرد و تعیین مجازات ذیل تبصره ۲۸۶ نمی‌تواند تأثیری در عدم پذیرش فرجام‌خواهی داشته باشد.

ج- دفاعیات ماهوی:

۱- نادرست بودن ادعای بسط تفکرات انحرافی ضد دین و ادعاهای واهی و تضعیف نگرش دینی مردم و ... موکل در جلسه دادرسی و برگه‌های بازجویی (دادگاه، بازپرسی و بازجویی) صراحتاً به وحدانیت خداوند، رسالت رسول الله (ص)، معاد، عدالت خداوند و امامت ائمه عیلهم السلام و منجی عالم بشریت امام مهدی (عج) اقرار نموده است که متأسفانه دادگاه محترم تجدید نظر بر خلاف موازین شرعی و قانونی به اظهارات موکل هیچ ترتیب اثری نداده‌اند. موکل بارها اظهار و اعلام کرده که صرفاً مطالب کتاب‌های رسمی و نیز مقالات چاپ شده اش در نشریات، را قبول داشته و سایر مطالب و نوشته‌ها که به صورت غیر رسمی از سوی اشخاص دیگر منتشر شده و یا از دیگران یافت شده مورد تأیید وی نیست. ضمناً هیچ رأیی تا کنون که ثابت کننده انحراف افکار موکل باشد در مدت نزدیک به هشت سال از حبس موکل صادر نشده است.

۲- عدم توجه به قاعده قانونی و شرعی عطف به ما سبق نشدن قوانین: با عنایت به قاعده عطف ما به سبق نشدن قوانین و ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی هیچ فعل یا ترک فعلی را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر، به مجازات محکوم کرد و مجازات باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است. نظر به این که موکل از تاریخ ۹۰/۰۲/۱۴ به موجب قرار بازداشت موقت به طور مستمر در زندان بوده و تبصره ماده ۲۸۶ قانون

مجازات اسلامی در سال ۹۲ لازم الاجرا گردیده است، شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در هر دو رأی اصداری در مقام فرجام‌خواهی در سال ۹۴ و ۹۶ عنوان نموده است که اتهام افساد فی الارض نه با قانون جدید و نه با قانون قدیم و نه با هیچ یکی از قوانین خاص و عام دیگر قابلیت انتساب به موکل را ندارد بنابراین استناد به تبصره ذیل آن ماده نیز که مستند رأی معترض عنه می‌باشد صحیح نبوده و صدور حکم بر مبنای آن کاملاً فاقد وجهت قانونی است.

۳- عدول از اصل قانونی بودن جرم و مجازات و جرم انگاری اقدامات موکل با وجود فقد عناصر سه گانه: وفق اصل ۳۶ قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» مصادیق قانونی

افساد فی الارض در زمانی که موکل دستگیر شده به موجب قوانین مبارزه با مواد مخدر تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، اخلال گران، مجازات جرائم نیروهای مسلح، مجازات عبور دهندگان از مرزها تشدید مجازات جاعلان اسکناس، تشدید مجازات محتکران، مجازات فعالیت کنندگان در امور سمعی بصری، مبارزه با قاچاق انسان، ذکر شده که هیچیک مصادیقی در خصوص موکل ندارد. هم‌چنین صرف نظر از فقدان عنصر قانونی، عنصر مادی جرم نیز محقق نگردیده است. بنابر آن چه در رأی شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور آمده است، هیچ یک از مصادیق مادی احصاء شده در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در مانحن فیه محقق نشده و کوچک ترین دلیلی بر ایجاد صدمات گسترده علیه تمامیت جسمانی افراد و یا ایجاد تشکیک در اعتقادات آن‌ها و از هم گسستگی خانواده و ... در مورد موکل به اثبات نرسیده است و ضابطین محترم به صراحت در خصوص ارائه دلایل اظهار عجز نموده‌اند. با توجه به فقدان دو عنصر قانونی و مادی متشکله جرم و به طبع فقدان عنصر معنوی، هیچ گونه جرمی محقق نشده است تا قابلیت مجازات داشته باشد.

۴- بازداشت غیرقانونی موکل و عدم احتساب ایام بازداشت قبلی وفق ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی: دادگاه تجدید نظر متأسفانه با خودداری از اعمال مفاد ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری که بر ضرورت اخذ تأمین مناسب از متهم اشاره دارد، موجبات اطلاع دادرسی و تضييع حقوق موکل از جمله نیل به حق آزادی فراهم آورده است. برابر ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری برای کلیه اتهامات موکل یک قرار تأمین صادر می‌شود و برای موکل نیز در مورخ ۹۰/۲/۱۴ قرار بازداشت صادر شده و یک فقره حکم محکومیت قطعی ۵ سال حبس را گذرانده است. با انقضای مدت بازداشت موکل در مورخ ۹۵/۳/۱۸، دیگر قرار بازداشتی برای ایشان صادر نشده و حتی با انقضای مدت بازداشت موضوع ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری (دو سال) در تاریخ ۹۶/۱۱/۱۸، همچنان از

آزادی وی خودداری و به نوعی از اصل ۳۲ قانون اساسی نیز عدول شده است. ضمناً محاکم بدوی و تجدید نظر، مدت بازداشت قبلی هفت ساله موکل را به هنگام صدور حکم وفق ماده ۲۷ ق.م.ا ملحوظ نکرده‌اند.

۵- عدم رعایت قاعده تعدد جرائم و تحمیل مجازات مضاعف به نحو غیرقانونی به موکل: موکل طبق کیفرخواست صادره که در پرونده موجود است به اتهامات ۱۶ گانه از جمله دخالت در امور پزشکی، کلاهبرداری، تحصیل مال نامشروع، استفاده غیر مجاز از عناوین علمی مانند دکتر مهندس و ارتباط نامشروع از طریق لمس نامحرم، افساد فی الارض، ارتداد، ساب النبى، اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در سازمان‌های چریکی فدایی خلق، توزیع و تکثیر آثار سمعی و بصری غیر مجاز، اقدام به ترور و تهدید اشخاص و اقدام به قتل و ... تحت تعقیب قرار گرفته است. برابر ماده ۱۳۴ مجازات اسلامی در مورد تعدد جرائم تعزیری چنانچه جرائم انتسابی بیش از سه عنوان باشد، دادگاه برای هر یک از جرائم بیش از حد اکثر مجازات قانونی مشروط به این که از حد اکثر به اضافه نصف آن‌ها تجاوز نکند را تعیین می‌نماید اما در عمل فقط یک مجازات اشد قابل اجرا است. هم‌چنین موکل طی دادنامه صادره در سال ۹۰ به تحمل ۵ سال حبس بابت توهین به مقدسات محکوم شده است صرف نظر از این که محکومیت اشاره صحیح بوده و یا خیر و نیز بابت دخالت در امور پزشکی محکومیت قطعی داشته که آن را تحمل نموده است نکته قابل توجه این جاست که نمی‌توان به استناد همان اعمال، مجدد ایشان را به اتهام افساد فی الارض و یا هر اتهام دیگری مجازات نمود و در این خصوص نیز از مفاد ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری که بر رسیدگی توأمان به اتهامات در یک دادگاه تأکید دارد، عدول شده است.

د- درخواست نهایی:

با توجه به مراتب فوق، مستدعی است وفق بند چ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری اعاده دادرسی تجویز و به استناد ماده ۴۷۸ قانون مزبور، اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق افتد و در راستای ماده ۴۷۶، رسیدگی مجدد به دادگاه هم عرض صادر کننده حکم قطعی ارجاع گردد.

با آرزوی توفیق الهی
وکلاى محمدعلی طاهری
احمد خسروی تازه فشلاق
سید محمد زمان دریاباری

درخواست اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور ۱۳۹۷/۷/۱

ریاست محترم شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور

موضوع: پرونده کلاسه ۹۷۰۴۱۹

با سلام و احترام، پیرو لایحه اعاده دادرسی به شماره ۹۶۰۹۹۸۰۲۷۶۲۰۰۴۰۶ مورخ ۹۷/۵/۲۹ و لایحه تکمیلی مورخ ۹۷/۰۶/۱۹، اینجانبان احمد خسروی تازه قشلاق و سید محمد زمان دریاباری به وکالت از آقای محمد علی طاهری فرزند محمد آقا به استحضار عالی می‌رسانیم:

۱- همان‌گونه که در لایحه اعاده دادرسی اعلام شد، (شعبه ۳۶) دادگاه تجدید نظر در مقام رسیدگی مجدد به دادنامه شماره ۱۵/ش/۹۶/۳۸۷۰/مورخ ۹۶/۱۲/۷ شعبه ۱۵ انقلاب با عنوان اتهامی ارتداد، ساب النبی، اقدام علیه

امنیت ملی از طریق عضویت در گروه چریک‌های فدایی خلق و ... آن هم استناد به تبصره ماده ۲۸۶ در مورخ ۹۷/۵/۲۷ بر خلاف موازین شرعی و قانونی طی دادنامه ۳۷۲-۲۲۳۶-۹۷۰۹۹۷ تاریخ ۹۷/۵/۲۴ رأی صادر کرد که نسبت به این حکم از حیث عدم انطباق رأی دادگاه تجدید نظر با عناوین اتهامی دادگاه بدوی و عدول از قاعده اعتبار امر مختومه (با انتساب مجدد اتهام‌های مذکور که قرار منع تعقیب قطعی به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۸۴ مورخ ۹۵/۰۴/۱۳ از شعبه سوم دادرسی اوین صادر شده)، با اعلام این که به قاعده قانونی و شرعی عطف به ما سبق نشدن قوانین و نیز اصل قانونی بودن جرم و مجازات و جرم انگاری اقدامات موکل با وجود فقد عناصر سه گانه توجهی نشده در خواست اعاده دادرسی مطرح گردید.

۲- موکل مدت‌ها تحت بازداشت غیرقانونی بوده‌اند زیرا که با انقضای مدت بازداشت موکل در مورخ ۹۵/۳/۱۸ دیگر قرار بازداشتی برای ایشان صادر نشده و حتی با انقضای مدت بازداشت موضوع ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری (دو سال) در تاریخ ۹۶/۱۱/۱۸، همچنان از آزادی وی خودداری و به نوعی از اصل ۳۲ قانون اساسی نیز عدول شده است این در حالی است که به موجب نامه شماره ۱۴۹۵۳۷۶-۱۳۹۷۱۶۸۰ مورخ ۱۰۵/۲۴/۹۷ دادیار شعبه اول اجرای احکام شهید مقدس محکومیت حبس موکل در تاریخ ۹۴/۱۱/۱۸ پایان یافته اعلام و پرونده موکل در آن دادرسی مختومه شده است. شرح مصایبی که بر موکل در طول این سالیان روا داشته شده را ایشان به موجب شکواییه‌های سه گانه‌ای عنوان کمیسیون اصل ۹۰ مجلس تقدیم کرده که نسخه‌ای از آن طی لایحه پیشین به پیوست تقدیم گردید.

۳- هرچند بیان این موارد ممکن است با موضوع اعاده دادرسی موکل ارتباط کاملی نداشته باشد اما بیانگر نمونه‌ای از اقدامات جدید خلاف قانون روا شده نسبت به ایشان است که جهت تشحیذ ذهن عالی جنابان محترم به آن اشاره می‌شود. موکل در مقطعی حدود سه هفته از یازدهم تیرماه ۹۷ تا سوم مردادماه به صورت کاملاً غیرقانونی و با استناد به قرار بازداشت موقت موهوم به تاریخ ۹۷/۴/۱۱ و با دست کاری در سیستم پذیرش زندانی و منتسب به شعبه پنجم دادرسی اوین که قویا از سوی سرپرستی آن دادرسی تکذیب شد و بدون رعایت مواد ۵۷۳ و ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی به زندان تهران بزرگ منتقل شده‌اند و در همین ارتباط نیز شکایتی از رییس زندان تهران بزرگ و سرپرست ناظر بر زندانیان امنیتی تقدیم شعبه سوم دادرسی کارکنان دولت شده است که در حال رسیدگی است. جالب آن که سرپرست دادرسی ناحیه ۳۳ در پاسخ به استعلام بازپرس شعبه سوم کارکنان

دولت به موجب نامه شماره ۱۰۲۰/۲۴۰ مورخ ۹۷/۰۴/۲۷ مکاتبه مذکور تصریح کرده بود «در حال حاضر پرونده مفتوح در این دادسرا ندارد و هیچ گونه قراری نیز از این دادسرا صادر نشده است ... در ادامه افزوده‌اند «حسب دستور آقای رستمی ... به مدت دو هفته به آن زندان، اعزام شده ... لذا جهت اطمینان از زندان تهران بزرگ و جناب رستمی استعلام نمایید.» افزون بر این ریاست زندان تهران بزرگ طی نامه شماره ۲۰/۲/۱۵۶/۴۲۰۷ مورخ ۹۷/۰۶/۱۲ در پاسخ به استعلام شماره ۱۷۰۰ ط مورخ ۹۷/۵/۲۱ دایره نظارت بر متهمین و محکومین امنیتی اشاره کرده «... پذیرش این زندانی در این ندامتگاه جهت ثبت آن در سیستم پانید تحت عنوان بازداشت توسط این ندامتگاه صرفاً راهکار اداری برای این ندامتگاه جهت ثبت چنین انتقالهایی و محدود به این زندان بوده است و با قرار بازداشت موقت قضایی که از طریق سیستم به این ندامتگاه ارسال می‌شود بسیار متفاوت است ...» و سپس افزوده است «... نسبت به زندانی موصوف نه تنها از سوی آن سرپرستی بلکه از ناحیه هیچ مرجعی قضایی دیگری خطاب به این ندامتگاه چنین قراری تا کنون واصل نگردیده است ...» افزون بر این در بند ۳ گزارش ط ۱۷ - مورخ ۹۷/۰۶/۱۳ صادره از دادسرای محترم نظارت بر محکومین و متهمین امنیتی در پاسخ به استعلام بازپرس شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت اعلام شده «. انتقال زندانی آقای طاهری به زندان تهران بزرگ به صورت انتقال موقت و به دستور دادستان محترم تهران و آن هم در پی پیشنهاد سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا به رعایت برخی مصالح و ... صورت پذیرفته است.» این چنین رفتارهای شتاب زده و خلاف مقررات نسبت به موکل در این سالها کم نبوده است که بسیاری از آن‌ها را نیز عالی جنابان شریف و منصف شعبه ۳۳ دیوان کشف و مبنای نقض دو بار حکم اعدام قرار داده‌اند.

۴- موکل اینجنابان آقای محمد علی طاهری، متولد ۱۳۳۵ متأهل و دارای دو فرزند می‌باشند که نزدیک به هشت سال از عمر شصت و دوساله خویش را در مخوف ترین وضعیت ممکن و در بند دو امنیتی (الف) زندان اوین تحت نظر اطلاعات سپاه گذرانده‌اند. دو بار نیز حکم اعدام صادر و تحت شدید ترین ضربه‌های روحی خود و خانواده شان قرار گرفته‌اند و تا چندین بار به سرحد تجربه مرگ رسیده‌اند، آن هم در شرایطی که عمدتاً به صورت کاملاً انفرادی در اتاقی با کمترین امکانات و بدترین شرایط مستقر بوده‌اند. تا کنون به جز چند روز از حق مرخصی بی بهره بوده‌اند و اکنون نیز به دنبال آن هستند تا به کانون خانواده بازگشته و به امور شخصی، سرپرستی خانه و کاشانه و امور خانوادگی شان بپردازند. با توجه به این که هم اکنون نزدیک به یک ماه نیز از وصول درخواست اعاده دادرسی به آن شعبه محترم می‌گذرد بار دیگر از محضر شریف آن عالی جنابان محترم درخواست می‌گردد با امعان نظر به بند چ ماده ۴۷۴ و ۴۷۸ ق. آ. د ک و با توجه به وحدت ملاک شق یک بند

ب ماده ۴۶۹ که نقض بلا ارجاع رأی محاکم تالی را در صورتیکه محکوم علیه به جهات قانونی قابل تعقیب نباشد امکان پذیر می‌سازد (در خصوص موکل صدور قرار منع تعقیب از اتهامات موضوع رأی دادگاه تجدید نظر به شرح بند یک این لایحه و نیز عدم اعمال ماده ۳۱۳ ق.ا. د ک و عدم محاسبه ایام بازداشت قبلی وفق ماده ۲۷ «ق.م.ا.» و عدم رعایت قاعده تعدد جرم وفق ماده ۱۳۴ ق.م.ا.)؛^{۱۹} ضمن پذیرش درخواست اعاده دادرسی موکل و نقض رأی شعبه ۳۶ دادگاه انقلاب و دستور توقف اجرای حکم، زمینه آزادی موکل را صادر فرمایند.

با تقدیم شایسته‌ترین احترامها

وکلای محمد علی طاهری

احمد خسروی تازه قشلاق سید محمد زمان دریاباری

۱۹. زیرا که برابر ماده ۱۳۴ مجازات اسلامی در مورد تعدد جرائم تعزیری چنانچه جرائم انتسابی بیش از سه عنوان باشد، دادگاه برای هر یک از جرائم بیش از حداکثر مجازات قانونی مشروط به این که از حداکثر به اضافه نصف آن‌ها تجاوز نکند را تعیین می‌نماید و توجهاً به این که موکل طی دادنامه صادره شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در سال ۹۰ به تحمل ۵ سال حبس بابت توهین به مقدسات و... محکوم شده بنابراین نمی‌توان به استناد همان اعمال، مجدد ایشان را به اتهام افساد فی الارض و یا هر اتهام دیگری مجازات نمود و تداوم این وضعیت تحمیل مجازات مضاعف بر موکل است.

لایحه تکمیلی اعاده دادرسی به شعبه ۳۳

دیوان عالی کشور ۱۳۹۷/۷/۳۰

به نام خدا

ریاست محترم شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور

موضوع: پرونده کلاسه ۹۷۰۴۱۹

با سلام و احترام و آرزوی پذیرش طاعات و عبادات و عزاداری‌ها در ایام مبارک محرم و صفر، پیرو درخواست اعاده دادرسی به شماره ۹۶۰۹۹۸۰۲۷۶۲۰۰۴۰۶ مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۹ و لوایح تکمیلی ۱۳۹۷/۶/۱۰ و ۱۳۹۷/۷/۱۷ و مستندات پیوست آن، اینجانبان سید محمد زمان دریاباری و احمد خسروی تازه قشلاق و کلای آقای محمد علی طاهری به استحضار عالی می‌رسانیم:

از آنجایی که هم‌زمان با ارائه درخواست اعاده دادرسی موکلان به محضر آن عالی جناب محترم، تحرکاتی از سوی برخی اشخاص با خیال آن که می‌تواند به تضعیف عملکرد دستگاه قضایی در رسیدگی قاطع و منصفانه به درخواست موکلان بیانجامد، انجام گرفته و این اشخاص در صدد هستند که با هیاهو و غوغاسالاری، مانع از

اجرای عدالت و انصاف قضایی شوند، نمونه ای از مطالب سخیف وهن آمیز و تهدیدات ایشان نسبه به موکل را به محضر شریف حضرت عالی تقدیم و پیشاپیش مراتب اعتذار خود را از بابت الفاظ غیرشرعی ایشان که در متن مشاهده می‌فرمایید، اعلام می‌داریم.

گفتنی است هدایت این عملیات و جنگ روانی که با تحرکات خود، هم‌سو با اهداف عناصر ضدانقلاب در پی القای ضعیف بودن قوانین و ناکارآمد بودن دستگاه عالی قضایی نظام جمهوری اسلامی به بیگانگان است، بر عهده شخصی به نام «رضا عمادی اللهیاری» بوده که اخیراً به انتشار پیام‌هایی در فضای مجازی، موکل جناب آقای طاهری و شاگردان وی را مورد توهین قرار داده و تهدید به قتل و اعدام انقلابی کرده است و برای دستگاه قضایی نیز خط و نشان کشیده است، غافل از این که دیوان عالی کشور، ملجاء و پناه مظلومان بوده و هم‌چون گذشته، با اقتدار کامل و حفظ استقلال قضایی و اعمال دقیق قانون و مقررات، نقشه‌های ایشان را نقش بر آب خواهد کرد و دستگاه قضایی نیز مانع از اقدامات خودسرانه و مجرمانه ایشان خواهد شد.

با تقدیم شایسته‌ترین احترام‌ها
وکالی محمد علی طاهری
احمد خسروی تازه قشلاق
سید محمد زمان دریاباری

آخرین رأی دیوان عالی کشور ۱۳۹۷/۸/۱۵

شماره دادنامه: ۹۷۰۶۱۵۰۰۶۰۰۶۰۹۹۷۰۹۹۷
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۷/۸/۱۵
شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۲۷۶۳۰۰۴۰۶
شماره دادنامه: ۹۷/۸/۱۵ - تاریخ رسیدگی: ۹۷/۸/۱۵
موضوع رسیدگی: اعاده دادرسی

مرجع رسیدگی: شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور

هیئت شعبه آقایان محمدنیزی (رئیس) - سید نصرت الله اعتماد (مستشار)

خلاصه جریان پرونده:

به موجب دادنامه شماره ۳۸۷۰-۱۳۹۶/۱۲/۷-شعبه پانزده دادگاه انقلاب اسلامی تهران آقای محمدعلی طاهری فرزند محمدآقا به اتهام افساد فی الارض و مستنداً به تبصره ذیل ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی با رعایت درجه پنج از ماده قانون اخیرالذکر به مجازات تحمل پنج سال حبس تعزیری و ضبط کتب و جزوات مکشوف به نفع دولت محکوم و به موجب دادنامه شماره ۳۷۲-۲۲۳۶-۹۷۰۹۹۷-۱۳۹۷/۵/۲۴-شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران رأی صادره تأیید و قطعیت یافته است. وکلای محکوم علیه با ارسال لایحه به دیوان عالی کشور ضمن بیان گردش کار مستنداً به بند ج ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری خواستار اعاده دادرسی گردیده و اضافه نموده‌اند که موکل نسبت به بعضی از جرایم مانند توهین به مقدسات و دخالت در امر پزشکی و... به تحمل پنج سال حبس محکوم و مجازات قانونی را تحمل نموده است. در خصوص اتهام افساد فی الارض دوبار حکم اعدام در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور نقض شده و این بار بدون توجه به استدلال شعبه دیوان عالی کشور حکم

به محکومیت موکل به جهت افساد فی الارض غیر عمدی به پنج سال حبس در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی صادر شده و فرجام خواهی به جای این که به دیوان عالی کشور ارجاع شده به شعبه تجدید نظر ارجاع و شعبه ۳۶ تجدید نظر با انتساب اتهامات جدید که واجد امر مختومه بوده رأی را تأیید کرده است. دادگاه تجدید نظر با عنوان اتهامی ارتداد ساب النبی، اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در گروه چریک‌های فدایی خلق و... که قرار منع تعقیب صادر شده و به تأیید دادستان هم رسیده متأسفانه نه تنها رأی بدوی را نقض نکرده بلکه اقدام به تأیید محتوای حکم شعبه ۱۵ با عناوین جدید اتهامی که واجد امر مختومه است کرده است. وکلای متقاضی با ذکر مبانی قانونی ایجاد موسسه عرفان کیهانی و تشکیل کلاس و عدم صلاحیت دادگاه تجدید نظر جهت رسیدگی مستنداً به ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری معتقدند که باید پرونده در دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار می‌گرفت و تعیین مجازات ذیل تبصره ۲۸۶ تأثیری در عدم پذیرش فرجام خواهی ندارد و از لحاظ ماهوی هم صدور رأی به استناد قانون مصوب بعد از تاریخ وقوع جرم فاقد وجاهت قانونی است. صرف نظر از فقدان عنصر قانونی، عنصر مادی جرم نیز محقق نگردیده است و هیچ گونه جرمی محقق نشده تا قابلیت مجازات داشته باشد، بازداشت غیر قانونی موکل با عدم احتساب مدت بازداشت قبلی به هنگام صدور حکم ملحوظ نگردیده قاعده تعدد جرایم رعایت نگردیده و مجازات مضاعف به نحو غیرقانونی به موکل تحمیل شده است. موکل به اتهام توهین به مقدسات در سال ۹۰ به پنج سال حبس محکوم شده، نمی‌توان به اتهام همان اعمال مجدداً ایشان را مجازات نمود. پرونده، پس از ثبت در دبیرخانه دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۶ به این شعبه ارجاع گردید. پس از ارجاع پرونده لایحه‌ای از طرف وکلای متقاضی و لایحه دیگری توسط همسر متقاضی به شعبه تحویل گردیده که ضمیمه می‌باشد و با توجه به مجموع محتویات درخواست به شرح آتی مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید.

هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای سید نصرت الله اعتماد عضو ممیز و اوراق پرونده چنین رأی می‌دهد:

رأی شعبه آقای محمدعلی طاهری با وکالت آقایان سید محمدزمان درباباری و احمد خسروی مبنی بر اعاده دادرسی دادنامه شماره ۳۷۲-۲۲۳۶-۹۷۰۹۹۷-۱۳۹۷/۵/۲۴ شعبه سی و شش دادگاه تجدید نظر استان تهران بندهای ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری انطباق ندارد. بنابراین به استناد به ماده ۴۷۶ قانون مذکور رد اعاده دادرسی صادر می‌گردد.

شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور

رئیس: محمد نیازی

مستشار: سید نصرت الله اعتماد

بخش هفتم: درخواست‌های منتهی به خاتمه محکومیت و رأی آزادی

درخواست سلب تابعیت به رییس جمهوری ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

به نام خدا

ارائه گزارش بسیار مختصر از پرونده به ریاست محترم جمهوری جناب آقای دکتر حسن روحانی

باسلام و احترام، بدین وسیله پیرو شکایات متعدد ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون به مراجع ذی ربط در مورد ارتکاب تخلفات مغرضانه و جرایم عمدی سازمان یافته مقامات قضایی در تبانی با کارشناسان امنیتی فرارگاه نارالله به شرح مختصر ذیل جهت تأمین دلیل به منظور ارائه درخواست سلب تابعیت از نظام جمهوری اسلامی ایران (پیوست ۱)، تقدیم می گردد:

۱- در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۱ نیروهای امنیتی اقدام به دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی و خودسرانه این جانب، به اتهامات پوچ و واهی اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق عضویت در سازمان های چریک های فدائی خلق ایران، ترور افراد متعدد، تهدید افراد متعدد به قتل و ... نموده و از طریق ایجاد رعب و وحشت، تهدید به صدمه رسانیدن به اعضای خانواده و ... قصد گرفتن اعترافات کذب دیکته شده زوری را داشتند که موفق به تحقق اهداف شوم خود نشدند و متعاقباً قرار منع تعقیب اتهامات فوق الذکر به دنبال درخواست دیوان عالی محترم کشور در رأی صادره آذر ۹۴ (پیوست ۲) مبنی بر ارائه استنادات، مدارک و اثبات این اتهامات و عدم وجود هرگونه سند و مدرکی در این رابطه، در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ صادر و قطعی شد (پیوست ۳) که در نتیجه

مشخص گردید دستگیری و بازداشت موقت من در سلول انفرادی کاملاً غیرقانونی و خودسرانه و اتهامات وارده کاملاً پاپوش بوده است.

۲- به دنبال عدم موفقیت در مورد گرفتن اعترافات کذب دیکته شده به شرح مختصر بند ۱ و پس از چند ماه بازجویی غیرقانونی در اماکن شخصی با هدف اعمال فشار و ایجاد رعب و وحشت و انتقال از مکان شخصی به دادسرای مقدس در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴، آقای اسدی بازپرس شعبه پنجم، اتهام «افساد فی الارض» را بدون آن که اقدامات کذب انتسابی با قانون زمان دستگیری یعنی عناوین مندرج در موارد ۱۸۳ تا ۱۸۸ (ق.م.ا) مطابقت داشته باشد (طبق آرای دیوان عالی کشور در پیوست ۲ و ...) اقدام به بازداشت غیرقانونی من نموده که تا کنون ادامه دارد (نقض ماده ۲۴۲ ا.د.ک)، نامبرده در این تاریخ اتهامات دیگری را نیز به من تفهیم اتهام نموده و یا در کیفرخواست مطرح کرده که برخی از موارد آن عبارتند از: توهین به مقدسات، ارتداد، سابّ النبی (ص)، جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد، داشتن شاکیان متعدد، تشویش در اعتقادات مردم و ... که به غیر از اتهام توهین به مقدسات (به شرح بند ۳) یا منع تعقیب صادر شده (پیوست ۲) و یا بی‌پایه و اساس و فاقد ادله اثباتی تشخیص داده شده است. (پیوست ۴)

بازپرس اسدی مرتکب جرائم دیگری نیز گردیده از جمله: ایشان با ارائه پانزده حکم جعلی اعدام به من ادعا نمود که این حکم‌ها از سوی پانزده تن از مراجع محترم تقلید مبنی بر ارتداد، افساد و ... این جانب صادر شده و فوراً لازم الاجرا می‌باشد و با این ترفند زمینه صحنه‌سازی‌های اعدام توسط کارشناسان امنیتی به منظور ایجاد رعب و وحشت با هدف گرفتن اعترافات کذب دیکته شده را فراهم نمود.

۳- قاضی پیرعباسی ریاست وقت شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی که می‌بایستی به دلایل ذکر شده براءت از اتهام انتسابی «افساد فی الارض» را در دادگاه برگزار شده سال ۹۰ صادر می‌کرد، به بهانه‌های نامربوط و نامرتبط با عناوین مندرج در مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ قانون وقت و همچنین به بهانه ناموجه تکمیل تحقیقات پرونده را به صورت غیرقانونی مفتوح گذاشته و با این ترفند طرح توطئه و دسیسه زمینه دستگیری حدود ۱۵۰ نفر از افراد شرکت کننده در کلاس‌های مؤسسه قانونی این جانب را توسط کارشناسان امنیتی قرارگاه ثارالله در آن زمان فراهم نمود و این عده در معرض ضرب و شتم تهدید خانواده و ... قرار گرفته تا با ارائه اعترافات کذب دیکته شده زوری به دروغ شهادت بدهند که توسط من گمراه شده‌اند!!!

تا از این طریق به زعم غلط و مغرضانه خود، جرم «افساد فی الارض» انتسابی به من را ثابت کنند، در حالی که شهادت‌نامه‌ها هیچ‌گونه ارتباطی با عناوین مندرج مواد مربوط با جرم «افساد فی الارض» در قانون قدیم و جدید

را نداشته و ندارد ضمن این که در عمل نیز با به کار بردن همه رفتارهای وحشیانه و غیرانسانی خود موفق به اخذ چنین شهادت‌نامه‌های دروغینی هم نشدند.

قاضی پیرعباسی به غیر از ارتکاب این تخلفات عمدی، اقدام به صدور محکومیت پنج سال حبس به اتهام توهین به مقدسات بااستناد به مدارک مجعول و دلایل موهومی نمود، بدون آن که تا کنون به اعتراضات، شکایات و اعاده دادرسی من رسیدگی شده باشد. لازم به ذکر است که همین مدارک مجعول و دلایل موهومی در سال ۹۳ براساس قانون جدید ۹۲ توسط قاضی احمدزاده مورد استناد ناموجه و بلاوجه جهت اثبات جرم «افساد فی الارض» قرار گرفت. (صرف نظر از سایر تخلفات عمدی نامبرده)

۴- با مفتوح ماندن غیرقانونی پرونده «افساد فی الارض» انتسابی و جانشین شدن قاضی احمدزاده به جای قاضی پیرعباسی در سال ۹۳، باتوجه به عدم تطابق اتهام انتسابی با قانون قدیم و شکست توطئه اخذ شهادت‌نامه‌های دروغین، قاضی احمدزاده مبادرت به برگزاری دادگاه‌های غیرقانونی بااستناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ جرم «افساد فی الارض» ماده ۲۸۶ (ق.م.ا) در سال‌های ۹۳ و ۹۴ نموده و بر این مبنا اقدام به صدور حکم غیرقانونی اعدام در سال ۹۴ نمود که طبق رأی آذر ۹۴ دیوان عالی (پیوست ۲) هم به لحاظ صدور حکم با استناد به قانون مؤخرالتصویب ۹۲ (نقض ماده ۱۰ ق.م.ا) و هم به لحاظ عدم تطابق با عناوین مندرجه جرم «افساد فی الارض» در قانون قدیم (ماده ۱۸۳ تا ۱۸۸) و سایر دلایل فاقد وجهت و اعتبار قانونی بوده و نقض شده است (صرف نظر از سایر تخلفات عمدی ارتكابی قاضی احمدزاده در این مرحله)

۵- مجدداً قاضی احمدزاده بامستشاری قاضی طیرانی به جای متابعت از رأی صادره دیوان عالی کشور و صدور رأی برائت از اتهام انتسابی با استناد غیرقانونی و بلاوجه دوباره به ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب ۹۲، آن هم با دو سال دیگر اطلاع وقت دادرسی در شهریور ۹۶ مبادرت به صدور حکم غیرقانونی اعدام اصرار نموده که باز هم به دلایل پیش گفته و هم‌چنین عدم تطابق با عناوین مندرج در ماده ۲۸۶ جرم «افساد فی الارض» قانون جدید و سایر دلایل طی رأی آبان ۹۶ دیوان عالی (پیوست ۴) فاقد وجهت قانونی و اعتبار تشخیص و ماده ۲۸۶ جرم انتسابی نیز مجدداً مردود شناخته شد، ضمن این که حکم‌های غیرقانونی اعدام صادره و اصرار بر این عمل مجرمانه به منزله اقدام به شروع قتل به دفعات از طریق تخطی، انحراف و سوءاستفاده از قانون بوده است (صرف نظر از سایر جرایم ارتكابی قاضی احمدزاده و فراهم کردن زمینه دستگیری چندصد نفر توسط نیروهای امنیتی که به عنوان اعتراض به برگزاری این دادگاه‌های غیرقانونی و ... اقدام به تجمعات مسالمت‌آمیز نموده‌اند و ...)

۶- در ادامه این روند مجرمانه شعبه ۱۵ به ریاست قاضی صلواتی و مستشاری قاضی احمدپور به عنوان دادگاه هم عرض با سرپیچی و عدم متابعت از آرای صادره دیوان عالی محترم کشور مبنی بر مردود بودن اتهام انتسابی بدون ذکر دلایل و مدارک، این بار با استناد غیرقانونی به تبصره ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب ۹۲ اقدام به انشای رأی محکومیت پنج سال حبس نموده (پیوست ۵) در حالی که صرف نظر از غیرقانونی بودن صدور حکم با استناد به قانونی مؤخرالتصویب، همان طوری که توضیح داده شد، ماده ۲۸۶ قبلاً دو بار در آرای صادره دیوان (پیوست ۴ و ۲) مردود شناخته شده که در این صورت استناد به تبصره ماده ۲۸۶ نیز غیرقانونی و مغرضانه بوده، حکم صادره اعتبار قانونی ندارد. ضمن این که این شعبه در صدور این حکم مرتکب تقلباتی نیز شده است از جمله تاریخ شروع بازداشت موقت از بابت این اتهام را به جای ۱۳۹۰/۲/۱۴، تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ را عنوان نموده تا با این ترفند مدت بازداشت موقت چندین ساله غیرقانونی مرا پوشش داده و مانع محاسبه کامل ایام بازداشت موقت قبلی توسط قاضی اجرای احکام نیز بشود. همچنین در رأی غیرقانونی صادره قید شده این جانب دارای سوء سابقه هستم، درحالی که هیچگونه سابقه کیفری نداشتم و عنوان نموده که دیوان عالی با ذکر استدلالی مرا از شمول ماده ۲۸۶ جرم «افساد فی الارض» خارج دانسته در حالی که دیوان محترم حداقل هشت دلیل برای مردود دانستن آن ارائه نموده است. (صرف نظر از سایر اقدامات مغرضانه، اطلاع وقت دادرسی و ... در این شعبه)

۷- به دنبال درخواست فرجام‌خواهی من و وکلایم در قبال حکم غیرقانونی صادره شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب (پیوست ۵) این شعبه با اعمال سوء نیت، پرونده را به جای ارجاع به دیوان عالی به دادگاه تجدید نظر ارسال می‌نماید. درحالی که رسیدگی به اتهام «افساد فی الارض» در صلاحیت دادگاه تجدید نظر نبوده و این پرونده که قبلاً دو بار در دیوان عالی مورد رسیدگی قرار گرفته بود می‌بایستی باز هم برای سومین بار به منظور رسیدگی نهایی به دیوان عالی ارجاع می‌شد. بنابراین، با این اقدام غیرقانونی ضمن اطلاع وقت دادرسی، حق فرجام‌خواهی من نیز تضییع شد.

۸- با ارجاع غیرقانونی پرونده به شعبه ۳۶ تجدیدنظر تهران مستقر در دادگاه انقلاب به ریاست قاضی سید احمد زرگر و مستشاری قاضی حسن بابایی، حکم غیرقانونی صادره شعبه ۱۵ به تائید کامل رسانده بدون آن که صلاحیت رسیدگی به این اتهام را داشته باشد.

همچنین در انشای رأی (پیوست ۶) مرتکب اقدام متقلبانه‌ای نیز شده و عنوان اتهام حکم صادره را از «افساد فی الارض» به اتهامات: سبّ النبی (ص) و اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور از طریق عضویت در سازمان چریک‌های فدائی خلق، ترور افراد و تهدید افراد تغییر داده است، در حالی که برای این اتهامات در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۳

منع تعقیب صادر شده است (پیوست ۳) در واقع این شعبه با استناد مغرضانه به امر مختومه رأی صادر کرده که در این صورت صرف نظر از تأیید حکم غیرقانونی شعبه ۱۵، این عمل نیز کاملاً غیرقانونی بوده است.

۹- پس از قطعی شدن غیرقانونی حکم صادره شعبه ۱۵ در شعبه ۳۶ تجدید نظر در مرداد ۹۷ (پیوست ۶) که می‌بایستی در اسرع وقت به اجرای احکام ارجاع می‌شد تا قاضی اجرای احکام نسبت به اعمال ماده ۲۷ (ق.م.ا)، ماده ۱۳۴ (ا.د.ک) به صورت تجمیع و محاسبه ایام بازداشت موقت قبلی، اقدامات قانونی مقتضی را به عمل آورده و با توجه به دستگیری و بازداشت موقت غیرقانونی این جانب در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۹ و محاسبه ایام بازداشت سال ۸۹ و همچنین محاسبه ایام بازداشت موقت از بابت اتهام «افساد فی الارض» از تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۴ تا کنون (حدود هشت سال) که در این صورت من بیش از مدت حبس حکم‌های غیرقانونی صادره (بر فرض قبول این جانب) تحمل حبس نموده‌ام و لازم بوده در همان زمان صدور این حکم غیرقانونی در مرداد ۹۷ بلافاصله آزاد می‌شدم ولیکن از آن زمان تاکنون به دنبال اقدامات مجرمانه سازمان یافته مقامات قضایی، پرونده من کماکان به بهانه‌های مختلف، دچار اطاله وقت دادرسی و بین شعبه یک اجرای احکام دادسرای مقدس و شعبه ۱۵ و شعبه ۳۶ و ... سرگردان می‌باشد و هیچ مرجع قانونی نیز پاسخگو نمی‌باشد و شکایات نیز مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

۱۰- با توجه به عدم ارجاع حکم غیرقانونی صادره شعبه ۱۵ به دیوان عالی متعاقب درخواست فرجام‌خواهی من و وکلایم و ارسال پرونده به شعبه ۳۶ تجدیدنظر و گرفتن تأیید غیرقانونی این حکم و پایمال کردن حق فرجام‌خواهی من با این شگرد متقلبانه، وکلایم به اجبار در اعتراض به این رأی غیرقانونی، اقدام به ارائه درخواست اعاده دادرسی به عنوان تنها راه ممکن داده‌اند که برخلاف فرجام‌خواهی، یک حق مسلم برای متهم محسوب نمی‌شود. این حکم غیرقانونی که به جای فرجام‌خواهی این بار به منظور اعاده دادرسی به شعبه ۳۳ دیوان عالی برای سومین بار ارجاع شده است، با کمال تعجب پس از مدت‌ها اطاله وقت دادرسی علی‌رغم این که طبق توضیحات پیش‌گفته قبلاً دو بار در آرای صادره خود (پیوست ۲ و ۴)، اتهام انتسابی را ماهیتاً و از اساس با ذکر دلایل و استدلال‌های متعدد مردود شناخته، این بار از پذیرش اعاده دادرسی امتناع نموده ضمن این که در رأی صادره خود (پیوست ۶) به اختصار دلایل و کلا را مبنی بر غیرقانونی بودن حکم صادره شعبه ۳۶ تجدید نظر را به منظور اعاده دادرسی مورد اشاره قرار داده تا دلیل مطرح نشده‌ای برای ارائه درخواست اعاده دادرسی جدید و دوباره باقی ماندن و تقاضای اعاده دادرسی برای همیشه مسدود شود.

بنابراین، با نگاهی اجمالی به این روند دادرسی و عملکرد قوه قضاییه که از ۱۳۸۹/۱/۲۹ تاکنون در قبال پرونده این جانب غرض‌ورزی و نقض عدالت و قانون (با همه اشکالات موجود در آن، به شرح شکایات ارائه شده به

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس (پیوست ۷)، اطاله وقت دادرسی و تبانی و همدستی مقامات قضایی با کارشناسان امنیتی قرارگاه ثارالله در ارتکاب تخلفات عمدی و جرائم سازمان یافته، ترور شخصیتی و ترور فیزیکی به طرق مختلف، نقض حقوق بشر و حقوق شهروندی، اعمال شکنجه سفید و سیاه به شیوه‌های گوناگون و ... کاملاً به اثبات می‌رسد و علی‌رغم ارائه شکایات متعدد از سال ۹۰ تا کنون ۴ بار اقدام به خودکشی، (به‌منظور امتناع از ارائه اعترافات کذب دیکته شده و جلوگیری از صدمه رسیدن به خانواده ام به واسطه تهدید کارشناسان)، ۱۷ بار اقدام به اعتصاب غذا در اعتراض به این روند ضد بشری و در نتیجه ۸ بار رفتن به کما و ... هیچگونه توجه و اقدامی در جهت جلوگیری از ارتکاب این جرائم سازمان یافته به عمل نیامده و این ترفندهای ظالمانه و ستمگرانه کماکان ادامه یافته است.

با آرزوی توفیق الهی
محمدعلی طاهری

پیوست ۱- نامه تقاضای سلب تابعیت

پیوست ۲- حکم دیوان عالی کشور

پیوست ۳- حکم عدم وجود هرگونه سند و مدرک توسط شعبه سوم بازپرسی دادسرای شهید مقدس

پیوست ۴- رای آبان ۹۶

پیوست ۵- حکم پنج سال حبس صادره از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب

پیوست ۶- حکم قطعی شدن حکم پنج سال حبس توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر

پیوست ۷- نامه‌های شکوائیه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس

بسمه تعالی

ریاست محترم جمهوری، جناب آقای دکتر حسن روحانی

با سلام و احترام، این جانب به علت این که متجاوز از هشت سال و نیم است که به بهانه‌ها، برچسب‌ها و پاپوش‌های مختلف در اسارت کارشناسان امنیتی ثارالله قرار دارم و با استناد به مدارک پیوست و شکایات متعدد ارائه شده از سال ۹۰ تا کنون و ... تحت فشار و تهدید، ظلم و ستم و بی‌عدالتی همه جانبه از جمله اقدامات مجرمانه سازمان یافته مقامات قضایی و تباری آن‌ها با یکدیگر در جهت ترور شخصیتی و فیزیکی قرار داشته و تظلم‌خواهی من و کلایم و گروه‌ها و نهادهای داخلی و بین‌المللی نیز از هیچ طریقی به نتیجه نرسیده دیگر امیدی به برقراری و رعایت «عدالت» در نظام جمهوری اسلامی ایران را ندارم. بنابراین به مصداق آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء ۹۷)

به حکم وظیفه انسانی و شرعی خود و اجتناب از استضعاف تحمیل شده بدین‌وسیله درخواست «سلب تابعیت» خود را از نظام جمهوری اسلامی ایران، به آن مقام محترم تقدیم می‌دارد.

لازم به ذکر است این اقدام خدا پسندانه به منظور صیانت از حقوق مسلم بشری، دینی، سیاسی و ... این جانب بوده تا باشد ملت شریف ایران و آیندگان به قضاوتی عادلانه و آگاهانه در این مورد بنشینند و این عمل مجاهدانه مرا در واکنش به فقدان عدالت، انحصاری بودن قانون و ... هم‌چنین در اعتراض به آن و لبیک به امر الهی «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»، به جزائی شایسته سزاوار بدانند.

امید است با موافقت با درخواست فوق موجبات سرفرازی این بنده حقیر را در پیشگاه خداوند متعال فراهم نماید.

با آرزوی توفیق الهی

محمدعلی طاهری

شکایت به ریاست محاکم تجدید نظر استان تهران

۱۳۹۷/۱۱/۱

به نام خدا

ریاست محترم محاکم تجدید نظر استان تهران

با سلام و احترام،

همان‌گونه که آن مقام محترم مستحضرنند، آقای محمد علی طاهری در سال ۱۳۸۹ به مدت ۶۶ روز بازداشت شدند و سپس از اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ نیز با طرح پرونده اتهامی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب با موضوعات افساد فی الارض، توهین به مقدسات، مداخله در امور پزشکی و... مجدداً بازداشت که در خصوص بخشی از اتهامات مانند مداخله در امور پزشکی، توهین به مقدسات و ... به پنج سال حبس و تعطیلی موسسه عرفان کیهانی و جزای نقدی و... محکوم شدند و مجازات آن را نیز تحمل کردند که در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ مجازات مذکور با محاسبه ایام بازداشت قبلی به پایان رسید. اما بخشی از پرونده با عنوان افساد فی الارض مفتوح ماند و به همین دلیل در زندان تحت بازداشت قرار گرفتند و در خصوص افساد فی الارض از سوی شعبه ۲۶ در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ دو بار حکم اعدام صادر شد که هر بار نیز به دنبال فرجام‌خواهی ایشان، موضوع در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور رسیدگی و به جهت عدم وجاهت استناد دادگاه به ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب، مجازات اسلامی احکام و سایر موارد حکم اعدام نقض شد و در نهایت پرونده ایشان به شعبه ۱۵ دادگاه هم عرض انقلاب ارجاع گردید و در حالی که انتظار می‌رفت شعبه مذکور با تبعیت از آرای دیوان عالی کشور، وفق بند ب ماده ۴۷۰ ق.ا.د.ک

حکم برائت ایشان را صادر کند و یا دست کم با لحاظ مفاد ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص تعدد جرم، ایام بازداشت پیشین را وفق ماده ۲۷ قانون م. ا محاسبه و دستور آزادی ایشان را صادر کند. اما این بار وفق تبصره ماده ۲۸۶ قانون مؤخرالتصویب فوق، آقای طاهری را به تحمل پنج سال زندان محکوم کرد و متعاقب آن نیز حکم مذکور توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر انقلاب، آن هم با تغییر عنوان اتهامی از افساد فی الارض به ارتداد، ساب النبی و... در شهریور ماه ۱۳۹۷ تأیید شد. در حالی که در خصوص این موضوعات، سابقاً از سوی شعبه سوم بازپرسی دادسرای اوین قرار منع تعقیب صادر شده بود. هم‌چنین اساساً طبق بند ب ماده ۴۵۵، موکل به جهات قانونی قابل تعقیب نبوده و برائت وی از اتهام اکتسابی محرز بود. با این وجود پس از قطعیت حکم مذکور و ارسال پرونده پس از مدت زمانی طولانی به اجرای احکام، درخواست اعمال ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی به شعبه اول اجرای احکام ناحیه ۳۳ تقدیم شد. اما متأسفانه مراتب اعمال ماده ۵۱۰ ابتدا اشتباهاً به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب ارسال گردید، در حالی که می‌بایست به شعبه صادر کننده حکم قطعی ارسال می‌شد. پس از طی فرایند طولانی تبادل پرونده بین شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و شعبه اول اجرای احکام ناحیه ۳۳، سرانجام و پس از رفع این اشتباه، در مورخ ۱۳۹۷/۹/۵ موضوع اعمال ماده ۵۱۰ به شعبه ۳۶ تجدید نظر دادگاه انقلاب ارجاع گردید و شعبه مذکور پس از مدت زمانی طولانی سرانجام اعلام کرد که قضات شعبه (آقایان زرگر و بابایی) به جهت شکایات متقابل آقای طاهری و ایشان از همدیگر، نمی‌توانند به موضوع رسیدگی کنند و به همین جهت اواخر دی ماه ۱۳۹۷ قرار امتناع از رسیدگی صادر کردند و پرونده برای تعیین مستشاران جدید به دفتر محاکم تجدید نظر ارسال و سرانجام در بهمن ماه ۱۳۹۷ عالی‌جنابان زنجانی و کیاستی به عنوان مستشاران محترم جایگزین شعبه ۳۶ جهت رسیدگی به موضوع ماده ۵۱۰ ق. ا. د. ک تعیین شده‌اند که با وصف مراجعات مکرر و متعدد خانواده موکل و وکلا تا کنون اتخاذ تصمیم نشده است. با توجه به مراتب فوق و سپری شدن مدت بسیار طولانی از طرح درخواست اعمال ماده ۵۱۰ ق. ا. د. ک از محضر شریف حضرت عالی استدعا داریم مقرر فرمایید مستشاران محترم شعبه ۳۶ تجدید نظر دادگاه انقلاب با توجه به مفاد ماده مذکور، در رسیدگی خارج از نوبت و فوق العاده و بدون تشریفات جهت نقض تمام احکام صادره، تسریع فرموده و با تعیین تکلیف موضوع، صدور حکم واحد جهت احقاق حقوق آقای محمد علی طاهری را ملحوظ نظر قرار دهند.

با تقدیم شایسته‌ترین احترامها
وکلائی محمد علی طاهری
احمد خسروی تازه فشلاق
سید محمد زمان دریاباری

قرار منع تعقیب صادره از شعبه سوم دادسرای امنیت

۱۳۹۷/۱۱/۶

پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۳ شهید مقدس (اوین) تهران
تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۷۶۳۰۰۴۵۳
شاکی:

دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۳ شهید مقدس (اوین) تهران به نشانی تهران، انتهای شمالی بزرگراه یادگار
امام، جنب درب اصلی زندان اوین
مشتری عنه: محمد علی طاهری، فرزند محمد آقا با وکالت آقای احمد خسروی تازه قشلاق و آقای سید محمد
زمان دریاپاری
اتهامها: ۱- نشر اکاذیب، ۲- توهین به مامورین حین انجام وظیفه، ۳- افترا

بسمه تعالی

به تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۶ در وقت فوق العاده جلسه رسیدگی شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۳ شهید مقدس
(اوین) تهران به تصدی امضا کننده ذیل تشکیل است.
پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۰۲۷۶۴۰۰۴۰۶ تحت نظر قرار دارد. با توجه به تحقیقات صورت گرفته و بررسی اوراق
پرونده، ضمن اعلام ختم و کفایت تحقیقات با استعانت از خداوند متعال و با تکیه بر شرف و وجدان به شرح زیر
مبادرت به صدور رأی می نماید.

قرار منع تعقیب

معاونت محترم دادستان و سرپرست دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۳۳ تهران

با سلام

احتراما در خصوص شکایت آقای حسن بابایی مستشار شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران علیه آقای محمد علی طاهری فرزند محمد اقا با وکالت آقای احمد خسروی تازه قشلاق و آقای سید محمد زمان دریاباری اتهام‌های: افتراء، نشر اکاذیب، توهین به مامورین حین انجام‌وظیفه (مقام قضایی)، پرونده در مسیر تحقیقات قرار گرفت. با بررسی مجموع محتویات پرونده و نظر به انکار شدید متهم و فقدان ادله کافی برای احراز و انتساب جرم و حاکمیت اصل برائت مستنداً به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی، قرار منع تعقیب متهم صادر و اعلام می‌گردد. قرار صادره به موجب بند الف ماده ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون اخیرالذکر ظرف مهلت ده روز از تاریخ ابلاغ به تقاضای شاکی قابل اعتراض در دادگاه کیفری ۲ است.

دفتر، مقرر است پرونده برگشماری در اجرای ماده ۹۲، ۲۶۷ قانون اخیرالذکر امروز به نظر دادستان برسد، در صورت موافقت دادستان محترم به طرفین ابلاغ، پس از نصب مدت قانونی و قطعیت قرار از آمار کسر و بایگانی شود.

در صورت اعتراض به فرار از سوی شاکی جهت رسیدگی با حفظ بدل به مرجع صالح ارسال گردد.

شعبه سوم بازپرسی دادرسی ناحیه ۳۳ شهید مقدس (اوین) تهران

صمد هادی پور

تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۶

امضای ریاست دادرسی ناحیه ۳۳ اوین تهران

و معاون دادستان تهران

امین ناصری

موافقم

۱۳۹۷/۱۱/۷

اعتراض به تأخیر اجرای عفو گسترده ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

به نام خدا

سرپرست محترم دادسرای ناحیه ۳۳ تهران، جناب آقای امین ناصری

با سلام

احتراماً، پیرو مراجعات قبلی و در خصوص موکلان آقای محمد علی طاهری، نظر به این که عفو گسترده مقام معظم رهبری شامل حال موکل گردیده و شعبه اول اجرای احکام طی نامه شماره ۲۷۵۶/۲۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ مراتب را به دادستان محترم تهران اعلام و نامه مذکور در همان تاریخ به رویت رسیده است، متأسفانه علی‌رغم مراجعات مکرر و عدیده و کلا و خانواده موکل، با گذشت قریب ۲۰ روز، موکل همچنان در زندان به سر می‌برد. نظر به این که اجرای فرمان عفو گسترده رهبر معظم انقلاب، وفق بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی، اساساً نیاز به استعلام و کسب تکلیف از دادستان محترم نداشته است و تداوم بازداشت ایشان علی‌رغم دستور معظم له فاقد وجهت شرعی و قانونی است، خواهشمند است دستور فرمایید، شعبه اول اجرای احکام با تبعیت از فرمان ولایت مطلقه امر، اقدامات لازم جهت آزادی موکل را معمول دارد.

با تشکر و احترام

وکالی آقای محمد علی طاهری زندانی محبوس بند ۸ اوین

احمد خسروی تازه قشلاق

مریم زارع یزدی

سید محمد زمان دریاباری

تقاضاهای تسریع آزادی به جهت شمول عفو عمومی

۱۳۹۷/۱۲/۱۹

به نام خدا

سرپرست محترم دادسرای ناحیه ۳۳ تهران، جناب آقای امین ناصری

موضوع: تقاضای تسریع در آزادی محمد علی طاهری به جهت شمول عفو عمومی گسترده رهبری

با سلام و احترام

پیرو پی گیری ها و مراجعات مکرر پیشین و کلا و خانواده آقای محمد علی طاهری زندانی محبوس اندرزگاه هشت اوین به آن دادسرای محترم، به استحضار عالی می‌رساند:

همان گونه که آن مقام ارجمند اشراف دارند، فرمان عفو عمومی گسترده مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی به جهت گستردگی موارد عفو، خوشبختانه شامل حال موکلمان آقای محمد علی طاهری نیز که بیش از هشت سال از زمان حبس ایشان سپری شده است، می‌گردد.

با این وجود قاضی محترم شعبه اول اجرای احکام دادسرای امنیت تهران، بدون آن که اساساً نیازی به استعلام از دادستانی محترم تهران جهت تعیین تکلیف موضوع وفق نص صریح بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و نیز ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی باشد، به موجب مکاتبات متعدد مراتب را از دادستانی تهران استعلام کرده است در نتیجه امر مطاع مقام عظمای ولایت بلا اجرا مانده و متأسفانه با گذشت نزدیک به یک ماه، هنوز موکل آزاد نشده و هم‌چنان در بازداشت غیرقانونی به سر می‌برد. از این‌رو از آن مقام محترم استدعا می‌گردد، مراتب فوریت اجرای فرمان عفو عمومی گسترده رهبر معظم انقلاب را به مرجع مذکور اعلام و گوشزد فرمایید تا از تداوم بازداشت ایشان که به جهت دستور معظم له فاقد وجاهت قانونی و شرعی است، خودداری شده و آن شعبه اجرای احکام با تبعیت از فرمان ولایت مطلقه امر و نیز بندهای ب و ج موارد عفو عمومی گسترده معظم له، اقدامات لازم جهت آزادی فوری موکل را فراهم آورد.

با تقدیم شایسته‌ترین احترامها

وکلای محمد علی طاهری

احمد خسروی تازه قشلاق

مریم زارع یزدی

سید محمد زمان دریاباری

۱۳۹۷/۱۲/۱۹

به نام خدا

دادستان محترم تهران، جناب آقای دکتر جعفری دولت آبادی

با سلام و احترام،

با اشاره به نامه‌های شماره ۲۷۵۶/۲۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ و ۲۷۸۳/۲۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ و ۲۸۱۴/۲۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۵ و ۲۸۴۹/۲۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۱ قاضی محترم شعبه اول اجرای احکام دادسرای ناحیه ۳۳ تهران (اوین) در خصوص آقای محمد علی طاهری زندانی محبوس اندرزگاه هشت اوین با آن دادستانی محترم و نیز پیرو پی‌گیری‌ها و مراجعات مکرر پیشین وکلا و خانواده ایشان، به استحضار عالی می‌رساند:

همانگونه که مقام ارجمند اشراف دارند، فرمان عفو عمومی گسترده مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی به جهت گستردگی موارد عفو، خوشبختانه شامل حال موکلان آقای محمد علی طاهری نیز که بیش از هشت سال از زمان حبس ایشان سپری شده است، می‌گردد.

با این وجود قاضی محترم شعبه اول اجرای احکام دادسرای امنیت تهران، بدون آن که اساساً نیازی به تصدیق اوقات شریف آن دادستانی محترم جهت تعیین تکلیف موضوع باشد، به موجب مکاتبات متعدد صدرالذکر مراتب را از حضرت عالی استعلام کرده است. از این رو از آن مقام محترم استدعا می‌گردد مراتب فوریت اجرای فرمان عفو عمومی گسترده رهبر معظم انقلاب وفق بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و نیز ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی را به مرجع مذکور اعلام و گوشزد فرمایید تا از تداوم بازداشت ایشان که به جهت دستور معظم له فاقد وجاهت قانونی و شرعی است، خودداری شده و آن شعبه اجرای احکام با تبعیت از فرمان ولایت مطلقه امر و نیز بندهای ب و ج موارد عفو عمومی گسترده مقام عظمای ولایت، اقدامات لازم جهت آزادی فوری موکل را فراهم آورد.

با تقدیم شایسته‌ترین احترامها

وکلائی محمد علی طاهری

احمد خسروی تازه قشلاق

مریم زارع یزدی

سید محمد زمان دریاباری

۱۳۹۷/۱۲/۱۹

جنگالی‌ترین پرونده در طول تاریخ چهل ساله قوه قضائیه ایران، پرونده دکتر محمدعلی طاهری می‌باشد که نظر تمام محافل حقوق بشری و انسان‌های آزاده در اقصی نقاط جهان را نیز به خود جلب کرده است. شایان ذکر است که کلکسیون از انواع نقض قوانین و ترفندهای غیرانسانی و غیراخلاقی به کار رفته در مورد متهمان عقیدتی و سیاسی تا به امروز، در این پرونده به چشم می‌خورد! اتاق خالی از فکر پرونده‌سازان با اعمال نفوذ و برخورداری از تمام امکانات اعم از بودجه‌های میلیاردی، دسترسی به رسانه، دسترسی به افراد صاحب امضاء و ... ندانسته و ناخواسته، عامل رقم خوردن تجربه‌ای از جنس حق‌طلبی، ایستادگی، مردانگی، عشق، امانت‌داری، ایثار، شجاعت، غیرت و ... توسط دکتر محمدعلی طاهری، این مرد آهنین زندان‌های جور و ظلم، شدند. احکام دادگاه‌های تفتیش عقاید و دفاعیه‌های جانانه این بزرگمرد برای همیشه در تاریخ این مرز و بوم ثبت و ضبط خواهد شد و آیندگان درمورد تک به تک افراد دخیل در پرونده، قضاوت خواهند کرد.